استراتژی مهار دوگانه

حسین امیر عبداللّهیان



بسم الله الرحمن الرحیم

چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق - مسعود کوهستانی

ساختار سیاسی در عراق جدید

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

چشم‌اندازهای منطقه‌ای و بین‌المللی عراق پس از صدام

سلطانی‌نژاد

حاجی یوسفی

وزارت امور خارجه

[redacted] هدیه ← در نمایشگاه کتاب تهران

یک اصلی بر تفکر ما مسلمانها حاکم است و آن اصل عبارت است از نفرت از ظلم و ظالم و مقابله با ظلم و ظالم در هر جای دنیا. شما ببینید آمریکائیها چقدر ظلم کردند. چقدر ظالم پرورش دادند. چقدر ملتها را مظلوم کردند. با مردم فلسطین چه کردند. اسرائیل را چگونه پروبال دادند. با لبنانی‌ها چه کردند ...

با ملتهای ضعیف چه کردند.

البته آمریکائیها که می‌گوئیم، مرادمان ملت آمریکا نیست، مراد همان رژیم آمریکا و گردانندگان سیاستهای آمریکاست.

« حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای »

« مقام معظم رهبری »

« مد ظله‌العالی »

استراتژی مهار دوگانه

Dual Containment

حسین امیرعبداللهیان

مؤسسه انتشارات بعثت

RC

۱۳۹ امیرعبدالهیان، حسین

س الف م الف / استراتژی مهاردوگانه آمریکا در مقابل ایران و عراق

تألیف حسین امیرعبدالهیان . - ۱۳۷۸ تهران: انتشارات بعثت، پائیز ۱۳۷۸ ش.

[۲۰۰] ص. جدول، نمودار، مقدمه.

فهرست مطالب [۱۶] ص.

ص.ع به انگلیسی H.Azad: An outhline of Psychopathology

شابک ۴-۵۱-۶۰۶۷-۹۶۴ ISBN 964-6067-51-4

کتابنامه.

۱. روابط بین‌الملل ۲. دیپلماسی - تاریخ. ۳. ایران روابط خارجی عراق - ۴. عراق - روابط خارجی - ایران. الف. مؤسسه انتشارات بعثت. ب. عنوان.

س الف م الف /۱۳۹ DSR کتابخانه بعثت.

مؤسسه انتشارات بعثت

نام کتاب : استراتژی مهار دوگانه آمریکا در مقابل ایران و عراق

ناشر : مؤسسه انتشارات بعثت

مؤلف : حسین امیرعبدالهیان

حروفچینی : بعثت

لیتوگرافی : عروج

ویراستار : صدیقه فرانه جلوه

چاپ و صحافی : محمد

نوبت چاپ : اول ـ ۲۰۰۰ جلد

تاریخ انتشار : پائیز ۱۳۷۸

بها : ۹۰۰۰ ریال

شابک : ۴-۵۱-۶۰۶۷-۹۶۴ ISBN 964-6067-51-4

نشانی دفتر مرکزی : خیابان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ، ساختمان بعثت

کد پستی ۱۴۱۷۹ ، تلفن : ۶۴۱۹۸۹۹-۶۴۹۸۵۲۴ ، دورنگار : ۶۴۹۸۴۶۵

فهرست مطالب

عنوان	صفحه

عنوان	صفحه

مقدمه

مقدمه :

زمانی که جهان پایان رقابت دو ابرقدرت را جشن می‌گرفت و طرحهایی برای صلح ارائه میشد، حکومت کلینتون تلاش می‌کرد جنگ سردی را به رهبری آمریکا و از طریق نهادهای قانونی علیه جمهوری اسلامی ایران و جنبشهای اسلامگرا، در سرتاسر خاورمیانه ایجاد کند. حمله عراق به کویت سبب گردید که آمریکا سیاست مهار همزمان ایران و عراق را اتخاذ نماید. بدین‌ترتیب مهمترین طرح آمریکا برای مبارزه با جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق "استراتژی مهار دوگانه"[1] یا "محصورسازی دوجانبه" نام گرفت.

مفهوم و منشأ استراتژی مهار دوگانه :

استراتژی مهار دوگانه، سیاستی است که بمنظور مقابله با ایران و عراق طراحی گردیده است. پایه‌های این سیاست در مورد ایران از زمان جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا شکل گرفت، کارتر بمنظور حفظ منابع نفتی خاورمیانه و جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی ایران اقدام به تشکیل "نیروهای واکنش سریع" نمود و آمریکا در طول نزدیک به دو دهه از طریق اعمال تحریم‌های مختلف علیه ایران و نهایتاً حمایت از رژیم عراق در حمله به جمهوری اسلامی ایران و بکارگیری اهرمهای مختلف سیاسی ـ نظامی و اقتصادی تلاش زیادی را برای مهار و در واقع سرنگونی دولت اسلامی ایران بعمل آورد.

همزمان با حمله عراق به کویت و عملیات متحدین به رهبری آمریکا بر ضد عراق، حکومت بغداد نیز بعنوان یک رژیم تندرو و مخالف با منافع و اهداف آمریکا در منطقه خلیج فارس مطرح گردید. تعارض منافع آمریکا و عراق از یکسوی و گسترش انقلاب اسلامی و ایدئولوژی اسلامی از سوی دیگر، باعث نگرانی عمیق مجامع سیاسی و بین‌المللی و خصوصاً اسرائیل و آمریکا شد. حملات موشکی عراق بر روی اسرائیل در جنگ دوم خلیج فارس موجی از وحشت و اضطراب را در تل‌آویو و واشنگتن ایجاد کرد. به همین دلیل فعالیت عمده در زمینه تدوین استراتژی مهار دوگانه در مؤسسه لابی یهودیان در واشنگتن انجام پذیرفت و پس از طی مراحلی در شورای

1- DUAL CONTAINMENT

امنیت ملی آمریکا مورد توجه قرار گرفت. این موضوع در کنگره آمریکا نیز جلساتی را بدنبال داشت. استراتژی مهار دوگانه بر «اعمال تحریم» متکی است. طراحان استراتژی مزبور معتقدند که نحوه اعمال تحریم بر روی ایران و عراق بستگی به شرایط خاص حاکم بر دو کشور دارد. قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل از آغاز جنگ دوم خلیج فارس تاکنون مهمترین عنصر مشروع برای اعمال و ادامه تحریم‌های عراق می‌باشد. در مورد تحریم جمهوری اسلامی ایران اتفاق نظر جهانی وجود ندارد و آمریکا سعی می‌کند از طریق تبلیغات منفی، تحریم سیاسی، اقتصادی و تلاش برای متقاعد نمودن کشورهای غربی در جهت تحریم بین‌المللی ایران، گام بردارد.

طراحان استراتژی مهار دوگانه :

مهار دوجانبه ایران و عراق، که همچون یک دکترین استراتژیک جامع برای منطقه خاورمیانه در نظر گرفته شده است، دستاورد گروه امنیت ملی کلینتون می‌باشد، این طرح توسط معاون امور خاورمیانه کاخ سفید دکتر مارتین ایندیک[1] مطرح شد[2].

در ۱۸ ماه می ۱۹۹۳ (۷۲/۲/۲۸) حدود پنج ماه بعد از روی کار آمدن کلینتون در انستیتوی خط مشی خاور نزدیک واشنگتن (مؤسسه لابی یهودیان) که توسط ایندیک پایه‌گذاری شده است این طرح برای اولین بار توسط وی مطرح گردید[3].

در ادامه این روند پایه‌های اجرایی سیاست مهار دوگانه توسط «پاتریک کلاوسون»[4] پی‌ریزی شد[5]. وی نگارش این مجموعه را با همکاری فکری و معنوی ایندیک بر عهده گرفت و نهایتاً استراتژی مهار دوگانه توسط «کلاوسون» تنظیم گردید[6].

1- Martin Indyk

۲- مارتین ایندیک مشاور امنیت ملی آمریکاست، وی در اوایل دههٔ ۹۰ سفیر این کشور در تل‌آویو بود.

3- LURA DRIK/Dual Containment/ MIDDLE EAST INSIGHT SEP/OCT 1994, p:2.

4- Patrik Kelavson

۵- پاتریک کلاوسون علاوه بر اینکه با مؤسسه مطالعات استراتژیک ملی در دانشگاه دفاع ملی همکاری می‌کند، سردبیر نشریه ORBIS می‌باشد. وی قبلاً عضو بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود و پیشنهاد اولیه مبارزه اقتصادی آمریکا علیه ایران در نهادهای مالی - اقتصادی و بین‌المللی را ارائه داده است.

۶- نگاه کنید به مجله راهبر، مقاله «دستورالعمل اجرایی کلینتون، مهار ایران» ، مرکز مطالعات استراتژیک، شماره ۶، بهار ۷۴، ص ۲۶.

پس از اینکه این استراتژی و سیاست توسط شخصی همچون کلاوسون تدوین یافت و نکات اصلی و اهداف از پیش ترسیم شده آن مشخص گشت، «آنتونی لیک»[1] یکی از مشاورین امنیت ملی کلینتون آنرا بعنوان یک سیاست در مرحله اجرا مطرح کرد. این مرحله با انتشار مقاله «آنتونی لیک» در شماره مارس و آوریل ۱۹۹۴ (اسفند ۷۲، فروردین ۷۳) در مجله «سیاست خارجی» آغاز گردید. او با مقاله‌ای تحت عنوان «دولتهای سرکش»[2] به تشریح سیاست مهار دو جانبه پرداخت و همان حرفهای اولیه مارتین ایندیک را تکرار کرد. درج این مقاله در مجله مزبور به این مفهوم است که سیاست مهار دو جانبه از مراحل اولیه گذشته و وارد مرحله جدیدی از بحث عمومی نخبگان سیاست خارجی شده است.

این سیاست پس از گذر از این مراحل تقریباً حدود یکسال را طی کرد تا اینکه با سخنرانی بیل‌کلینتون در کنگره جهانی یهودیان مورد تأکید قرار گرفت. کلینتون در جمع یهودیان علاوه بر تحریم عراق، بر ضرورت تحریم اقتصادی و تجاری ایران نیز تأکید کرد و متحدین غربی خود را به شرکت در این تحریم فرا خواند[3].

علاوه بر مارتین ایندیک، کلاوسون و آنتونی لیگ؛ افرادی همچون «جیمز وولسی[4]» مدیر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) و ویلیام پری وزیر دفاع آمریکا نیز هر یک به نوعی به تشریح استراتژی مزبور پرداخته‌اند.

انگیزه اتخاذ استراتژی مهار دوگانه :

استراتژی ثبات منطقه‌ای آمریکا با اتکاء بر ایران بدنبال سرنگونی شاه از هم پاشید. پس از آن حکومت عراق تلاش نمود که نقش ژاندارم منطقه را برعهده بگیرد، لیکن حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ سبب ناامیدی آمریکا از حکومت عراق گردید، در نتیجه آمریکا به اعمال سیاست مهار دوگانه ایران و عراق روی آورد. سیاست ایالات متحده در مورد ایران و عراق از آنجا ناشی می‌گردد، که اکثر استراتژیستهای آمریکایی سیاست‌های فعلی دوکشور را با منافع آمریکا و رژیم اشغالگر قدس در تضاد می‌دانند.

1- Anthony Lake

2- Backlash States

۳- رادیو آمریکا و شبکه تلویزیونی C.N.N، اخبار ۷۴/۱/۱۱.

4- James Woolsey

هدف از اتخاذ این استراتژی از دیدگاه آمریکا مقابله با اهداف توسعه‌طلبانه دو کشور ذکر گردیده است. دولت کلینتون با هر دو کشور بعنوان حامیان تروریسم و ناقض حقوق بشر برخورد می‌نماید، لیکن در مورد عراق با استناد به تجاوز آشکار این رژیم به کویت، عدم پایبندی به قطعنامه‌های سازمان ملل و ... با زمینه‌های مستدل و محکمی به مقابله برخواسته است. ما در این نوشتار بدنبال یافتن پاسخ این سئوال می‌باشیم که اعمال استراتژی مهار دوگانه چه تأثیری بر سرنوشت ایران و عراق داشته است؟

این بحث یک مقدمه، شش فصل و یک نتیجه‌گیری دارد.

در فصل اول مبانی استراتژی مهار دوگانه از دیدگاه طراحان اصلی آن مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل دوم ضمن پرداختن به تاریخچه مختصر کشور عراق و روابط حزب بعث عراق و آمریکا، شیوه‌های اعمال استراتژی مهار نسبت به عراق عنوان گردیده است. در فصل سوم سیاست مهار جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نظری و عملی بررسی و تصویب طرح داماتو علیه ایران تشریح شده است. چهارمین فصل به درج مستقیم دیدگاههای طراحان استراتژی اختصاص یافته است و در فصل پنجم اعمال استراتژی از نگاه مقامات سیاسی و امنیتی ایالات متحده مورد ارزیابی قرار گرفته است. سرانجام در بخش پایانی و نتیجه‌گیری به ارزیابی و چالش‌های فراروی اعمال استراتژی مهار دوگانه پرداخته شده است. در بخش ضمائم ضمن درج روزشمار کامل وقایع عراق از آغاز تأسیس کشور عراق تا سال ۲۰۰۰، قطعنامه‌های مهم شورای امنیت در مورد عراق گردآوری شده است.

فصل اول

طراحان استراتژی مهار دوگانه

بخش اول :

ایران و عراق دشمنان منافع آمریکا

بخش دوم :

استراتژی مهار دوگانه و روند صلح خاورمیانه

بخش سوم :

مقابله با کشورهای سرکش

بخش اول: ایران و عراق دشمنان منافع آمریکا

همانگونه که در مقدمه اشاره گردید مارتین ایندیک، وولسی و آنتونی‌لیک از طراحان اصلی استراتژی مهار دوگانه می‌باشند. در این فصل ضمن بیان اجمالی دیدگاههای آنان به بررسی دلایل اتخاذ استراتژی مهار دو گانه می‌پردازیم.

ایندیک اصول حاکم بر استراتژی مهار دوگانه را مبتنی بر عدم اعتقاد به سیاست موازنه قدرت بین عراق و ایران، اتکاء آمریکا بر متحدین منطقه‌ای، حمایت از کنگره ملی عراق (INC) بعنوان جانشین حکومت عراق، دفاع از مردم عراق، اعزام نیروهای ناظر حقوق بشر و اعمال قطعنامه‌های شورای امنیت می‌داند. وی در خصوص مهار ایران به مسئله تروریسم و تلاش ایران برای کسب سلاحهای اتمی و همچنین تلاش در براندازی دولتهای دوست آمریکا در منطقه می‌پردازد و اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که ایران هنوز تحریم بین‌المللی را که بر عراق تحمیل شد را نچشیده است و اگر جامعه بین‌المللی در بازدارندگی عراق موفق شود ولی در بازداشتن ایران شکست بخورد باعث می‌شود که تعادل قوا در خلیج فارس به نفع ایران عوض شود.

ایندیک ریشه اصلی اتخاذ استراتژی را اینگونه بیان می‌دارد:

«سیاست مقابله دو جانبه دولت کلینتون با ایران و عراق در وهله اول از تحلیل این موضوع که رژیم‌های فعلی عراق و ایران هر دو دشمن منافع آمریکا در منطقه می‌باشند سرچشمه می‌گیرد[1]».

طراحان استراتژی مذکور، اعتقاد دارند که آمریکا نیازی به اتکا بر یکی از دو کشور برای مقابله با دیگری ندارد، زیرا ایالات متحده تا زمانیکه قادر است حضور نظامی خود را در منطقه حفظ نماید و آرزوهای نظامی عراق و ایران را محدود کند و تا زمانیکه قادر باشد برای حفظ تعادل قوا در منطقه وسیع خاورمیانه بر متحدین منطقه‌ای خود، مصر، اسرائیل، عربستان سعودی، ترکیه و ... متکی باشد، قادر خواهد بود که بطور همزمان با ایران و عراق مقابله نماید. در همین راستا طراحان استراتژی همواره بر این نکته تأکید دارند که تلاشهای آمریکا برای مجبور کردن عراق به اجرای کامل

1- Martin Indyk/ Dual Containment in East/ FOREIGN AFFAIRS / VOL:73/ NO:2/ APRIL 1994 .

قطعنامه‌های سازمان ملل متحد نباید آنان را از تشخیص و توجه نسبت به تهدیداتی که ممکن است از سوی ایران بر منافع آمریکا در خاورمیانه وارد گردد، غافل سازد. در عین حال نگرانی از تهدیدات ایران نیز نباید به اندازه‌ای باشد که آمریکا را از فشار بر عراق برای اجرای کامل قطعنامه‌های سازمان ملل منحرف سازد. در بخش‌های بعدی، توضیحات بیشتری را در این خصوص ارائه خواهیم نمود.

مهمترین نکته مورد اشاره مارتین ایندیک در تشریح استراتژی مهار دوگانه، شکست سیاست موازنه قدرت می‌باشد. بدین معنی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آمریکا و غرب کوشش فراوانی را در تسلیح عراق بعمل آوردند و در مدت هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، همواره با مدرنترین امکانات نظامی از حکومت عراق در مقابله با ایران حمایت نمودند. هدف غرب، قوی ساختن عراق در مقابل جمهوری اسلامی ایران بود. لیکن حمله عراق به کویت شکست سیاست قوی ساختن عراق برای مقابله با ایران را بدنبال داشت. از یک‌سو تجربه تلخ جنگ کویت و از سوی دیگر وجود ایران اسلامی که مخالف منافع آمریکا و تل‌آویو می‌باشد سبب گردید که دولت آمریکا در اصول استراتژی مهار دوگانه هیچگونه اعتقادی نسبت به استمرار سیاست موازنه قدرت در مورد دو کشور ایران و عراق نداشته باشد.

نکته قابل توجه دیگر در استراتژی مهار، اتکاء آمریکا بر متحدین منطقه‌ای خود می‌باشد. افزایش پایگاه‌های نظامی - اطلاعاتی آمریکا در کشورهای منطقه و همچنین همکاری نظامی و امنیتی اسرائیل و ترکیه در راستای سیاست اتکای آمریکا بر متحدین منطقه‌ای خود می‌باشد. هر مقدار که ترس کشورهای منطقه از عراق و ایران افزایش یابد، به‌همان اندازه این کشورها در راستای همکاری بیشتر نظامی با آمریکا گام بر می‌دارند. ویلیام کوهن وزیر دفاع آمریکا در سفر خود به منطقه خلیج فارس، بار دیگر بر تهدید ایران و عراق و ضرورت تداوم حضور نظامی در خلیج فارس تأکید کرد.[۱]

طراحان استراتژی مهاردوگانه با بهره‌برداری از قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل بدنبال مهار عراق بمنظور حصول به اهداف ذیل می‌باشند:

۱- وزیر دفاع آمریکا در اواخر مهرماه ۱۳۷۸ به چند کشور عربی منطقهٔ خلیج فارس سفر کرد وی این مطالب را در ملاقات با پادشاه عربستان سعودی عنوان نمود. همزمان با سفر کوهن مانور مشترک نظامی آمریکا، انگلیس با مشارکت چند کشور غربی و عربی در مصر برگزار شد. این مانورها در راستای تقویت حضور ناتو در منطقه انجام می‌شود.

۱) سرنگونی صدام حسین
۲) اطمینان از اینکه هر رژیم جانشین دیگری در عراق، کلیه قطعنامه‌ها را اجراء می‌نماید.
۳) اطمینان از رعایت حقوق بشر در عراق.
۴) کسب اطمینان نسبت‌به این‌موضوع که حکومت عراق نمی‌تواند تهدیدی برای همسایگان باشد.

بوش در زمان جنگ خلیج فارس صراحتاً از کشورهای منطقه و جهان درخواست کرد تا برای براندازی صدام حسین اقدام نمایند. تلاشهای دیپلماتیک شاه حسین در اردن بمنظور تشکل دادن به معارضین عراقی و تلاش در جهت برقراری حکومت مبتنی بر دمکراسی در عراق حاکی از رضایت آمریکا نسبت به این موضوع بود.

ایندیک در بیان استراتژی مهاردوگانه به مسئله حقوق مردم عراق، کمکهای انساندوستانه آمریکا و تلاش در جهت اعزام نیروهای ناظر حقوق بشر در عراق می‌پردازد.

ایندیک در رابطه با مهار ایران به مسئله حمایت از تروریسم، مخالفت ایران با روند صلح خاورمیانه، تلاش برای براندازی دولتهای دوست آمریکا در منطقه، تلاش برای دستیابی به تسلیحات تهاجمی و همچنین سلاحهای اتمی و بالستیک می‌پردازد. آمریکا بمنظور تثبیت حضور نظامی خود در منطقه همواره ایران را جنگجو، تروریسم و بدنبال کسب سلاحهای هسته‌ای معرفی می‌کند.

حمایت از معارضین عراقی یکی از ابزارهای مبارزه آمریکا علیه عراق می‌باشد. مخالفین داخلی و خارجی حکومت عراق، تلاشهای سیاسی و تبلیغاتی فراوانی را در راستای مبارزه با حکومت عراق می‌نمایند. لندن یکی از مراکز فعال برای اشخاص، احزاب و جمعیت‌های معارض عراقی بشمار می‌رود. تقریباً تمامی گروه‌های ملی و اسلامی و احزاب سیاسی در لندن مبادرت به تشکیل دفتر و تشکیلات سیاسی نموده‌اند، مخالفت انگلیس با رژیم صدام یکی از دلایل فعالیت گسترده معارضین در لندن قلمداد می‌گردد. قدمت حضور انگلستان در عراق، سبب گردیده است که ایالات متحده همواره از دیدگاهها و حمایت لندن در موضوع عراق بهره‌برداری کند.

ایالات متحده آمریکا در یک اقدام سیاسی با همکاری انگلیس و سایر گروه‌های معارض عراقی اقدام به‌تشکیل کنگره ملی عراق[1] موسوم‌به INC نمود. ایندیک می‌گوید:

«ما حمایت زیادی از کنگره ملی عراق بعنوان یک آلترناتیو دمکراتیک برای رژیم صدام حسین می‌نمائیم. کنگره ملی عراق در گسترده‌تر نمودن طیف خود موفق بوده و شامل نمایندگان هر سه اجتماع اصلی عراق می‌باشد (سنی، شیعه، کرد) آنها مانند ما معتقد به حفظ تمامیت ارضی عراق و انجام وظایف بین‌المللی عراق هستند. ما در حال حاضر از دیگران در منطقه می‌خواهیم که شناسائی و حمایتی که این گروه لایق آن می‌باشد را به آنها بدهند[2].

کلینتون در پایان حملات موشکی و هوایی چهار روزهٔ آمریکا و انگلیس علیه بغداد که در دسامبر ۱۹۹۸ انجام شد[3] اعلام کرد: "استراتژی آمریکا در درازمدت برای پایان دادن به تهدیدات، حذف صدام حسین است. ما با گروههای مخالف عراقی در تماس هستیم. با رادیو صدای آزادی عراق کار می‌کنیم تا جریان آزاد اطلاعات و اخبار را به داخل کشور منتقل کنیم و آماده‌ایم تا به کمک یک رهبری جدید در بغداد بشتابیم. رهبری که ملزم به اجرای تعهدات بین‌المللی و احترام به حقوق مردمش باشد."[4]

ژنرال آنتونی زینی[5] بر سر فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا که اینک نیروهای تحت امر او در منطقه خلیج فارس مستقر هستند، در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۴ در مؤسسه مطالعات دفاعی ارتش انگلیس می‌گوید: "در مورد اجرای قانون آزادسازی عراق، من معتقدم که باید بطور جدی از اپوزیسیون عراق حمایت بعمل آوریم."

پس از پایان حملات موشکی و هوایی مشترک آمریکا و انگلیس علیه عراق، از سوی آمریکا ریکاردونی بعنوان هماهنگ‌کننده امور معارضین عراقی تعیین گردید. ریکاردونی موفق به انجام دو کار شد وی توانست مجدداً کنگرهٔ ملی عراق (INC) را سازماندهی نماید. هرچند تاکنون INC در حل مشکلات داخلی خود و کاهش اختلافات رهبران معارضه توفیق چندانی نداشته است، لیکن INC در مرحله جدید موفق به

1- IRAQI National Congeress (INC)   2- Ibid/ p:B

۳- در پی عدم‌همکاری دولت عراق با UNSCOM، در شبانگاه ۱۳۷۷/۹/۲۶ آمریکا و انگلیس بدون اخذ مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد، بصورت ناگهانی عراق را مورد حمله موشکی و هوایی قرار دادند.

۴- اخبار شبکه تلویزیونی C.N.N مورخ ۱۳۷۷/۹/۳۰.

5- General Anthony C Zinni

تشکیل یک کمیته رهبری هفت نفره گردید و مقرر شد ضابطه‌ای را برای چرخش رهبری بگذارند و برای جذب سایر گروههای معارض، خصوصاً معارضه شیعی تلاش نمایند. ریکاردونی می‌گوید: "کنگره ملی عراق نقش انکارناپذیری دارد و ما بدون اتحاد معارضین نمی‌توانیم به خواسته‌هایمان برسیم. آمریکا نمی‌تواند طراحی یک حمله نظامی خارجی یک شبه برای حذف صدام حسین را داشته باشد. قرارگاه INC در لندن خواهد بود زیرا ۲۵۰۰۰۰ عراقی در انگلیس زندگی می‌کنند. البته می‌توانند دفاتری در نیویورک، ژنو و کشورهای عربی مشتاق داشته باشند."[۱]

«مشکل ما با مجلس اعلی انقلاب اسلامی اینست که مخالف همکاری با آمریکا هستند. این گروه در ایران هستند. نقش ایران هم مشکوک است و تا آنجا که من میدانم آمریکا در تماس با ایران نیست و بنظر می‌رسد که قصد ایران ابقاء صدام باشد. بهرحال وجود رهبری مجلس اعلی در ایران نه به این جهت است که آنها می‌خواهند آنجا باشند، بلکه بخاطر این است که جای دیگری را نداشته‌اند. معتقد نیستم که آنها می‌خواهند در خدمت ایران باشند، بلکه می‌خواهند مستقل باشند. زمانی که مطمئن شویم INC برنامه‌های قانع کننده برای آینده عراق دارد و بدانیم رزمندگانی را در اختیار دارند، اسلحه دراختیارشان می‌گذاریم."[۲]

اقدام دیگر ریکاردونی تلاش برای نزدیکی رهبران عمده گروههای کردی در شمال عراق بود. جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان و مسعود بارزانی رهبر حزب دمکرات برای چندمین‌بار در واشنگتن بر رفع تخاصمات و همکاری مشترک تأکید کردند.

۱ و ۲ـ هفته‌نامه عربی الاهرام، ۲۲-۲۸ جولای، مصاحبه اختصاصی با ریکاردونی.

بخش دوم: استراتژی مهار دوگانه و روند صلح خاورمیانه

از دیدگاه آمریکا، این مسئله که عراق و ایران یک جنگ طولانی و تلخ داشته‌اند و هردو برای بدست‌گرفتن قدرت ونفوذ در خلیج‌فارس رقابت می‌کنند، نگران کننده است. استراتژیست‌های آمریکائی بر این باورند که این دو رژیم مخالف روند صلح خاورمیانه می‌باشند و در استفاده از تروریسم و تلاش برای بکارگیری سلاحهای کشتار جمعی هم‌عقیده هستند. در نتیجه ایران و عراق مشکلاتی را برای آمریکا در مسیر صلح خاورمیانه آفریده‌اند. در این‌خصوص اهداف عراق واضح است. استراتژیست‌ها معتقدند:

اولاً: صدام خواستار بازسازی کلی عراق و توسعه توانائی‌های خود برای تولید سلاحهای کشتار جمعی است. عراق در جهان عرب دارای بالاترین میزان تخصص علمی است، از جمله دارای فقط هفت‌هزار نفر دانشمند و مهندس هسته‌ایی است. هر چند تحریم‌ها باعث کاهش توانائی عراق در کسب توانائی تولید اینگونه سلاحها شده است، ولی علیرغم این محدودیت‌ها، عراق هنوز موشکهای اسکات، مهمات شیمیائی وکل برنامه تسلیحات بیولوژیکی خود را مخفی می‌کند.

علاوه بر این، بخاطر مؤثر بودن سلاح‌های بسیار دقیق در طول جنگ خلیج‌فارس، عراق ساخت پناهگاه‌های زیر زمینی و تونل برای ذخیره‌سازی سلاح‌های کشتار جمعی را تسریع بخشیده است. هدف صدام حسین این است که عراق را نیروی مسلط بر منطقه کند و بعنوان جمال عبدالناصر دوم، رهبری اعراب را در دست گیرد.

ثانیاً: عراق در صدد حذف نیروهای سازمان ملل در بازرسی از کشور، خاتمه تحریم‌ها، از بین رفتن مناطق ممنوعه پروازی در شمال و جنوب کشور می‌باشد. عراق در بخشی از تلاشهای خود کانال بسیار بزرگی را به منظور خشک کردن باتلاقهای جنوب حفر کرده است. صدها هزار اعراب ساکن مناطق باتلاقی از خانه‌های خود رانده شده‌اند و این فاجعه‌ای اکولوژیکی است در اکوسیستمی که به مدت هزار سال دست نخورده باقی مانده بود[۱].

۱- «نهر سوم» موسوم به «نهر صدام» در سال ۱۳۷۱ توسط عراق به بهره‌برداری رسید. این کانال از شمال بغداد شروع و به دهانه خلیج فارس منتهی می‌گردد. عراق با بکارگیری چندین وزارتخانه خود، عملیات احداث

ادامه پاورقی در صفحهٔ بعد

جیمز وولسی[1] مدیر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) در ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۴ در مؤسسه لابی یهودیان واشنگتن ضمن تشریح مشکلات صلح خاورمیانه می‌گوید:

«عراق و ایران، هر دو خطری نسبت به صلح و امنیت در خاورمیانه به شمار می‌روند. این رژیم‌ها، تروریست هستند و پیروان آنها کسانی هستند که درخواست برای مصالحه و سازش را با سیاست‌های مقابله و استیلا پاسخ می‌دهند[2].

با این مقدمه می‌توان با قاطعیت اظهار نمود که یکی از محورهای مهم سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه اجرای پیمان صلح اسلو است که وزارت خارجه این کشور از آن به عنوان صلح اعراب - اسرائیل یاد می‌کند.[3] کلینتون در اوج تبلیغات انتخاباتی خود و در حالی که وزیر خارجه‌اش بطور دائم در کشورهای عربی و فلسطین

ادامه پاورقی از صفحهٔ قبل این کانال را که ۵۶۵کیلومتر طول دارد ظرف مدت شش ماه به اتمام رسانید. لازم بذکر است که ۴۰٪ این طرح سی سال پیش توسط روسها انجام شده است.

1- James Woolsey

2- James Woolscy "Lraq Remain Enemies" NEAR EAST REPORT/ Volume XI/ NO:41/ OCT 1994/ p.p:D-D4

۳- مذاکرات سازش در خاورمیانه در سال ۱۹۹۱ در مادرید آغاز گردید و در ۱۱ دوره ادامه یافت. این مذاکرات هیچگونه نتیجه عملی دربر نداشت تا اینکه در سال ۱۹۹۳ رژیم صهیونیستی موفق شد با توسل به سیاست فریب و نیرنگ و پیروی از دیپلماسی مذاکرات سری یاسر عرفات را وادار به امضای توافق ذلت‌بار اسلو نماید.

براساس توافق اسلو که در زمان حاکمیت حزب کار در فلسطین اشغالی به امضا رسید پنج شهر جنین، طولکرم، نابلس، رام‌الله وبیت لحم با حاکمیت امور شهری امنیتی دستگاه خودگردان فلسطین در اختیار عرفات قرار داده شد. وسعت این شهرها به اضافه مساحت شهر الخلیل که بعداً با انجام توافقی جداگانه بخشی از آن در اختیار عرفات قرار داده شد جمعاً ۳ درصد مساحت کل کرانه باختری را تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن بخشهای دیگری شامل ۴۶۵ روستای فلسطینی و با حاکمیت دوگانه (امور امنیتی بر عهده نیروهای رژیم صهیونیستی و امور شهری برعهده دستگاه خودگردان) که ۲۴ درصد مساحت کرانه باختری را تشکیل می‌دهد تعیین گردید. مابقی مناطق نیز تحت حاکمیت کامل رژیم صهیونیستی همچنان تحت سیطره نیروهای اشغالگر باقی ماند.

به قدرت رسیدن نتانیاهو در سال ۱۹۹۶ و مخالفت وی با مفاد و روند اجرای توافقات اسلو باعث توقف مذاکرات صلح گردید. درنتیجه توافقات امضا شده میان ساف با دولت قبلی اسرائیل، طبق برنامه زمان‌بندی شده و مفاد مورد توافق پیش نرفت.

با ترور اسحاق رابین و روی کار آمدن دولت راست‌گرای نتانیاهو، روابط اسراییل با اعراب و حتی با اتحادیه اروپا با دور جدیدی از تنش مواجه شد. سیاست‌های نتانیاهو منجربه انزوای فرآیند صلح گردید و با بن‌بست مواجه گشت. به هر حال انتخابات زودرس در اسراییل در ۱۷ می ۱۹۹۹ انجام شد وایهود باراک، رهبر جناح چپ، به نخست وزیری برگزیده شد.

اشغالی در رفت و آمد بود، اعلام کرد این افتخار را دارد که می‌خواهد یک نزاع چندین هزار ساله را در منطقه فلسطین که محل تلاقی سه دین بزرگ الهی [اسلام، مسیحی و یهودی] است حل کند. کلینتون بیشترین حجم تبلیغاتی را به سیاست خارجی این کشور در ماجرای کنفرانس‌ها و نشستهای صلح عرفات و رژیم صهیونیستی اختصاص داد. ترور اسحاق رابین و سپس شکست شیمون پرز و روی کار آمدن بنیامین نتانیاهو از حزب لیکود در اسرائیل که حزب بنیانگذار تروریسم در منطقه خاورمیانه بود، و سپس روی‌کار آمدن باراک عملاً سیاست خارجی ناآرام آمریکا را ناآرامتر کرده است. مؤسسه لابی صهیونیستها در آمریکا از سیاست خارجی ناآرام کلینتون رضایت دارد، زیرا در تکمیل قدرت نظامی اسرائیل به تسلیحات اتمی و دریافت وامهای کلان پولی و اقتصادی و قطع نفوذ دولتهای اروپایی و درگیر کردن آمریکا به عنوان یک ژاندارم برای حفظ امنیت رژیم صهیونیستی کمک کرده است.

دولتهای عربی که در ابتدا مسابقه تنظیم روابط و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی را در پیش گرفته بودند، اینک در حالی که پاسخ مناسبی برای مردم خود ندارند، از ترس جنگی دیگر، به حداقل ممکن رضایت می‌دهند و یا در پاسخ به تهدیدات اسرائیل می‌گویند که به آمریکا شکایت خواهند کرد. عراق در این رابطه موضع ضد اسرائیلی اتخاذ نموده است. حمله موشکی عراق در جریان جنگ دوم خلیج فارس علیه تل‌آویو براین جو دامن زد.

در داخل امریکا سیاست واحدی در مورد خاورمیانه، بخصوص درباره بحران کنونی اسرائیل و اعراب وجود ندارد.

اعضای کنگره آمریکا که از حزب مخالف رئیس جمهور هستند و حتی برخی از مشاوران کلینتون از سرگیری جنگی محدود در خاورمیانه را از نظر اقتصادی برای کمپانیهای چندملیتی تسلیحاتی و وابستگان به پنتاگون غیرمفید نمی‌دانند وازنظر سیاسی نیز جنگ محدود راگشایش عملی برای اجرای طرح کنفدراسیون اردن - فلسطین، از لبه مرزهای اسرائیل تا عراق که به استحاله مسئله فلسطین نیز می‌انجامد، می‌دانند و آنرا مثبت ارزیابی می‌کنند. سیاست ناآرام آمریکا با عملکرد ناآرام نتانیاهو بحران فلسطین را تشدید کرد و متحدان آمریکا و دولتهای عربی منطقه نیز پاسخی برای آن ندارند و در نتیجه شعاع بحران به داخل این کشورها نیز کشیده شده است و تلاشهای جدید باراک را ناموفق‌تر ساخته است.

برداشت نهایی اینست که آمریکا دو هدف اصلی را در منطقه خاورمیانه دنبال میکند که عبارتند از: خارج کردن ذخایر انرژی از منطقه و فروش تسلیحات نظامی که به خودی خود دلارهای نفتی را خارج می‌سازد. بنظر می‌رسد که حتی امنیت اسرائیل نیز در پوشش این دو هدف قرار دارد و در این رابطه ایران را یکی از موانع جدی بشمار می‌آورند.

نر پروفایل[۱] یکی از استراتژیستهای آمریکایی در مجله NEAR EAST REPORT طی مقاله‌ای تحت عنوان «خطر نظامی رو به تزاید ایران نسبت به اسرائیل و خاورمیانه» می‌نویسد:

«برطبق برآوردهای جدید مقامات اسرائیل و آمریکا مبنی بر اینکه تهران قادر است تا طی دهۀ آینده سلاح اتمی تولید کند و تلاشهای فزاینده ایران در خصوص سلاحهای هسته‌ای بصورت جدیتری عامل تهدید کننده ثبات در خاورمیانه گردیده است و ایران بزودی امکان حمله به اسرائیل را دارا خواهد شد. ایران از شکست عراق در جنگ خلیج (فارس) برای تبدیل شدن به قدرت مسلط در منطقه بهره جسته است. متعاقب پیروزی نیروهای متحدین در برنامه عملیات طوفان صحرا، برنامه توسعه نظامی ایران سرعت یافته است. ایران هنوز نسبت به رژیم صدام حسین بدگمان است ولی اسرائیل را بعنوان خطرناکترین دشمن خود و تهدیدی عمده نسبت به گسترش اسلام رادیکالی در سراسر منطقه خاورمیانه تلقی می‌کند»[۲].

آنتونی زینی سرفرماندهی نیروهای نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس می‌گوید: «در راستای مهار ایران و عراق، موضوع مهم روند صلح خاورمیانه مطرح است. این مسئله به هرحال در تحولات منطقه خلیج فارس تأثیر می‌گذارد و آینده مناسبات سیاسی، توسعه اقتصادی و نحوه برخورد کشورها با عنایت به چگونگی پیشرفت آن شکل می‌گیرد. تقویت رابطه نظامی تل‌آویو و آنکارا حائز اهمیت است. اردن گامهای خوبی در روند صلح خاورمیانه برداشته است و ملک‌عبدالله دوم نیز از رویۀ پدرش ملک حسین پیروی می‌کند و اردن با هر دو کشور ترکیه و اسرائیل مناسبات

1- Ner Profile

2- Ner Profile/ Iran: "Aburgeoning military threat to israel,the midde east"/ NEAR EAST REPORT/VOL XXXIX/ NO:3/ JAN,30,1995, p:12

حسنه‌ای دارد.»[۱]

آمریکا، ایران و عراق را از موانع جدی در روند صلح خاورمیانه میداند. در مورد عراق امیدوار است که در زمان مناسب حکومت ایده‌آل خود را در بغداد بر سر کار آورد، لذا با تلاش در جهت حفظ اجماع بین‌المللی نسبت به دولت عراق سعی در پیشبرد طرح صلح خاورمیانه نموده است و ضمن حفظ حضور گسترده نظامی خود در خلیج فارس و در آسمان عراق (مناطق ممنوعه‌پردازی) و هشدارهای پیاپی به صدام حسین، فرصت هرگونه اقدامی در مورد تل‌آویو را از عراق سلب نموده است فلذا تمامی تلاش خود را متوجه جمهوری اسلامی ایران نموده و تلاش می‌نماید با اعمال سیاست تهدید و تحبیب و فعالیتهای مختلف بار دیگر ایران را بیازماید.

۱- زینی این مطالب را در مؤسسه مطالعات دفاعی ارتش انگلیس و در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۴ ایراد کرد.

بخش سوم: مقابله با کشورهای سرکش

آنتونی لیک یکی از مشاورین امنیت ملی کلینتون است که استراتژی مهاردوگانه را در مرحله اجرا مطرح نمود. این مرحله با انتشار مقاله وی در ماه مارس و آوریل ۱۹۹۴ در مجله «FOREIGN AFFAIRS» آغاز شد. آنتونی لیک با مقاله‌ای تحت عنوان «دولتهای سرکش» به تشریح سیاست مهاردوگانه پرداخت و حرفهای اولیه مارتین ایندیک را با توضیحات بیشتر بیان کرد.

لیک، کشورهای کوبا، کره شمالی، ایران، عراق و لیبی را در گروه کشورهای قانون‌شکن قرار داده است. هر یک از کشورهای مذکور دارای تاریخ، فرهنگ و شرایط منحصر به خود می‌باشند و سیاستهای آمریکا در قبال هر کدام به همان منوال طراحی شده است. ایالات متحده آمریکا در صدد تحت نفوذ قرار دادن این کشورها از طریق اعمال فشار، منزوی کردن و یا از طرق مسالمت‌آمیز می‌باشد و در این راستا از جامعه جهانی نیز دعوت می‌نماید تا برای انجام یک اقدام هماهنگ و همه‌جانبه به آمریکا بپیوندند. از آنجائیکه ایران و عراق در جوار یکدیگر و در کنار خلیج فارس که ۶۵٪ از منابع نفتی جهان در آن قرار دارد، واقع شده‌اند، این دو کشور وضعیت پیچیده‌ای را برای آمریکا بوجود آورده‌اند که این وضعیت پیچیده موجب شکست سیاستهای سه دولت قبلی آمریکا شد.

همانگونه که قبلاً اشاره گردید، از دیدگاه آمریکا اصل استراتژیک و اساسی منطقه خلیج فارس ایجاد یک توازن مناسب قدرت است، توازنی که بتواند ضامن منافع حیاتی آمریکا، حفظ امنیت متحدین وی و جریان آزاد نفت به قیمت ثابت باشد و در عین حال متکی بر ایران یا عراق نگردد. در دولتهای قبلی حاکم بر ایالات متحده، این امر با تکیه بر یک قدرت منطقه‌ای برای ایجاد توازن در برابر دیگری تعقیب می‌شد. در ابتدا، آمریکا، ایران را در زمان شاه به عنوان دژ ثبات منطقه‌ای مطرح کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط شاه، از صدام حسین در جنگ با ایران انقلابی حمایت کرد تا نفوذ دولت اسلامی ایران را محصور کند. در مورد صدام، حمایت‌های آمریکا سبب شد وی به زرادخانه سلاحهای کشتار جمعی دست پیدا کند و آن را علیه کویت بکار گیرد.

آنتونی لیک معتقد است :

«استراتژی دولت کلینتون در مورد این دو کشور سرکش از آنجا ناشی می‌شود که این دو رژیم سیاستهای متخاصم نسبت به منافع آمریکا را تعقیب می‌کنند. لذا سیاست تجهیز یکی برای مقابله با دیگری به نفع سیاست محصورسازی دوگانه کنار گذاشته می‌شود. ما در اتخاذ این سیاست، لزوم توازن قدرت را در این منطقه حساس نادیده نمی‌گیریم. بلکه از متحدان خود در منطقه می‌خواهیم بدون وابستگی به ایران یا عراق توازن مناسبی را حفظ کنند. ما به علت امتیازاتی که نسبت به دولتهای قبلی داریم قادر به انجام اینکار هستیم[1]».

حقیقت این است که پایان جنگ سرد، نگرانی استراتژیک عمده آمریکا را در منطقه خلیج فارس برطرف ساخته است. ایالات متحده اکنون از تلاشهای شوروی برای یافتن جای پایی در خلیج فارس با استفاده از روابط آمریکا با یکی از دوکشور برای ایجاد رابطه با کشور دیگر، بیم ندارد. قبل از فروپاشی شوروی سیاست مهار آمریکا در قبال مسکو به مدت پنجاه سال تداوم یافت و هزینه بسیاری را بابت آن پرداخت. از دیدگاه آمریکا در طول دهه گذشته توازن قدرت نظامی منطقه‌ای بین عراق و ایران در یک سطح بسیار پایین‌تر از قبل تنزل یافته است. جنگ ایران و عراق موجب کاهش ظرفیتهای تهاجمی ایران گردید و شکست عراق در عملیات طوفان صحرا نیز از توانائی تهاجمی آن بشدت کاست و سلاحهای کشتار جمعی آن را تحت کنترل شدید درآورد و بخش عمده‌ای از امکانات باقیمانده عراق نیز در جریان حملات موشکی و هوایی مشترک آمریکا و انگلیس در دسامبر ۱۹۹۸ منهدم گردید.

از دیدگاه لیک، تا زمانی که شرایط عوض نشده لزومی به تکیه به ایران یا عراق برای حفظ توازن و حمایت از دوستان و منافع آمریکا در خلیج فارس وجود ندارد. دولت کلینتون، با وجود این، مطمئن است که تا مدتی می‌تواند این وضعیت را به این حال نگه دارد زیرا با دوستان خود در منطقه در خصوص خطراتی که مشترکاً آنان را تهدید می‌کند و راههای مقابله با آنها تفاهم دارند.

اتخاذ استراتژی مشترک از سوی آمریکا در مورد ایران و عراق و یکسان نمودن

1- Anthony Lake/ "Conforning Backlash States"/ FOREIGN AFFAIRS/ VOL:73/ NO:2/
March, April 1994 .

سیاستهای ایالات متحده نسبت به دو کشور حاوی ریسکهایی است، به نحوی که ممکن است این دو کشور در اثر فشار به هم نزدیکتر شوند و در مقابل آمریکا بایستند. آنتونی لیک در این خصوص می‌گوید:

«بغداد و تهران علیرغم اختلافاتشان در چند سال اخیر تا حدی با هم همکاری داشته‌اند. البته در نهایت چشم‌اندازهای سازش به چند دلیل محدود است، آنها بیشتر از آنکه به آمریکا بی‌اعتماد باشند به هم اعتماد ندارند. علیرغم اینکه علاقه مشترکی به همکاری تاکتیکی دارند، هیچکدام واقعاً علاقمند نیستند به دیگری کمک کند تا قوی‌تر شود هر یک از کشورها می‌دانند که اولین هدف کشور متخاصم در آن طرف شط‌العرب (اروند رود) خواهد بود»[۱].

در مجموع اظهارات طراحان استراتژی مهاردوگانه حاکی از آن است که:

اولاً: ایران و عراق بعنوان کشورهایی که در مقابل منافع حیاتی آمریکا در منطقه خلیج فارس قرارگرفته‌اند، قلمداد می‌گردند.

ثانیاً: آمریکا آماده نشان دادن واکنش نظامی درکوتاه‌ترین زمان ممکن می‌باشد تا بتواند در موقع لزوم از کشورهای هم پیمان خود در خلیج فارس و اسرائیل در مقابل تهدیدات ایران و عراق دفاع کند. بدین منظور آمریکا از سال ۱۹۹۰ تاکنون در صدد تأسیس پایگاه‌های نظامی در کشورهای منطقه و انعقاد پیمان نظامی با آنان بر آمده است. به تعبیر ویلیام پری $\frac{۲}{۳}$ نفت جهان در منطقه خلیج فارس قرار دارد و عدم امنیت خلیج فارس موجب به مخاطره افتادن منافع اقتصادی آمریکا می‌گردد[۲].

ثالثاً: تهدیدات عراق نسبت به منافع آمریکا عبارتند از: تلاش در جهت تولید سلاحهای هسته‌ای، مخالفت با روند صلح خاورمیانه، احتمال حمله نظامی به کشورهای میانه‌روی منطقه (مانند حمله به کویت در سال ۱۹۹۰)، تسلط بر منابع نفتی،عدم پایبندی به حقوق بشر و دمکراسی. همچنین تهدیدات ایران نسبت به منافع حیاتی آمریکا در منطقه عبارتند از: تلاش در جهت براندازی دولت‌های دوست آمریکا در منطقه، تلاش برای کسب سلاحهای هسته‌ای و حمایت از تروریسم.

دولت آمریکا از سال ۹۰ تاکنون تلاش زیادی را بمنظور افزایش همکاری‌های

1- Ibid/ p:34

۲- متن کامل مقاله پری تحت عنوان «امنیت خلیج فارس و سیاست آمریکا» که در آوریل ۱۹۹۵ در مجله Middle East Policy منتشر گردیده است، در بخش‌های بعدی آمده است.

نظامی در حوزه خلیج فارس بکار بسته است و حتی هزینه حضور نیروهای نظامی خود را در منطقه از طریق کشورهای نفت‌خیز منطقه تأمین می‌نماید. هدف حضور نظامی گسترده آمریکا در منطقه خلیج فارس تسلط کامل بر منابع نفتی و تثبیت موقعیت اسرائیل و متحدان منطقه‌ای می‌باشد. زیرا منطقه خلیج فارس از اهمیت راهبردی ویژه‌ای برخوردار است.

اولاً ـ ۶۵ درصد انرژی جهان در این منطقه واقع شده است که اخیراً آسیای میانه نیز بدان افزوده شده است.

ثانیاً ـ از موقعیت دریانوردی و مسیرهای سهل دسترسی به بنادر برخوردار است.

ثالثاً ـ از پتانسیل بسیار فراوان اقتصادی برخوردار است که اهمیت آنرا دوچندان می‌سازد.

رابعاً ـ بدلایل متعدد اقتصادی و سیاسی، ثبات و تعادل امنیتی منطقه در سایر نقاط جهان ایجاد آرامش میکند.

بدین جهت سیاست آمریکا در خلیج فارس بر پایه دیپلماسی مبتنی بر حضور و قدرت نظامی برای سالیان متمادی پایه‌ریزی شده است.

فصل دوم

استراتژی مهار عراق

بخش اول :

تـاریـخـچـه

بخش دوم :

رابطه حزب بعث عراق و آمریکا

بخش سوم :

توان اقتصادی - نظامی عراق

بخش چهارم :

ابزار اعمال استراتژی مهار علیه عراق

بخش اول: تاریخچه

کشور عراق در سال ۱۹۲۱ تأسیس گردید و تا سال ۱۹۳۲ تحت قیمومیت بریتانیا قرار داشت. در سوم اکتبر ۱۹۳۲ به عضویت جامعه ملل درآمد و قیمومیت بریتانیا بر آن کشور لغو گردید.

در ۲۳ اوت ۱۹۲۱ امیر فیصل پسر شریف حسین (پادشاه حجاز) تاجگذاری کرد و حکومت سلطنتی در عراق تا سال ۱۹۵۸ استمرار یافت و در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ سرلشگر عبدالکریم قاسم و سرهنگ عبدالسلام عارف طی کودتائی به عمر رژیم سلطنتی در عراق خاتمه دادند. اقدام ۱۴ ژوئیه اثرات داخلی و خارجی را در پی داشت. «اثرات انقلاب ۱۴ ژوئیه در مرزهای عراق محدود نماند زیر از دیدگاه جهانی، هم ضربتی بر رهبری بریتانیا که خاور عربی سالهای سال از آن رنج می‌برد وارد آورد و هم گامهایی بلند در راه فرو کوفتن برنامه‌ریزی‌های سیاسی درازمدت امپریالیسم آمریکا داشت. آمریکا و انگلستان خود را برای جنگ با جمهوری جوان عراق آماده ساختند لیکن موضع‌گیری کشورهای انقلابی که از پشتیبانی نیروهای پیشرو جهان برخوردار گشت، راه را برای تجاوز به این جمهوری جوان سد کرد و استعمارگران آمریکایی و انگلیسی را ناچار کرد که نیروهای خود را از لبنان و اردن فرا خوانند و جمهوری عراق را به رسمیت بشناسند[۱]».

عبدالکریم قاسم در آغاز حکومت خود اقدامات مناسبی انجام داد، لیکن در اواخر دهه ۵۰، بدلیل عدم همکاری با نیروهای پیشرو و جنگ بر ضد خلق کرد، آوازه‌اش در درون کشور رو به افول گذاشت و همچنین چشم دوختن او به کویت در می ۱۹۶۱، موضع‌گیری دشمنانه‌اش نسبت به جمهوری متحد عربی و سیاست «بر پا کردن موازنه میان نیروهای چپ و راست» اعتبار دولت عراق را در جهان عرب خدشه‌دار ساخت و در نتیجه با سست شدن مشروعیت عبدالکریم قاسم، در بامداد روز هشتم فوریه ۱۹۶۳ گروهی از ارتشیان به رهبری عبدالسلام عارف و با همکاری مشترک

۱- د. ر. فوبلیکوف و گروه نویسندگان آکادمی علوم شوروی، تاریخ معاصر کشورهای عربی. مترجم: محمد حسین روحانی، تهران، انتشارات توس. ۱۳۶۷ - ص ۱۶۰.

حزب بعث، علیه عبدالکریم قاسم کودتا نمودند و دولت وی را سرنگون ساختند و عبدالکریم قاسم تیرباران گشت. حاکمان جدید بعث پس از پیروزی، جایگاه‌های حساس را در دولت و شورای انقلاب بدست گرفتند. منصب ریاست جمهوری را به عبدالسلام عارف واگذاردند و احمد حسن‌البکر نخست‌وزیر گردید. شورای فرماندهی انقلاب به دسته‌های پاسداران قومی، پلیس و ارتش اجازه داد که طرفداران عبدالکریم قاسم را از میان بردارند.

در ۱۸ نوامبر ۱۹۶۳ عبدالسلام عارف دست به کودتایی علیه حزب بعث زد و رهبران حزب بعث را که بدنبال یکپارچگی عراق و سوریه و ایجاد رژیم بعثی در اردن و لبنان بودند از صحنه قدرت خارج ساخت.

یکی از نخستین کارهای دولت عبدالسلام عارف، برچیدن دستگاه پاسداران قومی، خلع سلاح افراد آن و جلوگیری از فعالیت حزب بعث در عراق بود. عارف به تحکیم اوضاع سیاسی پرداخت و پیمان مسکو را پیرامون منع آزمایشات هسته‌ای امضاء کرد و از پیشنهاد شوروی درباره حل کشمکش‌های مرزی از راه‌های مسالمت‌آمیز، پشتیبانی کرد. این در شرایطی بود که نیروهای امپریالیستی از سیاست بی‌طرفی مثبت و نزدیک شدن عراق به جمهوری متحد عربی و بازگشت پیوندهای آن با کشورهای انقلابی ناراضی بودند.

* رابطه عراق و آمریکا در زمان عبدالسلام عارف :

مجموعه مشکلات داخلی و اقدامات گروه‌های ملی عراق باعث وارد آمدن فشار بر حکومت عارف گردید و منجر به تشدید درگیری‌های سیاسی داخلی شد. در نتیجه از سال ۱۹۶۵ در سیاست عارف چرخش بسوی غرب نمودار گشت. نمونه‌های بارز این چرخش را در از سر گرفته شدن جنگ با اکراد در چهارم آوریل ۱۹۶۵، سخت‌گیری بر شخصیت‌های سیاسی چپگرا و کوشش برای سست کردن پیوندهای عراق با جمهوری متحد عربی وکشورهای انقلابی می‌توان برشمرد. «برای اولین‌بار درتاریخ رژیم جمهوری عراق، یک شخصیت سیاسی کشوری به مقام نخست‌وزیری گماشته شد که از اعتماد مقامهای رسمی واشنگتن و لندن برخوردار بود و وی عبدالرحمن بزاز نام داشت[۱]».

۱- همان منبع، ص: ۱۸۰.

در ۱۳ آوریل ۱۹۶۶ عبدالسلام عارف در سانحه سقوط هلیکوپتر کشته شد.[۱] و عبدالرحمان محمد عارف (برادر رئیس جمهور مقتول و رئیس ستاد ارتش عراق) بر مسند ریاست جمهوری تکیه زد. عبدالرحمان بزاز همچنان نخست‌وزیر باقی ماند.

تجاوز اسرائیل به اعراب و قطع رابطه عراق با آمریکا و انگلیس :

عراق در نخستین روز تجاوز اسرائیل، به یاری جمهوری متحد عربی[۲]، اردن و سوریه شتافت. نیروهای رزمنده خود را برای جلوگیری از هجوم قوای اسرائیلی به جبهه اردن اعزام کرد، از ارسال نفت برای پشتیبانان اسرائیل یعنی ایالات متحده آمریکا، انگلستان و آلمان جلوگیری کرد، کالاهای آنان را تحریم کرد و فرود آمدن هواپیماهایشان را در فرودگاه‌های عراق ممنوع ساخت. دولت عراق همچنین پیوندهای سیاسی خود را با آمریکا و انگلیس قطع کرد و همه نمایندگیهای فرهنگی و دیگر سازمان‌های وابسته به آمریکا، انگلیس و آلمان فدرال را تعطیل کرد.

بدلیل بروز مشکلات داخلی و بین‌المللی، جو مخالفتها علیه عبدالرحمان عارف فزونی یافت و در نتیجه آن در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ حزب بعث اقدام به کودتای نظامی علیه عارف نمود. عبدالرحمان عارف بازداشت گردید و حسن‌البکر بقدرت رسید. برنامه کابینه حسن‌البکر تأکید می‌کرد که دولت می‌خواهد نبرد با امپریالیسم و صهیونیسم را شدت ببخشد، پیوندهای خود با شوروی، چین و فرانسه را بر پایه سیاستی دوستانه بنیان نهد، روابط خود با جمهوری متحد عربی و دیگر کشورهای عرب را استوار سازد و تعهدات بین‌المللی عراق را دنبال نماید.

اندیشه‌های حزب بعث : میشل عفلق که اندیشمند و بنیان‌گذار حزب بعث به شمار می‌رود، تلاش نمود که آرمانهای سیاسی خود را در قالب یک ایدئولوژی خاص بیان نماید.

۱- برخی این سانحه را یک توطئه سیاسی قلمداد می‌کنند.

۲- جمهوری متحد عرب به ابتکار جمال عبدالناصر در دهه پنجاه میلادی با اتحاد سوریه و مصر تشکیل گردید. ناصر رئیس جمهور آن شد و در صدد جذب عراق به این جمهوری نیز برآمد لیکن عراق و اردن هاشمی به عنوان مقابله اتحادیه هاشمی را تشکیل دادند و نهایتاً در سال ۱۹۶۱ هر دو تشکل دستخوش تحولات سیاسی داخلی و خارجی گردیده و از هم فرو پاشیدند.

«وحدت، آزادی، سوسیالیسم» سه رکن اصلی ایدئولوژی حزب بعث است که در کتابها و نشریاتی که از طرف حزب و اندیشمندان بعثی چاپ و منتشر شده است مورد بررسی دامنه دار و همه جانبه قرار گرفته است. خلاصه ارکان سه‌گانه ایدئولوژی حزب بعث بدین شرح است.

اصل اول : وحدت

شعار «یک ملت عرب، یک رسالت ابدی» که در روزنامه ارگان حزب و در آغاز اساسنامه حزب قید گردیده است گویای اهمیت خاص و برجسته‌ای است که وحدت اعراب در ایدئولوژی حزب بعث دارد. از ویژگیهای حزب بعث که آن را با سایر احزاب مشابه که معتقد به پان عربیسم هستند، متمایز می‌سازد آن است که اندیشه‌های حزب بعث از همان آغاز متوجه کل جهان عرب گردید و خود را در چهار دیواری یک کشور معین محبوس نساخت.

عربیسم و اسلام :

اندیشمندان حزب بعث در گفتگو از گذشته، از اسلام یاد می‌کنند و به یاد اعراب می‌آورند که پیامبر اسلام یک فرد نمونه عرب است که توانست با کوششها و مبارزات خود اختلافات بین اعراب را از میان بردارد و همه آنان را زیر لوای اسلام متحد کند و شرایطی به وجود آورد که اعراب به کمک آن توانستند بزرگترین قدرت روز جهان شوند. میشل عفلق با توجه به علاقه عموم اعراب به دین اسلام «میراث فرهنگی اسلام» را «ارزشهای فرهنگی عرب» معرفی می‌کند و در سخنرانی خود در دانشگاه دمشق که تحت‌عنوان «ذکرالرسول‌العربی» (به یادبود پیغمبر عربی «ص») ایراد نمود اظهارمی دارد که «دین دراساس خود یک جنبش عربی بود که توجه اساسی آن احیاء عربیسم و واقعیت دادن به آن بود[1]». و اضافه می‌کند «فضیلتهای آشکار و نهانی که پیامبر اسلام تحسین نمود و معایبی را که مورد انتقاد قرار داد دقیقاً فضائل و معایب عرب بود[2]» او دوران صدر اسلام را به عنوان دوره‌ای که «عرب خود را بهتر از هر زمانی شناخت» می‌شناسد

۱- منوچهر پارسادوست، نقش عراق در شروع جنگ، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۹، ص: ۹۷.
۲- همان منبع

و اظهار می‌دارد «زندگی و اعمال پیامبر اسلام نمونه یک فرد عرب را مجسم می‌کند[1].»

به نظر عفلق، ناسیونالیسم عرب چنان وسیع و گسترده است که اسلام را نیز در بر می‌گیرد. عفلق عقیده آن دسته از تئوریسین‌ها که اسلام را ایدئولوژی چاره‌جویانه می‌دانند، رد می‌کند و می‌گوید که در شرایط تاریخی کنونی، اسلام به این نیاز اعراب اعتراف دارد که همه کوششها باید در جهت نیرومندی و بهبود وضع اعراب صرف شود، اگر اسلام چیزی غیر از این باشد، اسلام راستین نیست.

به نظر عفلق، قدرت اسلام در قرن بیستم به صورت جدید، یعنی ناسیونالیسم عرب، متجلی شده است. بنابراین از نظر وی ناسیونالیسم احیا شده عرب می‌تواند جای اسلام را بگیرد و راه را بار دیگر برای اتحاد، قدرت و پیشرفت روزافزون اعراب باز کند.

به این ترتیب ایدئولوژی بعث بر اساس جدایی مذهب از سیاست استوار است. سعدون حمادی[2]، وزیر امور خارجه وقت عراق، در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در ۱۵ اکتبر ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، می‌گوید :

«ایدئولوژی ما بر اساس جدایی دین از سیاست است و ما نمی‌توانیم امور سیاسی را با امور مذهبی یکی بکنیم[3].»

در حالی که صدام حسین می‌پذیرد که ظهور اسلام برای اعراب گامی بزرگ به سوی پیشرفت و تمدن بوده است، اما بشدت این نظر را رد می‌کند که اعراب قبل از اسلام (یعنی در دوره جاهلیت) هیچ گونه کمکی به پیشرفت تمدن نکرده‌اند. صدام‌حسین می‌گوید:

«وقتی ما صحبت از مذاهب و میراث آن می‌کنیم، باید به یاد داشته باشیم که فلسفه ما شامل مذهب و میراث آن نمی‌شود ... ایدئولوژی ما سرآمد تمام چیزهایی نیست که در گذشته به وسیله مذهب تفهیم شده است[4]».

1- Kamel S.Abu Jaber/ The Arab Bath Socialist Party Ideology & Organization / First Edition, Syracuse,N.Y. Syracuse University Press, 1966/ p:24 .

۲- سعدون حمادی اکنون رئیس مجلس ملی عراق است. وی در گذشته علاوه بر عضویت در شورای فرماندهی انقلاب، معاون نخست‌وزیر و وزیر نفت بود.

۳- اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخ اختلافات مرزی ایران و عراق ، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران، ۱۳۷۰ .

۴- همان منبع

اصل دوم: آزادی

حزب بعث از لحاظ تئوری به فرد و آزادی او اهمیت می‌دهد و کلیه حقوق فردی و اجتماعی مانند حق رأی دادن، آزادی بیان و عقیده، آزادی قلم، آزادی تشکیل انجمن، اتحادیه و سندیکا و حق بر پایی اجتماعات و تظاهرات را در اساسنامه خود محترم می‌شمارد ولی منظور اندیشمندان حزب بعث از آزادی فقط آزادی‌های بالا نیست بلکه به آن مفهوم وسیع‌تری می‌دهند. آزادی از نظر آنان رهایی از نفوذ بیگانگان را در بر می‌گیرد.

اصل سوم: سوسیالیسم

«حزب بعث مانند احزاب کمونیست معتقد است که سوسیالیسم امکانات وسیع و تازه‌ای در اختیار توده‌های مردم قرار می‌دهد و نه تنها موجب بهبود سطح زندگی مادی مردم می‌شود بلکه فرصتهای مساوی برای افراد به وجود می‌آورد که استعدادهای خود را پرورش دهند و شکوفا کنند و معتقد است که اجرای اصول سوسیالیسم در کشور واحد عرب موجب می‌شود که رستاخیز عرب را برای پیشرفت و ترقی، با گامهای بزرگ به پیش راند و سطح علم و صنعت آن را همپای ملتهای پیشرفته ارتقاء دهد و معتقد است که سوسیالیسم با ملی کردن رشته‌های مهم صنایع و خدمات از بهره‌کشی یک طبقه از طبقات دیگر جلوگیری می‌کند و ثروت و درآمد کشور واحد عرب را در اختیار وسیع‌ترین توده‌های مردم قرار می‌دهد[۱].

1- A'ysami, Shibli L/ "Unity, Freedom, Socialism" Arab Ba'th Socialist Party/ Madrid/ 1977/ p:38 .

بخش دوم: روابط حزب بعث عراق با آمریکا

رهبران حزب بعث عراق از نظر ایدئولوژیک خود را مخالف سیاست آمریکا دانسته و در قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و اظهارات خود همواره سیاست امپریالیستی آمریکا را مورد انتقاد قرار میدهند. آنها همواره اعلام کرده‌اند که با طرحهای صلح آمریکا برای حل بحران اعراب و اسرائیل مخالف هستند[1]. احمد حسن البکر، رئیس جمهور سابق عراق، ضمن انتقاد از دیپلماسی گام به گام هنری کیسینجر می‌گوید:

"جدال مداوم و شرافتمندانه تنها راهی است که در مقابل ملت عراق قرار دارد[2]."

بر اساس همین ایدئولوژی بود که رهبران بعث عراق با غرور و افتخار و به طور مکرر ادعا می‌کردند که نه تنها در هیچ‌گونه روابطی با آمریکا از اسرائیل حمایت نمی‌کنند، بلکه روابط عراق با آمریکا نیز از سر گرفته نخواهد شد. باری روبین در مورد روابط عراق با آمریکا می‌نویسد:

«بحث در مورد روابط بین عراق و آمریکا، مقاله طنزآمیز برناردشاو با عنوان «اصل و نسب مارهای ایرلند» را به یاد انسان می‌آورد. شاو پس از صحبت در مورد مارهای ایرلند، در آخر مقاله می‌گوید که هیچ گونه ماری در ایرلند وجود ندارد. به ظاهر از سال ۱۹۶۷ (تا ۱۹۸۵) نیز هیچ‌گونه روابطی بین عراق و آمریکا وجود نداشته است. در حالی که بین دو کشور همیشه روابط وجود داشته است[3]."

باید اشاره کرد که حزب بعث روابط اعراب با آمریکا را قطع نکرد، بلکه این روابط قبل از به قدرت رسیدن حزب بعث، یعنی در زمان عبدالرحمان عارف و به علت حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی قطع شد. تنها کاری که حزب بعث در این مورد انجام داد از سرگیری این روابط در سال ۱۹۸۵ بود.

قبل از برقراری روابط رسمی بین عراق و آمریکا، روابط دو کشور به طور عمده در زمینه امور بازرگانی خلاصه می‌شد. رهبران حزب بعث عراق به این نتیجه رسیده بودند که می‌توانند با آمریکا روابط اقتصادی داشته باشند، بدون اینکه این امر مستلزم

1- Khadduri, Socialist Iraq, A Study in Iraqi Politics, Oxford University 1968, p:144 .

۲- کیهان (۱۳۵۲/۱۲/۱۲)

3- Burry Rubin , "United States - Iraq Relations: A Spring Thaw", Tim Niblock , Iraq : the Contemporary States, (London , 1982), p:109 .

برقراری روابط رسمی سیاسی باشد. این روابط از اوایل دهه ۷۰ به بعد، پس از حذف جناح افراطی حزب بعث، گسترش یافت. (این جناح به رهبری ناظم کزاز در سال ۱۹۷۳ به اتهام توطئه کودتا برکنار شد.) از طرف دیگر، توسعه روابط عراق با آمریکا بلافاصله بعد از جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل آغاز شد.

افزایش بهای نفت در دهه ۷۰، عراق را به بازار خوبی برای کالاهای آمریکایی تبدیل کرد. در آن زمان عراق دومین صادرکننده نفت عضو اوپک بود. عراق با درآمد سالانه ۳۰ میلیارد دلار و ثبات ظاهری، برای واشنگتن جذّاب می‌نمود. صدام حسین در مصاحبه با یک خبرنگار آمریکایی، در ژوئیه ۱۹۷۳، اظهار داشت که «عراق نمی‌تواند نفت خود را بیاشامد[1]». وی توضیح داد که بازار عراق به روی اجناس غرب و ژاپن باز است. صدام حسین گفت:

«من هرگز درها را به روی هرگونه توسعه مثبت در سیاست نبسته‌ام، زیرا روابط ممکن است تغییر کند[2]».

عامل دیگری که در گرایش عراق به طرف غرب مؤثر بود، برتری تکنولوژی غرب نسبت به شرق است. گفته شده است که شرکتهای آمریکایی پیشرفته‌ترین کالاهای تکنولوژیک را برای عراق تهیه می‌کردند. صادرات آمریکا شامل هواپیما، تجهیزات مخابراتی وکارخانه‌های کامل پتروشیمی بود. طارق عزیز، در نوامبر ۱۹۴۷ اظهارداشت :

«ما به کالاها و خدماتی نیاز داریم که نمی‌توانیم آنها را از جای دیگر تهیه کنیم. اگر شرکتهای آمریکایی پیشنهادهای بهتری ارائه دهند، ما این کالاها را از آمریکا خریداری خواهیم کرد. ولی این امر ضرورتاً منجر به روابط سیاسی عمیقتر بین دو کشور نخواهد شد[3]».

تا سال ۱۹۷۶، بیش از ۲۲۰ شرکت آمریکایی شعبه و یا دفتر کار در عراق دایر کرده بودند و فقدان روابط سیاسی بین دو کشور لطمه‌ای به این مبادلات وارد نمی‌ساخت، زیرا دفتر نمایندگی آمریکا در بغداد که به طور رسمی و در ظاهر تنها برای حفظ منافع بازرگانی آمریکا در عراق فعالیت می‌کرد، از ۱۴ دیپلمات، تحت ریاست یکی از معروفترین دیپلماتهای آمریکائی، تشکیل شده بود و بزرگترین سفارتخانه در بغداد به شمار می‌رفت[4] بااین حال صدام حسین مایل بود که روابط رسمی میان عراق و آمریکا از سر گرفته شود. وی در این مورد می‌گوید :

1- Ibid, p:140
2- Ibid, p:147
3- Ibid, p:147
4- Ibid

«قطع رابطه دیپلماتیک (با آمریکا) نباید دائمی باشد. در واقع بسیاری از کشورهایی که با یکدیگر اختلاف دارند، روابط دیپلماتیک خود را حفظ کرده‌اند[۱]».

وی ضمن اشاره به این نکته که قراردادهای چند میلیون دلاری عراق با شرکتهای آمریکایی لغو نخواهد شد، گفت:

«اگر آمریکا پیشنهادی بهتر از دیگران ارائه دهد. در دادن این پاداش به آن درنگ نخواهیم کرد. ما نمی‌توانیم عراق را در گاو صندوق حبس کنیم[۲]».

متعاقب آن، میزان مبادلات بین دو کشور ناگهان افزایش یافت و از ۲۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ (۱۳۵۲) به ۲۰۰ میلیون دلار در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ (۵۴-۱۳۵۳) رسید. عراق در آن زمان تنها در اسلحه و تجهیزات به شوروی متکی بود. به طور کلی از ۱۹۷۲ تماسهایی بین مقامهای عراق و آمریکا برقرار شده بود، اما با روی کار آمدن کارتر این تماسها وارد مرحله جدیدی شد.

* روابط عراق و آمریکا در زمان کارتر:

دولت کارتر از ژانویه ۱۹۷۷ (دی ماه ۱۳۵۶) به طور مکرر تمایل خود را به برقراری مجدد روابط سیاسی با عراق اعلام کرد. آمریکا مایل بود که عراق را در ردیف متحدان خود درآورد. از طرف دیگر، بعد از حضور نیروهای شوروی در افغانستان، به‌نظر می‌رسید که عراق به عنوان یک متحد بالقوه می‌تواند ثبات منطقه را تضمین کرده، با نفوذ شوروی مقابله کند. عراق حضور نیروهای شوروی را در افغانستان محکوم کرده بود. به این ترتیب آمریکا در گسترش روابط خود با عراق، علاوه بر منافع اقتصادی دارای اهداف سیاسی - استراتژیک نیز بود.

درآمدهای کلان ناشی از نفت اجازه داد تا عراق خود را از نظر نظامی به صورت یکی از قوی‌ترین کشورهای منطقه خلیج فارس در آورد. امکان اینکه دولت عراق بتواند یک نقش مهم در منطقه ایفا کند، با بیرون رفتن دو قدرت بزرگ منطقه، یعنی ایران و مصر، افزایش یافت. امضای موافقت‌نامه کمپ دیوید موجب شد که مصر در جهان عرب منزوی شود. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط شاه نیز یک خلاء قدرت در

۱- روزنامه آیندگان (۱۳۵۳/۸/۱۳)
۲- همان منبع

منطقه خلیج فارس ایجاد کرد. برژینسکی در فروردین ماه ۱۳۵۸ (آوریل ۱۹۷۹) اظهار داشت:

«آمریکا هیچ تضاد اصولی بین منافع واشنگتن و بغداد نمی‌بیند[۱]».

پس‌از بحران گروگانگیری جاسوسان آمریکایی در سفارتخانه آن‌کشور در تهران، منطقه خلیج فارس برای اولین بار در تاریخ سیاست خارجی آمریکا اهمیت درجه اول یافت. در این راستا عربستان سعودی و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس قادر نبودند نقش حافظ منافع آمریکا را ایفا کنند و تنها عراق بود که می‌توانست این امر را انجام دهد. برژینسکی در آوریل ۱۹۸۰ در یک مصاحبه تلویزیونی می‌گوید:

"ما مایلیم با تمام کشورهای عرب روابط حسنه داشته باشیم. ما هیچ نوع تضاد اساسی بین منافع عراق و آمریکا نمی‌بینیم. ما احساس می‌کنیم که عراق می‌خواهد مستقل باشد. عراق می‌خواهد خلیج فارس امنیت داشته باشد. ما احساس می‌کنیم که نیازی نیست که روابط عراق و آمریکا سرد و خصومت‌آمیز باشد. این بدان معنی نیست که آمریکا عراق را در اقدامهای خود علیه ایران تشویق می‌کند. ما نفعی نداریم که آتش خصومتها را در خلیج فارس شعله‌ور کنیم. اگر ایران با خطر انزوا و تجزیه رو به روست این به خاطر رفتار خود رژیم تهران است[۲]".

بعد از شروع جنگ ایران و عراق تا وقتی که نیروهای عراقی در خاک ایران بودند، آمریکا در ظاهر اعلام بیطرفی می‌کرد.

با اینکه گروگانها در ۲۰ ژانویه ۱۹۸۱ آزاد شدند، دولت آمریکا از ارسال ۵۵۰ میلیون دلار اسلحه ایران که در زمان رژیم سابق خریداری شده و پول آن نیز پرداخت گردیده بود، خودداری کرد. این اقدام موجب خشنودی بغداد و تشویق این کشور به از سرگیری روابطش با آمریکا شد.

در این زمان الکساندر هیگ، وزیر امور خارجه آمریکا، خواستار اتفاق استراتژیک بغداد - واشنگتن برای مقابله با توسعه‌طلبی شوروی شد. چند روز بعد، آمریکا نام عراق را از فهرست کشورهایی که از تروریسم بین‌المللی حمایت می‌کردند، حذف کرد و این اقدام راه را برای فروش هواپیماهای مسافربری بوئینگ به عراق، که

1- Lomonde, (20 September, 1980)

2- Pubin, OP, Cit, P:117

قابل تبدیل به هواپیماهای حمل و نقل نیروهای نظامی بود، باز کرد.

میزان مبادلات بازرگانی و تجاری بین دو کشور به طور روز افزونی افزایش یافته بود. واردات نفت آمریکا از عراق در ۱۳۵۵ (۱۹۷۶) ۱۳۳ میلیون دلار و در ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) ۶۷۱ میلیون دلار و در نیمه اول ۱۹۸۰ به ۳۷ هزار بشکه در روز رسید. صادرات آمریکا نیز به عراق از ۳۸۲ میلیون دلار در ۱۹۷۶، به ۷۰۰ میلیون دلار در ۱۹۸۰، افزایش یافت. البته ارقام مربوط به تجارت آمریکا با عراق منعکس کننده تمام ارزش یا حجم مبادلات بین دو کشور نیست، زیرا اکثر مبادلات بازرگانی عراق با آمریکا از طریق دوستان عراق، یعنی اردن، مصر و عربستان سعودی، انجام می‌شد[1].

در سال ۱۹۸۵ سفارت آمریکا رسماً در بغداد افتتاح گردید و این روابط تا زمان حمله عراق به کویت ادامه داشت. حمله عراق به کویت سرآغاز تغییر رابطه عراق و آمریکا و لشگرکشی آمریکا به خلیج فارس گردید.

۱- جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

الف) اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی - تهران ۱۳۷۰.

ب) عبدالرزاق محمد اسود، مرسوعه‌العراق السیاسه، الدارالعربیه للموسوعات بیروت، لبنان ۱۹۸۶.

ج) عبدالمجید حسیب‌القیسی، العراق دراسه فی علاقاته‌الخارجیه و تطوراته‌الداخلیه ۱۹۷۵ - ۱۹۱۵. الدارالعربیه للموسوعات بیروت، لبنان ۱۹۸۹.

بخش سوم – توان اقتصادی –نظامی عراق

توان اقتصادی :

نفت عمده‌ترین منبع درآمد عراق می‌باشد و این کشور در زمره کشورهای تک محصولی است. مهمترین منبع درآمد غیر نفتی عراق صادرات خرما می‌باشد.[۱]

۱– ساختار اقتصادی عراق بر اساس آخرین ارقام رسمی موجود قبل از حمله به کویت بدین شرح است :

شاخص‌های اقتصادی	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰
تولیدناخالص داخلی(میلیون دلار)	۴۹/۴۲	۵۹/۸۶	۵۷/۳۶	۶۶/۱۹	۳۵/۰۰
درصد رشد تولید ناخالص داخلی اسمی	-۱/۱	۲۰/۵	-۳/۷	۱۵/۴	۵
درصد نرخ تورم برای مصرف کننده	۳۵	۴۵	۴۰	۴۵	۴۵
جمعیت میلیون)	۱۶/۱	۱۶/۳	۱۷/۳	۱۸/۳	۱۸/۳
صادرات فوب (میلیارد دلار)	۶/۹۷	۱۱/۵۲	۱۱/۰۵	۱۴/۶۰	۹/۵۰
واردات سیف (میلیارد دلار)	۶/۳۶	۵/۰۶	۷/۱۵	۷/۶۸	۵/۱۰
حساب جاری (میلیارد دلار)	-۳/۰۴	۲/۳۰	-۰/۱۴	۲/۸۵	-۰/۹
وضعیت در برابر بانک تصفیه جهانی (میلیارد)	-۵/۹۸	-۵/۸۱	-۶/۴۲	-۴/۹۶	-۴/۳۲
کل بدهی خارجی (میلیارد دلار)	۱۷	۲۰/۴۱	۲۰/۱۱	۲۲/۷۸	۲۲/۷۱
تولید نفت (میلیون بشکه در روز)	۱/۸۸	۲/۳۶	۲/۷۴	۲/۷۹	۳
نرخ ارز (دینار در برابر دلار)	۰/۳۱۱	۰/۳۱۱	۰/۳۱۱	۰/۳۱۱	۰/۳۱۱

منابع تولید ناخالص داخلی سال ۱۹۸۹	درصد از کل
کشاورزی	۵/۱
نفت	۶۱/۳
صنعت	۱۱/۶
خدمات	۲۲
کل	۱۰۰
صادرات عمده سال ۱۹۹۸	میلیارد دلار
نفت خام	۱۴/۵
کل (از جمله سایر اقلام)	۱۴/۶
واردات عمده سال ۱۹۸۹	میلیارد دلار
غیر نظامی	۵
نظامی	۲/۷
کل	۷/۷

براساس اطلاعات موجود، عراق حتی در دوران جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار بود. مضافاً اینکه کمکهای نظامی و اقتصادی غرب و کشورهای منطقه، شرایطی را برای این کشور فراهم ساخت که ارزش پول رسمی عراق ۳/۲ برابر ارزش دلار آمریکا بود. در پی حملهٔ عراق به کویت وشروع تحریم‌های بین‌المللی، روزبروز وضعیت اقتصادی عراق به افول گرائید.

شرایط نامناسب اقتصادی و خصوصاً وضعیت بدمعیشتی مردم عراق منجر به امضای توافقنامه نفت در مقابل غذا بین سازمان ملل و دولت عراق گردید، در این توافقنامه به دولت عراق اجازه صدور مقداری نفت در مقابل خرید غذا و دارو داده شد و پول حاصل از فروش نفت به حساب مشخصی نزد کمیته تحریم عراق در سازمان ملل واریز و با تصویب کمیته مذکور نفت، غذا و امکانات مورد نیاز عراق خریداری و تحت نظارت سازمان ملل در عراق توزیع گردید.

مقامات عراق می‌گویند که، علیرغم اجرای ششمین‌مرحله توافقنامه نفت درمقابل غذا وافزایش اجازه فروش نفت از سوی شورای امنیت سازمان ملل، در سال ۱۳۷۸، به دلیل خسارات وارده به پالایشگاههای نفت عراق، درآمد نفتی برای بازسازی اقتصاد کافی نخواهد بود و علیرغم تبلیغات آمریکا تحریم‌ها سبب ساقط کردن رژیم نشده است و اکنون بصورت تهدیدی علیه وحدت آتی سیاسی و ارضی کشور عراق درآمده است. و عملاً تحریم‌ها بصورت یک مجازات دستجمعی علیه مردم عراق درآمده و بی‌سبب موجب رنج مردم شده است. عراق در سال ۱۳۷۴ با تشکیل کنفرانسی در زمینه نفت در عراق درصدد جلب سرمایه‌گذاری خارجی در این زمینه برآمد و اعلام نمود که به محض لغو تحریم‌ها، حوزه‌های نفتی خود را به روی شرکتهای خارجی باز خواهد کرد[1]. وزیر نفت عراق می‌گوید که این کشور دارای حوزه‌های وسیع کشف

۱- در شهریورماه سال ۱۳۷۸ نیز، اجلاس مشابهی در بغداد برگزار گردید. این درحالیست که در سالهای اخیر شرکتهای مختلف خارجی با عراق در زمینه استخراج نفت قرارداد منعقد کرده‌اند.

نشده نفتی است که منابعی معادل ۱۱۲ میلیارد بشکه آن ثابت گردیده و حدوداً ۲۱۴ میلیارد بشکه ذخائر ثابت نشده وجود دارد[1] و همچنین ادعا می‌کند که عراق دارای ۳ تریلیون متر مکعب گاز در ذخائر ثابت شده و ۱۶۰ تریلیون متر مکعب از ذخائر ثابت نشده است. وزیر نفت عراق می‌گوید در نظر دارند ظرف ۵ تا ۸ سال آینده ظرفیت تولید خود را به حدود ۶ میلیون بشکه در روز برساند. ظرفیت تولید چهار حوزه بزرگ نفتی به تنهایی حدود ۲/۱ میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود. البته این ارقام بسیار بالاتر از اکثر برآوردهای جاری از ظرفیت صادرات نفتی عراق می‌باشد و تمام این پیش‌بینی‌ها مشکلات سیاسی که عراق جهت حفظ تولید و صدور آن در اوپک با آن روبرو خواهد شد را نادیده می‌گیرد. طبعاً عربستان سعودی و کویت پس از لغو تحریم‌ها هیچ علاقه‌ای به دادن پاداش به عراق برای افزایش سهمیه آن کشور ندارند. دینار عراق در اواسط اردیبهشت ۱۳۷۵ که مذاکرات عراق و سازمان ملل متحد به نتیجه نرسید پس از مدت کوتاهی ثبات، مجدداً سقوط کرد. روند سقوط ارزش دینار به حدی است که در سال ۱۳۷۸ ارزش دلار آمریکا معادل ۲۰۰۰ دینار عراق رسیده است. این درحالیست که قبل از حمله عراق به کویت ارزش یک دینار عراقی معادل ۳ دلار و ۲۰ سنت بود.

۱- مقصد اصلی صادرات سال ۱۹۹۰

	درصد از کل
آمریکا	۲۸/۵
برزیل	۹/۹
ترکیه	۹/۸
ژاپن	۷/۸
هلند	۷/۴
اسپانیا	۴/۶
فرانسه	۳/۵
ایتالیا	۳

منبع اصلی واردات سال ۹۰

	درصد از کل
آلمان	۱۳/۳
آمریکا	۱۰/۷
ترکیه	۹/۲
فرانسه	۸/۷
انگلستان	۸/۴
ژاپن	۴/۵
ایتال	۴/۵
برزیل	۳/۱

توان نظامی :

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در فضای جنگ سرد، عراق یکی از صحنه‌های جدی رقابت آمریکا و شوروی بشمار می‌رفت. بگونه‌ای که آمریکا با تجهیز رژیم شاهنشاهی ایران به انواع سلاحهای پیشرفته در دوران ریاست جمهوری جانسون و فورد ایران را یکی از متحدان جدی منطقه‌ای خود قرار داده بود و از سوی دیگر شوروی با تسلیح سریع عراق سعی می‌کرد جای خود را با نفوذ هر چه بیشتر در عراق مستحکم سازد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حمله عراق به جمهوری اسلامی ایران علاوه بر شوروی، آمریکا و سایر کشورهای اروپایی و اعراب منطقه نیز به تسلیح گسترده عراق پرداختند و نتیجه آن حمله عراق به یکی از حامیان خود (در زمان جنگ عراق با ایران) یعنی کشور کویت بود. این حمله در روز ۵ شنبه دوم اوت ۱۹۹۰ علیه کویت آغاز گردید و آن کشور ظرف کمتر از چند ساعت به تصرف کامل عراق درآمد و بغداد از آن بعنوان استان نوزدهم عراق یاد کرد. حمله متحدین به رهبری آمریکا و بمنظور آزادسازی کویت ضربه سنگینی را بر استحکامات نظامی و صنایع اقتصادی عراق وارد ساخت و توان نظامی عراق را دگرگون ساخت[1].

۱- در نشریه «موازنه نظامی»، چاپ انستیتو مطالعات استراتژیک لندن (۱۹۹۵) در خصوص توان نظامی عراق آمده است:

نیروهای فعال ارتش عراق، حدوداً ۳۸۲/۵۰۰ نفر و نیروهای ذخیره آن ۶۵۰/۰۰۰ نفر می‌باشند. مدت قانونی خدمت وظیفه ۲۴-۱۸ ماه است.

نیروی زمینی : میزان تقریبی نفرات نیروی زمینی ۳۵۰ هزارنفر می‌باشد که در قالب ۲۲ تیپ مسلح مکانیزه و پیاده، ۷ تیپ نیروی گارد جمهوری (۴ مسلح / مکانیزه -۳ پیاده) ۱۵ تیپ نیروی ویژه (تیپ‌های کماندویی جهت عملیات سرکوب شورش) و همچنین گارد ویژه ریاست جمهوری و نیروی امنیتی ویژه می‌باشد.

تجهیزات : ارائه تعداد انواع سلاحهای انفرادی ممکن نمی‌باشد. سلاحهایی که در طول جنگ در سال ۱۹۹۱ نابود شده یا به تصرف در آمدند عبارتند از ۳۰۰۰ تانک، ۱۸۶۰ نفربر زرهی، ۲۱۴۰ قطعات توپخانه و همچنین مقدار زیادی موشک‌اندازهای ترکیبی، خمپاره انداز، سلاحهای هدایت شونده ضد تانک، هلی‌کوپتر، وسائل حمل و نقل و ترابری، سلاحهای دفاع هوایی و موشک‌های زمین به هوا.

نیروی هوایی : ۳۰/۰۰۰ پرسنل و از جمله ۱۵۰۰۰ نفر پرسنل دفاع هوایی دارد. کل خسارات وارده به نیروی هوایی عراق را نمی‌توان برآورد نمود. در نبردهای هوایی ۳۵ هواپیما ناپدید شدند و بیش از یکصد فروند هواپیما روی زمین نابود شدند. تعدادی هواپیما نیز به ایران پرواز کردند. ارقام کلی این هواپیماها محاسبه نشده است.

تجهیزات: جنگنده ۱۸۰ فروند شامل میگ ۲۱، میگ ۲۵، میراژ، میگ ۲۹

ادامه پاورقی در صفحهٔ بعد

علیرغم انهدام ماشین جنگی عراق در جریان باز پس گیری کویت و ویرانی بخش عمده‌ای از تأسیسات اقتصادی عراق به رهبری آمریکا و با همکاری سی کشور جهان، کمیته نظارت بر سلاحهای کشتار جمعی عراق موسوم به آنسکام (UNSCOM) همواره از خطر تولید و نگهداری سلاحهای کشتار جمعی در عراق سخن می‌گوید. حتی پس از پایان حملات موشکی و هوایی چهار روزه که طی دسامبر سال ۱۹۹۸ توسط آمریکا و انگلیس بر روی بغداد انجام گرفت، کلینتون رئیس جمهور آمریکا و تونی‌بلر نخست‌وزیر انگلیس اعلام کرده‌اند توان تولید سلاحهای کشتار جمعی عراق برای مدت حداکثر یکسال به تأخیر افتاد و در این مدت هیچ خطری کشورهای همسایه عراق را تهدید نمی‌کند.

ریچارد باتلر رئیس سابق UNSCOM طی گزارشی در مهرماه ۱۳۷۸ در سنای آمریکا اعلام کرد: «صدام حسین به سلاحهای کشتارجمعی معتاد است و ممکن است از یکسال غیبت بازرسان تسلیحات بین‌المللی عراق برای بازسازی زرادخانه خود استفاده کرده باشد. واقعیت این است که ماجرای سلاحهای کشتارجمعی عراق از توجه خارج شده است اما این بدان معنا نیست که صدام اینگونه تسلیحات را فراموش کرده باشد و از

ادامه پاورقی از صفحهٔ قبل

هواپیماهای شناسایی - اکتشافی از جمله میگ ۲۵

بمب افکن حدود ۶ فروند شامل: هواپیماهای آموزشی، موشک‌های هوا به زمین، موشکهای هوا به هوا.

نیروی دریایی: ۱۰۰۰ نفر، پایگاه نیروی دریایی بصره، الزبیرو ام‌القصر و دارای امکانات محدود می‌باشند.

تجهیزات: ناوهای محافظ، افزار جنگی گشتی و ساحلی، کشتی‌های مین‌گذار، مین‌روب.

نیروی دریایی در حال حاضر فعال نمی‌باشد.

توان نظامی مخالفین رژیم حاکم بر عراق: حزب دمکراتیک کردستان (KDP) ۲۵ هزار نفر (۳۰ هزار نفر دیگر در میلیشیا و نیروی چریکی) سلاحهای سبک، چند توپ سبک، خمپاره انداز، سام - ۷ (موشک زمین به هوا).

حزب کارگران کردستان: تعداد تقریبی ۲۰ هزار نفر، منشعب از (KDP) ضد ایران، پایگاهشان در سوریه می‌باشد.

اتحادیه میهنی کردستان (PUK) : تعداد تقریبی ۱۲ هزار نفر رزمنده (علاوه بر ۶ هزار نفر پشتیبانی) چند تانک مهم جنگی ۵۴-/۵۵، ۴۵۰ خمپاره‌انداز (۶۰ میلی‌متری، ۸۲ میلی‌متری، ۱۲۰ میلی‌متری) موشک انداز بدون ضربه ۱۰ میلی‌متری، حدود ۲۰۰ سلاح ضد هوایی ۱۲/۵ میلی‌متری، موشک زمین به هوا

حزب سوسیالیست کردستان: تعداد تقریبی ۵۰۰ نفر

مجلس اعلی انقلاب اسلامی SCIRI : تعداد تقریبی یک تیپ که پایگاهشان در ایران است.

نیروهای خارجی : سازمان ملل UNICOM یونیکام، حدود ۱۳۰۰ ناظر از ۳۳ کشور

(کلیه ارقام از کتاب موازنه نظامی - چاپ انستیتو مطالعات استراتژیک لندن ۱۹۹۵ استخراج گردیده است).

طرفی به آن معنا هم نیست که تهدید زرادخانه تسلیحات کشتارجمعی عراق از میان رفته باشد. من مظنون هستم که صدام از تمایلات خود دست برداشته باشد».

از سوی دیگر امریکا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نگرانی عمیق خود را از عدم اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل مربوط به خلع سلاح توسط عراق ابراز کردند. پس از دیدار آلبرایت وزیر خارجه این کشور با وزرای خارجه کشورهای خلیج فارس بیانیه‌ای صادر شد که طی آن موضع بغداد غیرقابل قبول توصیف گردید. شورای همکاری خلیج فارس و واشنگتن حمایت خود را از قطعنامه پیشنهادی انگلس و هلند درخصوص عراق مورد تأکید قرار دادند.

در آبان ۱۳۷۸ روزنامه ساندی تایمز نوشت: «عراق حدود ۷۰ عکس گرفته شده از طریق ماهواره را از شرکتهای روسی خریداری نموده است. این عکسها از تعدادی از کشورهای منطقه گرفته شده است که در صورت حمله موشکی، این کشورها را مورد اصابت دقیق قرار خواهد داد. این عکسها ماه گذشته در چارچوب توافقی که در هنگام سفر یک هیئت عراقی به مسکو امضا شد، تحویل عراق گردید. طبق توافق امضا شده میان طرفین عکسهایی از ایران، عربستان، ترکیه و سوریه دراختیار عراق قرار گرفت. سازمانهای اطلاعاتی غرب بیم آنرا دارند که این توافق اسرائیل را دربرگرفته باشد».

بخش چهارم: ابزار اعمال استراتژی مهار عراق

روابط آمریکا و عراق در پی تهاجم عراق به کویت قطع گردید. قبل از هرگونه اقدامی از سوی شورای امنیت سازمان ملل، آمریکا دست به لشگرکشی به منطقه خلیج فارس زد و عملیات گسترده‌ای را علیه عراق آغاز کرد. همزمان با تحرکات گسترده نظامی آمریکا و متحدین و صدور قطعنامه‌های پیاپی شورای امنیت، عراق عقب‌نشینی کرد. نظر به اینکه فرمول اصلی اعمال تحریم‌ها و استراتژی مهار عراق مبتنی بر قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد در این بخش به محتوای قطعنامه‌های صادره در مورد عراق می‌پردازیم[۱].

قطعنامه ۶۶۰ شورای امینت[۲] که در تاریخ ۲ اوت ۱۹۹۰ صادر گردید «تهاجم عراق علیه کویت را محکوم می‌کند» و «مصراً از عراق می‌خواهد که تمام نیروهای خود را بلافاصله و بدون قید و شرط به عقب بکشاند».

قطعنامه ۶۶۱ در ششم اوت ۱۹۹۰ صادر و طی آن تحریم همه جانبه علیه عراق اعمال می‌گردد[۳] و از سایر دولتها حتی دول غیر عضو سازمان ملل می‌خواهد که «هیچ رژیم مستقر شده از سوی قدرت اشغالگر را به رسمیت نشناسد».

قطعنامه ۶۶۲ در نهم اوت ۱۹۹۰ تأکید می‌کند که «شورا مصمم است که به اشغال کویت توسط عراق پایان دهد و حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کویت را به آن بازگرداند» و «الحاق کویت به عراق را کان لم یکن تلقی می‌کند»[۴].

در قطعنامه ۶۶۴ صادره به تاریخ ۱۹ اوت ۱۹۹۰، «از عراق می‌خواهد اجازه دهد و امکان خروج فوری اتباع کشورهای ثالث از کویت و عراق را تسهیل نماید و به اعضای

۱- شورای امنیت سازمان ملل متحد، پس از پایان جنگ سرد وظائف خود را در زمینه حفظ صلح و امنیت به نحو چشمگیری گسترش داده است. بگونه‌ای که در سال ۱۹۹۲ مجموعاً ۳۵۹ جلسه مشورتهای غیررسمی و ۲۴۷ جلسه رسمی داشته است و در این مدت ۱۳۷ قطعنامه و ۴۴ بیانیه صادر کرده است. از جمله مواردی که شورای امنیت با گسترش وظایف خود در زمینه صلح و امنیت بدان عمل نموده، مسائل عراق می‌باشد.

2- s/res/660(1990)

3- s/res/661(1990)

4- s/res/662(1990)

کنسولگریهایی که این اتباع به آنها تعلق دارند امکان دهد با آنها تماسهای لازم را داشته باشند»[1].

شورا در پنجمین قطعنامه صادره در ۲۵ اوت ۱۹۹۰ اعلام می‌دارد که : «تصمیم دارد فعالانه به موضوع بپردازد»[2].

در قطعنامه ۶۶۶ (۱۳ سپتامبر ۱۹۹۰) شورا به مسئله کمکهای انساندوستانه می‌پردازد و تأکید می‌نماید که این اقدامات بایستی از کانال سازمان ملل انجام شود.[3]

در قطعنامه ۶۶۷ (۱۶ سپتامبر ۱۹۹۰)، «اعمال تجاوزگرانه عراق علیه ساختمانها و پرسنل دیپلماتیک در کویت، منجمله ربودن اتباع خارجی در آن اماکن را بشدت محکوم می‌کند و «خواستار آزادی فوری این اتباع می‌گردد.» همچنین شورا «تصمیم می‌گیرد،با توجه به اینکه عراق منشور ملل متحد، قطعنامه‌های شورای امنیت و حقوق بین‌الملل را مصرانه نقض می‌کند، در اسرع وقت به مشورتهایی به منظور اتخاذ تدابیر عملی جدید بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد بپردازد»[4].

در منشور این تصمیمات به عهده شورای امنیت گذاشته شده است، طبق ماده ۳۹ در فصل هفتم منشور، شورا تصمیم می‌گیرد که متجاوز کیست و چه تدابیری را باید اعضاء به مرحله اجرا گذارند.[5] چنانچه تدابیر فوق برای مقابله با تجاوز مؤثر واقع نشود، شورا می‌تواند خود دست به اقدامات و تنبیهات نظامی علیه متجاوز بزند. بنابراین اقدامات شورای امنیت طبق فصل هفتم گام به گام و طی مراحلی صورت می‌گیرد.

بدین‌صورت که ابتدا تعیین متجاوز، بعد مجازاتهای اقتصادی و بازرگانی و مالی و قطع روابط دیپلماتیک و ارتباطات و در صورتی که این تدابیر برای انصراف متجاوز مؤثر نیفتد. در مرحله آخر می‌تواند خود دست به اقدامات نظامی

1- s/res/664(1990)

2- s/res/665(1990)

3- s/res/666(1990)

4- s/res/667(1990)

۵- طبق ماده ۴۱، از جمله قطع ارتباط دیپلماتیک و تجاری و اقتصادی، قطع ارتباطات زمینی و دریائی و هوائی و سایر راههای ارتباطی

بزند[۱].

شورا با صدور قطعنامه ۶۷۰ (۲۵ سپتامبر ۱۹۹۰) مقدمات اجرائی فصل هفتم منشور را فراهم می‌سازد. «تصمیم می‌گیرد که همه دولتها به هیچ هواپیمائی که بخواهد در عراق یا در کویت فرود آید، نمره کُد هر کشوری را هم که داشته باشد، اجازه پرواز بر فراز سرزمین خودشان را ندهند»[۲].

در قطعنامه ۶۷۴ (۲۹ اکتبر ۱۹۹۰)، «با تلاش برای اجرای فصل هفتم منشور ملل متحد» مصمم است فعالانه و به طور دائم مسئله را تا هنگامی که کویت استقلال خود را باز نیافته است و صلح بر اساس قطعنامه‌های برجسته شورای امنیت برقرار نشده است در دستور کار خود قرار دهد.[۳]

در قطعنامه ۶۷۷ (۲۸ نوامبر ۱۹۹۰)، «در تلاش برای اجرای فصل هفتم منشور ملل متحد»، «تلاشهای عراق جهت تغییر دادن ترکیب جمعیت مردم کویت و از بین بردن شناسنامه‌های صادر شده توسط دولت قانونی کویت را محکوم می‌کند»[۴].

در قطعنامه ۶۷۸ (۲۹ نوامبر ۱۹۹۰)، «به دولتهای عضو که با دولت کویت همکاری می‌کنند اجازه می‌دهد، در صورتی که عراق تا ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ قطعنامه‌های فوق‌الذکر را به اجرا در نیاورد. از تمامی وسایل ممکن برای مجبور کردن عراق به احترام و اجرای قطعنامه ۶۶۰ و تمامی قطعنامه‌های شایسته بعدی استفاده کنند تا صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه برقرار شود»[۵].

در قطعنامه ۶۸۶ (۳ مارس ۱۹۹۱) ، از عراق می‌خواهد «به اقدامات خصمانه یا تحرکات هدایت شده توسط نیروهایش علیه تمامی کشورهای عضو، از جمله حملات موشکی و پروازهای نظامی پایان دهد.»[۶]

در قطعنامه ۶۹۲ (۲۰ می ۱۹۹۱)[۷]، « تصمیم می‌گیرد که طبق بخش یک گزارش

۱- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:
الف) هوشنگ مقتدر، تحولات سازمان ملل متحد، چاپ دوم (شیراز: دانشگاه شیراز ۱۳۵۷).
ب) هوشنگ مقتدر «امنیت دستجمعی در تئوری و عمل»، مجله سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، (سال ششم، شماره اول ، بهار ۱۳۷۱ ، ص: ۷۴).

2- s/res/670(1990)
3- s/res/674(1990)
4- s/res/677(1990)
5- s/res/678(1990)
6- s/res/686(1991)
7- s/res/692(1991)

دبیرکل، صندوق و کمیسیون پیش‌بینی شده در پاراگراف ۱۸ قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱)[۱] را ایجاد کند».

در قطعنامه ۷۰۰ (۱۷ ژوئن ۱۹۹۱)، «تصمیم می‌گیرد که مسئله را همچنان در دستور کار خود حفظ نماید»[۲].

در قطعنامه ۷۰۵ (۱۵ اوت ۱۹۹۱)، به مسئله پرداخت غرامت توسط عراق از محل صادرات نفت می‌پردازد[۳].

قطعنامه ۷۰۶ به نحوه فروش نفت عراق در جهت تأمین نیازهای ضروری مردم می‌پردازد[۴].

قطعنامه ۷۰۷ (اوت ۱۹۹۱) بدلیل عدم همکاری عراق با UNSCOM[۵] به موضوع انهدام سلاحهای کشتار جمعی و موشکهای بالستیک اختصاص دارد و ضمن محکوم نمودن عراق، مقرر می‌دارد که عراق، «فوراً به هرگونه تلاش برای پنهان کردن، جابجائی یا انهدام (بدون اطلاع به کمیسیون ویژه و بدون موافقت قبلی آن) ملزومات یا تجهیزات مربوط به برنامه‌های سلاحهای اتمی، شیمیائی یا بیولوژیک یا موشکهای بالستیک و همچنین ملزومات و تجهیزات مربوط به دیگر فعالیتهای اتمی پایان دهد»[۶].

صدور سه قطعنامه بصورت سلسله‌وار و به تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۹۱ حاکی از عمق

۱- بند ۱۹ قطعنامه ۶۸۷: به دبیر کل سازمان ماموریت می‌دهد که طی سی روز پس از تصویب قطعنامه حاضر توصیه‌ها و پیشنهاداتی مربوط به چگونگی کارکرد صندق غرامت که به موجب پاراگراف ۱۸ دایر می‌شود، و مربوط به یک برنامه اجرای تصمیمات مذکور در پاراگرافهای ۱۶ تا ۱۸ می‌شود تهیه نموده و در معرض داوری و تائید شورای امنیت قرار دهد. توصیه‌ها و پیشنهادات مزبور بایستی بویژه درباره نکات زیر باشد: ارائه صندوق غرامت فوق‌الذکر، شیوه محاسبه سهم پرداختی عراق به صندوق مزبور، که بصورت نوعی درصد ارزش صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی آن کشور خواهد بود، که این صادرات خود حدودی خواهد داشت که دبیرکل به شورای امنیت پیشنهاد و میزانش با توجه به نیازهای ملت عراق و توانائی پرداختی آن کشور تعیین و با همکاری موسسات مالی بین‌المللی باملاحظه هزینه‌های مربوط به خدمات بدهی خارجی عراق ارزیابی خواهد شد و در این مورد مقتضیات اقتصادی عراق نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت.

2- s/res/700(1991)

3- s/res/705(1991)

4- s/res/706(1991)

۵- UNSCOM از سوی سازمان ملل متحد مأموریت نظارت و انهدام سلاحهای ممنوعه را در عراق برعهده گرفت. اعضای کمیته مذکور در دیماه ۱۳۷۷ و بدنبال حملات موشکی مشترک آمریکا و انگلیس از عراق اخراج گردیدند و عراق حاضر به پذیرش مجدد آنان نشد.

6- s/res/707(1991)

نگرانی شورای امنیت و خصوصاً آمریکا و انگلیس از اقدامات عراق می‌باشد.[۱]

قطعنامه ۷۱۲ (۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱) به موضوع صدور نفت در مقابل غذا با دخالت مستقیم سازمان ملل می‌پردازد[۲].

در قطعنامه ۷۱۵ (۱۱ اکتبر ۱۹۹۱) تصمیم می‌گیرد که با استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد، کمیسیون ویژه خلع سلاح عراق موسوم به UNSCOM به کنترل و بازرسی مداوم در عراق بپردازد[۳].

نظر به‌اهمیت موضوع، وزرای امور خارجه پنج کشور عضو دائم شورای امنیت در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۱ طی اعلامیه‌ای اظهار میدارند:

«وزرا بر این عقیده‌اند که وقایع خلیج (فارس) طی سال گذشته نشان داده است که شورای امنیت می‌تواند از طریق قاطع و به طور مؤثر، احترام به حقوق بین‌المللی را تأمین کند. آنها رفتار سماجت‌آمیز عراق در مورد عدم اجرای قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) و دیگر قطعنامه‌های مناسب شورای امنیت، منجمله برنامه عراق جهت توسعه سلاحهای کشتار دستجمعی و خصوصاً ممانعت از کار تیمهای بازرسی سازمان ملل متحد با زیرپاگذاشتن قطعنامه‌های ۶۸۷ و ۷۰۷ شورای امنیت، را غیر قابل قبول می‌دانند.»[۴]

در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲، شورای امنیت اجلاسی را با شرکت رؤسای کشورها و دولتهای عضو شورای امنیت و به ریاست نخست وزیر انگلیس تشکیل می‌دهد، موضوع اجلاس «مسئولیت شورای امنیت در قبال حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» عنوان گردید.

رئیس شورای امنیت طی اعلامیه‌ای در پایان می‌گوید:

«سال گذشته جامعه بین‌المللی توانست، با استفاده از قدرت سازمان ملل متحد به نحوی عمل کند که کویت حاکمیت و تمامیت ارضی خود را، که در پی تجاوز عراق از دست داده بود، مجدداً باز یابد. تدابیری که از آن زمان توسط شورای امنیت اتخاذ شده است برای برقراری صلح و امنیت در منطقه امری اساسی است و باید بطور کامل اجرا شود».[۵]

۱- از آغاز حمله عراق به کویت تا ۴ اکتبر ۱۹۹۹ مجموعاً ۲۸ قطعنامه از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در موضوع عراق صادر گردید. در موارد متعددی نیز شورا به عراق تأکید و هشدار داده، لیکن اقدام به صدور قطعنامه ننموده است.

2- s/res/712(1991)

3- s/res/715(1991)

4- s/sep/1991

5- s/jan/1992

از تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۹۱ تا ۴ اکتبر ۱۹۹۹ مجموعاً ۱۹ قطعنامه از سوی شورای امنیت صادر گردید که عمدتاً درخصوص همکاری با UNSCOM و مسائل انسانی در عراق بوده است.[1] در این مدت وقایعی در روابط عراق، آمریکا و سازمان ملل متحد بوقوع پیوست.

در ژوئن ۱۹۹۱ نیروهای متحد منطقه پرواز ممنوع را بالای مدار ۳۶ درجه وضع کردند.

در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۱ شورای امنیت برنامه انهدام سلاحهای ممنوعه عراق را تأیید و هزینه آنرا برعهده دولت عراق گذاشت، لیکن عراق مانع از دست‌یابی تیم انرژی اتمی به موارد ممنوعه شد و سربازان عراقی بطرف بازرسان تیراندازی کردند. شورای امنیت تیراندازی به طرف نیروهایش را محکوم و هیئت عالی رتبه‌ای را برای کسب تضمین از دولت عراق در زمینه آزادی عمل نیروهای آنسکام و انرژی اتمی راهی این کشور کرد.

در ۷ جولای اولین گروه بازرسان آنسکام شروع به انهدام سکوها و موشک‌های دوربرد عراق کردند. هیئت انرژی اتمی به انبار حاوی ۱۵ کیلوگرم اورانیوم غنی شده دست یافت و عراق تأکید کرد که این مواد برای اهداف صلح‌طلبانه است.

در ۱۱ آگوست ۱۹۹۱ آمریکا به نمایندگی از آنسکام پروازهای شناسایی با هواپیماهای U-2 را بر فراز عراق آغاز کرد.

در ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۱ بازرسان انرژی اتمی ۲/۲ تن آب سنگین را در عراق کشف کردند.

در سپتامبر ۱۹۹۱ عراق ۲ نفر از بازرسان انرژی اتمی را برای مدت ۴ روز در یک

1- s/res/778 (2 oct 1992)
s/res/899 (24 mar 1994)
s/res/949 (15 oct 1994)
s/res/986 (14 apr 1995)
s/res/1051 (27 mar 1996)
s/res/1060 (12 jun 1996)
s/res/1111 (4 jun 1997)
s/res/1115 (21 jun 1997)
s/res/1129 (12 sep 1997)
s/res/1134 (23 oct 1997)
s/res/1137 (13 nov 1997)
s/res/1143 (4 dec 1997)
s/res/1153 (20 feb 1998)
s/res/1154 (2 mar 1998)
s/res/1158 (25 mar 1998)
s/res/1175 (19 jun 1998)
s/res/1194 (9 sep 1998)
s/res/1205 (5 nov 1998)
s/res/1210 (24 nov 1998)
s/res/1242 (21 may 1999)
s/res/1266 (4 sep 1999)

پارکینگ زندانی کرد. منابع UNSCOM میگویند این اقدام پس از آن صورت گرفت که آنها کشف کردند عراق برنامه ساخت سلاحهای هسته‌ای را در دست دارد.

در اکتبر ۱۹۹۱ عراق به استفاده بازرسان از هلیکوپتر اعتراض کرد ولی آلمان از طرف UNSCOM پرواز با هلیکوپتر در عراق را آغاز کرد.

در همین ایام عراق پذیرفت که تحقیقاتی را برای ساخت بمب اتمی داشته است و اولین لیست از سلاحهای هسته‌ای شیمیایی، بیولوژیکی و موشکی خود در چارچوب قطعنامه ۷۰۷ ارائه کرد.

در فاصله ۲۴ مارس تا ۲۱ فوریه ۱۹۹۲ اولین تخریب شیمیایی شامل ۴۶۳ راکت ۱۲۲ میلیمتری حاوی ۲/۵ تن گاز اعصاب صورت پذیرفت. در همین زمان عراق اعلام کرد که همکاری کامل را برای اجرای قطعنامه ۶۸۷ داشته است و مخالف رژیم نظارتی بر سلاحهای ممنوعه‌اش نیست بلکه با شیوه آن که حاکمیت و امنیت ملی و تمامیت ارضی عراق را مورد تعرض قرار داده است مخالف است.

روز ۵ جولای ۱۹۹۲ عراق از ورود تیم بازرسان UNSCOM به وزارت کشاورزی جلوگیری کرد و شورای امنیت خواهان همکاری عراق با آنسکام برای دسترسی سریع آنها به ساختمان وزارت کشاورزی شد. عراق اجازه دسترسی به ساختمان وزارت کشاورزی را داد. کارشناسان خبر از انتقال بعضی از مواد از ساختمان دادند.

در آگوست ۱۹۹۲ منطقه پرواز ممنوعه زیر خط ۳۲ درجه در جنوب ایجاد شد و در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳، آمریکا، انگلیس و فرانسه پروازهای هوایی خود را بر مناطق ممنوعه آغاز کردند.

روز ۱۷ ژوئن ۱۹۹۳ عراق اجازه نصب دوربین در دو سایت خود و همچنین اجازه انتقال سلاحهای شیمیایی را برای انهدام نداد.

روز ۱۶ اکتبر ۱۹۹۴ عراق تهدید به قطع همکاریهایش با آنسکام و انرژی اتمی و همچنین حرکت نیروهایش به سمت مرز کویت نمود. شورای امنیت گفت قطع همکاریهای عراق غیرقابل پذیرش است و آمریکا ۵۰۰۰۰ نفر به نیروهایش در کویت افزود. لذا در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۴ عراق نیروهایش را به مواضع قبل برگرداند و گفت حاضر است حاکمیت کویت را بپذیرد. شورای امنیت بار دیگر تحرکات عراق به سمت مرزهای کویت را محکوم کرد و از عراق خواست تا با آنسکام همکاری کامل داشته باشد و در ۱۰ نوامبر شورای فرماندهی انقلاب و مجلس ملی عراق با صدور بیانیه‌ای دولت

کویت و مرزهای بین‌المللی میان عراق و کویت را به رسمیت شناختند.

در اول جولای ۱۹۹۵ صدام حسین تهدید کرد چنانچه تحریم‌ها لغو نشود آنسکام وانرژی اتمی را از عراق بیرون می‌کند.

۷ آگست ۱۹۹۵ حسین کامل حسن مسئول سلاحهای کشتار جمعی و برنامه موشک‌های بالستیک عراق به اردن گریخت. ۱۷ آگست ۱۹۹۵ـ عراق بیانیه‌ای شامل تمامی برنامه‌های تسلیحاتی گذشته خود صادر کرد و پذیرفت که کلاهک‌های جنگی از سلاحهای بیولوژیکی تهیه کرده و گفت حسین کامل حسن این اطلاعات را از دولت عراق مخفی کرده بود و تهدید اخراج آنسکام و انرژی اتمی لغو شد. عراق ۶۸۰۰۰۰ صفحه مدارک درخصوص برنامه‌های تسلیحاتی گذشته خود را در اختیار آنسکام و انرژی اتمی گذاشت.

در مارس ۱۹۹۶ شورای امنیت مکانیزم کنترل صادرات و واردات عراق را وضع کرد.

آنسکام در دسامبر ۱۹۹۷ اعلام کرد که عراق درحالیکه بازرسان در پشت درب سایت‌های حساس بودند شروع به سوزاندن مدارک در داخل این سایت‌ها نمود. این حوادث توسط آنسکام ضبط ویدئویی شد.

در اواخر سپتامبر ۱۹۹۷ آنسکام گفت به بازرسان اجازه داده نشده است از مقرهای ریاست جمهوری بازدید نمایند. برای اولین‌بار از زمان شروع کار آنسکام در شورای امنیت شکاف افتاد. [۱۰ رأی موافق و ۵ رأی ممتنع برای موضوع بازرسی مقرهای ریاست جمهوری عراق] طارق عزیز به شورای امنیت گفت عراق دیگر هیچ تبعه آمریکایی را در قالب تیم آنسکام نمی‌پذیرد و خواهان توقف پروازهای U-2 شد. شورای امنیت هر دو خواسته را رد کرد. شورای امنیت عراق را بدلیل عدم همکاری محکوم کرد و تحریم جدیدی برای محدودسازی سفر مقامات عراقی وضع کرد. عراق خواهان خروج نیروهای آمریکایی آنسکام ظرف ۲۴ ساعت از عراق شد. آنسکام نیروهای خودش را به غیر از تعدادی محدود از عراق خارج کرد. شورای امنیت عراق را محکوم کرد. عراق با فرستاده روسیه به توافق رسید، آنسکام به همراه اتباع آمریکایی به عراق بازگشتند.

در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۷، باتلر در گزارش دیدار خود از بغداد آورده است: عراق مانع دسترسی آنسکام به مقرهای حکومتی و ریاست جمهوری شده درحالیکه هیچ

استثنایی در قطعنامه‌ها نیامده است. روز ۲۲ دسامبر ۱۹۹۷، شورای امنیت از عراق خواست تا امکان دسترسی به تمامی سایت‌ها را فراهم نماید و جلوی تیم بازرسی اسکات ریتر برای بازرسی سایت عراق گرفته شد، عراق گفت تعداد زیادی از اتباع آمریکایی و انگلیسی در این تیم هستند و در ۲۲ ژانویه ۱۹۹۸، باتلر درگزارش سفر خود به عراق گفت: عراق مانع بازرسی ۸کاخ ریاست جمهوری شده است.

در فاصله ۲۳-۲۰ فوریه ۱۹۹۸ دبیرکل از عراق بازدید کرد و با صدام حسین و طارق‌عزیز ملاقات کرد و توافق شد تا اجازه دسترسی به این مقرها داده شود اما یک تیم جدید از سوی دبیرکل برای این بازرسیها برگزیده شود. شورای امنیت توافق دبیرکل با عراق را تأیید کرد و در ۴ آوریل دسترسی به مقرهای ریاست جمهوری حاصل شد.

در می ۱۹۹۸ بغداد نزارالهنداوی یکی از بنیانگذاران برنامه سلاحهای بیولوژیکی عراق را بازداشت کرد. گفته شد که وی با یک پاسپورت جعلی قصد فرار داشته است. پس از آن عراق مدارک زیادی را به آنسکام تحویل داد و اعلام کرد که آنها را از دفتر الهنداوی بدست آورده است.

در آگوست ۱۹۹۸ باتلر برای مرور برنامه پیشنهادیش به عراق سفر کرد طارق‌عزیز تأکید که باتلر باید به شورای امنیت بگوید عراق همکاری کامل را با UNSCOM داشته است، اما باتلر گفت براساس شواهد نمی‌تواند چنین حرفی را بزند، طارق عزیز صحبت خود با باتلر را معلق کرد و یک کمیته مشترک شورای فرماندهی انقلاب و فرماندهان حزب بعث تصمیم به قطع همکاریها با بازرسان آنسکام و سازمان بین‌المللی انرژی اتمی گرفتند. شورای امنیت عراق را محکوم و بررسی لغو تحریم‌ها را تا اجازه فعالیت مجدد و کامل آنسکام به حالت تعلیق درآورد. باتلر در گزارشی که به شورای امنیت و براساس اظهارات متخصصین ۷کشور و آنسکام ارائه کرد نوشت در نتایج تجزیه و تحلیل آزمایشگاهی در آمریکا، سوئیس و فرانسه مشخص گردید که کلاهک‌های موشک‌های اسکاد به وی ـ ایکس آغشته شده بود. در ۳۱ اکتبر ۱۹۹۸ عراق به تمامی همکاریهایش با آنسکام پایان داد ولی در آستانه حملات هوایی آمریکا به عراق، عقب‌نشینی کرد و با بازگشت آنسکام به عراق موافقت کرد. آمریکا و انگلیس هشدار دادند نتیجه عدم‌همکاری کامل عراق با بازرسان، حملات سریع بدون هشدار قبلی خواهد بود. در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۸ باتلر گزارش کرد که با توجه به دیدگاههای عراق، آنسکام قادر نیست مأموریت‌های خلع سلاح خود را ادامه دهد.

و در فاصله ۱۹-۱۶ دسامبر ۱۹۹۸ در عملیات ۴ روزه روباه صحرا بسیاری از اهداف نظامی و سیاسی مورد حمله هوایی واقع شدند.

در نیمه‌شب ۲۶ آذر ۱۳۷۷ کلینتون به ناوهای آمریکایی مستقر در خلیج فارس دستور داد عراق را زیر حملات سنگین موشکی و هوایی خود قرار دهند. انگلیس تنها دولتی بود که در این عملیات به کمک آمریکا شتافت. حملات مذکور چهار شبانه‌روز ادامه یافت و طی این مدت صدها فروند موشک کروز و هواپیمای B52 مراکز نظامی، امنیتی و حکومتی را در عراق هدف قرار دادند، که به تعدادی غیرنظامی نیز آسیب وارد آمد.

بدنبال اعتراضات مردمی در سراسر جهان و نگرانی برخی دولت‌ها از اقدام خودسرانه آمریکا و خدشه‌دار نمودن کارآئی شورای امنیت و همچنین تلاشهای آقای خاتمی رئیس جمهور اسلامی ایران بعنوان ریاست سازمان کنفرانس اسلامی و با آغاز ماه مبارک رمضان، حملات هوایی و موشکی آمریکا در تاریخ ۳۰ / آذر / ۷۸ قطع گردید. در پایان عملیات، کلینتون و تونی بلر رئیس جمهور آمریکا و نخست‌وزیر انگلیس طی نطق تلویزیونی مطالبی را عنوان کردند. کلینتون گفت:

«ما شک نداریم که اگر کنترلها برداشته شود صدام حسین به حالت قبل برمی‌گردد. صدام نبایستی توانائی دستیابی به سلاحهای هسته‌ای، گاز شیمیایی و سلاحهای بیولوژیکی را داشته باشد. هدف ما در این عملیات نظامی کاهش برنامه‌های سلاح کشتارجمعی و سیستم‌های انتقال این قابلیت‌ها بود که به اهداف خود رسیدیم. مادامی که صدام حسین در رأس قدرت باشد تهدیدی جدی برای مردم عراق، منطقه و جهان خواهد بود.

استراتژی ما درخصوص عراق این چنین است که، اولاً ما حضور نظامی قوی خود را در منطقه حفظ می‌کنیم و همواره آماده ضربه زدن به صدام حسین هستیم؛ ثانیاً منطقه ممنوعه پروازی را در شمال و جنوب ادامه میدهیم، ثالثاً تحریم‌ها ادامه خواهد یافت، ما سالانه ۱۰ میلیارد دلار برای غذا و داروی مردم عراق در چارچوب توافقنامه نفت در مقابل غذا (از طریق سازمان ملل متحد) اختصاص داده‌ایم. ما اصرار داریم که نفت عراق باید صرف تأمین غذا شود ونه تولید تانک و موشک. رابعاً، UNSCOM بایستی به عراق برگردد. استراتژی درازمدت آمریکا حذف صدام‌حسین درعراق است».

تونی بلر نیز اظهارات مشابهی داشت و افزود: «ما کمترین خسارات را در حملات اخیر خود به مردم زده‌ایم و از بابت تلفات نیروی انسانی اگر وجود داشته باشد متأسفیم.

به مردم عراق می‌گوئیم که ما هرگز با شما جنگ نداریم و هر دو دشمن مشترکی بنام صدام حسین داریم».

طارق عزیز معاون صدام حسین (معاون نخست وزیر)[۱] در پایان حملات نظامی مشترک آمریکا و انگلیس اظهار داشت که حملات متوجه ریاست جمهوری، گارد ویژه و سایر مراکز حکومتی بوده است و در مجموع ۶۲ نظامی عراق کشته و ۱۸۰ نظامی مجروح شده‌اند و آمار تلفات غیرنظامیان بمراتب بیشتر است و بیمارستان‌ها و مناطق مسکونی زیادی هدف قرار گرفته‌اند.[۲]

با پایان حملات آمریکا، دولت عراق مواضع ذیل را اتخاذ کرد:

۱ـ انتقاد از عدم کارآئی سازمان ملل متحد و اقدام خودسرانه و شکست شورای امنیت.

۲ـ اخراج تمامی اعضای UNSCOM از عراق.

۳ـ اخراج تمامی اتباع آمریکایی که بعنوان کارکنان سازمان ملل در عراق فعال بوده‌اند.

۴ـ عدم برسمیت شناختن مناطق ممنوعه پروازی در شمال و جنوب و دستور به نیروی هوائی عراق به منظور مقابله با هرگونه تجاوز هواپیماهای آمریکایی و انگلیسی در مناطق ممنوعه پروازی. براساس گزارشات اداره نظارت ملی عراق از زمان پایان حملات چهار روزه آمریکا در آذرماه ۷۷ تا آبان ۱۳۷۸ بالغ بر ۲۰۰۰۰ سورتی پرواز توسط هواپیماهای آمریکا و انگلیس در شمال عراق با حمایت پایگاه اینجرلیک در ترکیه و در جنوب با حمایت عربستان سعودی و کویت و به کمک هواپیماهای پیشرفته آواکس انجام شده است و علاوه بر مراکز پدافند هوائی، صدها غیرنظامی آسیب دیده‌اند. مضافاً اینکه هواپیماهای شناسایی ـ جاسوسی U-2 در تمامی آسمان عراق مرتباً پرواز می‌کنند و عکسبرداری از نقل و انتقالات نظامی و تحرکات حکومت عراق با این سیستم پیشرفته جاسوسی انجام می‌گیرد.

نتیجه اینکه آمریکا توانست با سوار شدن بر موج قطعنامه‌های شورای امنیت

۱ـ پست‌های رهبری و ریاست جمهوری در اختیار صدام حسین می‌باشد و بدلیل شرایط خاص ناشی از تداوم تحریم‌ها و... صدام حسین شخصاً پست نخست‌وزیری را هم در اختیار دارد.

۲ـ سخنان کلینتون، بلر و طارق عزیز بطور همزمان از شبکه‌های تلویزیونی CNN و BBC و الجزیره در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۳۰ پخش گردید.

حلقه استراتژی مهار خود را نسبت به عراق تنگ‌تر نماید. اشتباهات محاسباتی دولتمردان عراق نیز فرصت‌های طلایی را برای آمریکا فراهم آورد که نتیجه روشن آن، حضور قلدرمآبانه نظامیان آمریکایی در خلیج فارس و کشورهای منطقه، کشتار مردم مسلمان عراق و به هدردادن سرمایه مسلمین در راستای استراتژی استکباری آمریکا می‌باشد.

از دیگر ابزارهای اعمال استراتژی مهار عراق می‌توان به بحث نقض حقوق بشر و مطرح نمودن طرح تشکیل دادگاه جنایتکار جنگی و اجلاس معارضین در واشنگتن اشاره کرد که در فصل‌های بعدی بدان می‌پردازیم.

فصل سوم

سیاست مهار جمهوری اسلامی ایران

بخش اول :

مهار ایران در تئوری

بخش دوم :

مهار ایران در عمل

بخش اول : استراتژی مهار ایران در تئوری

مقامات ارشد آمریکا در تبیین اهداف سیاست مهار دوگانه تصریح کرده‌اند که هدف استراتژی، سرنگون کردن نظام جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه دگرگون ساختن رفتار دولت ایران در زمینه‌های زیر است :

۱) مخالفت با جریان مذاکرات صلح خاورمیانه.

۲) تلاش برای دستیابی به سلاحهای مخصوص کشتار جمعی بویژه جنگ افزارهای هسته‌ای.

۳) حمایت ایران از تروریسم.

۴) نقض حقوق بشر در داخل ایران.

۵) تهدید همسایگان خود[1].

الف) ایران و روند صلح خاورمیانه :

موفقیت جریان صلح خاورمیانه، با فرارسیدن دوران مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا، هم از نظر داخلی و هم از لحاظ خارجی برای کاخ سفید بسیار حائز اهمیت است. مقامات کاخ سفید بارها اعلام کرده‌اند که «مواضع کشورهای منطقه در قبال صلح خاورمیانه، شاخص سیاست‌های آمریکا در قبال آنهاست و هر کشوری زودتر به جریان صلح بپیوندد بیشتر از منافع آن برخوردار می‌شود و هر چه بیشتر تأخیر کند زیان بیشتری می‌بیند[2]. این مقامات امیدوارند که با پیوستن سوریه و لبنان به جریان صلح خاورمیانه، حلقه فشارهای آمریکا و حتی‌الامکان هم‌پیمانانش برای مهار ایران تنگ‌تر شود و ایران هر چه بیشتر در منطقه منزوی گردد. از دید آنان، تهران، برعکس بغداد، در برخورد با مسئله صلح خاورمیانه ناشیانه عمل می‌کند و خود را در دامن برخی گروههای افراطی فلسطینی انداخته است، در حالی که هیچ کس نمی‌تواند با اطمینان از موضع صدام حسین در مورد تل‌آویو سخن بگوید. مقامات آمریکایی اظهار می‌دارند که ایران می‌تواند با حفظ مواضع سیاسی خود در قبال مسئله اعراب و اسرائیل به گونه‌ای عمل

1- Anthony Lake - FOREIGN AFFAIRS / Vloume 73 / NO : 2 / March, April / 1994

۲- رادیو صدای آمریکا - اخبار شامگاهی (۷۴/۱۰/۱۴).

کند که مسئول اصلی اقدامات تروریستی گروههای فلسطینی شناخته نشود. به عبارت دیگر، ایران نباید مخالفت سیاسی خود با روند مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل را به مرحله اجرا درآورد.

ب) اقدامات یک‌جانبه آمریکا :

کابینه کلینتون مهار ایران را به طور کلی بر دو پایه نظامی و اقتصادی استوار کرده است. البته در بعد سیاسی، مقامات آمریکائی باب گفتگو با ایران را همچنان باز نگهداشته‌اند و بارها بر گفتگوی آشکار با ایران برای شناخته شدن دقیق مواضع و خواست‌های دو طرف و جلوگیری از بروز سوء تفاهم تصریح کرده‌اند. ضمناً مخالفت شدید خود را به دلایل داخلی و منطقه‌ای، با انجام هر گونه مذاکره پنهانی با ایران اعلام نموده‌اند. در زمینه رفتار سیاسی آمریکا با ایران، سه نکته قابل توجه است :

اول : در مذاکره با ایران، همواره آمریکا پیشقدم است، لیکن با طرح اتهامات ناروا به ایران.

دوم : واشنگتن تأکید می‌کند که مذاکرات باید آشکار و از مجاری رسمی و صلاحیتدار ایرانی صورت گیرد.

سوم : رفتار ایران در دستورکار هرگونه مذاکره احتمالی خواهد بود.[1]

بعد نظامی مهار ایران شامل حضور نیروهای آمریکا در منطقه، مقابله با فروش و صدور هرگونه تسلیحات مخصوص کشتار جمعی و تکنولوژی پیشرفته به ایران و همچنین حفظ آمادگی لازم برای برخورد با تحرکات غیرمتعارف نیروهای ایران در منطقه می‌باشد. در طرح فرماندهی مرکزی نیروهای آمریکا درباره آرایش نیروهای نظامی در منطقه خلیج فارس، همواره نسبت به برنامه‌های تقویت بنیه نظامی ایران ابراز نگرانی شده است. مقامات پنتاگون اظهار می‌دارند که حضور نیروهای آمریکایی در منطقه در صورت ضرورت می‌تواند بر ضد ایران نیز به کار گرفته شود. بعلاوه کابینه کلینتون برای مهار ایران در پی ایجاد اتحاد استراتژیک منطقه‌ای است. وزیر دفاع وقت آمریکا، طرح ایجاد اتحاد استراتژیک منطقه‌ای برای مهار کردن ایران و عراق را برملا ساخت. اکنون نیز وزیر دفاع آمریکا بر ضرورت مهار جمهوری اسلامی ایران در منطقه

۱- مجتبی امیری ، «ایران و آمریکا : نگاهی دیگر» ، مجله اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی شماره ۹۶ ـ ۹۵ ، تهران ، ۱۳۷۴ ، ص ۱۶ .

سخن می‌گوید و تهدیدات عراق و ایران را مهمترین عامل برای تداوم حضور نظامیان آمریکایی در خلیج فارس میداند.

از بعد اقتصادی نیز برقراری هر نوع روابط اقتصادی و تجاری یا هرگونه اقدام یک جانبه یا چند جانبه‌ای که موجب تقویت و رشد اقتصادی ایران شود، ممنوع است. هدف از تحریم‌های اقتصادی آمریکا جلوگیری از دسترسی ایران به منابع مالی و تکنولوژیک مورد نیاز برای تقویت بنیه استراتژیک خویش است.

ج) اقدامات چند جانبه آمریکا :

کابینه کلینتون برای تحقق اهداف استراتژی مهار ایران، از آغاز در پی جلب نظر و کسب حمایت کشورهای غربی و دوستان منطقه‌ای آمریکا بوده است، زیرا در حالی که قطعنامه‌ای از سوی سازمان ملل متحد در مورد تحریم ایران صادر نشده است، موفقیت آمریکا در گرو همکاری متحدان اروپائی و ژاپنی و دولتهای منطقه می‌باشد. البته، سیاست تحریم اقتصادی ایران از آغاز مورد پشتیبانی دوستان آمریکا قرار نگرفت و عملاً موجب کاهش تأثیر آن شد. در پاسخ به درخواست آمریکا از هم‌پیمانانش مبنی بر محدود کردن روابطشان با جمهوری اسلامی، از جمله عدم فروش اقلام فنی پیشرفته یا اجناسی که هم در صنایع نظامی و هم در صنایع غیرنظامی کاربرد دارد، کشورهای اروپایی و ژاپن از سیاست آمریکا بعنوان سیاستی «غیراصولی» یاد کرده‌اند.

از سوی دیگر، هم‌پیمانان آمریکا سیاست مهار دوگانه در قبال ایران و عراق را سیاستی تبعیض‌آمیز و دوگانه می‌دانند و معتقدند که آمریکا از یک طرف اصرار بر ادامه تحریم‌ها در مورد عراق دارد اما از طرف دیگر معاملات چند صد میلیونی خود با ایران را از راههای مختلف حفظ کرده است.

البته دولت کلینتون با اعمال تحریم همه‌جانبه می‌تواند در مقابل مقاومت دوستانش استدلال نماید که این تحریم‌ها هر چند با منافع اقتصادی آن کشور مغایر است اما به دلیل پایبندی دولت آمریکا به مواضع «اصولی» اتخاذ شده است. بدین ترتیب دولت آمریکا خود را در مقام «رهبر جهان غرب» برای «مهار ایران» قرار داده است، رهبری که حاضر است برای نیل به هدف مشترک غرب یعنی تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران، حتی از منافع مادی خود چشم‌پوشی کند. به عبارت دیگر، تحولات اخیر سبب می‌شود که دولت آمریکا بتواند با قدرت بیشتری سیاست خود در قبال ایران را نزد

هم‌پیمانان خود پیگیری کند و آنها را تحت فشار قرار دهد. البته مقامات آمریکائی عدم موفقیت خود در متقاعد ساختن مسکو به خودداری از فروش راکتورهای هسته‌ای به ایران و همچنین قرارداد شرکت توتال فرانسه با ایران را موقتی تلقی کردند و امیدوار بودند که در آیندهٔ نزدیک این همکاری خاتمه یابد. موارد مزبور بر جدّیت آمریکا در اعمال فشار به هم‌پیمانان خود خللی وارد نیاورد، بلکه موجب تغییر نحوه اجرای سیاست آمریکا در قبال ایران شد، بدین معنی که آمریکائیها کوشیدند با زمینه‌سازی بیشتر و حتی‌الامکان با دیپلماسی آرامتر، هم‌پیمانان خود را درباره لزوم مهار کردن ایران متقاعد سازند.

البته باید توجه داشت که در غایت امر منافع ملی کشورها تعیین کننده مواضع آنها در قبال یکدیگر است. تا هنگامی که منافع ملی ـ اقتصادی کشورهای اروپایی و ژاپن اقتضاء کند، در برخی زمینه‌ها در برابر فشارهای آمریکا مقاومت نشان می‌دهند، در غیر این صورت ممکن است ضمن حفظ چهره مستقل خود در صحنه داخلی و بین‌المللی، به خاطر جمهوری اسلامی ایران در روابطشان با آمریکا شکاف عمده‌ای به وجود نیاورند و حتی در پشت پرده با آمریکا همراهی کنند. ایران در سالهای اخیر توانست سیاست فعال و پویایی را در اروپا دنبال نماید و موارد اختلاف منافع کشورهای اروپایی و ژاپن را شناسایی و از آنها به گونه‌ای حساب شده بهره برداری کند.

برخی از نمایندگان حزب جمهوریخواه حتی اعمال تحریم‌های شدیدتری در مورد ایران را توصیه می‌کنند. جالب توجه است که قبل از آن که کلینتون دستورالعمل‌های اجرایی خود را صادر کند، نماینده جمهوریخواهان نیویورک «آلفونس داماتو»[1] در مقام رئیس کمیسیون امور بانکی و مسائل شهری مجلس سنا پیش‌نویس طرحی را برای تحریم همه جانبه ایران در سنا مطرح کرده بود که حتی شامل تحریم شرکتهای غیر آمریکایی که با جمهوری اسلامی ایران داد و ستد داشته‌اند، می‌شد. نیوت گینگریچ[2] نماینده جمهوریخواه و رئیس مجلس نمایندگان آمریکا که از قدرتمندترین اعضای کنگره محسوب می‌شود نیز همواره آشکارا سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران را مطرح ساخته است.[3]

1- Alfuns Damato

2- Nieut Gingerich

۳- استراتژی مهار ایران، سیاست مشترک دو حزب جمهوریخواه و دموکرات است.

«امروز در آمریکا، مسئله ایران مایه درگیری‌های انتخاباتی است. افکار عمومی آمریکا که سخت متأثر از رسانه‌های خبری تحت کنترل یهودی‌هاست، سیمای مطلوبی از ایران ندارد. هر نماینده‌ای برای جلب حمایت حوزه انتخابی خود حمله به ایران را ضروری می‌داند. به گفته یک مقام ارشد در کابینه کلینتون، امروز هیچ کس جرأت ندارد با دفاع از ایران آینده سیاسی و اجتماعی خود را به خطر اندازد. قبلاً جمهوریخواهان در فضای جنگ سرد، جایگاه تاریخی، جغرافیایی و استراتژیک مهمی برای ایران قائل بودند. اما امروز سیادت آمریکا بر جهان را تقریباً تثبیت شده می‌بینند و بعلاوه، موقعیت کشورها را براساس منافع اقتصادی آمریکا می‌سنجند نه اهمیت تاریخی و فرهنگی آنها»[۱].

د) محصورسازی ایران از دیدگاه سیاستمداران غربی :

اکنون به آراء و نقطه نظرات دست‌اندرکاران مسائل سیاست خارجی که دارای سوابقی در خاورمیانه و ایران هستند مراجعه می‌کنیم و از دیدگاه آنان استراتژی مهار دوگانه را در مورد جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

همانگونه که اشاره گردید، سازمان لابی یهودیان آمریکا[۲]، عمده‌ترین نقش را در راستای اعمال تحریم‌ها بر روی ایران ایفاء می‌کند. این سازمان در گزارشی در تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۷۴ می‌نویسد: «سه عنصر حیاتی برای مهار کردن ایران عبارتند از :

۱) متوقف شدن کلیه معاملات تجاری آمریکا با ایران.

۲) ایجاد موانع در راه کشورهای ثالثی که با ایران روابط تجازی دارند و به آن کشور کمک مالی می‌کنند.

۳) قطع شدن هرگونه حمایت مالی سازمانهای بین‌المللی از ایران.

در این گزارش با اشاره به اینکه آمریکا باید آلمان، ژاپن و فرانسه را برای خاتمه بخشیدن به حمایت مالی از ایران، تحت فشار بگذارد، آمده است: «بی‌تردید کشورهای

۱- مجتبی امیری ، «ایران و آمریکا : نگاهی دیگر» ، مجله اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی شماره ۹۶ ـ ۹۵ ، تهران ، ۱۳۷۴ ـ ص ۱۷ـ۱۶ .

۲- صهیونیست‌های آمریکا سیاست‌های خود را از طریق سازمانی بنام AIPAC (کمیته امور عمومی اسرائیلی آمریکائی) دنبال می‌کنند.

منطقه نیز از تشدید تحریم‌ها بر ضد ایران حمایت خواهند کرد زیرا از ایران، به اندازه عراق واهمه دارند. بعلاوه، جلوگیری از کنترل منطقه توسط ایران به سود آمریکا، اسرائیل و کشورهای میانه‌رو عرب است».[۱] جفری کمپ* عضو شورای امنیت ملی (در زمان رونالد ریگان) می‌گوید :[۲]

«ایران برای ممالک منطقه و منافع آمریکا بسیار تهدید کننده است و دفع چنین خطری بدون همکاری آمریکا با شورای خلیج فارس ممکن نخواهد بود البته اگر این همکاری از حدی فراتر رود، رژیمهای منطقه را با خطر رادیکالها مواجه خواهد ساخت. در واقع خطرهای ناشی از ایران برای امنیت منطقه بطور مستقیم و غیر مستقیم و به اشکال گوناگون از جمله استفاده احتمالی از سلاحهای هسته‌ای، شیمیائی و بیولوژیک، خرابکاری در دولتهائی چون عربستان سعودی و مصر، دست زدن به اقدامات تروریستی علیه مخالفان و سکولاریستهای دیگر کشورهای اسلامی و خلاصه به صورت مخالفت با روند صلح خاورمیانه ظاهر خواهد شد».[۳]

هـ) دلایل اصلی آمریکا از اتخاذ سیاست مهار ایران :

طراحان استراتژی مهار دوگانه معتقدند که مشکل آمریکا با ایران در پنج زمینه است:

اول : تلاش برای دستیابی به‌تسلیحات هسته‌ای وسایر انواع تسلیحات کشتار جمعی.

دوم : تلاش برای دستیابی به قدرت تهاجمی در زمینه تسلیحات متعارف به منظور تهدید همسایگان خود.

سوم : حمایت از تروریسم در سراسر جهان.

چهارم : تلاش در جهت مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل چه از طریق ایراد سخنرانیهای تند و تحریک‌آمیز و چه از طریق اعمال خشونت‌آمیز.

پنجم : تلاش در جهت بهره‌برداری از موقعیت دشواری که برخی از دوستان منطقه‌ای ما در آن گرفتار هستند.

۱- همان منبع

* Jefrry Camp

۲- مطالب جفری کمپ در کنفرانس روابط ایران و آمریکا در واشنگتن ، در ۷۴/۲/۸ ایراد گردیده است.

۳- رسانه‌های خبری ـ خرداد ۷۴ .

«ایندیک» ضمن تأکید بر برخورد جدی با ایران و اهداف و عملکردهایش می‌گوید: «**رویه جدید آمریکا بر مبنای خصومت و مقابله با ایران قرار دارد و در نتیجه هیچ گونه همکاری با ایران که منجر به افزایش توانمندی آن کشور گردد، انجام نخواهد شد**»[۱]

همچنین «آنتونی لیک» مشاور امنیتی کاخ سفید در تبیین رفتار آمریکا علیه ایران اعتقاد دارد که «سیاست مهار بعنوان مؤثرترین پیام ایالات متحده و نظام بین‌الملل برای تحت فشار قرار دادن ایران تلقی می‌گردد، زیرا براساس آن متحدین آمریکا از پیگیری و انجام هرگونه روابط عادی و مثبت با ایران خودداری خواهند کرد، تا بر اثر آن، کشور ایران مجبور به تغییر رفتار و الگوی رفتارهای خود در نظام بین‌المللی گردد».[۲]

در بیان دلایل اتخاذ سیاست مهار دوجانبه از سوی آمریکا علیه ایران، نقطه نظرات متعددی ذکر شده است. بعضی از کارشناسان مسائل بین‌المللی معتقدند، یکی از دلایل خصومت دولت آمریکا با ایران، نیاز سیاست خارجی آمریکا به ایجاد یک دشمن خارجی جدید پس از فروپاشی اتحاد شوروی است. بعبارت دیگر، ایران و اسلام بنیادگرا جای بلوک شرق و کمونیسم را گرفته است.

از دیگر دلایلی که در مورد سیاست مهار ذکر شده است اعتقاد «مارتین ایندیک» مبنی بر محو حضور و قدرت ایران در منطقه خاورمیانه است. وی می‌گوید: «چنانچه بتوانیم امنیت را طوری در جنوب لبنان برقرار کنیم که امکان عقب‌نشینی اسرائیل و امضای معاهده صلح بین اسرائیل و لبنان فراهم شود و چنانچه درنتیجه این اقدامات، امکان فعالیت حزب‌ا... در جنوب لبنان از بین رود و فعالیتهای آن در کل لبنان محدود و محدودتر شود، به نظر من خواهیم توانست یک ضربه استراتژیک بر پیکر آرمانهای ایران که همانا نفوذ در قلب خاورمیانه است، وارد سازیم.[۳]

۱- بولتن وزارت امور خارجه ـ گزارش خبری ـ ۲۶ فوریه ۱۹۹۴ (۷۲/۱۲/۷).

2- Anthony Lake / FOREIGN AFFAIRS / Volume 73 / NO: 2 / March , April / 1994.

۳- علیرضا، سلطانشاهی، «نگاهی دوباره به‌استراتژی مهاردوگانه»، روزنامه جمهوری‌اسلامی، اسفند۱۳۷۴.

بخش دوم: استراتژی مهار ایران در عمل

الف) طرح آلفونس داماتو:

سناتور جمهوریخواه آلفونس داماتو[1] که در کنگره ایالات متحده آمریکا، پیشگام طرحهایی علیه حکومت اسلامی ایران می‌باشد طرح جامعی را برای تحریم اقتصادی ایران ارائه داد. اولین طرح وی در ژانویه ۱۹۹۴ مطرح گردید. وی در این طرح مدعی بود که شرکتهای آمریکایی در سال ۱۹۹۳ بیش از ۷۵۰ میلیون دلار کالا از جمله لوازم حساس به ایران فروخته‌اند. وی طرحی را ارائه کرد که طی این طرح شرکتهای آمریکایی از خرید نفت ایران و فروش آن در خارج از آمریکا منع می‌شدند و اجرای آن بعنوان یک طرح جامع و شامل برای سال ۱۹۹۵ در نظر گرفته شده بود. قبل از این شرکتهای آمریکایی تنها از وارد کردن نفت ایران به داخل آمریکا ممنوع شده بودند. براساس ادعای داماتو، شرکتهای آمریکائی در سال ۱۹۹۴ علاوه براینکه ۲۰٪ از نفت خام ایران را برداشت می‌کردند، حدود ۳/۵ میلیارد دلار از نفت خام این کشور را نیز در بازار بین‌المللی خریداری می‌کردند. پیشنهاد جامع داماتو این بود که بانک جهانی، انجمن توسعه بین‌المللی، بانک توسعه آسیائی و صندوق بین‌الملل پول با هر گونه گسترش اعتبار به ایران مخالفت کنند. بدلیل مخالفت وزرای بازرگانی، خزانه‌داری و انرژی آمریکا این طرح، به تصویب نرسید. سناتور داماتو پس از این اقدامات، در ۲۷ ماه مارس ۱۹۹۵ (۱۳۷۴/۱/۷) طرح پیشنهادی دیگری را دنبال نمود. طبق این طرح هر دولت و کمپانی خارجی که با جمهوری اسلامی ایران وارد معامله شود از سوی ایالات متحده مورد تحریم قرار خواهد گرفت.[2]

آقای جان لیکس بلا[3] رئیس بنیاد پژوهش‌های صنعت نفت در نیویورک که در جلسه کمیته سنای آمریکا درباره اثرات تحریم‌ها علیه ایران بعنوان یک کارشناس نظرات خود را بیان کرد، می‌گوید:

«این تحریم‌ها اثر بسیار کمی بر اقتصاد ایران خواهد داشت و من این نظر را در

1- Alfuns Damato

۲- اخبار رادیو B.B.C، ۷۴/۱/۱۲.

3- Jan Liks Bella

کمیته سنا ابراز کرده‌ام. زیرا اگر شرکتهای نفتی آمریکائی نفت ایران را نخرند، شرکتهای سایر کشورها به همان مقدار و نرخ خریدار نفت ایران خواهند بود. تصور نمی‌رود که شرکتهای اروپایی و ژاپنی به تحریم نفتی ایران توسط آمریکا اعتناء بکنند. خرید نفت ایران توسط شرکتهای آمریکائی که در سال ۱۹۹۱ بسیار ناچیز بود ظرف سالهای بعداز آن فوق‌العاده افزایش یافت و به سالی چهار میلیارد دلار رسید، زیرا پس از حمله عراق به کویت، شرکتهای نفتی آمریکائی تدریجاً به نفت ایران روی آوردند. اگر واقع‌بین باشیم اثر این تحریم‌ها برای ایران نامحسوس ولی برای شرکتهای آمریکائی نامطلوب خواهد بود.[۱]»

شش ماه پس از اعمال تحریم اقتصادی ایران، سناتور داماتو در جلسه کمیته بانکداری سنای آمریکا در مورخه ۱۱ اکتبر ۱۹۹۵ (۷۴/۷/۱۹) که به منظور بررسی اثرات و پیشرفت تحریم ایران برگزار شد می‌گوید:

«دو هفته پس از تحریم آمریکا توسط کلینتون ارزش پول ایران به ۷۵۰۰ ریال در برابر دلار آمریکا سقوط کرد و بازار سیاه در ایران بوجود آمد. این امر باعث کاهش سرمایه‌گذاری خارجی ایران شده است. ما اکنون نیاز به همکاری متحدین خویش داریم تا تجارت با ایران بطور کامل قطع شود. متحدین ما باید متوجه باشند که نفت رگ حیات ایران است. چنانچه بخواهیم رژیم ایران بپذیرد که رفتارش غیر قابل پذیرش است باید این رگ حیاتی قطع شود.[۲]»

در برخورد با جمهوری اسلامی ایران، معمولاً موضع کنگره (سنا و نمایندگان) با دولت متفاوت است. با وجود این، دیدگاه کنگره در مورد تحریم جمهوری اسلامی ایران و همچنین در مطرح کردن منافقین و سلطنت طلبها بعنوان آلترناتیو همیشه تندتر از دولت بوده است و در این بین کابینه کلینتون اکثراً در حالت تدافعی است، لیکن اوضاع داخلی آمریکا و خصوصاً فشار صهیونیست‌ها به حدی است که رئیس جمهور باید تا حدی از جناحهای تندروی مقابل ایران تبعیت نماید.

ب) لغو قرارداد نفتی کونوکو:

یکسال پس از طرح استراتژی مهار دوگانه توسط مارتین ایندیک و همکارانش

۱- رادیو آمریکا - ۷۴/۱/۳.

۲- رسانه‌های گروهی - آبان ۱۳۷۴.

این سیاست با سخنرانی بیل کلینتون در کنگره جهانی یهودیان مورد تأکید قرار می‌گیرد. کلینتون در جمع یهودیان بر ضرورت تحریم اقتصادی و تجاری ایران تأکید کرد و متحدین غربی خود را نیز به شرکت در این تحریم فراخواند.

بدنبال سخنرانی کلینتون در جمع یهودیان در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۹۵ (۲۴ اسفند ۱۳۷۳) و همزمان با تلاشهای سناتور داماتو، دفتر ریاست جمهوری آمریکا مستقیماً دستور فسخ قرارداد نفتی شرکت «کونوکو» و جمهوری اسلامی ایران را صادر کرد. دستورالعمل اجرایی رئیس جمهور آمریکا به روشنی اعلام می‌دارد که رفتار جمهوری اسلامی ایران باعث تهدید امنیت ملی، سیاست خارجی و اقتصاد آمریکا شده است و به منظور مقابله با این تهدید، اعلام شرایط اضطراری ملی نموده و ممنوعیتهای ذیل را برای اجرا ابلاغ می‌نماید:

۱) هیچ شخص حقیقی یا حقوقی آمریکایی نمی‌تواند در زمینه توسعه منابع نفتی ایران فعالیت نماید و یا صلاحیت شخصیت حقیقی یا حقوقی کشور ثالثی را برای انجام اینگونه امور تأئید نماید.

۲) هیچ شخص حقیقی یا حقوقی آمریکائی نمی‌تواند اعتبارات مورد نیاز برای توسعه منابع نفتی ایران را تأمین نماید و یا توانایی مالی شخصیت حقیقی یا حقوقی تابع کشور ثالثی را برای انجام اینگونه امور تأئید نماید».[۱]

یکی از مبادلات تجاری ایران با شرکتهای آمریکائی که پس از اعمال تحریم‌ها لغو شد، قرارداد نفتی شرکت «کونوکو» با جمهوری اسلامی ایران است. این قرارداد بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت آمریکائی «کونوکو» به منظور توسعه حوزه‌های نفت و گاز جزیره سیری به امضاء رسید و اولین مورد از نوع خود بین ایران و یک شرکت

۱- «ادوارد موریس» رئیس هفته نامه اطلاعات نفتی و معاون وزیر خارجه آمریکا، در امور خط مشی بین‌المللی نفت در دولتهای کارتر و ریگان در نیوزویک به ارزیابی عملکرد کلینتون در اتخاذ سیاست مهار دوجانبه و وضع شرکتهای نفتی و صنعتی در تجارت با ایران می‌پردازد. وی وجود دو پارامتر اصلی در تصمیم‌گیری دست‌اندرکاران سیاست خارجی آمریکا راکه نسبت به آن، به گونه‌ای فاحش دچار غفلت شده‌اند ذکر می‌کند. این دو مورد «عدم اتفاق بین‌المللی» و «وجود رقبای عمده‌در تسخیر بازار نفت» می باشند. وی معتقد است زمانی که امید برای دستیابی به اجماع آرای بین‌المللی برای اعمال تحریم وجود نداشته باشد، قربانیان اصلی تحریم‌ها، شرکتها و مؤسسات آمریکائی خواهند بود. «کونوکو» و «اکسیدنتال» از شرکتهای آمریکائی تحریم شده بودند که سرمایه‌های خود را در لیبی بدلیل تحریم آمریکا از دست دادند و خلاءایجاد شده در اثر ممنوعیتهای واشنگتن، توسط رقبایی مانند شرکتهای، اجیپ ایتالیا، رسپول اسپانیا و وینترشل آلمان پر شد.

آمریکائی از زمان قطع روابط سیاسی دو کشور می‌باشد.

بدنبال عقد این قرارداد از سوی مقامات آمریکائی در سنا و دولت، مخالفتهای عمده‌ای برخاست. وارن کریستوفر ضمن اظهار تعجب و شگفت‌زدگی از چنین قراردادی، اعلام کرد که تلاش خود را برای لغو آن بکار خواهد بست. سرانجام با فشار یهودیان ذی‌نفوذ در دستگاه حاکمه آمریکا این قرارداد لغو گردید.[۱]

در ادامه جو حاکم بر افکار سیاستمداران آمریکایی در مورد اعمال استراتژی مهاردوگانه بر روی ایران، وارن کریستوفر وزیر امور خارجه، طی سخنرانی در تاریخ ۷۴/۷/۳ در مجمع عمومی سازمان ملل ضمن تأکید بر ادامه تحریم‌ها علیه عراق، جامعه بین‌المللی را به تلاش جمعی برای بازداشتن ایران از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ایی یا بالستیکی فراخواند و گفت: ***«نقش ایران به عنوان کشور عمده حامی تروریسم و جستجوی مخفیانه این کشور برای سلاحهای تخریب جمعی بسیار نگران کننده است»***[۲]

همچنین هنری کیسینجر وزیر امور خارجه پیشین آمریکا طی سمیناری در سانفرانسیسکو گفت : ***«آمریکا در متزلزل کردن اوضاع داخلی ایران ناتوان است مگر اینکه کلینتون بخواهد منطقه خلیج فارس را بار دیگر اما به شکل فاجعه‌آمیز بحرانی کند، ماهیت نظام حاکم بر ایران پیچیده‌تر از آن است که تهیه کنندگان گزارشهای سنتی و کلاسیک ترسیم می‌کنند، آمریکا باید نهایت زور خود را بکار گیرد تا بتواند متحدینش را نسبت به تحریم اقتصادی ایران متقاعد کند».***[۳]

ریچارد مورفی عضو شورای روابط خارجی نیز ضمن اشاره به شکست آمریکا در اتحاد جهانی برای منزوی کردن ایران، لغو قرارداد نفتی کونوکو را یک اشتباه خواند.[۴]

ج) لغو کنسرسیوم نفتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان :

در اواسط آوریل ۱۹۹۵ (فروردین ۱۳۷۴) جمهوری آذربایجان تحت فشار آمریکا موافقت نامه مربوط به سهیم کردن ایران در کنسرسیوم بین‌المللی که برای توسعه

۱- نشریات خبری ـ اردیبهشت ۱۳۷۴ .

۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ـ تلکس خبری ـ ۷۴/۷/۴ .

۳- روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۴۸۲۰ ـ مورخ ۷۴/۱۱/۱ ـ ص ۱۶ .

۴- همان منبع، شماره ۴۸۳۱ ـ مورخ ۷۴/۱۱/۱۴ ـ ص آخر .

منابع نفتی دریای خزر تشکیل شده بود را لغو کرد. قبلاً توافق شده بود که آذربایجان یک چهارم از ۲۰٪ سهام خود در این کنسرسیوم را به ایران واگذار کند اما آمریکا تهدید کرده بود که در آن صورت نخواهد گذاشت که شرکتهای نفتی آمریکایی سهمی در کنسرسیوم داشته باشند. وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد: «لغو قرارداد در دراز مدت به نفع جمهوری آذربایجان تمام نخواهد شد و انعقاد هر گونه قراردادی پیش از مشخص شدن وضعیت حقوقی دریای خزر بی‌اعتبار است.»[۱]

جونز آدامز[۲] رئیس شرکت فعالیت‌های بین‌المللی نفتی جمهوری آذربایجان می‌گوید:

«فشارهای شدید دولت آمریکا سبب کنار گذاشتن ایران از یک کنسرسیوم بین‌المللی شده است که بهره‌برداری از سه حوزه نفتی واقع در دریای خزر را بعهده گرفته است. به نظر من خطر بزرگ متوجه آذربایجان است. چون بدون شرکت ایران در این کنسرسیوم مقدار زیادی از جاذبه اقتصادی این پروژه کم می‌شود و بهترین راه برای این پروژه از آغاز این بود که روزانه بین صد تا صد و پنجاه هزار بشکه نفت اولیه تولیدی این کنسرسیوم به پالایشگاه تبریز صادر شود و معادل آن از خلیج فارس از طرف کنسرسیوم دریافت شود. اکنون بهره‌وری این کنسرسیوم خیلی به عقب خواهد افتاد. ترکیه در اثر فشارهای سیاسی ـ اقتصادی آمریکا برای خارج کردن ایران از کنسرسیوم تلاش زیادی کرد و به نظر من شرکتهای آمریکایی نسبت به مشارکت ایران در کنسرسیوم معترض نبودند.[۳]»

د) اختصاص بودجه ۲۰ میلیون دلاری :

کاخ سفید پس از هفته‌ها مذاکره و تشنجات جدی در کنگره آمریکا، سرانجام تحت فشار گینگریچ رئیس کنگره با تخصیص مبلغ بیست میلیون دلار برای فعالیتهای تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران موافقت کرد. این پیشنهاد توسط گینگریچ بعنوان شرطی برای تصویب بودجه سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا به رئیس جمهوری این کشور ارائه شد. براساس این مصوبه کاخ سفید می‌تواند کمک‌های نظامی در اختیار مخالفین

۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ـ تلکس خبری ـ تاریخ ۷۴/۱/۲۱.

2- J. Adamse

۳- رادیو B.B.C ـ ۷۴/۱/۲۲.

جمهوری اسلامی ایران قرار دهد.[۱] «واشنگتن پست» هدف از تخصیص این بودجه را وادار کردن ایران به متوقف ساختن مواضع ضد آمریکائی عنوان می‌کند.

متعاقب تصویب این بودجه، رؤسای کمیسیون مشترک روابط آمریکا و روسیه باردیگر موضوع همکاری‌های هسته‌ای مسکو و تهران را مورد بحث قرار دادند. مقامات کاخ سفید با این بهانه که فروش راکتور هسته‌ای و کمک کارشناسی روسیه در جهت تشکیل نیروگاه بوشهر موجب تقویت توانایی ایران در دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌شود خواستار خاتمه این همکاری از جانب مسکو شدند. «ال گور» معاون رئیس جمهور آمریکا در مصاحبه‌ای مطبوعاتی نشان داد که آمریکا نتوانسته است رضایت دولت یلتسین را برای عدم فروش راکتور هسته‌ای به جمهوری اسلامی ایران جلب کند.[۲]

واکنش‌های سیاسی تخصیص بودجه ۲۰ میلیون دلاری علیه ایران :

در اولین اظهارات رسمی از سوی یک مقام عالیرتبه امریکایی، نسبت به اشتباه آمریکا در تخصیص بودجه ۲۰ میلیون دلاری علیه ایران، ریچارد مورفی عضو شورای روابط خارجی آمریکا می‌گوید که بدون بهبود روابط با ایران و عراق اهداف کلی صلح خاورمیانه تأمین نخواهد شد و شعارهای دولت آمریکا در متهم کردن ایران به تروریسم و اعمال تحریم‌های کنگره و تخصیص بودجه برای براندازی جمهوری اسلامی ایران اشتباه است. وی می‌گوید که اظهارات دیپلماتهای آمریکایی برای آمادگی مذاکره با نمایندگان ایران با عملکرد واشنگتن در قبال ایران در تناقض است. ریچارد مورفی گفت: «آمریکا به دام شعارهای خود افتاده است و تجهیزات آمریکایی در این منطقه فقط برای چند سال کافی خواهد بود».[۳]

مجله آمریکایی تایم نیز می‌نویسد: «سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا «CIA» براین باور است که هرگونه طرح خرابکاری واشنگتن بر ضد تهران، محکوم به شکست است. سران سازمان جاسوسی آمریکا تمایلی به اجرای طرح کودکانه گینگریچ ندارند و از ابتدا نیز با آن مخالفت کردند».

۱- شبکه تلویزیونی C.N.N، مورخ ۷۴/۱۰/۱.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۸۳۰، مورخ ۷۴/۱۱/۱۲، ص آخر.

۳- همان منبع شماره ۴۸۳۱، مورخ ۷۴/۱۱/۱۴، ص آخر.

«ایران ظرف دو دهه گذشته مرکز خفت‌بارترین شکستها و رسوایی‌های سازمان سیا بوده است و اکنون نیز به نظر می‌رسد که کسی گینگریچ را در ارتباط با موفقیت‌آمیز بودن توطئه‌اش بر ضد ایران، همراهی نکند. براساس اطلاعات موثق در طرح اولیه و صهیونیستی گینگریچ ، ۱۰۰ میلیون دلار برای سرنگونی دولت اسلامی ایران درنظر گرفته شده بود.»[۱]

پرفسور "اریک هوگلاند"* یکی از مخالفان تحریم ایران در کنفرانس بین‌المللی "ایران در حال ظهور" در شهر کاونتری انگلیس گفت[۲] : "آمریکا اعتقاد دارد با توجه به برنده شدن در جنگ سرد و تبدیل شدن به تنها ابرقدرت می‌تواند هرکاری راکه بخواهد انجام دهد، هیچ شکی ندارم که هدف واقعی سیاست مهار آمریکا نسبت به ایران، سرنگون کردن دولت ایران است اگرچه چنین سیاستی غیرمنطقی بودن آمریکا را نشان می‌دهد، ترکیبی از ضعف سیستم سیاسی آمریکا و نقش گروههای فشار یهودی و همچنین نیاز برای یافتن یک مبنای اعتقادی این شرایط را بوجود آورده است.

"دیک چینی وزیر دفاع آمریکا[۳] طرح سنا وکنگره آمریکا مبنی بر تحریم ایران را مورد انتقاد قرار می‌دهد و آنرا مغایر با منافع آمریکا می‌داند[۴]. وی طی جلسه‌ای مشترک با تجار آمریکایی در ابوظبی می‌گوید : "واقعیت این است که هیچ کشوری جز آمریکا چنین طرحی را به اجرا نخواهد گذاشت و تلاش کاخ سفید برای اجرای تحریم ایران با شکست مواجه می‌گردد".

موضع‌گیری اتحادیه اروپا در راستای تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران نیز قابل توجه می‌باشد، اتحادیه اروپا چندین بار از دولت آمریکا خواست تا از تصویب قوانینی که براساس آن شرکتهای خارجی به سبب معاملات بازرگانی با ایران و لیبی مجازات خواهند شد، جلوگیری کند.

1- TIME/Dual Containment/Gan/1996, (U.S.A)

* Erik Hogland

۲- اریک هوگلاند از صاحبنظران مسائل سیاسی در انگلیس می‌باشد.

۳- (Dick Chenie) دیک چینی در زمان جنگ خلیج فارس مسئولیت نیروهای نظامی آمریکا را بعهده داشت. وی اکنون مدیرکل یک شرکت آمریکایی بنام "Hallybourtan" است که قبلاً عمده‌ترین فروشنده لوازم مورد نیاز صنایع نفت ایران بود.

۴- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۸۷۰، مورخ ۷۵/۱/۱۴، ص آخر.

"هوکوف هامن"* نماینده اتحادیه اروپا در ایالات متحده طی نامه‌هایی که به اعضای بلندپایه کنگره آمریکا نوشته است می‌گوید : "چنین قوانینی با تعهدات بین‌المللی واشنگتن مغایرت دارد و منافع اقتصادی اروپا را نیز تهدید می‌کند."[۱]

عدم توفیق آمریکا در جلب حمایت اروپا و متحدین خود بمنظور شرکت در تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران موجی از نگرانی و سردرگمی را در هیأت حاکمه آمریکا بوجود آورد. اظهارات صریح مقامات روسیه و اروپا در این‌خصوص حائز اهمیت می‌باشد. بعنوان نمونه "کلاوس کینکل"** وزیر امور خارجه آلمان پس از بازگشت از واشنگتن در جلسه پارلمان آلمان گفت : "ایران با ۷۰ میلیون نفر جمعیت مهمترین کشور خاورمیانه است، سیاست آلمان باید از جنبه‌های سازندگی و پیشرفت برخوردار باشد و برای حصول به این مقاصد فقط یک راه وجود دارد و آن همکاری با ایران است. آمریکائی‌ها قصد دارند ایران را به انزوا بکشانند، ولی ما عقیده داریم که بدون گفتگو با ایران کاری از پیش نخواهد رفت."[۲]

ه) تلاش برای انزوای سیاسی جمهوری اسلامی ایران :

همزمان با اقدامات کنگره آمریکا، الگور معاون اول ریاست جمهوری و ویلیام پری وزیر دفاع، اقدامات سیاسی، تبلیغاتی خود را علیه جمهوری اسلامی ایران گسترش دادند. در اواخر مارس ۱۹۹۵ (اوایل فروردین ۱۳۷۴) الگور و پری از چند کشور در ناحیه خلیج فارس و خاورمیانه دیدار کردند.

ویلیام پری ایران را متهم نمود که نیروهای خود را در جنوب جزیره‌ای واقع در نزدیکی تنگه هرمز متمرکز ساخته است وی در ملاقات خود با ملک فهد پادشاه عربستان سعودی از تجمع قوای ایران در دهانه خلیج فارس و استقرار حداقل ۶۰۰۰ سرباز و جنگ‌افزارهای شیمیایی در جزایر خلیج فارس ابراز نگرانی کرد.[۳] از سوی دیگر آمریکا تلاش گسترده‌ای را بمنظور متقاعد نمودن اتحادیه اروپا بمنظور تحریم جمهوری اسلامی ایران دنبال نمود. اقدام دیگر آمریکا مذاکرات فراوان با روسیه بمنظور

---

* Hakuff Haman

۱- رادیو صدای آمریکا، اخبار شامگاهی، مورخ ۷۵/۲/۱۹.

* Clawes Kinkel

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۹۰۲ ـ مورخ ۷۵/۲/۲۳، ص آخر.

۳- رادیو آمریکا ، ۷۴/۱/۶.

لغو همکاری اتمی ایران و روسیه بود. وزیر خارجه آمریکا وارن کریستوفر در دیدار با همتای روسی خود در ژنو گفت : "همکاری هسته‌ای روسیه و ایران مسئله‌ای بسیار خطرناک است من به همتای خود اطلاعات محرمانه دستگاههای جاسوسی آمریکا در مورد برنامه توسعه‌طلبانه ایران جهت دستیابی به سلاحهای هسته‌ای را ارائه داده‌ام.[۱]

متهم کردن ایران به نقض حقوق بشر و همچنین دامن زدن به اتهام دست داشتن در انفجار مقر نیروهای آمریکایی در ظهران عربستان سعودی توسط تهران نیز در راستای مهار ایران صورت گرفت.

۱- رادیو قاهره، ۷۴/۱/۵.

فصل چهارم

دیدگاه استراتژیست‌ها

بخش اول :

استراتژی مهار دوگانه در شرق (مارتین ایندیک)

بخش دوم :

ایران و عراق دشمنان صلح (جیمز وولسی)

بخش سوم :

مقابله با گروه قانون‌شکن (آنتونی لیک)

بخش اول: استراتژی مهار دوگانه در شرق[۱]

"سیاست مقابله دوجانبه دولت کلینتون با ایران و عراق در وهله اول از تحلیل این موضوع که رژیمهای فعلی عراق و ایران هر دو دشمن منافع آمریکا در منطقه می‌باشند سرچشمه می‌گیرد. برهمین اساس، ما معتقد نیستیم که باید سیاست سابق موازنه قدرت را، برای قوی ساختن یکی در جهت مقابله با دیگری، ادامه دهیم. ما این سیاست را رد می‌کنیم، نه فقط به این علت که شکست این سیاست در اشغال کویت توسط عراق مشخص شد، بلکه بدلیل ارزیابی صحیح و واقع‌بینانه‌ای که از خصومت هر دو رژیم با ایالات متحده و متحدانش در منطقه داریم. و ما (این سیاست را) رد می‌کنیم زیرا نیازی به اتکاء به یکی برای متعادل نمودن دیگری نداریم. تا زمانیکه ما قادر باشیم حضور نظامی خود را در منطقه حفظ نمائیم، تا زمانیکه در محدود نمودن آرزوهای نظامی عراق و ایران موفق باشیم و تا زمانیکه ما بتوانیم برای حفظ تعادل قوا به نفع خود در منطقه وسیع خاورمیانه بر متحدین منطقه‌ای خود مصر، اسرائیل، عربستان سعودی و ترکیه ـ اتکا کنیم. ما قادر خواهیم بود که با رژیمهای عراق و ایران مقابله کنیم. ما احتیاجی نداریم که بر یکی برای متعادل نمودن دیگری اتکاء کنیم.

همانطور که وزیر امور خارجه کریستوفر عنوان نموده است ما نباید اجازه دهیم که تلاشهایمان برای مجبور کردن عراق به اجرای کامل قطعنامه‌های سازمان ملل، ما را از تشخیص تهدیداتی که ایران بر منافع ما در خاورمیانه وارد می‌کند منحرف نماید و بر همین اساس، نباید اجازه دهیم که نگرانی ما از تهدیدات ایران ما را از فشار بر عراق برای اجرای کامل قطعنامه‌ها منحرف کند.

امیدوارم که تا اینجا، سیاست دولت کلینتون در مورد عراق بخوبی درک شده باشد. بطور واضح، ما خواستار اجرای کامل قطعنامه‌های سازمان ملل توسط عراق می‌باشیم. رژیم صدام حسین نباید دیگر تهدیدی برای کشورهای همسایه‌اش باشد. ما متعهد هستیم که از اجرای قطعنامه ۶۸۸ سازمان ملل، که خواستار خاتمه سرکوبی

۱– مارتین ایندیک در تاریخ ۲۲ می ۱۹۹۳ در جمع خصوصی مؤسسه خاورمیانه‌ای واشنگتن به بیان مطالبی درخصوص استراتژی مهاردوگانه و روند صلح خاورمیانه پرداخت. در این بخش نکات مهم آن عیناً درج گردیده است.

مردم عراق توسط آن رژیم می‌باشد، اطمینان پیدا کنیم.

برخی سعی نموده‌اند که سیاست ما را بعنوان سیاستی معتدلتر نسبت به گذشته معرفی نمایند ولیکن تا حالا باید مشخص شده باشد که ما خواستار اجرای کامل (قطعنامه‌ها) توسط عراق می‌باشیم. ما به براندازی صدام برای لغو تحریمها راضی نخواهیم شد. بلکه ما می‌خواهیم مطمئن شویم که هر دولت جانشینی کلیه قطعنامه‌های سازمان ملل را اجراء می‌نماید. همچنین ما خواستار یا منتظر مصالحه با رژیم صدام حسین نیستیم. تصمیم دولت کلینتون برای انتشار گزارشی که جنایات جنگی صدام و جنایات علیه بشریت در کویت را شرح می‌دهد اولین اقدام در این راستا بوده است. اکنون ما تصمیم به درخواست ایجاد یک کمیسیون سازمان ملل برای بررسی اتهامات جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در عراق گرفته‌ایم و تصمیم داریم که مدارک بسیاری را که برای ثابت کردن این اتهامات داریم مدون نمائیم.

هدف ما عمدتاً چنین است : "اثبات واضح و صریح این مطلب که رژیم فعلی در عراق یک رژیم جنایتکار است، و هیچ راه بازگشتی ندارد".

«ما حمایت زیادی از کنگره ملی عراق*، بعنوان یک آلترناتیو دمکراتیک برای رژیم صدام حسین، مینمائیم. کنگره ملی عراق در گسترده‌تر نمودن طیف خود موفق بوده و شامل نمایندگان هرسه اجتماع اصلی عراق می‌باشد (سنی، شیعه و کرد) آنها مانند ما معتقد به حفظ تمامیت ارضی عراق و انجام وظایف بین‌المللی عراق هستند. ما در حال حاضر از دیگران در منطقه می‌خواهیم که شناسائی و حمایتی که این گروه لایق آن می‌باشد را به آنها بدهند».

* IRAQI National Conferess (INC)

بخش دوم: ایران و عراق دشمنان صلح

چیمز وولسی[۱]

«بدترین اشتباهی که ممکن است ما مرتکب شویم این است که معتقد باشیم صلح ناگزیر و خودجوش در سراسر منطقه منتشر خواهد شد.

ما هیچ جنگی با اسلام نداریم و به دوستی‌مان با برخی از کشورهای مسلمان و رهبران آن‌ها ارج می‌نهیم. در واقع، دوستان ما در جهان اسلام بیشتر در معرض خطر تندروی‌های سیاسی اسلامی هستند. تندروهای اسلامی بیشتر از هر چیز درصدد ضربه‌زدن به کسانی هستند که طرفدار همزیستی می‌باشند. این الگوی روبه رشد همکاری بین تندروهاست. روابط بین گروههایی از قبیل حزب‌ا..، حماس و سایرین توان ایجاد اغتشاش را در آن‌ها افزایش می‌دهد. تندروهای مصر یا الجزایر در ایران یا سودان آموزش می‌بینند. تاکتیک‌هایی که در یک محیط فراگرفته می‌شود را می‌توان به محیط دیگر منتقل ساخت. برنامه‌های قاچاق پول به میزانی از پیشرفت رسیده که امروزه سه یا چهار قاره را پوشش می‌دهد.

اجازه بدهید برگردیم سر خطر ایران، از سال ۱۹۷۹ تاکنون پانزده سال از سقوط شاه می‌گذرد. سوابق ایران بسیار قابل توجه است. منحرف کردن روند صلح و حمایت از حزب‌ا... و سایر سازمانهای تروریستی و گروههایی که امروز از الجزایر تا تاجیکستان فعالیت می‌کنند. مهمترین مشتری ایران، حزب‌ا...، بیش از هر گروه تروریستی دیگر آمریکایی کشته است. در طول دهه گذشته، ایران صدها میلیون دلار در اختیار حزب‌ا... قرار داده است. خطرات ایران فقط به حمایت از تروریسم خاتمه نمی‌یابد و شامل تصمیم ایران به اجرای برنامه چند میلیارد دلاری خود برای کسب سلاحهای کشتار جمعی و واردکردن موشکهای بالستیک می‌شود. ایران میگ ۲۹، سوخو ۲۴ و تانکهای تی ۷۲ و نیز دو زیردریایی روسی از نوع کیو (Q) در اختیار دارد. هدف ایران تفوق نظامی بر عراق و ارعاب همسایگان خود در خلیج(فارس) است. برای ما مقابله با تمایل شدید ایران به کسب سلاحهای کشتار جمعی به اندازه خطر برنامه نظامی آن نگرانی

۱- جیمز وولسی مدیر CIA در سپتامبر ۱۹۹۴ و در مؤسسه خاورمیانه‌ای واشنگتن این مطالب را عنوان نمود.

آفرین است. ایران به ساخت و ذخیره سلاحهای شیمیایی ادامه می‌دهد. ظن‌هایی نیز وجود دارد که ایران برنامه ساخت سلاحهای بیولوژیکی خود را مخفی می‌کند. ما توجه خاص به تلاشهای ایران جهت کسب تکنولوژی غرب برای ساخت سلاحهای هسته‌ای داریم. ما معتقدیم ایران ۸ الی ۱۰ سال تا ساخت اینگونه سلاحها فاصله دارد و کمک‌های خارجی نقش اساسی در این زمان‌بندی دارد. ایران تلاش زیادی برای خرید مخفیانه مواد یا تکنولوژی هسته‌ایی از منابع روسی کرده است. این کشور همچنین در صدد کسب سیستم‌های پرتاب موشک است. به سبب عدم توانایی در کسب موشک از غرب، ایران به آسیا روی آورده است، به چین برای موشک و تکنولوژیهای هسته‌ایی و به کره شمالی برای کسب موشک‌های بالستیک متمایل گردیده است.

چشم‌انداز عراق نیز کمتر مخاطره‌آمیز نیست. اهداف صدام مشخص است. وی می‌خواهد قدرت خود را در کل عراق مجدداً تثبیت کند. در این جهت او در صدد کاهش قدرت سازمان ملل و بازرسی‌های انجام شده توسط آن سازمان از عراق، خاتمه تحریم‌ها، برچیده شدن منطقه ممنوعه پروازی و تضعیف مخالفین حکومت خود می‌باشد. رژیم وی همچنان به تحریم اقتصادی مناطق تحت کنترل اکراد و ارعاب و حمله به نیروهای سازمان ملل و امدادگران ادامه می‌دهد.

صدام خواهان توسعه توانایی‌های خود برای تولید سلاحهای کشتار جمعی است. عراق در جهان عرب دارای بالاترین میزان تخصص علمی است، از جمله دارای فقط ۷۰۰۰ نفر دانشمند و مهندس هسته‌ایی است.

تحریم‌ها باعث کاهش آزادی عراق در کسب توانایی تولید اینگونه سلاحها شده است. با وجود این، علیرغم این محدودیت‌ها رژیم صدام هنوز موشک‌های اسکات، مهمات شیمیایی و کل برنامه تسلیحات بیولوژیکی خود را مخفی می‌کند.

علاوه بر این، بخاطر مؤثر بودن سلاحهای بسیار دقیق در طول جنگ خلیج(فارس)، عراق ساخت پناهگاههای زیرزمینی و تونل برای ذخیره‌سازی سلاحهای کشتار جمعی را تسریع بخشیده است. هدف صدام این است که عراق را نیروی مسلط بر منطقه کند.

این حقیقت که عراق و ایران یک جنگ طولانی و تلخ داشته‌اند و هر دو برای بدست گرفتن قدرت و نفوذ در خلیج‌فارس رقابت می‌کنند مایه تسلای ما نیست. این دو رژیم در مخالفت با روند صلح اعراب، تمایلشان به استفاده از تروریسم و تلاش برای

بکارگیری سلاحهای کشتار جمعی هم عقیده‌اند. دنیا نباید در برابر اینگونه رژیم‌ها حالت تدافعی خود را کنار بگذارد.

مشکلات ناشی از عراق نیز کم زحمت نیست. اهداف صدام واضح است.

اول؛ صدام خواستار بازسازی کلی عراق است. برای این کار به کاهش قدرت سازمان ملل و بازرسی از کشور، خاتمه تحریم‌ها، از بین رفتن مناطق ممنوعه پروازی و تضعیف جناح مخالف از شمال و جنوب چشم دارد. در شمال، رژیم به تحریم اقتصادی مناطق تحت کنترل اکراد ادامه می‌دهد. از این گذشته، نیروهای صدام به ارعاب و حمله به نیروهای سازمان ملل و امدادگران ادامه می‌دهند. عوامل صدام به مناطق شمال عراق نفوذ کرده‌اند تا اطلاعات جمع‌آوری کنند و عملیات‌هایی را علیه امدادگران و نیروهای ائتلاف انجام دهند. در جنوب، دولت عراق همچنان شیعیان را سرکوب می‌کند. رژیم در بخشی از تلاش‌های خود کانال بسیار بزرگی را که از فضا کاملاً دیده می‌شوند برای خشک کردن باطلاق‌های رودهای دجله و فرات حفر کرده است. صدها هزار اعراب ساکن مناطق باطلاقی از خانه‌های خود رانده شده‌اند و این فاجعه‌ای اکولوژیکی است در اکوسیستمی که به مدت هزار سال دست نخورده باقی مانده بود.

دوم؛ صدام در صدد بازسازی نیروهای مسلح و توانائی خود برای تولید سلاحهای کشتار جمعی است. عراق دارای بیشترین تعداد متخصصین علمی و فنی در جهان عرب است فقط تعداد مهندسین و دانشمندان هسته‌ایی آن به بیش از ۷۰۰۰ نفر بالغ می‌شود. تحریم‌ها موجب محدود کردن آزادیهای آنان در ایجاد اینگونه سلاحها شده است. با این حال علیرغم این محدودیت‌ها و علیرغم این نکته که صدام قطعنامه ۷۱۵ شورای امنیت را برای نظارت بر برنامه انهدام سلاحهای کشتار جمعی آن پذیرفته، ولی همچنان موشک‌های اسکات، مهمات شیمیایی و کل برنامه سلاحهای بیولوژیکی خود را مخفی می‌کند. علاوه بر این در پی مؤثر بودن سلاحهای هدایت شونده در طی جنگ خلیج(فارس)، عراق به ساخت پناهگاه‌های زیرزمینی و تونل برای تولید و ذخیره سلاحهای کشتار جمعی ادامه می‌دهد کسانی که معتقدند موشکهایی که عراق در سال ۹۱ پرتاب کرد از نظر نظامی فاقد ارزش بوده، اشتباه می‌کنند. از این موشک‌ها به عنوان سلاحهایی برای ایجاد وحشت استفاده شد. عراق اگر مجدداً فرصت پیدا کند، حتماً کاری می‌کند که این سلاحها عملاً مورد استفاده واقع شوند. هدف آنها ایجاد این توانایی و بکارگیری در جهت ارعاب است. ما نباید اجازه بدهیم او چنین سلاحهایی را در اختیار

داشته باشد.

سوم؛ هدف بعدی صدام این است که عراق را قدرت مسلط بر منطقه کند. اقدامات و اظهارات وی در پس شکست فاجعه بارش (جنگ خلیج) هرگز نشان دهنده پشیمانی او نبوده است. نیروهای او همچنان ناظران سازمان ملل را در مرز عراق -کویت مورد آزار قرار می‌دهند در واقع صدام هنوز نه تنها مرزها بلکه حتی حاکمیت کویت را نیز به رسمیت نشناخته است.

گذشته از اینکه صدام هنوز جاه‌طلبی‌های خود را رها نکرده است، هیچ نشانه‌ایی مبنی بر اینکه رژیم وی از سرکوب مردم عراق دست برداشته نیز به چشم نمی‌خورد. مردم عراق همچنان قربانی وحشیگری، بازداشت، شکنجه و محاکمات صحرائی رژیم خود هستند. اوایل امسال مخالفین رژیم عراق اتهاماتی را نسبت به مقامات ارشد رژیم عراق اعلام کردند و فهرستی از جرائم آنان را علیه مردم عراق منتشر نمودند. صدام در پاسخ، یک برنامه زنده تلویزیونی ترتیب داد که در آن افراد مورد اتهام به جرائم خود و اینکه در خدمت صدام هستند، مباهات کردند.

به سبب جاه‌طلبی‌ها، سیاست‌ها و رفتار عراق، پرزیدنت کلینتون موضع خود را چنین اعلام کرده است که ما خواستار رعایت کامل تمام قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل هستیم.

بار دیگر تکرار می‌کنم این حقیقت که ایران و عراق در یک جنگ طولانی و تلخ با هم مبارزه کرده‌اند و اینکه هر دو کشور برای کسب قدرت و نفوذ در خلیج‌فارس رقابت می‌کنند، مایه تسلی ما نیست.

این دو رژیم در مخالفت با روند صلح در تلاش برای کسب سلاحهای کشتار جمعی و در تمایل به از بین بردن نیروهای خارجی که جاه‌طلبی‌های آنان را محدود کند، دارای نقطه نظرات مشترک هستند. دنیا نمی‌تواند حفاظ‌ها و سپرهای خود را در برابر این رژیم‌ها به زمین بگذارد.»[1]

1- James Woolsey NEAR EAST REPORT/OCT 10,1994/ p.p:D-D4 .

بخش سوم: «گروه قانون شکن»

آنتونی لیک[۱]

«پایان جنگ سرد و ظهور کشورهای تازه مستقل شده در اروپای شرقی، خانواده کشورهایی که به ایجاد نهادهای دمکراتیک، توسعه بازار آزاد، حل و فصل صلح‌آمیز مناقشات و ترویج امنیت مشترک متعهد می‌باشند را بشدت رشد میدهد. آمریکا به سبب منافع و ایده‌آل‌هایش مسئولیت خاص در قبال پرورش و ترویج این ارزشها دارد. همانطور که رئیس‌جمهور (کلینتون) در سخنرانی خود اظهار داشت بخش اعظم سیاست خارجی دولت کلینتون به تلاش در این جهت اختصاص دارد.

در عین حال سیاست ما می‌بایست واقعیت وجود کشورهای سرکش و قانون‌شکن را نیز در نظر داشته باشد، کشورهایی که نه تنها خود را خارج از این خانواده نگه‌داشته‌اند، بلکه به ارزشهای اساسی آن نیز حمله می‌کنند. این کشورهای سرکش عبارتند از کوبا، کره شمالی، ایران، عراق و لیبی. در حال حاضر این کشورها از حمایت یک ابر قدرت برخوردار نمی‌باشند، قدرتی که بتواند آنها را قادر سازد نظم دمکراتیک اطراف خود را بطور جدی تهدید کنند. با وجود این، رفتار آنان اغلب تجاوز کارانه و مبارزطلبانه است. اینان روابط بین خود را مستحکم می‌کنند زیرا در صددند خود را در برابر روندهای جهانی که ظاهراً برایشان غیرقابل انطباق است، قرنطینه یا مخفی کنند.

کشورهای سرکش دارای خصوصیات مشترکی هستند. این کشورها توسط گروهی اداره می‌شوند که قدرت را از طریق ارعاب بدست دارند، حقوق اولیه بشر را سرکوب می‌کنند و ایدئولوژیهای رادیکال را ترویج می‌دهند با توجه به نوع سیستم سیاسی، رهبران آنان تنفر خاصی نسبت به شرکت مردم در امور دارند، به سبب اینکه ممکن‌است موجب تضعیف رژیمهای‌موجود شوند. اینگونه‌کشورها قادر به‌شرکت مؤثر درجهان خارج نمی‌باشند. حتی با همفکران خودنیز نمی‌توانند متحدباشند. اغلب حالت تدافعی دارند و در مجامع‌بین‌المللی به نحو فزاینده‌ای مورد انتقاد قرارمی‌گیرند ویا هدف تحریم‌های مختلف واقع می‌شوند و دارای ذهنیت محدود هستند. اغلب به برنامه‌های

۱- آنتونی لیک مشاور امنیت ملی کلینتون رئیس‌جمهور آمریکا است. وی دیدگاههای خود را درخصوص استراتژی مهار دوگانه طی مقاله‌ای در مجله امور خارجی (۱۹۹۴) بیان داشت که نکات مهم مقاله در این بخش آمده است.

نظامی جاه‌طلبانه و پرخرج خصوصاً درمورد سلاحهای کشتارجمعی و سیستمهای‌پرتاب موشک روی می‌آورند که هدف از آن کسب توازن برای حفظ رژیم‌ها و یا پیشبرد اهدافشان در خارج است.

آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت، مسئولیتی خاص در قبال ایجاد یک استراتژی جهت خنثی کردن، محصور کردن و نهایتاً تغییر کشورهای سرکش دارد. آنها دارای تاریخ، فرهنگ و شرایط منحصر به خود می‌باشند و سیاستهای آمریکا در قبال هر یک به همان منوال طراحی شده است، ولی روشهای مشترکی هم وجود دارد. در هر مورد ما اتحاد را حفظ کرده و نیروهای نظامی خود را برای ممانعت یا پاسخگویی به اعمال تجاوزکارانه اعزام می‌کنیم. ما همچنان به تحت نفوذ قراردادن این کشورها ادامه می‌دهیم چه از طریق منزوی کردن و یا اعمال فشار و چه از طرق دیپلماتیک و یا اقدامات اقتصادی. ما جامعه جهانی را تشویق می‌کنیم که برای انجام یک اقدام هماهنگ به ما بپیوندند. بعنوان مثال در مورد عراق و لیبی موفق شده‌ایم به یک اجماع بین‌المللی قوی با پشتیبانی قطعنامه‌های سازمان ملل دست یابیم.

آمریکا همچنین به نحوی فعال سرگرم انجام تلاشهای یک جانبه و چند جانبه جهت محدود کردن توانائی‌های نظامی و تکنولوژیکی آنها می‌باشد. از تمام روشهای اطلاعاتی، ضد تروریسم و سیاستهای کنترل چند جانبه خصوصاً در مورد سلاحهای کشتار جمعی و سیستمهای پرتاب استفاده می‌کنیم. فی‌المثل در مورد کره شمالی، برنامه هسته‌ای آن کشور عمده‌ترین مایه نگرانی ماست. وجود کره شمالی هسته‌ای و مسلح، خطرات جدی را متوجه منافع ما در آسیا و رژیم جهانی عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای می‌سازد. تعهد نظامی آمریکا نسبت به امنیت کره جنوبی تزلزل ناپذیر است. آمریکا تلاش بین‌المللی را در خصوص ترغیب کره شمالی به عوض کردن این جریان رهبری می‌کند. در همین حال، ما به کره شمالی تفهیم کرده‌ایم که اگر نگرانی‌های بین‌المللی را در مورد برنامه‌های هسته‌ای برطرف کند، درها بر روی روابط بهتر گشوده خواهد شد. در غیر اینصورت با انزوا و مشقات بیشتری روبرو خواهد شد.

ایران و عراق نیز مانند کرهٔ شمالی مشکلات جدی را متوجه تلاشهای ما در خصوص برنامه عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای می‌سازند. اما از آنجائیکه این دو کشور در جوار یکدیگر و درکنار خلیج حساس فارس که ۶۵٪ از منابع نفتی جهان در آن قرار دارد، واقع شده‌اند وضعیت استراتژیک پیچیده‌ای را بوجود می‌آورند که موجب

شکست سیاستهای سه دولت قبلی آمریکا شد.

اصل استراتژیک و اساسی منطقه خلیج‌فارس ایجاد یک توازن مناسب قدرت است، توازنی که بتواند ضامن منافع حیاتی آمریکا، حفظ امنیت دوستان ما و جریان آزاد نفت به قیمت ثابت باشد. در دولتهای قبلی، این امر با تکیه بر یک قدرت منطقه‌ای برای ایجاد توازن دربرابر دیگری تعقیب می‌شد. درابتدا، آمریکا، ایران را درزمان شاه بعنوان دژ ثبات منطقه‌ای مطرح کرد. سپس از صدام حسین در جنگ با ایران انقلابی حمایت کرد تا نفوذ دولت اسلامی (امام) خمینی را محصور کند. این دو دیدگاه فاجعه‌بار از آب درآمدند. در مورد ایران، استراتژی آمریکا (در مورد ثبات منطقه‌ای) با سرنگونی شاه از هم پاشید. و در مورد صدام، حمایت‌های آمریکا سبب شد وی به زرادخانه سلاحهای کشتار جمعی دست پیدا کند که ابتدا آن را علیه مردم خود و سپس کویت بکار گرفت.

استراتژی دولت کلینتون در مورد این دو کشور سرکش از آنجا ناشی می‌شود که این دو رژیم سیاستهای متخاصم نسبت به منافع آمریکا را تعقیب می‌کنند. لذا سیاست تجهیز یکی برای مقابله با دیگری به نفع سیاست محصورسازی دوگانه کنار گذاشته می‌شود. ما در اتخاذ این سیاست، لزوم توازن قدرت را در این منطقه حساس نادیده نمی‌گیریم. بلکه از متحدان خود در منطقه می‌خواهیم بدون وابستگی به ایران یا عراق توازن مناسبی را حفظ کنند. ما به علت امتیازاتی که نسبت به دولتهای قبلی داریم قادر به اینکار هستیم.

پایان جنگ سرد نگرانی استراتژیک عمده ما را برطرف ساخت. ما دیگر از تلاشهای شوروی برای پیدا کردن جای پایی در خلیج(فارس) (با استفاده از روابط ما با یکی از این دو کشور برای ایجاد رابطه با دیگری) بیم نداریم و لذا اهمیت استراتژیک ایران و عراق بشدت کاهش یافته و توانائی آنها برای آلت دست قرار دادن ابرقدرتها از بین رفته است.

در نتیجه تجاوز عراق به کویت، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس اکنون تمایل بیشتری به شرکت در ترتیبات امنیتی و همکاری با واشنگتن دارند. این ترتیبات نیروهای نظامی ما را قادر می‌سازد از خلیج‌فارس در برابر خطر یا تهدیدی که عراق یا ایران متوجه کشورهای حاشیه آن می‌سازند دفاع کنیم.

دیدگاهها نسبت به مرزها در منطقه مثبت است. واشنگتن با قدرتهای بزرگ منطقه دارای روابط خوبی است (مصر، اسرائیل، ترکیه و عربستان سعودی). پیشرفت در

حل مناقشه اعراب و اسرائیل سبب تحکیم موقعیت ما در جهان عرب و تقویت روابط بین متحدان منطقه‌ای ما می‌شود.

این امر در عین افزایش انزوای ایران و عراق موجب کاهش توانائی آنان در بهره‌برداری از مناقشه اعراب و اسرائیل در جهت پیشبرد جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای آنان می‌شود. حل و فصل جامعی که آمریکا در صدد آن است این فرصت را از عراق برای تحت نفوذگرفتن آرمان فلسطین و از ایران برای ایجاد آشوب در لبنان می‌گیرد.

بطور خلاصه تا زمانی که شرایط عوض نشده لزومی به تکیه به ایران یا عراق برای حفظ توازن و حمایت از دوستان و منافع آمریکا در خلیج‌فارس وجود ندارد. دولت کلینتون، با وجود این، مطمئن است ما تا مدتی می‌توانیم این وضعیت را به این حال نگه داریم زیرا با دوستان خود در منطقه در خصوص خطراتی که مشترکاً ما را تهدید می‌کند و راه‌های مقابله با آنها تفاهم داریم. در عین اینکه در جهت تحکیم این گونه اقدامات تلاش می‌کنیم، ولی همچنان هشیاری خود را نسبت به امکان وقوع تغییر حفظ خواهیم کرد.

محصورسازی دوگانه به معنی دو برابر کردن محصورسازی نیست هدف اساسی مقابله با تخاصم بغداد و تهران است. ولی خطرات و مشکلاتی که هر یک از دو رژیم بوجود می‌آورند متفاوت است و لذا مستلزم خط‌مشی‌های مخصوصی می‌باشند. این دو کشور گرچه همسایه‌اند ولی از نظر فرهنگ و تجربیات تاریخی کاملاً متفاوت می‌باشند. در مورد عراق واشنگتن با یک رژیم غیرمذهبی، مدرنیست و تجاوزپیشه روبروست و در ایران با یک رژیم مذهبی، که دارای مقصد فرهنگی و سیاسی خاصی است و خصومتی جدی نسبت به آمریکا دارد، مواجه هستیم. در عراق، رژیم مسئول جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت است. رژیمی که تجاوزش به کویت و مسموم کردن مردم خودش وی را از چشم جهانیان انداخته است.

در ایران پس از (امام) خمینی، رژیم انقلابی همچنان رفتارهای ضدقانون از خود نشان می‌دهد. با وجود این دولت کلینتون با دولت اسلامی مخالفتی ندارد و در صدد براندازی آن هم نیست. در واقع ما برای انجام مذاکره‌ای مقتدرانه که در آن بتوانیم ابعاد مختلف رفتار ایران و موجبات نگرانی خود را مطرح کنیم، آمادگی داریم. محصور کردن عراق مشکلات متفاوتی را در مقایسه با محصور ساختن ایران بوجود می‌آورد. پس از جنگ خلیج(فارس)، سازمان ملل یک دستورالعمل جامع را به منظور تضمین این نکته

که عراق دیگر هرگز همسایه‌های خود یا صلح جهانی را تهدید نکرده را برای بازداشتن تجاوزات صدام نسبت به اتباع عراقی بوجود آورد. تحریم‌ها همچنان پابرجا هستند. جامعه بین‌المللی هنوز از رفتار صدام نگران است و هنوز نسبت به نیات وی در رعایت کامل تمام قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل مشکوک است.

حتی امروزه نیز، ارتش صدام بطور منظم دست‌اندرکار تخریب جامعه اعراب باطلاق‌نشین در جنوب عراق است. در عین اینکه کردها، ترکمنها و سایر اتباع عراق در شمال را مرعوب یا محاصره می‌کند. رژیم عراق در عین حالیکه با کمیسیون ویژه سازمان ملل در خصوص عراق همکاری می‌کند، در همان زمان نیز مخفیانه در صدد کسب سوخت اولیه موشک است (در عین اینکه قادر به ارائه توضیح در مورد برنامه‌های تسلیحاتی خود نمی‌باشد) از این رو تعجبی ندارد که هر ۶۰ روز یک‌بار تحریمها بدون هیچگونه مخالفتی تمدید می‌شود.

اخیراً عراق علائمی مبنی بر تغییر نظر نسبت به شرایط سازمان ملل نشان داده است که در پذیرش اخیر قطعنامه ۷۱۵ شورای امنیت مشهود است. این قطعنامه خواهان نظارت درازمدت بر برنامه‌های سلاحهای کشتار جمعی عراق است. البته، این پذیرش علیرغم رد مستمر سایر قطعنامه‌های شورای امنیت خصوصاً عدم شناسائی حاکمیت کویت و مرزهای آن انجام می‌گیرد. شواهد زیادی در دست است که نشان می‌دهد تنها دلیل آغاز همکاری رژیم عراق با کمیسیون سازمان ملل برای عراق، لغو تحریمهای نفتی است. واشنگتن مطمئن است هنگامی که تحریمها برداشته شود عراق مانع برنامه نظارت دراز مدت شده و برنامه‌های بازسازی سلاح‌های کشتار جمعی خود را از سر خواهد گرفت. لذا، قبل از بررسی احتمال لغو تحریمها می‌بایست اطمینان حاصل شود که عراق نه تنها بطور کامل شرایط فنی مندرج در برنامه سلاحهای کشتار جمعی را رعایت خواهد کرد، بلکه این کار را برای همیشه انجام می‌دهد. همانگونه که رئیس کمیسیون خلع سلاح سازمان ملل برای عراق اظهار داشته است این امر مستلزم یک زمان طولانی آزمایش سیستم‌های دائمی نظارت است. واشنگتن و شرکای آن در شورای امنیت سازمان ملل این پیشنهاد را پذیرفته‌اند. آن‌ها نیز تشخیص داده‌اند که بررسی نحوه تحریم‌ها توسط شورا تحت نفوذ نیات گسترده‌تر صدام (که شواهد زیادی در این خصوص موجود است)، قرار خواهد گرفت.

قطعنامه‌های سازمان ملل همچنین نشان دهنده اتفاق نظر بین‌المللی در خصوص

حمایت از خاتمه دادن به سرکوب مردم عراق توسط صدام است.

ما که از نزدیک با سازمان‌های وابسته به سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر کار می‌کنیم، خواستار بذل توجه به اتباع عراقی که توسط این رژیم مورد بیرحمی قرار می‌گیرند هستیم و بر حضور ناظران حقوق بشر در کشور عراق اصرار داریم. دولت کلینتون همچنین مستقیماً به ارائه کمک به کردها و سایر گروهها در شمال عراق مشغول است. مردم کرد در آن منطقه سرگرم بازسازی خانه‌های خود تحت نظارت نیروهای ائتلاف[1] می‌باشند.

تلاشهای بشر دوستانه جامعه بین‌الملل در عراق نشان دهنده نگرانی عمیق آنان نسبت به مصائب مردم عراق است. جامعه بین‌الملل همچنین از اثرات تحریمها بر زندگی روزمره آنان آگاه است. قطعنامه‌های ۷۰۶ و ۷۱۲[2] شورای امنیت که صدام از اجرای آنها سر باز می‌زند، خصوصاً برای کاهش مصائب آنها صادر شده‌اند. بر طبق این قطعنامه‌ها به عراق اجازه داده می‌شود مقادیر محدودی نفت برای خرید غذا، دارو و اقلام ضروری بفروش برساند، مشروط بر اینکه فروش و توزیع کالاها با نظارت سازمان ملل صورت گیرد. لذا می‌بایست روشن شود که صدام و نه جامعه بین‌الملل مسئول ادامه مصائب آنهاست.

دولت کلینتون همچنین به عنوان نشانه‌ای از علاقه‌مندی ما به یک عراق دمکراتیک از اهداف کنگره ملی عراق (INC)، یک سازمان در تبعید که حاوی طیف گسترده‌ایی از جوامع مذهبی، غیر مذهبی و قومی است، حمایت می‌کند. کنگره ملی عراق اخیراً پایگاه‌های خود را گسترش داده، مراکزی را در شمال تأسیس کرده و با دولتهای عرب همسایه که دارای هدف حفظ تمامیت ارضی عراق می‌باشند روابط خود را تعمیق بخشیده است.

علیرغم تلاشهای صدام برای جلب وفاداری مردم، تحریم‌ها در محافل حیاتی داخلی که رژیم بدانها وابسته است خسارات زیادی وارد می‌آورد.

۱- پس از آزاد سازی کویت و خروج نیروهای متحدین از خاک عراق نیروهای چند ملیتی موسوم به چکش تعادل در خاک ترکیه (منطقه اینجرلیک) مستقر گردیدند و با ایجاد گشت‌های هوائی منظم و با هدف پوشش امنیتی برای اکراد در مقابل حملات عراق حضور نظامی خود را در شمال عراق حفظ نمودند. مأموریت نیروهای چکش تعادل هر سه ماه یکبار از سوی شورای امنیت ملی و پارلمان ترکیه (علیرغم مخالفت احزاب سیاسی داخلی ترکیه) و با توصیه آمریکا تمدید می‌گردد.

۲- رجوع کنید به بخش ضمائم.

غالباً گزارشاتی مبنی بر تلاش برای کودتا و ناآرامی در میان نخبگان نسبتاً مرفه عراقی واصل می‌شود. این اتفاقات ممکن است به ایجاد شرایط جدید برای اتباع عراقی منتهی شوند و فرصتهای جدیدی را برای برقراری روابط مسالمت‌آمیز و عادی بین عراق و جهان خارج بدست دهند.

یکسان کردن سیاستهای ما نسبت به ایران و عراق حاوی ریسکهایی است. به نحوی که ممکن است این دو کشور در اثر فشار به هم نزدیکتر شوند و در مقابل غرب بایستند. در واقع، بغداد و تهران علیرغم اینکه علاقه مشترکی به همکاری تاکتیکی دارند، هیچکدام واقعاً علاقمند نیستند به دیگری کمک کند تا قوی‌تر شود هر یک از کشورها می‌دانند که اولین هدف کشور متخاصم در آن طرف شط‌العرب خواهد بود.

همچنین این خطر نیز وجود دارد که ما در حفظ تلاشهایمان برای وادار کردن عراق به رعایت تمام قطعنامه‌های سازمان ملل، فرصتی برای ایران ایجاد کنیم تا از ضعف عراق سوءاستفاده کند. ما شاهد تلاشهای ایران به ایجاد رابطه با شیعیان عراق و مداخله در سیاستهای اکراد هستیم، ولی شواهد حاکی از این است که در این مهم ما مبالغه کرده‌ایم. از زمان جنگ ایران و عراق، شیعیان عراق هویت عراقی و عربی خود را حفظ کرده‌اند و از قرارگرفتن تحت نفوذ ایران احتیاط به خرج می‌دهند. به همین ترتیب، به نظر می‌رسد تلاشهای ایران در شمال بر تضعیف اقلیت کرد جدائی‌خواه خود متمرکز است تا تضعیف عراق از طریق تشویق جدائی شمال. در واقع، ایران مانند سایر همسایگان عراق، یعنی سوریه و ترکیه از تجزیه عراق دوری می‌کند به علت اینکه این امر تشویقی برای تجزیه سرزمین خود خواهد شد.

دولت کلینتون یک سیاست واقع‌بینانه و ثابتی را در پیش گرفته که منافع آمریکا و واقعیات منطقه خلیج‌فارس را در نظر می‌گیرد. امروز، رژیم‌های بغداد و تهران ضعیف‌تر و به نحو فزاینده‌تری تدافعی هستند. بتدریج متوجه خواهند شد که برای پشت پا زدن به تعهد خود باید بهای گزافی بپردازند، این یک جهاد نیست بلکه تلاش واقعی و مسئولانه برای حفظ منافع استراتژیک آمریکا و تحکیم سیاستهای بین‌المللی است و موجب گسترش جامعه ملل متعهد نسبت به دمکراسی، بازار آزاد و صلح می‌گردد[1]»

1- Anthony Lake/ FOREIGN AFFAIRS/ Volume 73\ NO:2/ March, Aprill 1994 .

فصل پنجم

ارزیابی آمریکا از استراتژی مهار دوگانه

بخش اول :

امنیت خلیج فارس و سیاست آمریکا

بخش دوم :

تأثیرات عملی استراتژی مهار دوگانه

بخش اول: امنیت خلیج فارس و سیاست آمریکا

دکتر ویلیام پری* وزیر دفاع آمریکا طی سخنانی در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ در ساختمان ویرکسن ـ سنای واشنگتن در کنفرانسی که از سوی شورای سیاست‌های خاورمیانه برگزار شد به بیان نحوه مقابله با عراق و بکارگیری «سیاست پیشگیرانه» پرداخت. وی ایران و عراق را عامل اصلی تهدید در منطقه خلیج فارس معرفی می‌کرد. متن کامل اظهارات وی طی مقاله‌ای تحت عنوان "امنیت خلیج فارس و سیاست آمریکا" در آوریل ۱۹۹۵ توسط مجله Middle East Policy منتشر گردید که در آن ویلیام پری مهمترین ابزار برای مهار ایران و عراق را استفاده از زور و یا تهدید به استفاده از زور معرفی کرد.

پری می‌گوید: «اولین موضوع صحبت من در مورد این است که ما چگونه تصمیم به استفاده از زور می‌گیریم، و کاربرد آنرا در گذشته، حال و آینده خلیج‌فارس[1] بیان خواهیم کرد. توضیح خواهم داد که چرا ما فکر می‌کنیم منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، منطقه‌ای است که منافع حیاتی آمریکا در آن در معرض خطری است که ارزش استفاده از زور را دارد».

«منافع حیاتی ما در معرض خطر خواهد بود اگر احساس کنیم خطری متوجه بقای امریکا یا متحدان ما می‌باشد یا تهدیدی علیه منافع اقتصادیمان صورت گرفته و یا در آینده خطر تهدید هسته‌ای وجود دارد. اینها مواردی است که در صورت بروز، ما آنها را خطری علیه منافع حیاتی، ملی و امنیتی امریکا تلقی می‌کنیم و لذا مایل به استفاده از زور در مقابل آنها می‌باشیم.»

«باید تأکید کنم که حتی در آن صورت نیز در ضمن حمایت از منافع حیاتی، اولین هدف ما همواره «بازدارندگی»[2] است، یعنی بکارگیری «سیاست پیشگیرانه[3]». ولی اگر این سیاست شکست بخورد ما به سیاستی که من آنرا «سیاست تهدید» می‌نامم، متوسل می‌شویم. اولیور کرامول زمانی گفت؛ بهترین سفرا جنگجویان هستند. ظاهراً منظور او

---

* William J.Perry

۱- ویلیام پری در این سخنرانی بارها از عنوان صحیح خلیج فارس استفاده نموده است.

2- Deterrence

3- Preventive Diplomacy

این است که دیپلماسی را باید از طریق اعمال نیروی نظامی انجام داد».

«البته من با این عقیده موافق نیستم، ولی معتقدم که دیپلماسی زمانی بیشترین کارآیی را دارد که نیروی نظامی در خدمت آن باشد و منظور من از دیپلماسی تهدید همین است، دیپلماسی که نیروی نظامی در خدمت آن باشد. زمانی که منافع حیاتی ما مورد تهدید قرار گیرد، باید آماده باشیم که از نیروی نظامی استفاده کنیم یا تهدید به استفاده از زور کنیم. این بدان معناست که باید بنیه نظامی داشته باشیم و عزم خود را برای استفاده از زور جهت خاتمه بخشیدن به تهدید نشان بدهیم و اکنون نیز در هیچ جای دنیا به اندازه خلیج فارس منافع حیاتی امریکا در معرض خطر نیست. زیرا :

اولاً : بقای برخی از دوستان اصلی ما از نظر امنیتی در منطقه از سوی کسانی که سرسختانه مخالف صلح با همسایگان خود هستند، در معرض خطر است. البته در خط مقدم این کشورها ایران و عراق قرار دارند. کشورهای رادیکالی که تقریباً در تمام موارد رقیب هم هستند به استثنای یک نکته و آن تعقیب سیاست‌ها و دستور کارهایی علیه منافع ماست. ایران و عراق هم چنین خطر جدی را متوجه اسرائیل و کشورهای عرب دوست ما از جمله عربستان سعودی، کویت و سایر کشورهای میانه‌روی حوزه خلیج‌فارس می‌نمایند.

گذشته از این، دو کشور ایران و عراق که بیشترین تهدید را متوجه عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای می‌نمایند در خلیج فارس قرار دارند. این کشورها به همراه کشورهای منطقه یا دارای سلاحهای شیمیایی، بیولوژیکی و سیستم موشکهای بالستیک می‌باشند و یا در حال تولید آنها هستند.

سومین دلیلی که ما فکر می‌کنیم منافع حیاتی و امنیت ملی ما در خاورمیانه و خلیج‌فارس تهدید می‌شود این است که هرگونه تهدید نسبت به امنیت خلیج (فارس) منافع حیاتی اقتصادی امریکا را به مخاطره می‌اندازد. منافع اساسی ما در خلیج فارس دسترسی به منابع انرژی منطقه است. حدود دو سوم منابع نفت شناخته شده دنیا در خلیج فارس قرار دارد. از سویی پنج کشور خلیج فارس هرکدام به‌تنهایی بیشتر از کل کشورهای امریکای شمالی دارای منابع نفت می‌باشند. واضح است که اگر کنترل حوزه‌های نفتی خلیج فارس در اختیار یک کشور متخاصم قرار بگیرد، آن کشور را قادر می‌سازد از جهان صنعتی باجگیری کند و سلامت اقتصاد جهان را تهدید نماید. با توجه به این دلایل نباید اجازه بدهیم تجاوز عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ پایدار بماند».

«نتایج آنی و ملموس جنگ خلیج (فارس) بسیار مؤثر بود. ما کویت و مردم آن را از اشغال و تجاوز عراق آزاد کردیم. از عربستان سعودی حمایت نمودیم. برنامه توسعه تسلیحات کشتار جمعی عراق را فلج کردیم. ما همچنین مانع از آن شدیم که صدام حسین کنترل حوزه‌های نفتی کویت و عربستان سعودی را در اختیار بگیرد و از این طریق مانع اخاذی وی از باقی جهان شدیم و دست آخر توانایی‌های جنگی عراق را تا حد بسیار قابل ملاحظه‌ای کاهش دادیم. این هماهنگی، نتایج ملموس آن جنگ است. ولی این جنگ حداقل دو نتیجه دیگر داشته است که غیر ملموس‌تر می‌باشند. قبل از همه، این جنگ نشان‌دهندهٔ اعتبار سخنان ما و توانایی جنگیدن ما بود. ما تعهدی کردیم که تا آخر پای آن ایستادیم و از آن زمان به بعد هیچ متجاوزی در هیچ جای دیگر در مورد توانایی نظامی امریکا تردید نکرد. ما قاطعانه و مؤثر در برابر خطری که متوجه منافع حیاتی آمریکا شد، ایستادیم.

ثانیاً، این جنگ فرصتی شد تا بین اسرائیل و همسایگانش تا حدودی صلح ایجاد شود. البته ما هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم ولی جنگ این بن‌بست را شکست. جنگ اعتبار کشورهای رادیکال مخالف صلح را که منزوی شده و شکست خورده بودند، از بین برد. این جنگ سیمای آنان را به عنوان رهبر جهان عرب و توانایی‌شان را برای اعمال سیاست‌های رادیکالی بر کشورهای میانه‌رو از بین برد و سرانجام جنگ به دوستان ما در ائتلاف فرصت داد تا سیاست‌های جدید و مثبتی را دنبال کنند.»

«موفقیتهای نظامی عملیات طوفان صحرا با درنظر گرفتن زمینه عملیات بسیار روشنتر می‌شود. هنگامی که عراق به کویت تجاوز کرد ما تقریباً حضور نظامی قابل ملاحظه‌ای در منطقه نداشتیم و اینکار ماهها طول کشید، تا مدتها پیش از تجاوز عراق به کویت، نیروی زمینی امریکا که از عربستان دفاع می‌کرد دارای دو تیپ چترباز مسلح به سلاحهای سبک بودند که حتی برای ممانعت از ورود عراق نیز کافی نبودند. ماهها طول کشید تا بتوانیم تجهیزات لازم را برای انجام یک عملیات مطمئن و قاطع حمل کنیم و چند ماه دیگر نیز لازم بود تا بتوانیم توانایی تهاجم پیدا کنیم. هم‌چنین ما یک استراتژی مورد توافق با دوستان خود در خلیج (فارس) برای مقابله با وضعیت موجود نداشتیم و مجدداً ماهها طول کشید تا امریکا بتواند ائتلافی دراین‌خصوص بوجود آورد و موافقت ائتلاف را برای (اجرای) استراتژی که سرانجام جنگ را برد، کسب کند. کار بسیار زیادی لازم بود تا با کشورهای خلیج فارس صرفاً در مورد شرایط ورود و عملیات نیروهای

امریکائی مذاکره کنیم".

"اکنون تلاش‌های ما را برای جایگزین کردن نیروها در سال ۱۹۹۰ با وقایع اخیر در اکتبر گذشته مقایسه کنید.[1] شب ۶ اکتبر ژنرال شالکاشویلی* وارد دفتر کار من شد و چند عکس را روی میزم گذاشت. از هفته‌ها قبل از آن ما شاهد نظرات خصمانه‌ای بودیم درخصوص آنچه که عراق، در صورتیکه تحریمها لغو نشود، انجام خواهد داد. آن تصاویر که توسط مراکز شناسایی ملی امریکا تهیه شده بود، نشان می‌داد که واحدهای رزمی گارد جمهوری عراق از پادگانهای خود در شمال و مرکز کشور حرکت کرده‌اند و در نزدیکی مرز کویت مستقر شده‌اند. آنچه مشخص بود این بود که آنان مهمات، توپخانه و تمام تجهیزات لازم برای حمله به کویت را همراه آورده بودند و مشاهده میشد که نیروهای پشتیبانی زیادی برای حرکت به سوی جنوب، در شمال گرد آمده بودند".

"تا به امروز نیز هنوز مشخص نشده است که صدام در پی چه کاری بود. آیا واقعاً می‌خواست دوباره به کویت حمله کند؟ یا فقط برای وارد کردن فشار به شورای امنیت سازمان ملل در لغو تحریم‌ها به اینکار متوسل شده بود؟ هرچه بود، آن عملیات یک تمرین معمولی نبود. هیچ ارتشی مهمات کامل جنگی را برای تمرینات معمولی بکار نمی‌گیرد و آنچه که مسلم بود نقض آشکار شرایط آتش‌بس بود."

"تفسیر ما هرچه بود به این نتیجه رسیده بودیم که نباید دست روی دست گذاشت. باید سریع و قاطع عمل می‌کردیم. لذا رئیس جمهوری، دستور اعزام نیروهای امریکایی به منطقه را صادر کرد".

"یک روز بعد در ۷ اکتبر (یک روز پس از دیدن آن تصاویر) ما یک ناو هواپیمابر به‌دریای سرخ و یک واحد دریائی به خلیج فارس اعزام کردیم. در ۸ اکتبر دستور اعزام واحدهای زمینی، دریائی و هوایی صادر شد و سایر واحدها نیز بحالت آماده‌باش درآمدند. ظرف ۵ روز اولین نیروهای رزمی امریکا پا به زمین گذاشتند و آماده جنگ شدند و چند روز بعد تعداد هواپیماهای امریکایی موجود در منطقه به سه برابر زمان آغاز بحران رسید. یک تیپ مکانیزه نیز در محل مستقر بود و یک تیپ به انضمام چندین زیردریائی دیگر نیز در راه بودند. علاوه بر این واحدها، امریکا آماده بود تا بیش از ۱۵۰

۱- در اکتبر ۱۹۹۴ عراق تهدید کرد که اگر تحریم‌ها لغو نشود به کویت مجدداً حمله خواهد کرد و به سمت مرزهای کویت لشکرکشی کرد.

* Shalkashovaili

هزار نفر را در منطقه مستقر کند."

"درسی که ما گرفتیم این بود که بی‌فایده است با آدمی مثل صدام بصورت سربسته و غیرمستقیم صحبت کنیم. فقط نیروهای مطمئن و آماده به جنگ می‌توانند حامی سیاست تهدید باشند. این‌بار، این سیاست مؤثر افتاد. نیروهای عراقی به پادگانهای خود برگشتند. بعداً به درسهای دیگر که از این ماجرا آموختیم اشاره خواهم کرد".

"مشخص‌ترین و مهمترین تفاوت، بین آنچه در خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۴ اتفاق افتاد این بود که در سال ۹۰ ما مجبور به جنگ بودیم برای اینکه تجاوز عراق را متوقف کنیم و در سال ۱۹۹۴ قبل از شروع به جنگ، تهدید عراق برطرف شد".

"اساسی‌ترین و ساده‌ترین علت، تأثیر اقدامات نظامی و دیپلماتیکی بود که مابین سالهای ۹۱ تا ۹۴ برای افزایش قدرت عکس‌العمل خودمان نسبت به یک بحران انجام داده بودیم.

اولاً، ما بیش از ۷۰ هواپیمای جنگی برای تقویت و حفاظت از منطقه ممنوعه پروازی به جنوب عراق اعزام کرده بودیم. این امر نه‌تنها موجب بوجود آمدن نیروی بازدارنده قوی و قابل اطمینان برای ما در منطقه شد، بلکه اطلاعات بسیار ذیقیمتی از تحرکات عراق به ما داد. این چیزی بود که در سال ۹۰ از آن محروم بودیم.

ثانیاً، دارای ستادهای فرماندهی امریکا در منطقه بودیم که کار کنترل و فرماندهی را به عهده داشت.

ثالثاً، ما تجهیزات کاملی را برای یک ارتش کامل از تانک‌ها و پیاده نظام مکانیزه در کویت آماده داشتیم و به همین دلیل بود که در سال ۹۴ توانستیم بسرعت نیروهای مسلح خودمان را به منطقه بیاوریم. در واقع نیروهای اعزامی با این تجهیزات مسلح شدند. آن‌ها مستقیماً وارد کار شدند. سوار اتوبوس‌ها شدند و ظرف یک ساعت تانک‌های خود را از پایگاههای کویتی خارج کردند ما همچنین تجهیزاتی را بطور اضافی در کشتی‌هایی در دیگو گارسیا قرار داده بودیم که به سوی خلیج (فارس) در حال حرکت بودند.

چهارمین تفاوت این بود که ظرف سه سال گذشته، نیروهای زمینی، دریایی و هوایی امریکا در تمرینات زیادی در منطقه خلیج فارس شرکت کرده بودند که آن‌ها را برای شرکت در سناریوی مشابه آنچه که در ماه اکتبر اتفاق افتاد آماده کرده بود.

سرانجام و شاید مهمتر از همه اینکه امتیاز ما این بود که یک استراتژی مورد قبول بین امریکا و متحدانش در خارج و داخل منطقه خلیج (فارس) داشتیم. امروزه با توجه به تلاش‌های ما و اقدامات متحدان در منطقه، کشورهای خلیج (فارس) آمادگی دارند از خودشان دفاع کنند. ما آنان را در برنامه‌ریزیهای مربوط به دفاع سهیم کرده‌ایم. ما موافقت آنان را برای بعهده گرفتن مسئولیت‌های بزرگتر جلب کرده‌ایم، از جمله مسئولیت‌های مالی دفاع از خودشان. فی‌المثل، اینبار سه روز پس از اینکه آن عکس‌ها را دیدم کویتی‌ها یک تیپ مکانیزه برای مقابله با نیروهای عراقی در مرز مستقر کرده بودند. اینرا با سال ۹۰ مقایسه کنید که آنها حتی نیروهایشان را از پادگانها خارج نکردند در حالی که اکنون ما با تمام متحدان خود در خلیج (فارس) در زمینه اداره بالقوه یا بالفعل عملیات و یا نیروهایمان در کشور آنها به توافق رسیده‌ایم. نتیجه این شد، زمانی که در سال ۹۴ طول کشید تا دو تیپ پیاده نظام مکانیزه با سلاح سنگین را با نفرات و تجهیزات در محل پیاده کنیم برابر زمانی بود که در سال ۹۰ برای اعزام دو تیپ چترباز لازم بود".

"ما ظرف یک هفته ۲۰۰ هواپیمای جنگی و پشتیبانی را به محل آوردیم. دست آخر توانستیم یک خطر بزرگ را طی ۸ روز مهار کنیم و مهمتر اینکه حتی یک گلوله هم شلیک نشد و حتی یک امریکایی، کویتی، سعودی یا عراقی نیز کشته نشد.

خلاصه اینکه ماجرای خلیج (فارس) در سالهای ۹۰ و ۹۱ نشان‌دهندهٔ توانایی امریکا در جنگیدن و ماجرای سال ۹۴ حاکی از توانایی ما در جلوگیری از جنگ بود".

"اینکار انجام شد ولی ما نمی‌خواهیم به صدام اجازه بدهیم در هر زمان که بخواهد ما را وادار به اعزام نیرو به مرزهای کویت کند. برای این منظور چندین قدم برداشته‌ایم. اولاً به عراق گفته‌ایم که برداشت ما از آخرین قطعنامه شورای امنیت این است که عراق به هیچ وجه نباید در جنوب مدار ۳۲ توانایی نظامی خود را افزایش بدهد. این بدان معناست که عراق می‌داند اگر این قطعنامه را نقض کند با پاسخی شدید و قاطع روبرو خواهد شد و ما برای اینکار نیروهایی را در محل مستقر کرده‌ایم. ما تعداد هواپیماهای جنگی و پشتیبانی را در خلیج (فارس) تقریباً دو برابر آنچه در بحران اخیر بوده، خواهیم کرد و به این فهرست نیز تعدادی هواپیمای A-10 که خصوصاً برای حمله به تانک طراحی شده‌اند، اضافه خواهند شد. این بدین‌معناست که نه‌تنها در هوا، بلکه در حمله به هدفهای زمینی نیز در موقعیت بهتری قرار خواهیم داشت. ماهم چنین درصدد استقرار تجهیزات بیشتری در منطقه برخواهیم آمد، بالاخص تجهیزات برای

دوتیپ مکانیزه دیگر."

"کارهای زیاد دیگری برای انجام باقی می‌ماند. فی‌المثل، ما باید تلاش‌هایمان را برای افزایش همکاری‌های دفاعی در میان کشورهای حوزه خلیج (فارس) از طریق اقداماتی مانند تمرینات مشترک و بهبود توانایی‌های رزمی نیروهایمان، دوبرابر کنیم".

"در دراز مدت باید همواره درصدد پیدا کردن راههایی برای کاهش وابستگی اقتصادیمان به منطقه باشیم، فی‌المثل از طریق منابع انرژی جایگزین. هم‌چنین باید در جستجوی راههایی باشیم تا دوستان ما در منطقه و متحدانمان در اروپا و حوزه اقیانوس آرام، بخش بیشتری از بار حمایت از منافع اقتصادی ما در خلیج‌فارس را به‌دوش بگیرند."

"در خاتمه، هرگاه منافع اقتصادی ما در خطر باشد، امریکا می‌بایست آمادگی داشته باشد تا هر کاری راکه برای حمایت از آن منافع لازم است، انجام دهد. ما نباید در هر موقعیت دشواری که پیش می‌آید نیروهای نظامی خودمان را به حرکت درآوریم، نباید زمانی که منافعمان واقعاً به خطر می‌افتد مانند آنچه که ۵۳ سال پیش‌روی کشتی یواس اس وست ویرجینیا[۱] اتفاق افتاد دچار تزلزل و ترس شویم و یا از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنیم. خلیج فارس محل خوبی برای این آزمایش است. این منطقه مثال خوبی است که چرا ما باید نیروهای آماده‌ای برای حمایت از دیپلماسی خود داشته باشیم. پاسخ ما به حرکات اخیر عراق نشان می‌دهد که ما این نیرو را دراختیار داریم و هر زمان که لازم باشد از آن استفاده می‌کنیم."

۱- ژاپنی‌ها در زمان جنگ جهانی دوم و در پول‌هارپور به کشتی یواس‌اس وست ویرجینیا حمله کردند.

بخش دوم : تأثیرات عملی استراتژی مهار دوگانه از دیدگاه مارتین ایندیک

آقای جرج‌ندر[1] سردبیر مجله Middle East Insight در اکتبر ۱۹۹۵ طی مصاحبه با دکتر مارتین ایندیک، طراح استراتژی مهار دوگانه، به بررسی آثار عملی استراتژی مذکور می‌پردازد. ایندیک در پاسخ به سؤالات وی می‌گوید :

"قبل از هر چیز باید بگویم این سیاست به نام من معروف شده است زیرا من اولین کسی بودم که از آن صحبت کردم. در واقع افراد بسیار رده بالاتر از من در مورد این سیاست تصمیم‌گیری کردند، این سیاست، سیاست وزیر خارجه، مشاور شورای امنیت ملی و از همه مهمتر سیاست رئیس جمهور است. در اینگونه امور افراد دخیل نیستند. این سیاست دولت امریکاست".

"در مورد موفقیت، فکر می‌کنم مهم است بدانیم این سیاست چه هست و چه نیست. ما از [محصور سازی دوگانه] صحبت می‌کنیم نه از [محصورسازی دوتائی] بدین‌معنا که درخصوص عراق همان سیاستی را که در قبال ایران داریم دنبال نمی‌کنیم. سیاستهای ما در قبال عراق براساس قطعنامه‌های شورای امنیت است که متعاقب جنگ خلیج (فارس) اتخاذ شده‌اند. هدف سیاست ما صرفاً دستیابی به رعایت کامل تمام قطعنامه‌هاست. شورای امنیت درپی تجاوز عراق به کویت تحریم‌هایی را علیه عراق اعمال کرد و تا زمانی که قطعنامه‌ها بطور کامل رعایت نگردد لغو نخواهند شد. درخصوص ایران ما نه قطعنامه‌های شورای امنیت را داریم و نه تحریم‌های سازمان ملل را، لذا ابزاری که ما برای کنترل رفتارهای ایران دراختیار داریم کاملاً با عراق متفاوت است. این وظیفه دشوارتر است. زیرا در مورد ایران باید توافق جهانی بوجود بیاوریم، ولی درخصوص عراق هدف حفظ این توافق است.

در مورد عراق باید بگویم این سیاست بسیار مؤثر بوده است، آنچه‌که ما از زمان روی کار آمدن دولت کلینتون می‌بینیم این است که صدام اخیراً به عوض کردن نظرات خود اقدام کرده است. وقتی ما (دولت کلینتون) سرکار آمدیم صدام بشدت در برابر متحدین مقاومت می‌کرد. از زمان بمباران ستادهای اطلاعاتی در بغداد، به تلافی تلاش

1- George Neder

برای ترور جرج بوش، لجبازی وی بسیار کمتر شده و در واقع با کمیسیون ویژه سازمان ملل همکاری کرده است. وی قطعنامه شماره ۷۱۵[۱] را برای نظارت درازمدت بر سلاحهای کشتار جمعی عراق پذیرفته است و اکنون برای مذاکره در خصوص مسائل کویت و به رسمیت شناختن مرزها و حاکمیت کویت آماده است. اکنون تحریم‌ها لغو نشده و تنها دلیلی که باعث شده او به رعایت مقررات تن در دهد این است که پس از سه سال، فشار تحریم‌ها را بر خود احساس می‌کند. از سوی دیگر، می‌داند که اگر بخواهد سرکشی کند با عکس‌العمل قاطعی روبرو خواهد شد. احساس من این است که او اکنون به جائی رسیده است که می‌بیند چاره‌ای به جز اطاعت ندارد".

"البته در اینجا نوعی تناقض وجود دارد. هر چه تحریم‌ها قویتر باشد، اطاعت او بیشتر می‌شود. ولی هر چه اطاعت او از قطعنامه‌های شورای امنیت بیشتر شود، حفظ تحریم‌ها نیز دشوارتر خواهد شد. من فکر می‌کنم ما باید این نکته را روشن کنیم که فقط اطاعت از یکی از بندهای قطعنامه یعنی بند مربوط به سلاحهای کشتار جمعی [قطعنامه ۶۱۷ شورای امینت] برای لغو تحریم‌های نفتی کفایت نمی‌کند. قطعنامه‌ها در خصوص نیاز به حصول اطمینان از "نیات صلح‌جویانه عراق" بسیار روشن می‌باشند و این امر [لغو تحریمها] به تغییر در تمام جنبه‌های مورد اشاره در قطعنامه‌های شورای امنیت بستگی دارد".

"سرکوب مردم عراق نیز بشدت ما و بسیاری از اعضای جامعه بین‌الملل را نگران می‌سازد. صدام حسین همچنان به سرکوب، کشتار و آواره کردن مردم خود و ویران ساختن دهکده‌های آنان ادامه می‌دهد. ما معتقدیم که وی در آینده اگر فرصتی پیدا کند همان سیاستها را در برابر همسایگان خود اعمال خواهد کرد. به همین علت قطعنامه ۶۸۸[۲] شورای امنیت خواستار قطع سرکوب مردم عراق است. ما خواهان رعایت این موضوع و نیز سایر موضوعات مربوط به آتش‌بس هستیم. ترور اخیر فرزند آیتا... خوئی فقط یک نمونه از ترور و ارعابی است که صدام همچنان بر مردم خود اعمال می‌کند. این موضوع به هیچ‌وجه از نظر جامعه بین‌المللی قابل پذیرش نیست. لذا، من معتقدم سیاست محصورسازی مؤثر افتاده است. ما کنترل سلاحهای کشتار جمعی او را کم‌کم بدست می‌آوریم. او چاره‌ای ندارد جز اینکه شناسائی مرزها و به رسمیت شناختن

۱- نگاه کنید به بخش ضمائم

۲- نگاه کنید به بخش، ضمائم

حاکمیت کویت را بپذیرد. اطمینان دارم در انتها ما به هدف کسب اطاعت کامل وی دست خواهیم یافت".

"در مورد ایران، سیاست محصورسازی دشوارتر است. ایران به کشور دیگری تجاوز نکرده است. اما در عوض موجب تشویق و ترویج ترور می‌شود. ما می‌دانیم که ایران تنها کشور بزرگی است که مشوق و مروج تروریسم در سطح جهانی می‌باشد. علاقمندی ایران به کسب سلاحهای کشتار جمعی بخصوص اینکه برخلاف تعهدات آن کشور طبق عهدنامه عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای می‌باشد، تلاشهایش برای اشکال‌تراشی در راه روند صلح از طریق تأمین مالی و آموزش ارتش‌ها و سازمانهایی که مصمم به استفاده از تروریسم و خشونت می‌باشند و همچنین تلاشهای آن برای کسب سلاحهای کشتار جمعی به منظور ایجاد مشکل برای همسایگان خود، همگی از مسائلی هستند که موجب نگرانی عمیق ما می‌باشند. مسئله این است که چگونه ایران را متوجه این مطلب کنیم که تا زمانی که به این سیاستهای خود ادامه می‌دهد به عنوان یک عضو عادی جامعه بین‌المللی پذیرفته نخواهد شد، زیرا برخلاف ارزشهای اولیه نظم بین‌المللی رفتار می‌کند."

"توانائی ما در متقاعد ساختن متحدانمان بر ضرورت تفهیم این مسئله به ایران و تأکید بر نوع روابطی که لازم است با این کشور داشته باشیم کاری دشوار بنظر می‌رسد. زیرا در خصوص ایران انگیزه‌های اقتصادی و تجاری بسیار قویتر از عراق است. سقوط قیمت نفت و سوء مدیریت فاجعه بار اقتصادی ایران [که ایران را مجبور به درخواست مهلت برای بازپرداخت بدهی‌های بین‌المللی‌اش کرده است] همگی کمکی به ما در جهت هدفمان بوده است. ما نتوانسته‌ایم مانع از تمدید پرداخت در بدهی‌های ایران بشویم، عمدتاً به علت اینکه کشورهای مورد نظر (آلمان، فرانسه، ایتالیا و ژاپن) ضامن آن بوده‌اند و لذا در صورت عدم توانائی ایران در پرداخت مسئولیت متوجه آنها می‌شود. ظاهراً غیرممکن بود آنها را متقاعد کنیم که مدت سررسید این بدهی‌ها را تمدید نکنند. ما در تشویق مؤسسات بین‌المللی مالی، در عدم اعطای اعتبار به ایران موفق‌تر بوده‌ایم. ما تلاش زیادی در ممانعت از رسیدن تکنولوژیهای غربی که مصرف دوگانه دارند و کمکی به ایران در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی به شمار می‌روند به خرج داده‌ایم."

"من فکر می‌کنم ایران امروزه ضعیف‌تر و منزوی‌تر از زمان روی کار آمدن دولت کلینتون است و موفقیت ما در پیشبرد روند صلح که کاملاً ناقض سیاست خارجی رژیم ایران است به افزایش این انزوا کمک کرده است".

"و اما در مورد عراق احساس ما این است که صدام نمی‌تواند تمام قطعنامه‌های شورای امنیت را رعایت کند و بر سر قدرت هم باقی بماند".[۱]

سر دبیر MEI از ایندیک می‌پرسد که در شماره مارس و آوریل ۱۹۹۴ مجله Foreign Affairs آنتونی لیک مشاور امنیت ملی، کشورهای کوبا، کره شمالی، ایران، عراق و لیبی را بعنوان کشورهای "سرکش" نامید و سیاست دولت آمریکا را برای محصور کردن این گروه برشمرد. از زمان انتشار این مقاله، آمریکا مذاکراتی را با کوبا و کره شمالی آغاز کرده است، آیا تحول مثبتی را در خصوص سه کشور ایران، عراق و لیبی انتظار دارید؟ ایندیک در پاسخ می‌گوید:

"در خصوص ایران ما مکرراً آمادگی خودمان را برای مذاکره اعلام کرده‌ایم، ولی این مذاکره می‌بایست در یک سطح مقتدر و تصمیم‌گیرنده‌ای مثل دولت با دولت باشد، نه با کانالهای غیراصلی و یا بصورت پنهانی، تمایل ما برای مذاکره خالصانه است. البته ما تمام موضوعاتی را که موجب نگرانی ماست، مثل سلاحهای کشتار جمعی، حمایت از تروریسم، مخالفت با روند صلح، تهدید کشورهای همسایه و سرنگون کردن رژیم‌های دوست، را در دستور کار خواهیم گنجاند. لذا، همانطور که در مورد کره شمالی عمل کردیم، حاضریم در خصوص تمام موضوعات صحبت کنیم، در خصوص عراق موضوع فرق می‌کند. در آن مورد همانطور که گفتم یک توافق بین‌المللی وجود دارد. شرایط بسیار روشن است و قطعنامه‌های شورای امنیت وجود دارد. رژیم صدام حسین به طرق مختلف خصوصاً علیه مردم خودش عمل کرده است و پس از یک بررسی جامع از تمام اسناد، این اعمال، زمینه را برای بررسی جرائم وی علیه بشریت فراهم خواهد کرد. ما در این مورد با یک رژیم کاملاً متفاوت از نظر کیفی روبرو هستیم و لذا فکر نمی‌کنم درست باشد از مذاکره یا گفتگو (با صدام) صحبت بکنیم".[۲]

حقیقت این است که بسیاری از کشورهای منطقه و جهان که در گذشته با عراق

1- Martin Indyk, "Peace and Containment", Middle East Insight, Vol XI/ Sep, Oct 1995 p : 30-37.

2- Ibid

دارای روابط تجاری و اقتصادی بوده‌اند، در نتیجه اعمال تحریم‌های عراق، متضرر گردیده‌اند و همواره هیأت‌های اقتصادی از کشورهای مختلف به بغداد سفر می‌نمایند و قراردادهایی مشروط بر اجرای آن پس از لغو تحریم، با دولت عراق منعقد می‌نمایند و همچنین اکثریت کشورها به استثنای آمریکا و انگلیس از لغو تحریم‌های عراق حمایت می‌نمایند. ایندیک در این خصوص می‌گوید :

"براساس ارتباطاتی که در سطوح بسیار بالا با برخی از متحدان و اعضای شورای امنیت داشته‌ایم، احساس می‌کنیم که از هدف رعایت کامل قطعنامه‌های شورای امنیت حمایت کامل می‌شود. هر بار که قرار است تحریم‌ها مورد بررسی قرار گیرد، زمزمه‌هایی برای لغو تحریم‌ها بلند می‌شود و علت آن هم این است که عراق دیپلماتهای خود را برای جلب حمایت به برخی از کشورها می‌فرستد. اما هنگامی که بررسی تحریم‌ها عملاً آغاز می‌شود در واقع تغییری بوجود نمی‌آید و در شورای امنیت فی‌الواقع حمایت بسیار ناچیزی می‌شود. این وضعیت سه سال است که ادامه یافته و تا زمانی که قطعنامه‌ها بطور کامل رعایت نشوند به همین صورت هم باقی خواهد ماند. فکر می‌کنم این استدلال عراق برای فروش نفت - مبنی بر اینکه فقط بند ۲۲ از قطعنامه ۶۸۷ را در خصوص سلاحهای کشتار جمعی رعایت کند و تحریم صدور نفت لغو شود - در هیچ کشوری پذیرفته نشود".[1]

برخی منتقدان سیاست مهار دوگانه، مدعی هستند که سیاست مهار دوگانه، نهایتاً عراق را بعنوان یک کشور تهدید می‌کند و ادامه تحریم‌ها خطر تجزیه عراق را بدنبال دارد. اکراد عراق تمایل تاریخی و دیرینه‌ای نسبت به ایجاد کردستان بزرگ و مستقل دارند و در حال حاضر از هر طرح بین‌المللی و منطقه‌ای که حداقل نوعی حکومت فدرالی را برای کردستان بدنبال داشته باشد حمایت می‌کنند.

سه کشور ایران، ترکیه و سوریه در حفظ وحدت عراق شدیداً و عمیقاً ذینفع هستند، ایران و ترکیه اقلیتهای کردنشین مهمی دارند و بنابراین ایجاد یک کردستان مستقل عراق بعنوان نطفه ایجاد یک کردستان بزرگ در سطح منطقه، نمی‌تواند مورد قبول آنها قرار گیرد. تعداد کردهای سوریه بسیار محدود است، مع‌هذا، به لحاظ شرایط استراتژیک منطقه‌ای (وجود لبنان و اسرائیل) سوریه آمادگی پذیرش یک منطقه بی‌ثبات دیگر را در مرزهای خود ندارد و لذا، دولت دمشق یکی از مخالفان سرسخت کردستان

1- Ibid

مستقل است.[۱]

نگرانی سه کشور نامبرده، به اندازه‌ای است که ملاقاتهای منظمی پیرامون آینده کردها در سطح وزیران امور خارجه (موسوم به اجلاس سه جانبه) انجام می‌گیرد، و در اولین بیانیه مشترکی که در پایان دیدار وزرای امور خارجه کشورهای نامبرده در دمشق صادر شده است بر دو نکته تأکید گردیده است.

۱) حفظ تمامیت ارضی و وحدت کشور عراق مهم است.

۲) آینده عراق باید توسط مردم و براساس اصول وحدت، یکپارچگی و همسایه خوب تعیین شود."[۲]

مارتین ایندیک در خصوص تأثیر استراتژی مهار دوگانه بر تجزیه یا وحدت عراق می‌گوید :

"این دولت (دولت کلینتون) نشان داده است که از تمامیت ارضی عراق حمایت می‌کند. ما در صدد تجزیه عراق نیستیم، و این موضوع را حتی احتمال هم نمی‌دهیم. این کار اگر امکان‌پذیر بود تابحال انجام شده بود. در طول ۱۰ سال جنگ ایران و عراق، شیعیان عراق فرصتها و انگیزه‌های لازم برای اقدام در این خصوص را داشتند ولی اقدامی نکرده‌اند. حتی پس از جنگ خلیج (فارس) هم چنین نکردند. فکر می‌کنیم افسانه تجزیه و جدا شدن خیلی بزرگ است، ولی واقعیت چیز دیگری است. کشور عراق انسجام ندارد، و تصوّر می‌کنیم در احساس بیمی که ما از آن داریم خیلی مبالغه شده است."

"دولت قبلی بیشتر بر پاسخگوئی نسبت به تجاوز و الحاق کویت تمرکز داشت. اما هدف ما رعایت کامل قطعنامه‌های شورای امنیت است. قبلاً نوعی برخورد شخصی بین صدام و جرج بوش وجود داشت که صدام از این حالت بسیار سود برد. ما تلاش زیادی کرده‌ایم این ماجرا را غیرشخصی کنیم و فکر می‌کنیم توانسته‌ایم نشان دهیم که هدف اطاعت کامل است. در زمان بوش قطعنامه‌ها اصلاً رعایت نمی‌شد ولی بسیار آسانتر می‌شد نشان داد که تحریم‌ها می‌بایست ادامه یابد. همانطور که قبلاً گفتم زمانی که تحریم‌ها مؤثر بیفتد، صدام فشار و لزوم اطاعت را احساس می‌کند و لذا، ما باید

۱- داریوش، اخوان زنجانی، "تحلیلی پیرامون ساختار سیاسی عراق". مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۲، تیرماه ۱۳۷۴، ص ۱۳۶.

2- The Middle East Economic Digest, 15/2/1993 .

سخت‌تر از دولت بوش کار کنیم. ما اهداف سیاسی را عوض نکرده‌ایم بلکه تاکتیک‌های ما فرق دارد."

"ما در صدد براندازی رژیم ایران هم نیستیم. از آنجائی که هیچ چشم‌اندازی برای بی‌ثباتی اساسی وجود ندارد. فکر می‌کنیم تا زمانی که آنها به سیاستهای فعلی‌شان ادامه دهند ما نیز دلیل زیادی برای حفظ سیاست سدبندی خودمان داریم".[۱]

ویلیام پری وزیر دفاع آمریکا، اثرات استراتژی مهار دوگانه را از این دیدگاه مورد بررسی قرار می‌دهد که آیا اعمال سیاست مهار دوگانه سبب قدرتمند شدن دو کشور ایران و عراق خواهد گردید؟ وی معتقد است که :

"... این خطر وجود دارد، از نظر تاریخی، خصومت بین دو کشور به حدی بوده است که این دو کشور هرگز نتوانسته‌اند تا به امروز به آن فکر کنند. علت اینکه آقای بوش اجازه نداد نیروهای آمریکائی در عملیات طوفان صحرا جلوتر بروند، این بود که او نمی‌خواست عراق را کاملاً از بین ببرد و بدین وسیله خلاء قدرتی ایجاد شود که به نفع ایران باشد. ولی حفظ این توازن در آن بخش از دنیا کار بسیار ظریفی است و در آینده نیز همچنان بعنوان یک مشکل باقی خواهد ماند. در مورد سیاست مهار دوگانه، خطر قدرتمند شدن ایران و عراق همواره وجود خواهد داشت و ما این ریسک را قبول می‌کنیم".[۲]

ویلیام پری می‌گوید که حتی اگر صدام سرنگون شود، آمریکا رژیم جدید عراق را در صورت اجرای کامل قطعنامه‌های سازمان ملل مورد شناسائی قرار خواهد داد. در خصوص نقش آمریکا در ترتیبات منطقه‌ای خلیج‌فارس، تکیه بر حضور مستقیم آمریکا، قراردادهای دوجانبه در زمینه نظامی، و استفاده از شورای همکاری خلیج (فارس)، اساس استراتژی نظامی آمریکا را در منطقه تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه اعمال تحریم‌های اقتصادی یکی از مهمترین اهرمهای بکارگیری استراتژی مهار دوگانه می‌باشد، ویلیام‌پری معتقد است که :" تحریم‌های اقتصادی به همراه تهدید نیروی نظامی بخشی از دیپلماسی تهدید است."[۳]

وزیر دفاع آمریکا، یکی از اهداف اعمال استراتژی مهار دوگانه را ایجاد تعادل در

1- Indyk, Op, Cit, p:35.

2- William J.Perry. "Gulf Security and U.S Policy" , Middle East Policy / Vol:3 / No: 4 / April 1995.

3- Ibid

منطقه ذکر می‌کند و می‌گوید :

"اطمینان ندارم که کشوری به تنهایی بتواند در مقابل ایران تعادل را حفظ کند، در واقع عوامل زیادی این تعادل را بوجود می‌آورند. مطمئناً، اسرائیل یک نیروی نظامی قدرتمند منطقه است و شورای همکاری خلیج (فارس) هم همینطور، هیچ کشوری به تنهائی نمی‌تواند این تعادل را ایجاد کند، بلکه اینکار از طریق تعدادی از کشورهای حوزه خلیج (فارس) که با هم همکاری امنیتی کنند میسر است و سرانجام اینکه، آمریکا نیز با بسیاری از کشورهای منطقه دوستی و اتحاد دارد و نقش آن تأثیر تعادلی مهمی را ایفاء می‌کند". [۱]

1- Ibid

فصل ششم

نتایج اعمال استراتژی مهار دوگانه

بخش اول :

استراتژی مهاردوگانه و سرنوشت عراق

بخش دوم :

تأثیرات استراتژی مهار ایران

بخش اول: استراتژی مهار دوگانه و سرنوشت عراق

اعمال استراتژی مهار دوگانه آمریکا در مورد عراق، تأثیرات اساسی و جدی را متوجه دولت و مردم آن کشور نموده است. این تأثیرات به حدی وسیع است که همه ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی، انسانی و ... را دربر می‌گیرد. در این بخش به بررسی اثرات اعمال استراتژی در مورد عراق می‌پردازیم.

الف) تأثیر سیاسی اعمال استراتژی مهار نسبت به حاکمیت عراق :

عراق در حال حاضر، یکی از دشوارترین مراحل تاریخ خود را پشت‌سر می‌گذارد؛ تجاوز به خاک ایران و هشت‌سال جنگ، تجاوز به کویت و شکست نظامی، ورشکستگی اقتصادی، حضور بیگانگان در حریم هوای کشور، زیر سؤال رفتن حاکمیت در شمال و جنوب (مناطق ممنوعه پروازی)، و بالاخره محدود شدن حاکمیت در امور اقتصادی، سیاسی، نظامی و تجاری عواملی هستند که دولت عراق را در معرض خطر قرار داده‌اند.

عراق اساساً دارای ساختار بی‌ثباتی است، کردها و شیعیان که هریک به طریقی با جوامع برون‌مرزی دارای روابط تاریخی و فرهنگی نزدیکی می‌باشند، با یکدیگر و نیز با اهل تسنن، برای کسب قدرت و امتیازات اجتماعی ـ سیاسی و اقتصادی در رقابت هستند. توسعه اقتصادی و لیبرالیسم اقتصادی (از ۱۹۸۷ به بعد) همگام با اصلاحات سیاسی نبوده است و این عدم هماهنگی بین ساختارهای سیاسی و اقتصادی زمینه را برای بی‌ثباتی فراهم آورده است.

با توجه به مطالب فوق و با درنظر گرفتن موقعیت بین‌المللی فعلی عراق، باید اذعان نمود که بقای حکومت فعلی بغداد مستلزم وجود سه شرط است :

۱ـ سازگاری بین سیستم سیاسی و محیط داخلی (مسئله مشروعیت).

۲ـ سازگاری و اجتماع بین سیستم سیاسی و ارزشهای حاکم بر جامعه بین‌الملل.

۳ـ تضمین منافع ایالات متحده آمریکا

در خصوص مسئله مشروعیت حکومت عراق باید توجه داشت که:

اولاً: حکومت مرکزی در منطقه بالای مدار ۳۶ درجه (کردستان عراق) هیچگونه حاکمیتی ندارد و نیروهای چند ملیتی بر منطقه اشراف دارند، درمنطقه زیرمدار ۳۳ درجه (جنوب عراق) نیز نیروهای هوایی امریکا و انگلیس به مانند شمال جولان می‌دهند.

در نتیجه یکی از پیامدهای مهم، اعمال استراتژی مزبور را بر روی عراق، می‌توان تضعیف شدن حاکمیت عراق در اثر ایجاد مناطق ممنوعه پروازی ذکر کرد. تنها در سال ۱۹۹۹ بالغ بر ۱۷۰۰۰ سورتی پرواز از سوی هواپیماهای نظامی آمریکا و انگلیس و با حمایت هواپیماهای آواکس در شمال و جنوب عراق انجام شده است. عمده‌ترین جلوه تضعیف حاکمیت در عراق را می‌توان در شمال عراق مشاهده کرد. آمریکا با همراهی فرانسه، انگلیس و ترکیه در سال ۹۰ اقدام به ایجاد نیرویی موسوم به چکش تعادل در شمال عراق نمود. همچنین سازمان ملل در سال ۱۹۵۵ در قطعنامه ۹۸۶[۱] و در توافقنامه نفت در مقابل غذا[۲]، به صراحت اعلام می‌دارد که در سه استان شمالی وکردنشین عراق، امکانات غذایی مستقیماً توسط نیروهای سازمان ملل متحد و بدون دخالت دولت عراق توزیع گردد. در واقع با این اقدامات، نوعی ساختار سیاسی - اقتصادی مستقل در شمال عراق ایجاد می‌گردد. هرچند مقامات آمریکایی صراحتاً به تمامیت ارضی عراق اشاره دارند لیکن در سیستم حکومتی عراق سهم خاصی را در قالب فدرالیسم برای اکراد قائل هستند. از سوی دیگر، یکی از اثرات سیاسی و محدودیت حاکمیت عراق را در اثر اعمال استراتژی مزبور می‌توان در بازرسی‌های مکرر هیأت ویژه سازمان ملل (UNSCOM) از مراکز نظامی عراق ذکر کرد. این امکان که توسط قطعنامه ۶۸۷ سازمان ملل فراهم آمده است به‌کلی موجبات دخالت در حاکمیت دولت عراق را فراهم آورده است. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که قطعنامه ۶۸۷ سازمان ملل بواقع یک قرار داد و بیانیه یکجانبه و مقتدرانه علیه عراق قلمداد می‌گردد و شاید بتوان گفت در دوران ۵۰ ساله سازمان ملل چنین بیانیه همه‌جانبه و صریحی در مورد هیچ موضوع بین‌المللی صادر و اجراء نگردیده است[۳].

1- S/Res/986(14 APR 1995)

2- S/1996/356(20 May 1996)

۳- نگاه کنید به بخش ضمائم (متن قطعنامه ۶۸۷).

ب) تأثیرات اعمال استراتژی مهار بر وضعیت نظامی عراق :

طبق برخی از ارقام ارائه شده از سوی محافل نظامی و مطبوعاتی، خسارتهای نظامی وارده بر عراق در زمان جنگ دوم خلیج فارس بدین‌شرح می‌باشد :

خسارات انسانی: ۴۰ هزار کشته و مجروح و ۱۲۰ هزار فراری و مفقودالاثر.

خسارات نظامی: ۳۷۰۰ تانک، ۲۴۰۰ نفر برزرهی، ۲۶۰۰ دستگاه توپ و موشک انداز صحرائی، ۵۰ سکوی پرتاب موشک زمین به زمین، ۳۸ فروند هواپیمای جنگنده و بمب‌افکن ، ۷ فروند هلیکوپتر و هواپیمای حمل و نقل. همچنین ۵۶ فروند هواپیمای جنگنده و ۹ فروند هلیکوپتر و هواپیمای باربری بر روی زمین منهدم گردیدند. متعاقب آن در حملات هوائی دسامبر ۹۸ از سوی آمریکا و انگلیس، خسارات جدی بر عراق وارد آمد.

حجم عملیات متحدین به رهبری آمریکا در سال ۱۹۹۰ بسیار گسترده بود، در آن سال تمامی مراکز تقویت، تولید و ارسال امواج رادیو و تلویزیونی، نیروگاههای برق، کارخانجات بزرگ و مهم، پلهای ارتباطی حساس، دفتر مرکزی حزب بعث و کاخهای ریاست جمهوری مورد اصابت جدی قرار گرفت. در این بین حتی یک کارخانه شیر خشک که در سال ۱۹۷۵ توسط فرانسه در جنوب عراق احداث گردیده بود صرفاً توسط هواپیماهای فرانسوی بصورت صددرصد منهدم گردید. در طی این حملات مهمترین هتل بین‌المللی بغداد، ساختمان کنفرانسها، یک پناهگاه دسته‌جمعی و تعدادی مدرسه و مناطق مسکونی ویران و تمامی مراکز دولتی آسیب دید، عملیات مذکور به مدت ۴۳ شبانه‌روز بی‌وقفه ادامه داشت و تقریباً بسیاری از ساکنان بغداد به کردستان عراق پناه برده بودند، در حملات ۴ روزه دسامبر ۹۸ آمریکا و انگلیس اهداف خاصی مورد هدف قرار گرفتند. این اهداف عبارت بودند از مراکز فرماندهی و کنترل شامل، سرفرماندهی حزب بعث، ساختمان مرکزی سرویس مخابرات عراق، وزارت دفاع، وزارت صنایع، کاخهای ریاست جمهوری و تمامی فرستنده‌های رادیو و تلویزیونی. در بخش تکنولوژی و تولید سلاحهای کشتار جمعی تمامی مراکز مظنون به نگهداری سلاح و همچنین مراکزی که اسناد سلاحهای مذکور را دراختیار داشتند هدف قرار گرفتند.[۱]

پس از اتمام جنگ کویت به استناد قطعنامه‌های صادره از سوی سازمان ملل متحد، مقادیر زیادی از سلاحهای کشتار جمعی عراق تحت نظارت بازرسان کمیسیون

۱- نگاه کنید به بخش ضمائم ـ مقایسه وضعیت بین‌المللی عراق در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۸ .

خلع سلاح[1] منهدم گردید. گرچه نیروهای UNSCOM معتقد هستند که هنوز عراق موشکهای میان‌برد اسکاد با بُرد ۳۰۰ کیلومتر، الحسین با بُرد ۶۵۰ کیلومتر والعباس با بُرد ۸۵۰ کیلومتر را در اختیار دارد. در خصوص مواد کشتار جمعی نیز می‌گویند که عراق تعدادی از کلاهکهای موشکی، شیمیایی و بیولوژیکی را در اختیار دارد. رولف اکیوس و ریچارد باتلر رؤسای پیشین کمیسیون خلع سلاح عراق همواره از بغداد بدلیل عدم همکاری با بازرسان سازمان ملل شکایت می‌نمودند. دولت عراق نیز در مقاطع مختلف با سرسختی تمام سعی بر ممانعت از ورود کارشناسان سازمان ملل نمود. تا جائی که رولف اکیوس می‌گوید: «عراق قراردادهای خود را با شورای امنیت به مسخره گرفته است»[2]

مقامات عراق همواره نسبت به همکاری CIA با UNSCOM اعتراض نموده‌اند و اعلام میدارند که با UNSCOM بصورت کامل همکاری کرده‌اند. اسکات ریتر یکی از بازرسان UNSCOM این نظریه دولت عراق را تأیید می‌کند. وی در کتاب خود معروف به end game مینویسد :

«سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا با بازرسان به منظور مقدمه‌سازی بزرگترین و پیچیده‌ترین عملیات خلع سلاح بطور تنگاتنگ هماهنگی کرد و طی ماه ژوئن ۱۹۹۶ در مهمترین مأموریت خود ۹ تن از غیرنظامیان آمریکایی را در قالب یک گروه مأمور بازرسی ساختمانهای گارد ریاست جمهوری به عراق اعزام کرد. من اطلاعاتی را درباره محل سکونت صدام‌حسین بمنظور اجرای طرح ترور به آمریکا ارائه دادم، اطلاعات مذکور براساس موافقت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا تحویل اسرائیلیها نیز شده است.[3]

کلینتون در نامه مورخ ۷۸/۲/۲۹ خود به مجلس نمایندگان و سنای آمریکا در موضوع عراق، مینویسد: «در دسامبر ۱۹۸۸ و مجدداً در آوریل ۱۹۹۹ عراق جابجائی در موشک‌های زمین به زمین خود به منطقه جزیره فاو داشته است، این موشک‌ها با بُرد ۶۰ مایل قابلیت دست‌یابی به اهداف، در شمال خلیج (فارس) در بخشی از نیروهای دریایی ما را دارد.»

1- UNSCOM

۲- رادیو صدای آمریکا ـ ۱۳۷۵/۵/۱

۳- شبکه تلویزیونی C.N.N ـ ۱۳۷۸/۳/۱۲ .

«در گزارش ماه آوریل به شورای امنیت وضعیت گلوله‌های ۱۵۵ میلیمتری گاز خردل و گاز اعصاب VX، اسناد و پرونده‌های مربوط به سلاحهای شیمیایی نیروی هوایی عراق، پرونده ۴۰۰ بمب شیمیائی بیولوژیک، تجهیزات تولید سلاحهای شیمیایی روشن نشده است.»

«عراق برای نابودی سلاحهای بیولوژیک بعنوان یک اولویت توضیحات کامل نداده است. روشن شدن موضوع از این جهت حائز اهمیت است که عراق توانایی صنعتی و علمی برای تولید سریع و حجیم جنگ افزارهای بیولوژیکی را دارد.»

«در همین تاریخ درنامه‌ای به شورای امنیت آمده است که عراق ۸۰ سایت موشکی و ۵۰۰ تن سوخت موشک اسکاد دارد که تکلیف آن روشن نیست، ۷ موشک اسکاد در اختیار ارتش قرار گرفته که گزارش انهدام آن وجود ندارد. دستگاههای اصلی تولیدکننده موشک اسکاد مفقود شده و کلاهک‌های بیولوژیک و گاز اعصاب این موشک‌ها مخفی شده است.»

«در گزارش ماه فوریه به شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته است عراق همکاری کامل برای اجرای تعهداتش نکرده و نیاز به یک نظارت درازمدت و بازرسی سرزده دارد که سالانه ۱۰ میلیون دلار هزینه خواهد داشت.»

«بعد از بیرون آمدن آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هیچ نظارتی روی کالاهای دومنظوره در داخل عراق نیست.»[۱]

ج) تأثیرات اجتماعی ـ اقتصادی اعمال استراتژی مهار:

بدلیل اعمال تحریم‌های اقتصادی، تورم و گرانی در عراق بصورت بی‌سابقه‌ای روبه افزایش است. یونیسف[۲] در گزارش سپتامبر ۱۹۹۸ خود می‌نویسد:

"وضعیت جاری اقتصادی در بخش‌های تحت کنترل دولت با سرعت خارق‌العاده‌ای روبه انحطاط می‌رود، نرخ تورم سرسام‌آور است و نرخ پول رایج، دینار عراق، در برابر دلار آمریکا کاهش فوق‌العاده‌ای داشته است. امروز ارزش یک دلار آمریکا بیش از ۲۰۰۰ دینار عراق است. بسیاری از خانواده‌ها بمنظور ادامه حیات مجبور

۱- شبکه تلویزیونی C.N.N ـ مورخ ۱۳۷۸/۲/۲۹.

2- United National Children's Fund (Unicef)

به فروش خانهٔ مسکونی و لوازم شخصی برای خرید مواد غذائی و سایر مایحتاج خود شده‌اند. میزان متوسط حقوق خالص یک کارمند دولت در ماه برابر ۱۰/۰۰۰ دینار عراقی یا کمتر از پنج دلار آمریکاست".

"اگرچه دولت در تمام مناطق به استثنای منطقه خودمختار کردستان در شمال، یک سبد غذائی را شامل پنج قلم کالای اساسی به مردم می‌دهد ولی این جیره فقط حدود ۴۰ درصد احتیاجات غذائی را برآورده می‌سازد. شرایط نامناسب اقتصادی تأثیر بسیار زیادی بر اوضاع اجتماعی داشته است. جامعه‌ای که زمانی بخاطر خصوصیات معنوی‌اش زبانزد بود، اکنون در آن، میزان جرائم و سرقت روزبه‌روز افزایش می‌یابد. سرقت اتومبیل حتی شامل اتومبیل‌های دولتی، آژانسهای سازمان ملل و نمایندگی‌های سیاسی مقیم در کشور نیز می‌شود".

ارقام وزارت بهداشت نشان می‌دهد که میزان متوسط مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال بعلت عفونت‌های حاد ریوی، بیماریهای ناشی از آب آلوده و سوء تغذیه [در سال ۱۹۹۰] برابر ۷۴۲ مورد بوده است که در سال ۱۹۹۴ به ۴۴۰۹ مورد رسیده است و متوسط مرگ و میرماهیانه در پایان ژوئیه ۱۹۹۵ برابر ۴۴۷۵ نفر می‌باشد.[۱] وضعیت در سال ۹۹ بمراتب وخیم‌تر از قبل گردیده است.

براساس آمار رسمی عراق در اثر تداوم تحریم‌ها، در بخش بهداشت و درمان طی ۹ سال گذشته بالغ بر ۱/۵ میلیون‌نفر فوت نموده‌اند[۲] و در بخش آموزش و پرورش درصد افراد باسواد که در سال ۹۰ معادل ۷۵٪ بوده به ۵۳٪ تنزل یافته است.

دفتر کمکهای انساندوستانه سازمان ملل در عراق وضعیت معیشتی اکراد در شمال عراق را بمراتب بهتر از منطقه مرکزی و جنوب ارزیابی می‌کند.

د) حقوق بشر و اعمال استراتژی مهار بر روی عراق:

نقض حقوق بشر در عراق یکی از موارد حائز اهمیت می‌باشد. آمریکا با بهره‌برداری مناسب از این فاکتور سعی در انزوای بیشتر سیاسی حکومت عراق دارد.

وزارت امور خارجه آمریکا طی گزارشی در اواسط فوریه ۱۹۹۵ اعلام کرد که در

۱- رجوع شود به بخش ضمائم، نمودار E-2 و E-3.

۲- نگاه کنید به بخش ضمائم.

وضعیت حقوق بشر عراق بهبودی حاصل نگردیده است. طبق اظهارات دولت آمریکا، «سابقه وحشتناک حقوق بشر در عراق نشان‌دهنده عدم رعایت قطعنامه ۶۸۸ از سوی رژیم می‌باشد.»[۱]

در دسامبر ۱۹۹۴ کمیسیون حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بیانیه‌ای را علیه عراق صادر نمود که در آن به عملکرد سرکوب هشدار خاصی می‌دهد" و همچنین "نسبت به موارد نقض فاحش حقوق بشر در جنوب عراق هشدار می‌دهد.[۲]

واندرشتول نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر عراق[۳] در سال ۱۹۹۸ گزارش بیست و یک صفحه‌ای خود را درخصوص حقوق بشر در عراق منتشر نمود، نکات اساسی گزارش وی عبارتند از :

- طی سال ۱۹۹۸ در مجموع، ۲۵۰۰ نفر در عراق اعدام شدند که جمعی از ناراضیان، اکراد و روحانیون شیعه از آنجمله‌اند.
- شیعه اکثریت جمعیتی را دراختیار دارد ولی قدرت بدست اقلیت سنی است.
- عراق بزرگترین آمار را از نظر ناپدیدشدگان سیاسی داراست.
- مجازات مخالفت با رئیس جمهور مرگ است و صدام حسین حقوق مردم را در زمینه آزادی اندیشه، آزادی بیان و حق داشتن تجمعات سلب کرده است.

در پی انتشار گزارش واندرشتول دولت عراق اعلام کرد که بنابر اظهارات پطروس غالی دبیر کل سابق سازمان ملل، واندرشتول ناظری بیطرف در عراق نیست و وی نمی‌تواند با مسئله حقوق بشر در عراق بصورت منطقی رفتار کند، مضافاً اینکه منابع اطلاعاتی او، آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی هستند، دولت عراق از کمیته حقوق بشر درخواست نموده است فرد دیگری را بجای واندرشتول جایگزین نماید.

دولت عراق برای یک‌بار در سال ۱۹۹۲ به واندراشتول اجازه سفر به بغداد را داد و در سال ۱۹۹۸ نیز از وی برای سفر دعوت نموده است لیکن واندرشتول شرط انجام سفر را ایجاد یک دفتر دائمی برای نظارت بر حقوق بشر در عراق ذکر نموده است.

کلینتون طی نامه‌ای در تاریخ ۷۸/۵/۱۱ به مجلس نمایندگان و سنای آمریکا به مسئله حقوق بشر در عراق اشاره می‌کند: «هفت سال است که به نماینده حقوق بشر

۱- شبکه تلویزیونی C.N.N.

2- A/C.3.49/L.53/2Dec/1994

۳- واندرشتول وزیر خارجه اسبق آلمان است.

اجازه بازدید از عراق داده نشده و پاسخی به درخواست کمیته حقوق بشر برای تحقیق درخصوص ترور سه روحانی بزرگ دینی داده نشده است از سوی دیگر دولت در حال اجرای کوچ اجباری کردها و ترکمن‌ها از کرکوک و سایر شهرهای شمالی می‌باشد.»[۱]

کلینتون در نامه مشابه‌ای که در تاریخ ۷۸/۲/۲۹ به مجلس نمایندگان و سنا ارسال می‌کند می‌نویسد: «گزارشات رسیده از عراق حاکیست که ۲۵۰۰ زندانی سیاسی بدون طی سیر مراحل قانونی از پاییز ۱۹۹۷ تاکنون اعدام شده‌اند. ترور سه روحانی عالیرتبه رخ داده است، در فوریه آیت‌ا... محمدالصدر عالیترین روحانی شیعه به همراه دو فرزندش بعد از حضور در نماز جمعه در نجف ترور شدند، این مشابه ترور شیخ بروجردی در آوریل ۱۹۹۸ و آیت‌ا... الغروی در ژوئن ۱۹۹۸ می‌باشد».[۲]

*** آخرین دیدگاه پاتریک کلاوسون:**

همانگونه که در مقدمه آمده است، پایه‌های اجرایی سیاست مهار دوگانه توسط پاتریک کلاوسون پی‌ریزی شد. وی در آخرین اظهارات خود، طی ماه سپتامبر ۱۹۹۹ و در مجلهٔ آمریکایی "Newspublic" در مورد مهار عراق می‌نویسد[۳]:

«طی سال ۱۹۹۹ هواپیماهای آمریکایی و انگلیسی با ده هزار پرواز[۴] بر فراز عراق که هفته‌ای سه بار صورت گرفت، ۳۶۰ هدف را با یک هزار و یکصد موشک و بمب‌افکن مورد حمله قرار دادند. اما آمریکا سعی دارد خبرها و گزارشهای این حمله‌ها در تلویزیون‌های آمریکا به‌طور گسترده مطرح نشود و این خبر در روزنامه‌های آمریکا و عراق نیز به طور جنجالی به چاپ نمی‌رسد و تنها به صورت رویدادهای معمولی در روزنامه‌های نیویورک تایمز و واشنگتن پست به چاپ می‌رسد.»

«این برنامه اتفاقی و بدون پیش‌بینی نیست، بلکه براساس طرح گسترده کاخ سفید به عنوان راه‌حلی برای بخشی از بحران عراق صورت می‌گیرد و هدف از آن نگهداری صدام حسین و رژیم او در یک چارچوب تنگ و بدون براندازی اوست.»

۱- شبکه تلویزیونی C.N.N ـ ۷۸/۵/۱۱.

۲- شبکه تلویزیونی B.B.C World ـ ۱۳۷۸/۲/۳۰ .

۳- کلاوسون اکنون مدیر بخش مطالعات مؤسسه سیاستهای خاور نزدیک در واشنگتن است.

۴- تا اکتبر ۱۹۹۹ عراق مجموعاً ۱۷۰۰۰ سورتی پرواز را از سوی جنگنده‌های آمریکا و انگلیس در مناطق ممنوعه پرواز گزارش نموده است.

«با وجود آنکه آمریکا در کوشش خود برای مهار صدام موفق به نظر می‌رسد، ولی با توجه به اینکه واشنگتن برای براندازی صدام دست به کوشش جدی نمی‌زند، در این نبرد به پیروزی نخواهد رسید. پیروزی در این نبرد نیازمند هوشمندی و ذکاوت در به کارگیری قدرت علیه عراق است.»

«در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ هرگاه که آمریکا تهدید به شدت عمل علیه رژیم بغداد کرد، صدام حسین در جلب همدردی بیشتر جهانیان موفق‌تر بود و به عنوان شخصیتی درآمد که مستحق توجه و اهمیت بیشتر است.»

«سکوت و جلوگیری از برانگیختن جنجال درباره حملات هوایی علیه عراق، بدین معناست که مقامهای سازمان ملل متحد و دیگر دیپلمات‌های جهان ناچار نباشند برای جلب رضایت صدام با هدف و امضای قرارداد دیگری در زمینه بازرسی، امتیازهایی به صدام بدهند که پس از مدتی این قرارداد نیز نقض شود. آمریکا تصمیم برای حملات هوایی علیه عراق را بدون دریافت مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد اتخاذ کرد و بدین ترتیب روسیه، چین و فرانسه را از امکان توبیخ و یا محکوم‌کردن خود محروم کرد و اینچنین دیگر صدام نمی‌توانست مطابق میل خود برنامه‌ریزی کند تا میان آمریکا و هم‌پیمانانش تفرقه و شکاف بیاندازد و در نتیجه عراق با حملات هوایی بی‌پایان آمریکا روبرو شد.»

«موفقیت این استراتژی آمریکا بر یک دروغ دیپلماتیک استوار است که می‌گوید: عملیات بمباران عراق به علت تحریکات صدام است، ولی در حقیقت این آمریکا بود که در دسامبر گذشته اصول رفتار و برخورد خود را با صدام تغییر داد؛ هرگاه که رادارهای عراق، هواپیماهای آمریکایی را ردیابی کردند، هواپیماها با حمله به مراکز نظامی عراق هدفهایی را مورد حمله قرار دادند که ممکن بود تا ده کیلومتر از آن مکان فاصله داشته باشند. در اینجا صدام با دردسر جدیدی روبرو شد، چون اگر می‌خواست به عنوان قهرمان بدون شکست باقی بماند باید پاسخ این حملات را می‌داد و این یکی از اصول (جمهوری ترس) است که او ریاست آن را برعهده دارد.»

«جنگ کوزوو به صدام فرصت خودنمایی داد، اما او فقط توانست موشکهایی را در کرانه‌های جنوبی مستقر کند که کشتیرانی را در خلیج فارس به خطر می‌انداخت، ولی هواپیماهای آمریکایی، توانستند با حمله، آنها را از میان بردارند. این حملات هوایی ثابت کرد که دوستان خارجی صدام گاهی در پشتیبانی از او ناتوان هستند. در نتیجه

صدام در موقعیت دفاعی قرار گرفت. از اینرو و طی مدتی کمتر از دو ماه او بیش از پنج بار سخنرانی کرد که در آن بر ضرورت رویارویی با تبلیغات دشمنان تأکید کرد و اشاره کرد؛ باید برای خنثی کردن طرح‌های دشمنان کوشش کرد و این اشاره‌ای بود به وجود مخالفت داخلی که برای نخستین‌بار صدام به آن اشاره کرد.»

«کشورهایی که خواستار کنترل تسلیحات عراق هستند، ادعا می‌کنند؛ اعطای امتیاز به بغداد تنها راه بازگشت بازرسان سازمان ملل متحد به عراق است، اما واقعیت آن است که تا زمانی که صدام اطمینان دارد بازرسی‌ها به کشف سلاحهای ممنوعه او نمی‌انجامد با آن موافقت خواهد کرد.»

«طرحهای موشکی و هسته‌ای نیازمند تأسیسات وسیع و ویژه‌ای است که به‌آسانی و از طریق عوامل اطلاعاتی می‌توان به آن پی‌برد، ولی طرحهای مربوط به سلاحهای شیمیایی و میکربی را می‌توان در ساختمانهای معمولی و غیرنظامی برپا کرد، بدون آنکه شکی برانگیزد و تا زمانیکه صدام در قدرت است، این سلاحها بیشتر خطرناک خواهد بود.»

«اما اشتباه واقعی در سیاست دولت «کلینتون» در برابر عراق به علت دو دلی کاخ سفید در براندازی رژیم حاکم بر بغداد است. در این مرحله، معارضان عراقی مطرح می‌شوند. آنها نمی‌توانند صدام را در صحنه شکست دهند، ولی می‌توانند نقش عمده‌ای در گمراه‌کردن و سرگرم‌کردن دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی صدام داشته باشند و در نتیجه رژیم عراق نخواهد توانست به آسانی توطئه‌کنندگان و یا اقدام‌کنندگان علیه خود را مورد شناسایی قرار دهد. در عین حال، هرچه صدام بیشتر نیروهایش را برای رویارویی با معارضان بسیج کند، کوششهای آمریکا برای مهار او آسان‌تر می‌شود.»[1]

با هماهنگی آمریکا، کنگره ملی عراق موسوم به INC در اواخر اکتبر ۱۹۹۹ با حضور معارضین آمریکا برگزار گردید. آمریکا اعلام کرد که ما هیچ جایگزینی به غیر از متحدسازی گروهها در قالب کنگره ملی عراق نداریم. برخی از گروهها از جمله مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق، حزب الدعوه و حزب کمونیست عراق آنرا تحریم کردند. آمریکا بدنبال اهدافی شامل افزایش اتحاد میان معارضین برای برداشتن گام عملی در مسیر انتقال عراق به دمکراسی، انتخاب هیئت رهبری اجرایی و تنظیم برنامه برای

۱- مجله آمریکایی Newspublic ـ سپتامبر ۱۹۹۹.

دوران پس از صدام حسین است.

گروه‌های تحریم کننده اجلاس معتقد بودند که کنگره ملی عراق هیچ نیرویی در داخل عراق ندارد و برای منافع آمریکا فعالیت می‌کند و بخشی از گروههای معارض شرکت‌کننده در این نشست دست نشانده آمریکا هستند. مضافاً اینکه گروههایی که نمی‌توانند در داخل عراق کاری انجام دهند، نشست تشکیل می دهند. معارضین واقعی باید در صحنه باشند و از خارج نمی‌توان حکومت را سرنگون کرد.

در این اجلاس دیوید شیفر دیپلمات بلندپایه آمریکایی و مسئول پیگیری پرونده جنایات جنگی با نشان دادن یک جعبه CD کامپیوتری گفته است اینها حاوی ۵ میلیون صفحه سند برای اقامه پرونده تحت تعقیب قراردادن صدام و اطرافیانش به جرم جنایات جنگی است.

سناتور باب کری هزینه فعلی اجرای سیاست مهار را حدود ۲ میلیارد دلار برای دولت آمریکا ذکر کرده است که ۴۰۰ میلیون دلار آن صرف اعمال مناطق ممنوعه پروازی می‌شود و با تغییر دولت عراق نیازی به آن نخواهد بود. وی گفته است ما ادعای سرزمینی روی عراق نداریم بلکه می‌خواهیم با حمایت مردم عراق کشورشان را آزاد و به خودشان برگردانیم و توانایی آنرا هم داریم.

براساس نتایج این نشست مقرر گردید، چهار تن از رهبران سیاسی معارضه و ۲ نفر از نیروهای نظامی سابق عراق در یک دوره آموزشی ۱۰ روزه در پایگاه هوایی فلوریدا شرکت نمایند. در جریان این نشست یک گروه ۶۵ نفره بعنوان کمیته مرکزی برگزیده شدند تا بعنوان یک پارلمان کوچک سالانه دو نشست داشته باشند و یک شورای ۷ نفره رهبری را برگزیدند.[۱]

مسئولین عراق نسبت به گردهمایی موضع‌گیری نمودند، طه یاسین رمضان معاون

۱- اعضای شورای رهبری عبارتند از:

۱ـ ایاد علاوی	رئیس گروه وفاق ملی
۲ـ ریاض الیاوار	مستقل
۳ـ شریف علی‌بن الحسین	جبهه مشروطه خواهان سلطنتی
۴ـ احمد چلبی	مستقل
۵ـ شیخ محمد محمدعلی	مستقل اسلامی
۶ـ لطیف رشید	اتحادیه میهنی کردستان
۷ـ هوشیار زیباری	حزب دمکرات کردستان

رئیس جمهور آنرا نمایشنامه مسخره‌ای خواند که آمریکا صحنه‌گردان آن است. نزار حمدون معاون وزارت امور خارجه گفت که معارضین با این اقدام اعتبار خودشان را نزد مردم کشورشان از دست می‌دهند. روزنامه بابل که زیرنظر فرزند رئیس جمهور اداره می‌شود نوشت، کسی که می‌خواهد عراق را آزاد کند باید خودش آزاد باشد.[۱]

شرکت‌کنندگان در تثبیت INC درخواست کرده‌اند برای جلوگیری از سرکوب مردم در جنوب منطقه (NO DRIVE ZONE) در زمین اعمال شود که آمریکا بصورت ضمنی آنرا پذیرفته است. در شمال و جنوب منطقه ممنوعه پروازی (NO FLY ZONE) اعمال می‌شود مضافاً اینکه اداره سه استان کردنشین از کنترل دولت مرکزی خارج است و در صورت هرگونه تحرک نظامی حکومت مرکزی، آمریکا وارد عمل می‌گردد.

اعمال استراتژی مبتنی بر تحریم، اوضاع انسانی را در عراق روزبروز وخیم‌تر می‌سازد. اصرار فراوان آمریکا و انگلیس به کارشکنی در اجرای قطعنامه ۹۸۶ و ممانعت بر سر اجرای توافقات حاصله میان سازمان ملل و عراق، بحدی وضع مردم را در عراق اسفناک ساخته است که این اقدام آمریکا بمانند بکارگیری سلاح کشتار جمعی تلقی می‌گردد.

در یک کلام می‌توان اینگونه بیان داشت که اعمال استراتژی مهار در اوایل دهه ۹۰ موجب بروز مشکلات حاد داخلی، تضعیف حاکمیت و انزوای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی عراق گردید و در ابعاد اقتصادی، اجتماعی نیز ضربات جبران‌ناپذیری را متوجه این کشور نموده که آثار آن همچنان مشهود است. لیکن علیرغم فشارهای مذکور، روابط اقتصادی عراق با دنیای خارج روزبروز گسترش می‌یابد و در حال حاضر آثار بارزی مبنی بر تضعیف حاکمیت حداقل در منطقه مرکزی عراق (مابین مدار ۳۳ تا ۳۶ درجه) بچشم نمی‌خورد. هرچند در شمال و جنوب بدلیل اعمال مناطق ممنوعه پروازی عملاً حاکمیت تضعیف گردیده است. مارتین ایندیک بتاریخ ۷۸/۶/۲۲ در پاسخ به این سؤال خبرنگار C.N.N که قیامهای مردم شیعه عراق را پس از ترور رهبران روحانی چگونه ارزیابی می‌کنید، پاسخ می‌دهد: «بعد از ترور آیت‌ا... محمدصدر موج گسترده‌ای از تظاهرات در جنوب ایجاد و به بغداد کشیده شد، اما حکومت مشکل جدی برای

۱- روزنامه عراقی بابل ـ شماره ۲۵۳۸ ـ ۱۹۹۹/۱۰/۳۰، ص: ۱.

کنترل آنها نداشته است. ولی در مجموع حکومت عراق در وضعیتی ضعیف‌تر از قبل بسر می‌برد.»

خبرنگار می‌پرسد: «شما گفتید عراق ضعیف‌تر شده است ولی شاهد نشست اعراب برای حل مشکل عراق هستیم؟»

و ایندیک می‌گوید: «ما باید توجه داشته باشیم که یک علاقه‌ای برای ایجاد اتحاد در جامعه عربی وجود دارد. اما بعد از اشغال کویت این خواسته عملی نشد و من انتظار ندارم تا زمانیکه صدام در رأس قدرت است امکان‌پذیر باشد. من یک اجماعی را در کل منطقه می‌بینم که منافع اصلی آنها در حذف صدام از قدرت است. این اجماع در بین جهان عرب هم وجود دارد. سمپاتی نسبت به مردم عراق هست اما هیچ سمپاتی نسبت به صدام نیست.»[۱]

بهرحال در موضوع عراق، واشنگتن سرسختانه‌ترین موضع را اتخاذ نموده و مقامات رسمی آمریکا، با نادیده گرفتن حقوق بین‌المللی و در فضای حاکم بر جهان تک قطبی، آشکارا و رسماً موضع خود را درقبال عراق اینگونه بیان میدارند: «ما بدنبال تغییر حکومت عراق هستیم، اولویت‌های صدام روشن است او بدنبال بهبود وضعیت مردمش نیست، بدنبال ساختن کاخ برای خودش و زندان برای مردمش می‌باشد، بدنبال دست‌یابی به سلاح برای تخریب عراق و همسایگانش است. او از شروع جنگ خلیج فارس تاکنون ۴۸ کاخ ساخته است. اگر تحریم‌ها لغو شود صدام پول آنرا برای بازسازی تسلیحاتی‌اش بکار می‌گیرد ونه در جهت دارو و غذا برای مردمش. لذا تا زمانیکه صدام در قدرت باشد ما مانع تهدیدات منطقه‌ای این رژیم و فشار بر مردمش خواهیم شد و مهار را ادامه خواهیم داد. بعد از صدام، آمریکا در توسعه اقتصادی، بازسازی و بهبود سیستم آموزشی و بهداشتی عراق پیشگام خواهد بود.»[۲]

۱- شبکه C.N.N ـ مورخ ۱۳۷۸/۶/۲۲ .

۲-گزارش ویژه وزارت امور خارجه آمریکا پیرامون عراق منتشره در تاریخ ۱۳۷۸/۶/۲۲ .

بخش دوم : تأثیرات استراتژی مهار دوگانه بر روی جمهوری اسلامی ایران

پس از بررسی تأثیرات عملی استراتژی مهار بر روی عراق و با توجه بـه ایـنکه استراتژی مهار دوگانه، دو کشور عراق و ایران را هدف قرار داده است، در این بخش به بررسی اثرات این استراتژی بر روی ایران می‌پردازیم. امروزه سیاست خارجی ایران در جهت تـوسعه روابـط بـا دیگـر کشـورها در سـطوح دوجـانبه، چـندجانبه، مـنطقه‌ای و بین‌المللی نمود بارزی دارد و درصدد آن است تا روابط ایران و سایر کشورها در جهت ایجاد ثبات و امنیت در منطقه گسترش یابد. "مذاکره" ، "همکاری" و "تنش‌زدایـی" از عوامل مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. مـذاکـرات ایـران بـا عراق در مورد قطعنامه ۵۹۸ ، پیشنهاد ایران برای گفتگو درخصوص مشکلات جزایر با امارات متحده عربی و نقش میانجیگرانـه ایـران در درگـیریهای مـنطقه‌ای نـظیر بـحران قره‌باغ، جنگ داخلی در تاجیکستان، افغانستان، لبنان و مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا شواهد روشنی در این زمینه هستند. در این زمینه "حتی باب مذاکره با آمریکا نیز بسته نیست. در لاهه ایرانیها و آمریکائیها بر سر دعواهایی که دارند، در حال مذاکره هستند و این نشان می‌دهد که بالاخره به شکلی دو طرف توافق کرده‌اند که مذاکره کنند. آن هم مذاکره‌ای که در لاهه است. پس باب مذاکره بصورت مطلق بسته نیست و این کار انجام می‌شود."[۱]

در این بخش تأثیرات استراتژی مهار جمهوری اسلامی ایران را از زبان طراحان استراتژی که همگی بر شکست و ناتوان بودن استراتژی اعتراف نموده‌اند مورد ارزیابی قرار میدهیم.

تأثیر استراتژی از دیدگاه داماتو :

هرچه تلاشهای ایران برای همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش می‌یابد، اقدامات آمریکا در مقابله با جمهوری اسلامی ایران نیز تشدید می‌شود. در اکتبر ۱۹۹۵ کمیته بانکداری سنای آمریکا جلسه ویژه‌ای را بمنظور بررسی اثرات و پیشرفت تحریم ایران برگزار نمود. ریاست این جلسه بعهده سناتور داماتو[۲] بود وی می‌گوید :

۱- علی‌اکبر ولایتی، "دستاوردها چگونه پایدار می‌ماند؟" روزنامه ایران، شماره ۴۳۳، ۱۰/مرداد/۷۵، ص ۱۰.

2- Damatou

"دو هفته پس از تحریم آمریکا توسط کلینتون ارزش پول ایران به ۷۵۰۰ ریال در برابر دلار آمریکا سقوط کرد و این رقم ۴۲۰۰ ریال از دو هفته قبل پائین‌تر است. در نتیجه این سقوط، بازار سیاه در ایران بوجود آمد. همچنین تحریم شرکتهای نفتی آمریکا سبب شد که ایران با آفریقای جنوبی وارد معامله شود و در فروش نفت خود دچار مشکل گردد. این عوامل موجب ناتوانی ایران در پرداخت دیون خارجی خود می‌شود. ما اکنون نیاز به همکاری متحدین خویش داریم تا تجارت با ایران بطور کامل قطع شود. قبل از تصمیم کلینتون، متحدین ما شاکی بودند و می‌گفتند تا زمانی که آمریکا با ایران تجارت می‌کند، آنها نیز به روابط تجاری خویش با ایران ادامه خواهند داد. ما باید متحدین خویش را متقاعد کنیم که همکاری شرکتهای آنها با ایران در توسعه بخش نفتی این کشور پذیرفتنی نیست. پیشنهاد ما تحریم شرکتهایی است که با ارائه ابزار لازم به ایران، این کشور را در استخراج نفت و گاز کمک کرده، توان مالی ایران را افزایش می‌دهند و ایران از این طریق است که به سلاح اتمی دست پیدا می‌کند و از تروریزم حمایت می‌نماید. چنانچه می‌خواهیم حکومت ایران بپذیرد رفتارش غیرقابل پذیرش است باید نفت، این رگ حیاتی قطع شود. با این وجود برخی از متحدین ما برآنند تا با مشارکت خویش در کنفرانس سرمایه‌گذاری بین‌المللی تهران شرکت کنند و از این طریق ایران را یاری رسانند."[1]

آثار تحریم ایران از دیدگاه وزارت خارجه آمریکا:

جان گانون[2] معاون وزیرخارجه آمریکا درخصوص آثار اعمال تحریمها علیه ایران می‌گوید:

"نتایج تحریم در سه بعد قابل بررسی است. اولاً ـ آثار اولیه فشار باعث شد تا ارزش پول ایران کاهش یابد و اقدام متقابل ایران برای کنترل ارزش پول خود باعث کاهش رشد اقتصادی و در درازمدت باعث رکود خواهد شد. ثانیاً: تحریم آمریکا باعث کاهش موقت درآمد ایران شد و ایران بایستی ۴۰۰/۰۰۰ بشکه نفت دیگر را به فروش برساند تا این کسری جبران شود. متقابلاً ایران دو انتخاب داشت: فروش ارزان و یا ذخیره‌سازی با هدف فروش بهتر در آینده که دومی را انتخاب نمود. ولی به هرحال توان

۱- مذاکرات کمیته بانکداری سنای آمریکا (۱۱ اکتبر ۱۹۹۵).

2- J-Gannon

مالی ایران را پایین آورده است. ثالثاً : در اثر پایین آمدن قدرت مالی ایران این کشور در مخارج خارجی خویش دچار مشکل شده است. ما اعتقاد نداریم که همکاری با ایران که از سوی برخی دوستان مطرح می‌شود باعث تغییر رفتار این کشور می‌گردد و به همین دلیل است که به دنبال اعمال فشار آمریکا از طریق تحریمهای جدید یک‌جانبه هستیم. یک پیشنهاد این است که دولت آمریکا، شرکتهایی را که با ایران وارد هر فعالیت اقتصادی هستند مورد تحریم قرار دهد. ما این طرح را با دقت مطالعه نموده و به دو دلیل با آن مخالفیم. ما براین اعتقادیم که تحریم ثانوی کامل علیه ایران، همکاری با دیگران را مخصوصاً همکاری در زمینه‌های حساسی از جمله منع سلاح برای ایران رابه خطر می‌اندازد. بعلاوه معتقدیم چنین رودررویی با بازار بین‌المللی تأثیر معکوس بر روی بازار و اقتصاد آمریکا خواهد داشت. پیشنهاد آقای داماتو مبنی بر تحریم شرکتهای خارجی که صنعت نفتی ایران را تقویت می‌کنند نیز تأثیر منفی بر روی منافع اقتصادی آمریکا خواهد داشت و این در اثر تخریب روابط با متحدین کلیدی، از کشورهای صنعتی است. بعنوان مثال، شرکای ما، در گات، نفتا و سازمان‌های تجارت جهانی معتقدند که حتی تحریم کمی شدیدتر از تحریم جاری نیز تعهدات ما را نقض می‌کند. بعلاوه تحریم ثانویه ما را در فشار بر کشورهای عربی برای رفع تحریم از اسرائیل با مشکل مواجه می‌نماید. مهمتر اینکه آیا این اقدامات ما را در کسب حمایت بین‌المللی به منظور فشار به ایران موفق می‌کند؟ کسب همکاری متحدین برای فشار بر ایران نیاز به زمان دارد، اگرچه صبرما همیشگی نیست و در صورتی که تشخیص داده شود راههای دیپلماتیک کفایت نمیکند، روش دیگری اتخاذ می‌کنیم.»[۱]

بررسی آثار تحریم ایران از دیدگاه CIA :

سازمان CIA معتقد است که تحریم علیه ایران دارای اثرات کوتاه‌مدت و درازمدتی است که اثرات کوتاه‌مدت آن اکنون ظاهر شده است، ولی در درازمدت تحریم جاری اثری بر روی اقتصاد ایران ندارد مگر آنکه پشتیبانی جدی بین‌المللی داشته باشد. این سازمان مدعی است که تحریم، اثرات اقتصادی و روانی کوتاه مدت داشته است ولیکن باعث توقف طرحهای توسعه جدید در ایران نخواهد بود. تحریم درواقع

۱- مذاکرات سنای آمریکا (کمیته بانکداری)، اکتبر ۱۹۹۵ .

حداکثر قیمتها را افزایش داده است و معاملات خصوصی را با مانع روبرو کـرده است و تنها کشورهایی مانند اسرائیل، السـالوادور و سـاحل عـاج از تـحریم ایـران حـمایت نمو ده‌اند.[۱]

ارزیابی تحریم ایران از دیدگاه کلاوسون :

پاتریک کلاوسون در کمیته روابط خارجی مجلس نـمایندگان آمـریکا اظـهارات مشابهی را ایراد نمود. از دیدگاه وی تحریم باعث سقوط حکومت ایران نمی‌شود. یکی از دلایل بقای حکـومت، فـقدان آلتـرناتیو است. جـریانی مـثل گـروهک مـنافقین هـم آلترناتیونیست زیرا این سازمان وابسته به یک شخص است. در بحث با متحدین آمریکا، کلاوسون مخاطب خود را آلمان و ژاپن قرار می‌دهد. وی مدعی است که ایران ابرقدرت نفتی نیست. چاههای نفت ایران قدیمی و بهای تولید نفت ایران بالاست و تولید امروز ایران کمتر از سال ۱۹۷۰ است، ایران بازار خوبی هم نیست و موقعیت استراتژیک سابق را هم ندارد". کلاوسون در ادامه با اشاره به مخالفت اروپا، روسیه، چین و ژاپن با تحریم ایران می‌افزاید که "متحدین، البته حق دارند با نظر آمریکا مخالفت کنند ولی آنها به همان مقدار که آمریکا سود می‌برد، در نفت خلیج فارس منافع دارند. ولی این آمریکاست که بهای حفظ امنیت در خلیج فارس را می‌پردازد و این مسئله در جریان عملیات طـوفان صحرا ثابت شد. این آمریکاست که امنیت تنگه هرمز را برقرار کرده است. بنابراین بن و توکیو بایستی این حق را بـدهند کـه واشـنگتن مـی‌توانـد بگـوید تـهدید خـلیج فـارس کدامست."[۲]

حقیقت این است که آمریکا پس از گذشت نزدیک به دو دهه از اسـتقرار نـظام جمهوری اسلامی در ایران، موفق به سرنگونی و یا حداقل تغییر اهـداف اسـتراتـژیک جمهوری اسلامی ایران نگـردیده است. طـراحـی و هـدایت چـندین کـودتا، مـحاصره اقتصادی، حمله هلیکوپترهای آمریکائی (واقعه طبس)، تحمیل ۸ سال جنگ علیه ایران و ... همگی ناموفق بوده‌اند، همچنین علی‌رغم اتـخاذ اسـتراتـژی مـهار ایـران و اعـمال تحریمها، جمهوری اسلامی ایران در سازندگی و اجرای طرحهای زیربنایی به سـرعت گام برداشته است. البته در یک نگرش واقع‌بینانه اعمال استراتژی مهار تأثیرات جزئی و

۱- مذاکرات سنای آمریکا، اکتبر ۱۹۹۵ .

۲- مذاکرات مجلس نمایندگان آمریکا (کمیته روابط خارجی، ۵ نوامبر ۱۹۹۵).

کوتاه‌مدتی بر اوضاع اقتصادی ایران داشته است که در مقایسه با حجم گسترده فعالیتهای روبه رشد اقتصادی، تجاری و بازرگانی قابل ذکر نمی‌باشد. از سوی دیگر ایران کشوری با ثبات بوده و همچنان از موقعیتی استراتژیک در منطقه برخوردار می‌باشد. "بسیاری از صاحبنظران غربی می‌گویند، در تمام خاورمیانه کشوری به اقتدار و ثبات ایران وجود ندارد."[۱] بدلیل نقش استراتژیک ایران، آمریکا موفق به متقاعد ساختن شرکای تجاری خود در اعمال تحریم‌ها نگردید و آلمان، فرانسه، روسیه، ژاپن، چین و ... در مقابل سیاست آمریکا صراحتاً ایستادگی کرده‌اند. البته اگر غرب و کشورهای اروپایی با سیاست مهار ایران و تحریم از سوی آمریکا مخالفند نه بخاطر این است که همگی آنان به اسلام و ایران و اهداف آن اعتقاد پیدا کرده‌اند بلکه منافع خود را در حفظ روابط با ایران می‌دانند و این نشانگر آن است که برخلاف اظهارات طراحان استراتژی مزبور، ایران یک شریک تجاری خوب و دارای موقعیت استراتژیک در منطقه می‌باشد. حتی آمریکا نیز بدلیل فشار تجّار خود آماده لغو تحریم‌های غذایی و دارویی شده است.

سازمان لابی یهودیان آمریکا (AIPAC) که طراحی اصلی استراتژی مهاردوگانه را بعهده داشته است، ضمن بررسی اثرات اعمال استراتژی مهار ایران به این نتیجه رسید که :

"مهار کردن ایران سیاست هوشیارانه و مناسبی است ولی این استراتژی در تحقق تمام اهدافش خاصه در قبال ایران موفق نبوده است. ضعف عمده واشنگتن این است که نتوانسته است شرکت‌های آمریکایی یا دیگر شرکای تجاری ایران را با سیاست خود همراه سازد. آلمان، فرانسه، روسیه، ژاپن و چین در برابر سیاست آمریکا ایستادگی کرده‌اند."

"سه عنصر حیاتی برای مهار کردن ایران عبارت است از : متوقف شدن کلیه معاملات تجاری آمریکا با ایران، ایجاد موانع در راه کشورهای ثالثی که با ایران روابط تجاری دارند و به آن کشور کمک مالی می‌کنند و قطع شدن هرگونه حمایت مالی سازمانهای بین‌المللی از ایران".

"آمریکا باید آلمان، ژاپن و فرانسه را برای خاتمه بخشیدن به حمایت مالی از ایران تحت فشار بگذارد. در حالی که آنها سیاست "برخورد سازنده" در قبال ایران را

۱- علی‌اکبر ولایتی "دستاوردها، چگونه پایدار می‌ماند؟"، روزنامه ایران، شماره ۴۳۲، مرداد ۱۳۷۵.

درپیش گرفته‌اند. با این‌باور که چنین سیاستی می‌تواند موضع میانه‌روهای درون نظام ایران نظیر آقای رفسنجانی را تقویت کند. در حالیکه عملکرد چندسال گذشته نشان می‌دهد که تغییر مهمی در رفتار ایرانی‌ها رخ نداده است.″

″اسرائیل امروز مطمئن‌ترین متحد آمریکا در خاورمیانه است. مهمترین هدف سیاست خارجی آمریکا نیز تضمین امنیت و تقویت متحدینش می‌باشد. سازمان اطلاعاتی اسرائیل مدتهاست که درباره تلاشهای هسته‌ای ایران هشدار می‌دهد. ایران همچنین در زمینه حمایت مالی از تروریستهای مخالف اسرائیل، پیشرو می‌باشد. درچنین فضایی، اسرائیل از سیاست مهار دوگانه و تشدید تحریم‌ها بر ضد ایران پشتیبانی خواهد کرد.″[۱]

بسیاری ازکارشناسان مسائل بین‌المللی و مسائل مربوط به امور خاورمیانه، دلیل اصلی اتخاذ این سیاست از سوی آمریکا را مخالفت ایران با روند صلح خاورمیانه می‌دانند، از جمله ″گری سیک″ مشاور اصلی کارتر در امور ایران معتقد است که هدف عمده کلینتون دستیابی به صلح است و ایران قدرت عمده‌ای است که با این صلح مخالفت می‌کند، علاوه براین نظر، عده دیگری معتقدند که این سیاست را نباید بدور از منافع حاصل از آن برای تل‌آویو ارزیابی کرد.

″گری سیک″ بعنوان فردی با سابقه در زمینه مسائل ایران و عضو شورای امنیت ملی آمریکا، در ارزیابی خود نسبت به برنامه کلینتون می‌گوید که طرح پیشنهادی کلینتون نه‌تنها آمریکا را در این سیاست تنها خواهد گذاشت و کسی در میان کشورهای غربی از آن دنباله‌روی نخواهد کرد، بلکه باعث تقویت هرچه بیشتر جناح ضدآمریکائی در حکومت ایران خواهد شد.

″ریچارد مورفی″ معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک در مورد اثرات اتخاذ سیاست مهار علیه ایران معتقد است که جهان به نفت ایران نیاز دارد و به‌زودی کشورهای دیگری جانشین شرکتهای آمریکائی می‌شوند که با ایران معاملات نفتی انجام می‌دهند به همین جهت تحریم بازرگانی علیه ایران، به شرکتهای آمریکائی زیانهای فراوانی را وارد می‌سازد. به نظر مورفی بهتر است آمریکا نیز همانند اروپا با عراق و ایران برخورد کند، یعنی با هرچه بیشتر گشودن باب تجارت با این دو کشور آنها

۱- گزارش AIPAC در تاریخ ۱۳ فروردین ۷۲ برای اطلاع اعضای کنگره و کاخ سفید منتشر گردیده است.

را به جهت مناسب سوق دهد زیرا سیاست تحریم یا مهار دوگانه باعث نزدیکی بیشتر آنها به مسکو شده و سودی برای آمریکا نداشته است.

خانم آلن لیپسان مدیرکل امور آسیای شرقی و خاور نزدیک در شورای امنیت ملی آمریکا طی اظهاراتی درکنفرانس سیاست آمریکا در قبال ایران که به تاریخ ۵ خرداد ۷۴ در آمریکا برگزار گردید می‌گوید:

"جای تعجب نیست اگر گفته شود که ایران چالش عمده‌ای برای کابینه کلینتون بوده است. ما امروزه همه از اهمیت ایران در منطقه خاورمیانه، پیچیدگی جامعه ایران، غنای سنت‌های فرهنگی ایران و همچنین تاریخچه پرپیچ و خم روابط ایران و آمریکا در سالهای اخیر آگاهیم. در یک‌ونیم‌دهه گذشته ایران و آمریکا در روابط خود مشکلات زیادی را سپری کرده‌اند، لکن به اعتقاد ما وضعی که امروز با آن روبرو هستیم از اوضاع منطقه واز تلاشهای ما برای حفاظت از منافع حیاتی خود در آنجا نشأت می‌گیرد."

"در آغاز تلاش ما در چارچوب گروه ۷ بود، ولی در سال گذشته دامنه تلاشهای دیپلماتیک خود را به کشورهایی چون روسیه و چین و دیگر کشورهایی که بالقوه تأمین‌کنندگان تکنولوژی پیشرفته برای ایران هستند گسترش دادیم".

"ما درباره ایران با دوستان عمده خود هم در غرب و هم در خاورمیانه مذاکرات سیاسی انجام می‌دهیم. این نوع مذاکرات فی‌نفسه برای ایران فشار محسوب می‌شود. تهران به‌خوبی از این گفتگوها و تبادل اطلاعات ما با دوستانمان درباره رفتار ایران آگاه است. در این زمینه با کشورهایی چون کانادا، ژاپن، روسیه و جامعه اروپا و اغلب متحدان خود در خاورمیانه مذاکره کرده‌ایم."

"ما در گفتگوهای خود برخورد با این فشارهای اقتصادی بر ضد ایران و همچنین سیاست متحدان خود را بررسی می‌کنیم. برخی از دوستانمان گفتگوی جدی با ایران را ترجیح می‌دهند. این روشی است که جامعه اروپا اتخاذ کرده است. برخی نیز برخورد سازنده را می‌پسندند. این سیاستی است که ژاپنی‌ها درپیش گرفته‌اند. برخی نیز در قبال ایران رویه دیگری اتخاذ کرده‌اند. درست است که همچنان برخی اختلاف نظرها درباره بهترین روش برخورد با ایران وجود دارد ولی معتقدیم که اقدامات اخیر رئیس جمهور بسیار مورد توجه متحدان آمریکا قرار گرفته و پویایی تازه‌ای در زمینه گفتگوها درباره این موضوع مهم ایجاد خواهد کرد."

"کابینه برای جلب حمایت متحدان در زمینه اعمال فشار به ایران دست به

اقدامات مختلفی زده و از لحاظ دیپلماتیک تلاشهای زیادی صورت داده است. بعلاوه در گفتگوهای دوجانبه با دوستانمان تقریباً همیشه مسأله ایران مطرح می‌شود و اطلاعات خود درباره تلاشهای تروریستی ایران را با آنها در میان می‌گذاریم. برخی کشورها اظهار می‌کنند این اطلاعات برای تصمیم‌گیری آنها در قبال ایران بسیار حیاتی است، البته نمی‌دانیم آیا حرفها را به عنوان ژست سیاسی می‌زنند یا واقعاً به آن معتقدند. به هر روی ما همچنان سعی داریم اطلاعات بیشتری در مورد رفتار ایران به دوستانمان بدهیم، امیدواریم در سیاست‌های خود بازنگری کنند".

"ما سناریوی دقیقی درباره ایران نداریم و معتقدیم ایران وضع سیاسی داخلی پیچیده‌ای دارد. گروههای فشار زیادی در ایران هستند. وضع اقتصادی تا اندازه زیادی در سیاست‌های دولت مؤثر است. نمی‌توانیم روشن کنیم که ایران چه سیاست‌هایی برای برخورد با دنیای خارج اتخاذ خواهد کرد، لذا معتقدیم که دولت ایران می‌تواند رفتارش را تعدیل کند. البته چنانچه اتفاقات دیگری پیش نیاید."

"ما این تحلیل را باور نداریم که رژیم ایران در آستانه سقوط قرار دارد. فکر می‌کنیم فشارهای داخلی زیادی هست ولی آلترناتیو روشنی برای رژیم در این زمان وجود ندارد."

"ایران باید از آن زمانی نگران باشد که صلح اعراب و اسرائیل تحقق پذیرفته و بازار اقتصادی وسیعی در منطقه فراهم گردیده و ایران در آن جائی ندارد. ایران بالقوه یکی از بازیگران عمده اقتصادی منطقه است."[۱]

مجموعه اظهارات مقامات آمریکایی خود دلیل روشن و قاطعی است مبنی بر عدم توفیق اعمال استراتژی مهار نسبت به جمهوری اسلامی ایران.

نهایتاً اتخاذ مواضع اصولی جمهوری اسلامی ایران، منجر به اعلام شکست استراتژی مهار ایران از سوی طراح اصلی آن مارتین ایندیک گردید. ایندیک ضمن اشاره بر چشم‌اندازهای جدید در مسائل ایران و با تکرار برخی اتهامات بی‌اساس، خواهان تغییر سیاست "مهار دوجانبه" به "مشارکت سازنده" گردیده است. ایندیک در تاریخ ۱۳۷۸/۷/۲۲ [۱۴ اکتبر ۱۹۹۹] طی سخنرانی خود در انجمن آسیا واقع در واشنگتن

۱- مجتبی امیری، "ایران و آمریکا، نظری دیگر" مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۸-۹۷، ص ۴۲، ۱۳۷۴.

می‌گوید: «چشم‌اندازهای جدید در مناسبات آمریکا و ایران عنوان سخنرانی امروز من می‌باشد. امروز ایران در شرف تغییر و تحول است. مردم ایران در سالهای اخیر با تکیه بر تاریخ شکوهمند و پرافتخار عدالت‌خواهی و تسامح، علاقه قوی خود را به مشارکت بیشتر در اداره خود، رهایی از مداخلات دولت در امور خصوصی، کسب آزادیهای بیشتر و ارتباط بیشتر با جهان خارج نشان داده‌اند. رهبران ایران اقداماتی را در پاسخ به علائق فوق انجام داده‌اند ازجمله برگزاری انتخاب منصفانهٔ ریاست جمهوری و شوراهای محلی، اجازهٔ مناظرات آشکار میان مردم، تأکید بر حاکمیت قانون و همچنین تغییر سیاست خارجی ایران در برخی مناطق از سیاست برخورد به سیاست گفتگو و همکاری.»

«آلبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا، به تحولات فوق در سخنرانی سال گذشتهٔ خود اذعان کرد، نکتهٔ اصلی اظهارات آلبرایت این بود که آمادگی آمریکا به تغییر سیاست خود در قبال ایران را نشان دهد و اینکه ما آماده‌ایم با جمهوری اسلامی راهکاری را ترسیم کنیم تا طرفین اقدامات موازی را در مورد مسائل موردنظر طرف دیگر اتخاذ کنند به گونه‌ای که به اتفاق هم بتوانیم بنیادهای برقراری و تحکیم روابطی عادی را پی‌ریزی کنیم. از آن زمان تاکنون آقای کلینتون نیز اراده شخصی خود را به این رویکرد نشان داده است. متأسفانه پاسخ دولت ایران به این پیشنهاد فاقد خلاقیت بوده است و تأکید کرده است که ایالات متحده نخست باید اقدامات یک جانبه‌ای را به عنوان پیش شرط یک گفتگوی رسمی انجام دهد.»

«با توجه به اینکه ایران درحال حاضر از آغاز گفتگو پرهیز می‌کند، ما راههای دیگری را تعقیب کرده‌ایم که بتوانیم با ایران مشارکت گسترده‌ای داشته باشیم. ما به صورت سازنده‌ای با ایران در زمینهٔ حل و فصل مسائل چندجانبهٔ مورد علایق مشترک از جمله مبارزه با مواد مخدر و وضعیت افغانستان همکاری کرده‌ایم. در سال گذشته، حذف ایران از فهرست کشورهای تولیدکنندهٔ خشخاش، بدین‌معناست که ایران منبعد جزو فهرست تولیدکنندگان عمده مواد مخدر محسوب نمی‌شود. براین مبنا، ما ایران را از فهرست فوق حذف کردیم، و از برنامهٔ کنترل مواد مخدر سازمان ملل نیز برای افزایش همکاری با ایران و افزایش فعالیتهایش در این کشور کاملاً حمایت می‌کنیم. در این مورد برخورد مثبت ایران با برخورد مثبت آمریکا مواجه شده است. ما همچنین به «همکاری خود با ایران در قالب گروه ۲+۶ در مورد افغانستان ادامه می‌دهیم.»

«ما همچنین از افزایش تماس میان مردم دو کشور، حمایت کرده‌ایم. زیرا، معتقدیم که این‌گونه مبادلات می‌تواند به درک و احترام مشترک کمک کند و می‌تواند به از بین بردن دیوار چندین دهه بی‌اعتمادی کمک کند. ما سیاستهای صدور ویزا برای ایرانیها را آسان کردیم و از مبادلات ورزشکاران و دانشگاهیان حمایت کرده‌ایم. ما میزبان تیمهای کشتی، سردبیران جراید، فیلمسازان و موسیقی‌دانان و تعداد کثیری از محققین ایران در آمریکا بوده‌ایم. همزمان نیز، ما خوشحالیم که ایران درهایش را به سوی تعداد بیشتری از شهروندان آمریکایی، تیمهای کشتی، محققین و دانشجویان گشوده است.»

«ما خوشحالیم که یکی از مقامات ایران اخیراً به ضرورت حفظ امنیت گردشگران خارجی ازجمله آمریکائیها تأکید کرده است. ما همچنین طبق روال عادی، اجازه داده‌ایم که نمایندگان دولت ایران به مناطق مختلف آمریکا مسافرت کنند و در برنامهٔ مبادلات مردم با مردم مشارکت جویند. ما فکر می‌کنیم که زمان آن فرا رسیده است که ایران نیز اجازه دهد تا مقامات آمریکایی از امتیازات مشابهی در ایران برخوردار شوند. مضافاً اینکه، در چارچوب بررسی جامع سیاست تحریمهای آمریکا، آقای کلینتون در ماه آوریل تصمیم خود مبنی بر آزاد کردن فروش مواد غذایی، دارویی و تجهیزات پزشکی را از فهرست اقلام مورد تحریم اعلام کرد. خزانه‌داری آمریکا نیز در ماه اوت مقررات اجرایی این سیاست را منتشر ساخت. بر مبنای این تصمیم، برخی از اقلام آمریکایی و مشخصاً فروش کالاهای کشاورزی از آمریکا به ایران آزاد میباشد. این تغییر در سیاست مغایر با تحریمهای اقتصادی ما در مورد دولت ایران نیست. در واقع تغییر این سیاست، به نفع مردم ایران و همچنین کشاورزان و کارخانه‌داران آمریکایی است. حائز اهمیت اینست که به خاطر داشته باشیم که هدف از اعمال تحریمها تغییر رفتار ایران است و نه محروم ساختن مردم ایران از نیازهای انسانی. فروش مواد غذایی، دارویی و سایر نیازمندیهای انسانی تقویت کنندهٔ قابلیتهای یک کشور در زمینهٔ تسلیحات امحاء جمعی و یا توانایی‌اش در حمایت از تروریسم بین‌المللی نمی‌باشد.»

«برغم جرح و تعدیلهایی که در تحریمها انجام گرفته، سیاست تحریم اقتصادی ایران همچنان به قوت خود باقی است. امروزه دلایل سیاست تحریمها هنوز همانند روزی که آنها اعمال شد، پابرجاست. تحریمهای اقتصادی درواقع در پاسخ به رفتارهای دولت ایران اعمال می‌شود که مغایر با هنجارهای بین‌المللی است و منافع ما و منافع

دوستانمان را تهدید می‌کند. هدف این سیاستها این است که به رهبران ایران نشان دهد که برای ادامهٔ آنها باید بهای سنگینی بپردازد. آنها نمی‌توانند هم منافع غرب را تهدید کنند و هم از منافع روابط عادی با غرب بهره‌مند شوند. بدین‌منظور ما همچنان با سرمایه‌گذاری در توسعهٔ بخش انرژی ایران، تعویق در بازپرداخت بدهی‌های دوجانبه، برخورد کلوب پاریس نسبت به بدیهی‌های ایران، ارائه شرایط مطلوب توسط اعتباردهندگان اصلی به ایران مخالفت خواهیم کرد و همچنین به مخالفت خود با هرگونه اعطای اعتبار نهادهای مالی بین‌المللی به ایران ادامه خواهیم داد. لکن ما روشن ساخته‌ایم که آماده‌ایم این سیاستها را به محض تغییر رفتار ایران در زمینه‌های مورد نگرانی ما، تغییر دهیم. متأسفانه در دولت جدید برخی از رفتارهای قابل اعتراض دولت ایران همچنان ادامه دارد گرچه در همهٔ زمینه‌ها شدت و حدت سابق وجود ندارد. ایران همچنان جزو فهرست وزارت خارجه آمریکا در حمایت از تروریسم می‌باشد. درحالیکه فعالیتهای ایران علیه مخالفانش در سال ۱۹۹۸ کمتر از ۱۹۷۷ بوده است، لکن همچنان از گروههای مختلفی که در تعقیب اهداف خود به تروریسم متوسل می‌شوند حمایت می‌کند. در عین حال، ایران خود نیز قربانی تروریسم می‌باشد. در سال ۱۹۹۸ چند تن از مقامات بلندپایهٔ دولت ایران مورد حمله قرار گرفتند و حداقل دو تن از آنها در عملیاتی کشته شدند که گروه تروریستی مجاهدین خلق مسئولیت آن را برعهده گرفت. اخیراً نیز همین گروه مسئولیت قتل جانشین فرماندهٔ نیروهای مسلح ایران را برعهده گرفت. ما این اعمال را محکوم کردیم همانطوری که تمام اقدامات تروریستی را محکوم می‌کنیم. در این زمینه، ما هفته گذشته مجاهدین خلق را مجدداً به عنوان یک گروه تروریستی خارجی نامیدیم و برای نخستین مرتبه شورای مقاومت ملی را نیز به عنوان یکی از شاخه‌های مجاهدین خلق اعلام کردیم. بنابراین هرگونه حمایت مالی به این سازمانها غیرقانونی می‌باشد. این اقدامات موجب می‌شود که توانایی مجاهدین خلق در جمع‌آوری حمایت در این کشور کاهش یابد.»

«مقامات ارشد ایران آشکارا تروریسم و کشتار مردم بیگناه ازجمله اسرائیلیها را محکوم کرده‌اند. دولت ایران همچنین اعلام کرده است که ایران صلح مورد قبول فلسطینیها را قبول خواهد کرد. تصور ما این است که این اظهارات صادقانه بیان شده است و از اینرو، منطق حکم می‌کند که ما انتظار داشته باشیم که سیاستها و رفتار ایران بازتاب آن اظهارات باشد. متأسفانه تاکنون چنین نبوده است. ایران قرارداد "واریو" را به

شدت محکوم کرد و مجدداً به قرارداد شرم‌الخیل نیز اعتراض نمود. حزب‌الله، گروه دست‌نشانده ایران در لبنان عرفات را به جرم صلح با اسرائیل تهدید به مرگ کرده است. شخص آقای خاتمی با رهبران گروههای واپسگرای فلسطینی در هنگام دیدار از سوریه ملاقات کرد و ظاهراً به آنها وعدهٔ کمک بیشتر داده است. تشویقات ایران هنگامی صورت می‌گیرد که سوریه از اکثر این گروهها می‌خواهد که از فعالیت نظامی دست بردارند و لیبی نیز ظاهراً ابونضال را از خاک خود اخراج می‌کند و ورود سایر عناصر تروریستی به لیبی را ممنوع می‌کند.»

«این مسئلهٔ کوچکی نیست. در زمانی که سایر جهان عرب در پی صلح و نزدیکی با اسرائیل هستند، چه معنا دارد که ایران از فعالیت تروریستی گروههای حزب‌الله، حماس، جهاد اسلامی فلسطین و احمد جبریل حمایت می‌کند. چرا ایران به مشکلات داخلی اردن دامن می‌زند و از تندروهای مصری حمایت می‌کند و مأمن امن آنها می‌گردد و در عین حال سیاستهای خود را در قبال همسایگان عرب حاشیهٔ خلیج فارس تعدیل می‌کند. آیا به این دلیل است که مصر و اردن نقش پیشرو در روند صلح ایفا می‌کنند؟

«ما برای ایران روشن ساخته‌ایم تا وقتی که اقدامات بامعنا در جهت خاتمه بخشیدن به حمایت‌اش از تروریسم انجام ندهد و در مبارزه با تروریسم همکاری نکند، تحریمها ادامه خواهند داشت و از بهبود روابط نیز خبری نخواهد بود. در مورد حمله به مقر نیروهای آمریکایی در عربستان سعودی، تحقیقات ما ادامه دارد. در هفتهٔ جاری، ما، هانی‌الصدیق را به عربستان سعودی منتقل کردیم تا به اتهام دخالت در بمب‌گذاری محاکمه شود. ما در حال بررسی اطلاعات مبنی بر دخالت شهروندان سعودی، مقامات دولت ایران و سایرین در این بمب‌گذاری هستیم. ما در مورد اینکه این عملیات توسط دولت ایران هدایت شده بود و یا نه به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم. ایران هرگونه دخالتی را در این بمب‌گذاری رد کرده است. همکاری ایران در این تحقیقات می‌تواند نشانه مهمی باشد از اینکه ایران در حال تغییر آن دسته از سیاستهایی است که منافع ما و آن دسته از دوستان و متحدین ما در خاورمیانه را تهدید می‌کند.»

«ما همچنین نسبت به ادامهٔ توسعه تسلیحات امحاء جمعی و موشک بالستیک مورد نیاز برای پرتاب آنها نگران هستیم. تلاشهای پنهان برای تهیه تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی همچنان ادامه دارد برغم آنکه ایران امضاءکننده کنوانسیونهای مربوطه می‌باشد. در این زمینه، ما بویژه نگران فعالیت ایران در زمینهٔ تسلیحات هسته‌ای

هستیم. ایران همچنین موشک بالستیک شهاب ۳ با بُرد ۸۰۰ مایل را آزمایش کرد و گزارش شده است که به تولید انبوه آن حتی با بُرد بیشتر نزدیک شده است. این تحولات برای دوستان ما در منطقه و حضور ما در آنجا به طور قابل توجهی تهدیدکننده است.»

«خیلی روشن اینکه نگرانی ما در مورد توسعهٔ موشکی و تسلیحاتی امحاء جمعی ایران باید در چارچوب مسائل منطقه مورد توجه قرار گیرد که در آن کشورهای منطقه از جمله ایران باید احساس امنیت کنند. ما همچنان از برنامه خاورمیانهٔ عاری از تمام تسلیحات امحاء جمعی حمایت می‌کنیم. لکن برنامه‌ای که ما در منطقه چه در ایران، هند و یا پاکستان شاهدیم دقیقاً در جهت معکوس در جریان است. گسترش تسلیحات امحاء جمعی در بخش شرقی خلیج فارس در کنار مسائل دیگر، بخش غربی خلیج فارس را نگران کرده و موجب شده تا آنها نیز در پی دسترسی به سیستمهای تسلیحاتی باشند. از اینرو، انگیزهٔ ایران برای چیزی که به عنوان قابلیت بازدارندگی فکر می‌کند برای منطقهٔ خاورمیانه بالقوه عمیقاً بی‌ثبات کننده است.»

«بالاخره اینکه ما همچنان با اشتیاق بسیار تحولات ایران را دنبال می‌کنیم و بارها نیز گفته‌ایم که ما تمامیت ارضی و حقوق مردم ایران در انتخاب نظام حکومتی مورد علاقهٔ خود را کاملاً محترم می‌شماریم. ما علاقه و سیاست مداخله در امور ایران را نداریم. لکن از اظهارنظر در حمایت از ارزشهای جهانشمولی نظیر حقوق بشر، حاکمیت قانون در دمکراسی پرهیز نخواهیم کرد. در این زمینه، انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۷۷ و انتخابات اخیر شوراهای شهری در گشایش و مشارکت مردم ایران اقدامات بسیار مهمی بوده‌اند. ایران با انتخابات مهم دیگری در ماه فوریهٔ سال آیندهٔ مسیحی مواجه است. در این انتخابات مردم ایران بار دیگر از حق قانونی خود استفاده می‌کنند و نمایندگان خود را به مجلس می‌فرستند. اظهارات رهبران منتخب مردم ایران در حمایت از حقوق بشر و حاکمیت قانون شایستهٔ اذعان و حمایت است. مضافاً اینکه مطبوعات نیز همچنان به مقابله با تلاشهایی که در جهت سانسور انجام می‌شود، به طور تحسین‌انگیزی ادامه می‌دهند. اینها تحولات مهمی هستند که نشانگر تغییر واقعی می‌باشند.»

«در عین حال، ما نگران فاصلهٔ بین گفتار و کردار ایران هستیم. دادگاه انقلاب اخیراً اعلام کرد که چهار دانشجویی که در تظاهرات دانشجویی تابستان دستگیر شده‌اند به مرگ محکوم کرده است. تعداد بسیاری نیز همچنان دستگیر می‌باشند. ما همچنان

شاهد ادامهٔ بازداشت ۱۳ نفر عضو جامعه یهودیان شیراز و اصفهان به اتهام واهی جاسوسی هستیم، بدون آنکه به صورت رسمی جرمی علیه آنها اعلام شده باشد. در گزارش جدیدالانتشار ما در مورد آزادی مذهب در ایران، رفتار ایران با بهائیها مشروحاً مندرج است. اعمال فشار منظم بر بهائیها از جمله ممنوعیت آنها از عبادت، انجام انتخاب اعضاء در نظام اداری مذهبی خود، تعلیم فرزندانشان، و همچنین دستگیری و شکنجه طرفداران بهائیها موجب شد که وزیر امور خارجه آمریکا نگران سازد. این گزارش تحت لایحه حمایت از آزادی مذهب تهیه شده است. خلاصه اینکه ما شاهد تحولات جدی در جهت ایرانی بهتر هستیم لکن تصویر همچنان مخدوش است و نتیجه نیز نامعلوم. ما همچنان معتقدیم که کشورهایی که ارزشهای دمکراتیک، تسامح و حاکمیت قانون را در داخل خود محترم می‌شمارند هنجارهای بین‌المللی را در سیاستهای خارجی خود می‌پذیرند.»

«ایالات متحده همچنان به بهبود در روابط با جمهوری اسلامی ایران علاقمند است. ولی برای تحقق آن، ما باید راهی را به اتفاق هم برای حل مسائل مورد توجه دو طرف پیدا کنیم. ما به سهم خود باید ایران را تشویق کنیم تا سیاستهایش را در زمینه تروریسم، مخالفت خشونت‌آمیز با روند مذاکرات صلح و برنامه گسترش تسلیحات امحاء جمعی تغییر دهد. آنها نیز به سهم خود از ما می‌خواهند که ما سیاست تحریم را تغییر دهیم. ما معتقدیم که بهترین روش برای تحقق این تغییرات از طریق اتخاذ فرایند موازی می‌باشد که تنها می‌تواند انجام گفتگوی رسمی میان دو دولت را بدون پیش‌شرط ممکن سازد. ما باید از مرحله ایماء و اشاره سیگنال فرستادن و ابراز تمایل عبور کنیم. درواقع، زمان آن فرا رسیده است ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران هر دو به‌عنوان دو ملت بزرگ روی در روی هم و بر مبنای اصل برابری و احترام متقابل مراوده داشته باشند. زمانی که دولت ایران آماده باشد، ماهم آماده خواهیم بود.»*

دو هفته پس از این اظهارات مارتین ایندیک، کاخ سفید تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران را برای مدت یکسال دیگر تمدید کرد.

*- مارتین ایندیک، "چشم‌اندازهای جدید در مورد ایران"، روزنامه اطلاعات، ترجمه مجتبی امیری، شماره ۲۱۷۵۱۰، ۱۳۷۸/۷/۲۶، ص ۱۲.

نتیجه‌گیری

فرمول و راه کار اصلی اعمال استراتژی مهار دوگانه آمریکا بر روی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق مبتنی بر "اعمال تحریم" می‌باشد. این تحریم‌ها همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی را دربر دارد. در مورد عراق حمله این کشور به کویت، حمله متحدان آمریکا به عراق، مسائل مربوط به تولید سلاحهای کشتارجمعی و ... منجر به صدور قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل گردید. آمریکا درواقع سوار بر موج این قطعنامه‌ها گردیده است و از طریق آن به تحریم و انزوای بین‌المللی عراق ادامه می‌دهد.

در عین حال آمریکا، مجازاتهای اقتصادی دیگری را علیه عراق اعمال نموده است، این اقدامات بویژه شامل مسدود نمودن همه دارائی‌ها یا منافع دولت عراق در خاک آمریکاست. در اواخر مردادماه ۱۳۷۵ بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا، در نامه‌ای به نمایندگان کنگره تأکید کرده است که "عراق شش سال پس از تهاجمش به کویت هنوز رفتار خصمانه نسبت به جامعه بین‌المللی نشان می‌دهد، همچنین بغداد از استرداد دارائیهای کویت که ارزش آن چندین میلیون دلار است خودداری می‌نماید و اظهارات دولت عراق در زمینه سلاحهای هسته‌ای به بازرسان سازمان ملل ضدونقیض می‌باشد، در نتیجه آمریکا ضمن تمدید مجازاتهای اقتصادی علیه عراق به تشدید تحریمهای سازمان ملل بر ضد بغداد ادامه خواهد داد. سیاست و اقدامات رژیم صدام تهدیدی غیرعادی و فوق‌العاده برای امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا و نیز برای صلح و امنیت در منطقه است. آمریکا بدلیل خودداری عراق از تطبیق با قطعنامه‌های سازمان ملل به تحریمهای تجاری بر ضد عراق ادامه می‌دهد تا بغداد را از تهدید صلح و امنیت در منطقه منصرف سازد."[1]

مقامات عالیرتبه آمریکائی بارها اعلام کرده‌اند که اعمال این تحریم‌ها تا زمانی که مفاد قطعنامه‌های سازمان ملل در بغداد اجراء نگردد ادامه خواهد یافت، حتی اگر رژیم جدیدی نیز قدرت را در دست گیرد آمریکا فقط در صورت حصول اطمینان از اجرای قطعنامه‌ها، رژیم جدید را مورد شناسائی قرار خواهد داد.

آمریکا بمنظور اعمال استراتژی مهار عراق به اقدامات چندجانبه متوسل شده است، که عبارتند از :

۱- خبرگزاری فرانسه (۷۵/۵/۲۵)

- تداوم مناطق ممنوعه پروازی و واردآوردن خسارت به مراکز نظامی و امنیتی عراق

- تداوم تحریمهای اقتصادی و مخالفت جدی با لغو تحریمها

- مطرح نمودن ضرورت تشکیل دادگاه بین‌المللی جنایتکار جنگی و محاکمه رئیس جمهور عراق[۱]

- محکوم نمودن عراق در زمینه نقض حقوق بشر

- نظارت بر تولید تسلیحات عراق در قالب UNCIM [و در گذشته UNSCOM]

- تلاش بمنظور سازماندهی معارضین

- ایجاد پایگاه نظامی در کشورهای منطقه، انجام مانورهای مشترک نظامی و تثبیت حضور نظامی در خلیج فارس با برخورداری از امکانات مالی کشورهای عرب منطقه[۲]

اعمال تحریمهای مزبور باعث تضعیف حاکمیت عراق، انزوای سیاسی و بین‌المللی و فشارهای فراوان بر دولت و مردم عراق گردید و سرمایه‌های فراوان انسانی و مالی یک کشور غنی اسلامی مورد تهاجم سیاستهای استکباری قرارگرفت و در نتیجه اعمال استراتژی مهاردوگانه در مورد عراق تأثیرات منفی فراوانی را بر حاکمیت، اقتصاد، توان نظامی و خصوصاً مردم عراق برجای گذاشت به نحوی که امروزه ازتداوم سیاست اعمال تحریمهای اقتصادی آمریکا بعنوان سلاح کشتار جمعی جدید یاد می‌گردد و مرگ هزاران زن و کودک عراقی نتیجهٔ بکارگیری "سلاح کشتار جمعی تحریم" می‌باشد که ماشهٔ آن در دست آمریکاست.

اما در خصوص تأثیرات استراتژی مهار دوگانه، بر روی جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت که :

۱- آمریکا برای اعمال فشار بیشتر بر حکومت عراق، موضوع محاکمه رئیس جمهور رابه جرائمی از قبیل: کشتن ۵۰۰۰کرد با استفاده از گاز شیمیایی، تخریب ۳۰۰۰ روستا، ترور رهبران شیعه،کوچ اجباری شهروندان عراقی در شمال و جنوب و اعدام مطرح نموده است. این اقدام آمریکا در واقع براه انداختن جنگ روانی علیه حکومت عراق می‌باشد.

۲- متأسفانه حملهٔ عراق به کویت، زمینه حضور گسترده آمریکا را در منطقه فراهم ساخت تا بدانجا که هزینه حضور نظامی نیروهای آمریکایی از بودجه کشورهای عرب منطقه تأمین می‌گردد، وزیر دفاع آمریکا می‌گوید. حضور نظامی آمریکا با استفاده از پول کشورهای منطقه نشانگر همکاری مشترک ما در زمینه حفظ امنیت خلیج فارس است.

اولاً : شرایط بین‌المللی برای تحریم جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای نیست که آمریکا بتواند نوعی هماهنگی بین‌المللی دراین‌خصوص ایجاد نماید.

ثانیاً : اتحادیه اروپا و سایرین حاضر نیستند، موقعیت مهم ایران در منطقه و ظرفیت بالای کار اقتصادی دوجانبه را نادیده بگیرند و بطور مطلق تسلیم خواسته‌های آمریکا شوند. منافع اقتصادی ـ تجاری و سیاسی اروپا باعث مخالفت آنان با تحریم ایران گردیده است.

ثالثاً : ایالات متحده در شرایطی نیست که بتواند کشورهای متحد خود را در برخورد با ایران متقاعد سازد و از سوی دیگر مشکل ایران با آمریکا به‌گونه‌ای نیست که تأثیر آن صلح و ثبات بین‌المللی را خدشه‌دار نماید.

رابعاً : موفقیت‌های پیاپی جمهوری اسلامی ایران در اتخاذ سیاست حسن همجواری، تنش‌زدایی و همکاریهای سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجب عدم توفیق آمریکا در اعمال استراتژی مهار دوگانه گردیده است.

نتیجه آنکه اعمال استراتژی مهار علیه ایران هیچگونه تأثیر جدی و اساسی را متوجه نظام جمهوری اسلامی ایران نکرده است و صرفاً تأثیرات کوتاه مدت و مقطعی را بدنبال داشته است و مادامی که اروپا از همراهی با آمریکا خودداری نماید و دیپلماسی فعال ایران تداوم یابد این اقدامات بلااثر خواهد ماند. اکنون مقامات آمریکایی نیز برشکست استراتژی مهار ایران اعتراف می‌کنند، مارتین ایندیک معاون خاورمیانه وزارت خارجه و مشاور امنیت ملی کاخ سفید که طراح اصلی استراتژی مهاردوگانه است، ضمن اذعان برشکست این استراتژی معتقد به تغییر "سیاست مهار" و پیروی از "سیاست مشارکت سازنده" است. بدیهی است اتخاذ مواضع اصولی از سوی مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را به چنین تغییر موضعی وادار نموده است. درواقع "دکترین کلینتون" موسوم به "دکترین مهار دوگانه"[1]، قبل از پایان دورهٔ دوم ریاست جمهوری وی در تئوری به "سیاست مشارکت سازنده"[2] مبدل گشت، هرچند در عمل همان سیاستهای خصمانه را دنبال می‌نمایند.

1- Dual Containment
2- Constructive Participation

ضمائم

نمایه روزشمار عراق

قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد

و برخی آمار و اطلاعات در مورد عراق

فهرست منابع

نمایه «روز شمار عراق»

الف) از آغاز تأسیس تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران

تیر - مرداد ۱۳۱۱	مرز عراق و کویت توسط بریتانیا تعیین شد.
۱۱ مهر ۱۳۱۱	خروج عراق از قیمومت بریتانیا و عضویت در جامعه ملل
شهریور ۱۳۳۷	کودتای سرلشکر عبدالکریم قاسم و سرهنگ عبدالسلام عارف علیه حکومت پادشاهی و خاتمه سلطنت در عراق
۳۰ خرداد ۱۳۴۰	اعلام استقلال کویت از بریتانیا و عضویت در سازمان ملل متحد
مرداد ۱۳۴۰	چشم دوختن عبدالکریم قاسم به کویت و اعلام مواضع خصمانه نسبت به جمهوری متحد عربی.
اردیبهشت ۱۳۴۲	کودتای عبدالسلام عارف با همکاری گروهی از ارتشیان و حزب بعث
۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۲	کویت بعنوان یکصدویازدهمین عضو سازمان ملل متحد پذیرفته شد.
۱۳ مهر ۱۳۴۲	بعد از یک دوره تنش بین کویت و عراق، سرانجام عراق مرزهای تعیین شده را پذیرفت.
بهمن ۱۳۴۲	کودتای عبدالسلام عارف علیه حزب بعث و تحکیم اوضاع سیاسی توسط عارف - امضای پیمان مسکو پیرامون منع آزمایشات هسته‌ای و حمایت از راههای مسالمت‌آمیز حل اختلافات مرزی.
۱۳۴۴	چرخش عبدالسلام عارف بسوی آمریکا بدلیل مشکلات داخلی و منطقه‌ای - واگذاری منصب نخست‌وزیری به عبدالرحمن بزاز که مورد اعتماد واشنگتن و لندن بود.
تیر ۱۳۴۵	عبدالسلام عارف در سانحه سقوط هلی‌کوپتر کشته شد. برادر وی (عبدالرحمن محمد عارف) که رئیس ستاد ارتش بود بر مسند ریاست جمهوری تکیه زد و بزاز همچنان نخست‌وزیر باقی ماند.

۲۷ تیر ۱۳۴۷	حزب بعث قدرت را در عراق به دست گرفت. عبدالرحمان عارف بازداشت و احمدحسن البکر بقدرت رسید.
۱۴ آذر ۱۳۴۷	سپهبد حردان تکریتی، وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی و معاون رئیس‌جمهوری عراق، برای مذاکره راجع به اختلافهای دوکشور در رأس هیئتی وارد تهران شد.
۷ بهمن ۱۳۴۷	هیئتی به ریاست معاون وزیر امور خارجه ایران برای مذاکره درباره اختلافهای دو کشور وارد بغداد شد.
۲۳ بهمن ۱۳۴۷	اعلام شد که مذاکرات هیئت ایرانی در بغداد به شکست انجامیده است.
۲۶ فروردین ۱۳۴۸	معاون وزارت خارجه عراق اظهار داشت که اروند رود جزئی از خاک عراق است و چنانچه پرچم ایران از کشتی‌هایی که از آن عبور می‌کنند پایین آورده نشود، مأموران عراقی با اعمال زور پرچم را پایین خواهند آورد.
۳۰ فروردین ۱۳۴۸	قائم مقام وزیر امور خارجه ایران به طور رسمی لغو عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶ را اعلام کرد.
۳۱ فروردین ۱۳۴۸	نیروهای نظامی ایران به حال آماده باش در آمدند.
۲ اردیبهشت ۱۳۴۸	کشتی ابن‌سینا به وسیله نیروی دریایی و چتری از هواپیماهای جت جنگنده فانتوم اسکورت شد و با پرچم ایران توسط راهنمایان ایرانی از اروند رود عبور کرد.
۲ اردیبهشت ۱۳۴۸	دولت عراق نمایندگی کشتیرانی ایران را در بندر بصره ملی اعلام کرد و نیز عوارض کشتیرانی در اروند رود را به دو برابر افزایش داد.
۲ اردیبهشت ۱۳۴۸	ژنرال صالح مهدی عماش، معاون نخست وزیر و وزیر کشور عراق اظهار داشت که عراق هرگز به طور جدی در مورد اروند رود با ایران اختلاف نداشته، زیرا اروند رود جزیی از خاک عراق است. اختلاف درمورد «عربستان» (خوزستان) بود که قسمتی از خاک عراق است و در دوره قیمومیت خارجی ضمیمه ایران شده است.

۳ اردیبهشت ۱۳۴۸	در منطقه وسیعی از خوزستان، از جمله آبادان، برای اولین بار بعداز جنگ جهانی دوم اعلام خاموشی شد.
۵ اردیبهشت ۱۳۴۸	کشتی اقیانوس‌پیمای آریافر با پرچم ایران و راهنمایان ایرانی از اروند رود عبور کرد.
۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۸	تیمور بختیار پس از گرفتن گذرنامه سیاسی با یک هواپیمای عراقی وارد بغداد شد. وزیر امور خارجه عراق اظهار داشت که عراق قصد دارد از فعالیتهای وی علیه دولت ایران حمایت کند.
۱ بهمن ۱۳۴۸	کودتای نافرجامی به رهبری ژنرال راوی در عراق روی داد. وی پس از شکست کودتا به ایران پناهنده شد.
۲ بهمن ۱۳۴۸	دولت عراق به اتهام شرکت دولت ایران در کودتای اول بهمن آن کشور، سفیر و اعضای سفارت ایران را عنصر نامطلوب اعلام وازخاک‌خوداخراج‌کرد. همچنین کلیه سرکنسولگری‌های ایران را در کشور عراق تعطیل کرد. دولت ایران نیز در همین‌روز دست به عمل متقابل زد.
۲۱ اسفند ۱۳۴۸	موافقت‌نامه‌ای بین دولت عراق و کردهای آن کشور به امضا رسید که خودمختاری محدودی به کردها می‌داد.
۳۱ خرداد ۱۳۴۹	یک هواپیمای جت مسافربری هواپیمایی ملی ایران به عراق برده شد و دولت عراق به رغم اعتراض دولت ایران، به آورندگان آن پناهندگی سیاسی داد.
۲۴ تیر ۱۳۴۹	احمد حسن‌البکر، رئیس‌جمهور عراق، پیشنهاد کرد که نیروهای دفاعی عرب تشکیل و جایگزین نیروهای انگلستان پس از خروج از خلیج‌فارس شود.
۱۹ مهر ۱۳۴۹	کنفرانسی از حقوق‌دانان دادگاه بین‌المللی لاهه در تهران تشکیل شد. این کنفرانس اقدام دولت ایران را در مورد لغو عهدنامه ۱۳۱۶ مورد تائید قرار داد.
مهر و دی‌ماه ۱۳۴۹	دو هواپیمای دیگر ایران به عراق هدایت شد و دولت عراق به عاملان آن پناهندگی سیاسی داد.

بهمن ماه ۱۳۴۹	سعدون حمادی، وزیر نفت عراق، برای شرکت در اجلاس وزیران عضو اوپک وارد تهران شد. در مدت اقامت وی در تهران، تبلیغات رادیویی دوکشور علیه یکدیگر قطع شد.
۵ تیر ۱۳۵۰	شاه اظهار داشت که جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک متعلق به ایران است و در صورت لزوم با نیروی نظامی تصرف خواهند شد. درهمین روز وزیر امورخارجه ایران نیز مطالب مشابهی بیان داشت.
۱۰ آذر ۱۳۵۰	دولت عراق روابط سیاسی خود را با ایران به علت اعاده حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه قطع کرد.
۱۱ آذر ۱۳۵۰	دولت عراق تقاضای تشکیل فوری جلسه اتحادیه عرب را به منظور بررسی اقدام ایران در مورد جزایر سه‌گانه کرد.
۱۳ آذر ۱۳۵۰	دولت عراق در مورد اعاده حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه به شورای امنیت سازمان ملل شکایت برد و تشکیل فوری جلسه شورا را تقاضا کرد.
۱۶-۱۴ آذر ۱۳۵۰	جلسات اتحادیه عرب تشکیل شد. دراین جلسات با پیشنهاد عراق مبنی‌بر قطع روابط سیاسی کشورهای عربی با ایران موافقت نشد.
۱۸ آذر ۱۳۵۰	شورای امنیت سازمان ملل برای رسیدگی به شکایت عراق تشکیل جلسه داد، ولی هیچگونه تصمیمی اتخاذ نگردید.
۲۰ فروردین ۱۳۵۱	بین عراق و شوروی یک پیمان دوستی و همکاری پانزده ساله به امضاء رسید.
۱۱ خرداد ۱۳۵۱	دولت عراق شرکت نفت عراق (متعلق به شرکتهای آمریکایی، فرانسوی، انگلیسی و هلندی) را ملی اعلام‌کرد.
۲۰ دی ۱۳۵۱	یک هلیکوپتر ایران به علت نقص فنی و بدی هوا در خاک عراق فرودآمد، عراق اعلام‌کرد که سرنشینان آن درخواست‌پناهندگی کرده‌اند. سه سرنشین هلیکوپتر در سال ۱۳۵۲ آزاد شدند.
۲۹ اسفند ۱۳۵۱	عراق به خاک کویت حمله و پاسگاه مرزی الصامته را اشغال کرد.

۱۱ فروردین ۱۳۵۲	ایران به دولت کویت پیشنهاد ارسال اسلحه و نیرو کرد.
۱۹ فروردین ۱۳۵۲	دولت ایران اعلام کرد که یک قرارداد مخفی بین عراق و هند به امضاء رسیده و به موجب آن متخصصان هندی خلبانان عراقی را برای پرواز با هواپیماهای میگ ساخت شوروی تعلیم می‌دهند.
۱۰ تیر ۱۳۵۲	کودتای ناظم کزاز، رئیس سازمان امنیت عراق، با شکست روبرو شد.
۱۸-۱۷ تیر ۱۳۵۲	ناظم کزاز و ۳۵ تن از همدستان وی اعدام شدند.
۳۱ مرداد ۱۳۵۲	عراق مراکزفرهنگی شوروی و چکسلواکی را دربغداد تعطیل کرد. این‌امر نشانه سرخوردگی عراق از شوروی تلقی شد، که سعی می‌کرد روابط خود را با ایران تقویت کند.
۱۴ مهر ۱۳۵۲	تجاوز اسرائیل به اعراب ـ کمک عراق به جمهوری متحد عربی، اردن و سوریه در مقابل پشتیبانی آمریکا، انگلیس و آلمان از اسرائیل ـ و متعاقب آن قطع رابطه سیاسی عراق با آمریکا، انگلیس و آلمان.
۱۶ مهر ۱۳۵۲	بین ایران و عراق بار دیگر روابط سیاسی برقرار شد. روابط دو کشور در آذرماه ۱۳۵۰ بدنبال اعاده حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه قطع شده بود.
۸ آبان ۱۳۵۲	ایران منطقه انحصاری ماهیگیری خود را در خلیج‌فارس و دریای عمان ۵۰ مایل تعیین کرد.
۲ بهمن ۱۳۵۲	ایرانِ سفارش خرید سلاح و تجهیزات نظامی به ارزش ۲ میلیارد دلار را به ایالات متحده آمریکا داد.
۸ بهمن ۱۳۵۲	شرکتهای خارجی ملی شدن نفت عراق را در ازای دریافت ۱۵ میلیون تن نفت خام به عنوان غرامت پذیرفتند.
۲۱ بهمن ۱۳۵۲	نبرد معروف به «یکشنبه خونین» بین دو کشور روی داد. این نبرد به خاطر تصرف تپه ۳۴۳ صورت گرفت و بالاترین رقم را در طول برخوردهای مرزی ایران و عراق از نظر تعداد زخمی و کشته در برداشت.

۲۳ بهمن ۱۳۵۲	به دنبال برخوردهای مرزی ۲۱ بهمن دولت عراق نشست فوری شورای امنیت را تقاضا کرد.
۲۶ بهمن ۱۳۵۲	شورای امنیت اولین جلسه خود را برای رسیدگی به برخوردهای مرزی بین ایران و عراق تشکیل داد.
۳ اسفند ۱۳۵۲	شورای امنیت دومین نشست خود را تشکیل داد.
۹ اسفند ۱۳۵۲	عراق روابط سیاسی خود را با آلمان غربی، که در سال ۱۳۴۴ قطع شده بود ازسر گرفت.
۱۴ اسفند ۱۳۵۲	نبردهای شدیدی بین نیروهای دو کشور در منطقه خان لیلی در نزدیکی قصر شیرین روی داد.
۱۷ اسفند ۱۳۵۲	به موجب توصیه شورای امنیت بین نیروهای دو کشور در مرز آتش‌بس برقرار شد.
۱۸ اسفند ۱۳۵۲	نخست‌وزیر ایران در پی برخوردهای مرزی اظهار داشت: «صلح تنها از موضع قدرت می‌تواند حفظ شود. ما حملات عراقیها را دفع کرده‌ایم، ولی آنها باید بدانند که صبر و حوصله ما هم اندازه‌ای دارد و نباید آن را لبریز کنند».
۲۱ اسفند ۱۳۵۲	شورای فرماندهی انقلاب عراق با صدور فرمانی بطور رسمی خودمختاری کردهای عراق را اعلام کرد.
اسفندماه ۱۳۵۲	نماینده سازمان ملل متحد عازم مرزهای ایران و عراق شد و از مناطقی که در آن برخوردهای اخیر روی داده بود نیز بازدید کرد.
اسفندماه ۱۳۵۲	نبرد بین خودمختاری طلبان کرد با دولت مرکزی عراق بعد از ۴ سال آتش‌بس، بار دیگر آغاز شد.
۷ خرداد ۱۳۵۳	شورای امنیت پس از مطالعه و بررسی گزارش نماینده دبیر کل به تنظیم قطعنامه ۳۴۸ مبادرت ورزید. در این قطعنامه به ایران و عراق توصیه شده بود که از طریق مذاکره اختلافهای خود را حل کنند.
۲۱ مرداد ۱۳۵۳	دوره مقدماتی مذاکرات هیئتهای نمایندگی ایران و عراق در استانبول آغاز شد.

۱۵ شهریور ۱۳۵۳	هواپیماهای عراق وارد ایران شده، روستای کهنه لاهیجان از توابع پیرانشهر، را بمباران کردند که بر اثر آن ۱۵ تن از اهالی کشته و ۳ تن زخمی شدند.
۱۹ و ۲۴ مهر ۱۳۵۳	وزرای خارجه ایران و عراق مذاکراتی در مورد اختلافهای دو کشور در نیویورک به عمل آوردند.
مهرماه ۱۳۵۳	کنفرانس سران کشورهای اسلامی در رباط، از کشورهای اردن، مصر و مراکش درخواست کرد تا مساعی جمیله خود را برای حل اختلافهای ایران و عراق به کار گیرند
۲۵ آذر ۱۳۵۳	دو هواپیمای عراقی که به آسمان ایران تجاوز کرده بودند، با موشکهای زمین به هوا در خاک ایران سرنگون شدند.
۲۶ دی ۱۳۵۳	وزرای خارجه ایران و عراق مذاکرات خود را در مورد مسائل مورد اختلاف دو کشور در استانبول آغاز کردند. از این مذاکرات که ۳ روز به‌طول انجامید، نتیجه‌ای به دست نیامد.
۱۴-۱۲ بهمن ۱۳۵۳	کنفرانسی مرکب از سازمانهای صنفی و اتحادیه‌های ملی عرب در بغداد تشکیل شد. در قطعنامه این کنفرانس از مردم ایران خواسته شده بود که علیه دولت ایران با اعراب همبستگی کرده، جلو دخالت ایران را در منطقه (ظفار) بگیرند.
۱۴ بهمن ۱۳۵۳	تظاهراتی علیه دولت ایران در بغداد برگزار گردید. مقامهای نظامی و کشوری عراق در پیشاپیش تظاهرکنندگان در حرکت بودند.
۱۹ بهمن ۱۳۵۳	تظاهراتی در ایران (ساری) علیه دولت عراق برگزار گردید.
۲۱-۱۹ بهمن ۱۳۵۳	نبردهای شدیدی بین نیروهای دوکشور در نواحی مهران غرب روی داد. سال گذشته نیز در همین ماه و در همین منطقه نبردهای خونینی روی داده بود.
۱۵ اسفند ۱۳۵۳	ایران و عراق در الجزایر به توافق رسیدند.
۱۶ اسفند ۱۳۵۳	صدام حسین توافق الجزایر را یک «توافق بزرگ و تاریخی» خواند.

۱۹ اسفند ۱۳۵۳	شورای فرماندهی انقلاب عراق توافق آن کشور با ایران را به اتفاق آرا تصویب کرد.
۲۴ اسفند ۱۳۵۳	اولین اجلاس مشترک وزیران ایران، عراق و الجزایر در تهران برگزار گردید.
۶ فروردین ۱۳۵۴	نخست وزیر ایران به دعوت صدام حسین، نائب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق، برای یک دیدار چهار روزه وارد بغداد شد.
۲۰ فروردین ۱۳۵۴	دومین اجلاس مشترک وزیران امور خارجه ایران، عراق و الجزایر در بغداد آغاز به کار کرد.
۹ اردیبهشت ۱۳۵۴	صدام حسین برای یک دیدار رسمی به دعوت نخست‌وزیر ایران وارد تهران شد.
۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۴	شاه تائید کرد که ایران به کردهای عراق علیه حکومت مرکزی بغداد کمک کرده است. وی گفت: «این اقدام ما پاسخی بود به اقداماتی که علیه ایران کرده بودند».
۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۴	سومین اجلاس مشترک وزیران دو کشور آغاز به کار کرد.
۲۲ خرداد ۱۳۵۴	عهدنامه مرزی و حسن همجواری بین ایران و عراق در بغداد به امضاء رسید.
۲۷ تیر ۱۳۵۴	احمد حسن‌البکر، رئیس‌جمهور عراق، مهمترین رویداد سیاست خارجی این کشور را امضای عهدنامه ۱۹۷۵ نامید.
۵ دی ۱۳۵۴	پنج موافقت‌نامه بین ایران و عراق در بغداد به امضاء رسید که مهمترین آنها موافقتنامه مربوط به مقررات کشتیرانی در اروندرود بود.
اردیبهشت ۱۳۵۵	اولین گروه از زائران ایرانی عازم عتبات عالیات در عراق شدند.
دی ۱۳۵۵	سعدون حمادی دیداری رسمی از ایران به‌عمل آورد.
اردیبهشت ۱۳۵۶	ایران و عراق یک موافقتنامه هواپیمائی در مورد حمل بار و مسافر به پایتختهای یکدیگر امضاء کردند.
تیر ۱۳۵۶	عزت ابراهیم‌الدوری، عضو شورای انقلاب و وزیرکشور عراق، از تهران دیدار کرد.

تیر ۱۳۵۶	اولین اجلاس کمیسیون مشترک وزیران خارجه ایران و عراق در تهران تشکیل گردید که منجربه امضای یک صورت‌جلسه در زمینه همکاری‌های اقتصادی بین دوکشور شد.
آبان ۱۳۵۶	موافقتنامه مربوط به اتصال خطوط راه‌آهن بین دوکشور به امضاء رسید.
آذر ۱۳۵۶	طه محی‌الدین معروف، معاون رئیس جمهور عراق، بازدیدی رسمی از تهران به‌عمل آورد.
اسفند ۱۳۵۶	وزیر امور خارجه ایران از بغداد دیدارکرد.
اسفند ۱۳۵۶	دومین اجلاس کمیسیون مشترک وزیران ایران و عراق در بغداد تشکیل گردید و طی آن صورت‌جلسه دیگری در زمینه همکاریهای اقتصادی بین دوکشور به امضا رسید.
بهمن ۱۳۵۷	پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (رضوان‌الله تعالی علیه).

ب) دوران جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

خرداد ۱۳۵۸	هواپیماهای عراقی به خاک ایران حمله کردند و ۶ نفر را به شهادت رساندند.
تیر ۱۳۵۸	صدام حسین پس از حسن‌البکر، رئیس جمهور عراق شد.
تیر ۱۳۵۸	نخست‌وزیر وقت ایران پیام تبریکی به مناسبت ریاست جمهوری صدام‌حسین برای وی مخابره کرد.
تیر ۱۳۵۸	هواپیماهای عراقی بار دیگر به خاک ایران حمله کردند.
شهریور ۱۳۵۸	وزیر امور خارجه وقت ایران در کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در هاوانا، با صدام حسین ملاقات کرد.
مهر ۱۳۵۸	مذاکراتی بین استاندار آذربایجان غربی و استاندار سلیمانیه عراق در مورد بررسی و تعیین میزان خسارات وارد شده به ایران در اثر حمله هواپیماهای عراقی انجام شد.
آبان ۱۳۵۸	حملات نیروهای عراقی به پاسگاههای ایران در پیشکانی، تلخاب، بازرگان و کانی شیخ.
دی ۱۳۵۸	یک موافقت‌نامه بین عراق و شوروی برای تحویل اسلحه روسی به عراق بین دو کشور به امضاء رسید.
بهمن ۱۳۵۸	صدام‌حسین منشورپان عرب را اعلام کرد که در آن گفته شده بود درصورت بروز جنگ بین یک کشور عرب با یک کشور غیرعرب منطقه، سایر کشورهای عربی باید به کشور عربی مذکور کمک کنند.
اسفند ۱۳۵۸	یک موافقت‌نامه مرزی بین عراق و ترکیه به امضاء رسید که به‌موجب آن نیروهای ترکیه وارد کردستان عراق می‌شدند و نیروهای عراقی می‌توانستند در مرزهای ایران مستقر شوند.
۱۴ فروردین ۱۳۵۹	صدام حسین طی سخنانی اظهار داشت : "آماده جنگ با ایران هستیم" وی اضافه کرد که عراق آماده است برای دفاع از حاکمیت و شرف خود وارد هر نوع جنگی بشود.
۲۷ فروردین ۱۳۵۹	صدام حسین طی سخنانی در موصل اظهار داشت که خطر جنگ با ایران روبه افزایش است.

فروردین ۱۳۵۹	دولت عراق ۵۰ هزارنفر از نیروهای نظامی خود را بسیج کرد.
سوم اردیبهشت ۱۳۵۹	صدام حسین درپاسخ به رئیس‌جمهور وقت ایران اظهار داشت: "وی در اشتباه است، اگر تصور می‌کند که ارتش ایران می‌تواند وارد عراق شود، هیچ ارتشی، حتی ارتش شوروی یا آمریکا، نمی‌تواند وارد خاک عراق شود."
خرداد ۱۳۵۹	دولتهای ایران و عراق سفرای خود را از پایتخت کشورهای یکدیگر احضار کردند.
تیر ۱۳۵۹	صدام حسین به ایران اخطار کرد وگفت : "رهبری ایران بر روی شکست ما حساب می‌کند و ما خواهیم دید که چه کسی پیروز خواهد شد."
مرداد ۱۳۵۹	تمرکز بی‌سابقه نیروهای نظامی عراق در مرزهای ایران، عراق فقط ۳۰۰ تانک در مقابل قصر شیرین و دو لشکر در مقابل ایلام مستقر نمود.
۲۶ شهریور ۱۳۵۹	دولت عراق به طور یکجانبه عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ ، ۳ پروتکل ضمیمه آن و ۴ موافقتنامه تکمیلی را لغوکرد.
۳۱ شهریور ۱۳۵۹	نیروهای نظامی عراق از زمین، هوا و دریا به خاک جمهوری اسلامی ایران حمله کردند.
۳۱ شهریور ۱۳۵۹	دبیرکل سازمان ملل متحد به ایران و عراق پیشنهاد کرد که مساعی جمیلهٔ وی را با هدف کمک به حل منازعه از طرق مسالمت‌آمیز بپذیرند.
۱ مهر ۱۳۵۹	دبیرکل براساس مادهٔ ۹۹ منشور توجه شورای امنیت را به منازعهٔ میان ایران و عراق جلب کرد. رئیس شورا پس از مشورت با اعضاء بیانیه‌ای صادر کرد که در آن ضمن حمایت از تلاشهای دبیرکل، از هردو طرف درخواست شده بود اختلاف خود را از راههای مسالمت‌آمیز حل کنند.
۶ مهر ۱۳۵۹	شورا قطعنامه ۴۷۹ را تصویب کرد و از طرفین درخواست کرد که اختلافات خود را از راههای مسالمت‌آمیز حل کنند. شورا از واژه "وضعیت بین ایران و عراق" استفاده می‌نماید و از کاربرد واژه درگیری، جنگ و یا نزاع امتناع می‌ورزد.

۱۸ مهر ۱۳۵۹	رئیس شورای امنیت بیانیه‌ای صادر کرد و طی آن از تلاش‌های دبیرکل در اعزام نمایندهٔ ویژه‌ای به منطقه پشتیبانی نمود.
۴ آبان ۱۳۵۹	پس از ۳۵ روز مقاومت بی‌نظیر، خرمشهر سقوط کرد.
۲۰ آبان ۱۳۵۹	دبیرکل، نخست‌وزیر پیشین سوئد، آقای اولاف پالمه را به‌عنوان نمایندهٔ ویژه خود منصوب کرد.
۲۹ آبان تا آذر ۱۳۵۹	آقای پالمه از تهران و بغداد دیدار کرد.
۴ آذر ۱۳۵۹	آقای پالمه به دبیرکل اطلاع داد که هردو طرف در اصول با آزادسازی ۶۳ کشتی خارجی که به سبب جنگ در شط العرب گرفتار شده‌اند موافقت کرده‌اند.
۲۹ بهمن تا ۱۲ اسفند ۱۳۵۹	آقای پالمه و هیأت همراه وی در تهران و بغداد به انجام مذاکرات پرداختند.
۲۶ خرداد ۱۳۶۰	ایران و عراق ۴۲ اسیر مجروح را در قبرس مبادله نمودند.
۳۰ و ۳۱ خرداد ۱۳۶۰	آقای پالمه و هیئت همراه وی در تهران با نخست‌وزیر شهید رجایی، رئیس مجلس شورای اسلامی آقای هاشمی‌رفسنجانی و رئیس دیوان عالی کشور شهید دکتر بهشتی ملاقات و مذاکره کردند.
۱ و ۲ تیر ۱۳۶۰	آقای پالمه در بغداد با صدام حسین رئیس جمهور، طارق عزیز معاون نخست‌وزیر و سعدون حمادی وزیر امور خارجه ملاقات کرد.
۵ تا ۷ تیر ۱۳۶۰	مذاکرات تهران و بغداد منجر به تهیهٔ طرح سازمان ملل متحد شد که به طرفین ارائه گردید.
۳ شهریور ۱۳۶۰	با نظارت کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ ۴۵ اسیر ایرانی و ۴۰ اسیر عراقی در قبرس مبادله شدند.
۱۲ مهر ۱۳۶۰	شورای امنیت قطعنامهٔ ۵۲۲ را صادر کرد و خواهان توقف منازعات گردید.
۶ آبان ۱۳۶۰	جمهوری اسلامی ایران از دبیرکل خواست تا هیأتی را برای بررسی تخریب مناطق مسکونی ایران اعزام نماید.

۲ اسفند ۱۳۶۰	رئیس شورای امنیت طی بیانیه‌ای درخواست‌های قبلی شورا مبنی بر آتش‌بس فوری، عقب‌نشینی نیروها و حل مسالمت‌آمیز منازعه را تکرار کرد.
۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۱	جمهوری اسلامی ایران بار دیگر درخواست کرد دبیرکل هیأتی را برای بررسی مناطق مسکونی تخریب شده اعزام نماید.
۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۱	دبیرکل تصمیم خود مبنی بر اعزام هیأتی برای بررسی مناطق مسکونی تخریب شده در ایران و عراق را اعلام داشت.
۳ خرداد ۱۳۶۱	خرمشهر آزاد شد و فشار بین‌المللی برای توقف جنگ بر روی ایران افزایش یافت.
۲۰ خرداد ۱۳۶۱	عراق از دبیرکل خواست تا کمیسیونی برای بررسی وضعیت اسرای جنگی در ایران و عراق تشکیل دهد. دبیرکل در این‌خصوص با کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ مشورت کرد.
۹ آبان ۱۳۶۱	شورای امنیت قطعنامهٔ ۵۴۰ را صادر کرد و خواستار توقف کلیه عملیات نظامی علیه هدفهای غیرنظامی شد، همچنین بر حق کشتیرانی آزاد تأکید نموده و خواستار پایان دادن حملات به خطوط دریایی و بنادر گردید.
۲۱ بهمن ۱۳۶۱	دبیرکل طی پیام‌های جداگانه‌ای به دو کشور با ابراز نگرانی از ادامهٔ جنگ و خسارات ناشی از آن، تصمیم خود را دایر بر اعزام هیأتی برای بازدید از مناطق مسکونی مورد حمله و مذاکره در مورد منازعه به ایران و عراق اعلام داشت.
۲۲ تا ۲۷ اسفند ۱۳۶۱	دبیرکل اعلام کرد که هیأتی را برای بررسی اتهام کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق اعزام می‌کند.
۶ فروردین ۱۳۶۲	هیأت اعزامی در منطقه شواهد کاربرد سلاحهای شیمیایی را بازدید و بررسی کرد.
۱۰ فروردین ۱۳۶۲	گزارش هیأت اعزامی همراه با اظهار تأسف دبیرکل از کاربرد سلاحهای شیمیایی به شورای امنیت تسلیم شد.
۱۱ خرداد ۱۳۶۲	شورای امنیت کاربرد سلاحهای شیمیایی را قویاً محکوم کرد.

۱۱ خرداد ۱۳۶۲	شورای امنیت قطعنامه ۵۵۲ را صادر نمود و از اینکه عراق آمادگی خود را در اجرای قطعنامه ۵۱۴ اعلام داشت استقبال کرده و از ایران نیز خواست که به قطعنامهٔ مزبور عمل نماید.
۱۹ خرداد ۱۳۶۲	دبیرکل طی پیامی به رؤسای جمهوری اسلامی ایران و عراق خواستار خاتمهٔ فوری حملات به مناطق مسکونی شد. ایران و عراق تقاضای دبیرکل مبنی بر خودداری از حمله به مناطق مسکونی را پذیرفتند. عراق این تعهد را مشروط بر عدم تمرکز نیروهای ایرانی در مراکز مسکونی کرد.
۲۲ خرداد ۱۳۶۲	تعهد دو دولت مبنی بر خودداری از حمله به مناطق مسکونی به اجرا درآمد.
۲۴ خرداد ۱۳۶۲	دبیرکل تصمیم خود را مبنی بر اعزام دو هیأت به ایران و عراق و استقرار آنها به منظور بررسی اتهام حمله به مناطق مسکونی، به شورای امنیت اطلاع داد.
۳۱ خرداد ۱۳۶۲	دبیرکل با ارسال دو یادداشت جداگانه از هردو طرف خواست از کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ برای اجرای کنوانسیون ژنو در مورد اسرای جنگی پشتیبانی نمایند.
۵ تیر ۱۳۶۲	دبیرکل با ارسال دو نامه، از ایران و عراق خواست تا از تمرکز نیروهای نظامی در مناطق مسکونی خودداری کنند و تعهد و پایبندی جدی خود را به عدم کاربرد سلاح شیمیایی ابراز دارند.
۲۶ شهریور ۱۳۶۲	گروه بازرسی مستقر در بغداد، در بررسی شکایت عراق مبنی بر حملهٔ ایران به مناطق مسکونی گزارش داد که هیچ حملهٔ تعمدی صورت نگرفته است.
۱۰ دی ۱۳۶۲	دبیرکل، براساس قطعنامهٔ ۵۵۲، گزارشی در مورد حمله به کشتی‌های تجاری در خلیج فارس به شورای امنیت تسلیم کرد.
۲۱ تا ۲۷ دی ۱۳۶۲	هیأت سازمان ملل متحد از اردوگاههای اسرای جنگی در عراق بازدید کرد.

۲۸ دی تا ۵ بهمن ۱۳۶۲	هیأت سازمان ملل متحد ار اردوگاههای اسرای جنگی در ایران بازدید کرد.
۳ اسفند ۱۳۶۲	گزارش هیأت سازمان ملل متحد در خصوص بازدید از اردوگاههای اسرای جنگی حاکی از آنکه در هیچ یک از دو کشور اسرای جنگی مورد آنچنان بدرفتاری که اتهام آن مطرح می‌گردد نشده‌اند، منتشر شد.
۲۴ اسفند ۱۳۶۲	شورای امنیت در بیانیه‌ای خواستار اجرای توافق عدم حمله به‌مناطق مسکونی شد.
۲۷ اسفند تا فروردین ۱۳۶۳	دبیرکل در نیویورک با معاون وزارت امورخارجهٔ جمهوری اسلامی ایران و وزیرخارجهٔ عراق ملاقات و طرح هشت ماده‌ای خود را به آنان عرضه کرد.
۱۸ و ۱۹ فروردین	دبیرکل از تهران و بغداد دیدار کرد.
۵ اردیبهشت ۱۳۶۳	شورای امنیت در یک بیانیهٔ رسمی کاربرد سلاح شیمیایی را قویاً محکوم ساخت.
۵ اسفند ۱۳۶۳	شورای امنیت قطعنامهٔ ۵۸۲ را صادر کرد. این قطعنامه پس از تصرف فاو توسط ج.ا.ایران، صادر شد.
۲۱ اسفند ۱۳۶۳	گزارش گروه کارشناسی سازمان ملل متحد که مؤید کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق علیه نیروهای ایران بود منتشر شد.
۲۱ اسفند ۱۳۶۳	رئیس شورای امنیت در بیانیه‌ای کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق علیه نیروهای ایرانی و همچنین ادامهٔ جنگ را قویاً محکوم نمود.
۲۳ مرداد ۱۳۶۴	شورای امنیت نگرانی خود را از توسعهٔ احتمالی درگیری و افزایش حمله به کشتی‌های تجاری و مناطق غیرنظامی ابراز داشت.
۷ شهریور ۱۳۶۴	شورای امنیت قطعنامهٔ ۵۸۸ را صادر کرد که در آن کاربرد سلاح شیمیایی و وضعیت بین ایران و عراق بدون استفاده از واژهٔ جنگ محکوم گردید.

۱ دی ۱۳۶۴	دبیرکل، ۱۰۱ مورد سانحه برای کشتی‌ها در خلیج فارس را به شورای امنیت گزارش داد.
۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۵	گزارش گروه کارشناسان سازمان ملل متحد دایر بر استفادهٔ مکرر از سلاحهای شمیایی توسط عراق منتشر شد.
۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۵	بیانیهٔ شورای امنیت که استفادهٔ مکرر از سلاحهای شیمیایی و طولانی‌شدن جنگ را محکوم می‌ساخت، منتشر گردید. شورای امنیت قطعنامهٔ ۵۹۸ را صادر نمود.
۲۳ مرداد ۱۳۶۵	عراق رسماً قطعنامهٔ ۵۹۸ را پذیرفت.
۲۰ شهریور ۱۳۶۵	دبیرکل با رئیس جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت‌اللّه خامنه‌ای در نیویورک ملاقات کرد.
۲۳ مهر ۱۳۶۵	دبیرکل طرح اجرایی خود را به وزرای خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران و عراق تسلیم کرد.
۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۶۵	دبیرکل در نیویورک با هیأت ایرانی به سرپرستی معاون امور بین‌الملل وزارت امورخارجه ملاقات کرد.
۱۷ و ۱۸ آذر ۱۳۶۵	دبیرکل در نیویورک با هیأت عراقی به ریاست وزیر امور خارجهٔ آن کشور ملاقات کرد.
۲۰ آذر ۱۳۶۵	پس از مشورت‌های لازم با شورای امنیت، رئیس شورا طی بیانیه‌ای قطعنامهٔ ۵۹۸ را تنها مبنای دسترسی به حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار منازعه خواند.
۲۴ اسفند ۱۳۶۵	دبیرکل چندین‌بار با نمایندگان دائم ایران و عراق در خصوص نحوهٔ اجرای قطعنامهٔ ۵۹۸ ملاقات و مذاکره نمود.
۲۵ اسفند ۱۳۶۵	شورای امنیت در بحث راجع به جنگ عراق با ایران از تلاشهای دبیرکل پشتیبانی کرد.
۲۷ اسفند ۱۳۶۵	دبیرکل با ارسال نامه‌هایی از رؤسای جمهوری اسلامی ایران و عراق خواست تا نمایندگان ویژه‌ای برای گفتگو در مورد اجرای قطعنامهٔ ۵۹۸ اعزام دارند.
۱ فروردین ۱۳۶۶	جمهوری اسلامی ایران درخواست اعزام هیأتی را برای بررسی کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط عراق نمود.

۷ مهر ۱۳۶۶	هیأت سازمان ملل متحد برای بررسی کاربرد سلاحهای شیمیایی رهسپار تهران شد. این هیأت از ۲۸ تا ۳۱ مارس در ایران و از ۸ تا ۱۱ آوریل در عراق کار خود را انجام داد.
۸ مهر ۱۳۶۶	عراق از دبیرکل درخواست کرد هیأتی را برای بررسی وضعیت ۷۰۰۰ تن از اسرای جنگی عراق در ایران، اعزام دارد.
۸ مهر ۱۳۶۶	دبیرکل در بیانیه‌ای کاربرد سلاحهای شیمیایی را محکوم نمود.
۱۵ مهر ۱۳۶۶	عراق از دبیرکل درخواست کرد هیأتی را برای مشاهدهٔ قربانیان کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط ایران به بغداد اعزام دارد.
۲۵ مهر ۱۳۶۶	دبیرکل گزارش هیأت اعزامی برای بررسی کاربرد سلاحهای شیمیایی را به شورا تسلیم نمود.
۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۶	شورای امنیت قطعنامهٔ ۶۱۶ را صادر کرد و استفادهٔ مکرر از سلاحهای شیمیایی در منازعه بین ایران و عراق را محکوم کرد پیش از آن شورای امنیت طی بیانیه‌ای با استناد به گزارش کارشناسان اعزامی، استفاده عراق از سلاح شیمیایی علیه نیروهای ایرانی را محکوم نمود.
۲۶ خرداد ۱۳۶۶	ایران درخواست اعزام هیأت بررسی کاربرد سلاحهای شیمیایی را تکرار کرد.
۱۰ تا ۱۳ تیر ۱۳۶۶	کارشناسان سازمان ملل متحد در ایران به بررسی کاربرد سلاحهای، شیمیایی توسط عراق پرداختند.
۱۱ تیر ۱۳۶۶	وزیر خارجهٔ عراق نامه‌ای برای دبیرکل در خصوص وضعیت اسرای جنگی ارسال داشت.
۱۳ تیر ۱۳۶۶	عراق از سازمان ملل متحد و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ درخواست کرد وضعیت اسرای جنگی عراقی در ایران را مورد بررسی قرار دهند.
۱۴ تیر ۱۳۶۶	متعاقب حمله ناو جنگی آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس در ۳ ژوئیه، ایران درخواست تشکیل جلسهٔ فوری شورای امنیت برای رسیدگی به موضوع را نمود.

۱۴ تیر ۱۳۶۶	عراق از دبیرکل درخواست نمود هیأتی را برای بررسی کاربرد سلاحهای شیمیایی توسط ایران به بغداد اعزام نماید.
۱۸ تیر ۱۳۶۶	هیأت کارشناسان سازمان ملل متحد برای بررسی کاربرد سلاحهای شیمیایی از ژنو عازم بغداد شدند و روزهای ۱۰ و ۱۱ ژوئیه را در بغداد به بررسی موضوع پرداختند.
۲۰ تیر ۱۳۶۶	ایران اعلام داشت که آمادهٔ پذیرش هیأت بررسی وضعیت اسرای جنگی است.
۲۳ تیر ۱۳۶۶	شورای امنیت برای بررسی موضوع ساقط ساختن هواپیمای مسافربری غیرنظامی ایران تشکیل جلسه داد.
۲۶ تیر ۱۳۶۶	جمهوری اسلامی ایران پذیرش رسمی قطعنامهٔ ۵۹۸ را به دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام داشت.
۳ مرداد ۱۳۶۶	گروهک منافقین با پشتیبانی عراق عملیات نظامی را علیه ج.ا.ایران سازماندهی نموده و در منطقه تنگه مرصاد (اسلام آباد غرب) بشدت سرکوب شدند.
۳ شهریور ۱۳۶۷	اولین جلسهٔ ملاقات بین وزرای خارجه ایران، عراق و دبیرکل سازمان ملل در ژنو برگزار شد.
۸ اسفند ۱۳۶۸	شورای امنیت طی بیانیه‌ای از دو طرف میخواهد با درنظر گرفتن اینکه پس از گذشت ۱۸ ماه از آتش‌بس بین ایران و عراق، قطعنامه ۵۹۸ هنوز کاملاً اجرا نشده است، با دبیرکل در تلاشهای آینده همکاری کنند.
۵ اردیبهشت ۱۳۶۹	صدام حسین از طریق یاسرعرفات نامهٔ محرمانه‌ای با عنوان مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران ارسال کرد و با پذیرش ابتکار جدید عراق از سوی ایران، جریان تماسها و مذاکرات دوکشور جهت اجرای قطعنامهٔ ۵۹۸ و حل مشکلات موجود وارد مرحلهٔ تازه‌ای شد. صدام حسین درخواست نمود که مذاکرات سران در مکه و یا هر مکان مورد توافق انجام شود.

۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۹	آقای هاشمی رفسنجانی پاسخ نامه صدام حسین را ارسال و ضمن انتقاد از عراق در به‌راه انداختن جنگ تحمیلی، بر ضرورت مذاکرات نمایندگان دو طرف بمنظور فراهم آوردن زمینه و مقدمات برای تصمیم‌گیری نهایی تأکید کرد و موکداً خواستار وارد نگشتن خللی بر اعتبار قطعنامه ۵۹۸ گردید.
۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۹	صدام حسین پاسخ نامه را از طریق سفیر عراق در ژنو (برزان التکریتی) ارسال نمود و ضمن تأکید بر قطعنامه ۵۹۸، از بکاربردن لحن خشن و عبارتهای دوپهلو در نامه آقای رفسنجانی و استفاده از عباراتی همچون "جنگ تحمیلی" و "کند ذهنی" انتقاد و خواستار نامه‌نگاری به شیوه‌ای بدور از زمان جنگ گردید. صدام نیز در نامهٔ خود برخی عبارات تند را بکار برده بود.
۲۸ خرداد ۱۳۶۹	رئیس جمهور ایران پاسخ نامه دوم صدام حسین را ارسال کرد و ضمن تأکید بر عدم شرکت حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، مقام ولایت امر انقلاب اسلامی در مذاکرات، و تفویض اختیارات کامل به آقای رفسنجانی، با پیشنهاد طرف عراقی مبنی بر اینکه نمایندگان دوطرف در مذاکرات مقدماتی محل دیدار سران را مشخص کنند، موافقت شد.
۲۵ تیر ۱۳۶۹	صدام حسین طی نامه کوتاهی، پیشنهاد کرد که جهت تسریع در راه صلح نماینده‌ای را به تهران اعزام نماید. جمهوری اسلامی ایران بدلیل پیش‌شرطهای تعیین شده در نامه اول صدام حسین، پاسخ این نامه را نداد.
۸ مرداد ۱۳۶۹	نامهٔ چهارم صدام حسین در ژنو دریافت گردید. در نامهٔ هفده صفحه‌ای وی عبارات تند و تهدیدآمیزی بکار رفته و نسبت به شروع مجدد جنگ بین دو کشور هشدار داده شده بود. وی با شیوهٔ تهدید و تحبیب طرح صلحی را در ۱۳ بند ارائه داد. عراق با هدف بی‌اعتبار ساختن قطعنامه ۵۹۸ و قرارداد ۱۹۷۵ خواستار حذف بند ۶ قطعنامه، تسریع در عقب‌نشینی و مبادله

اسرا و گشایش سفارتخانه‌های دو کشور گردید [در زمان جنگ سفارتخانه‌ها دایر بود و از آذرماه ۱۳۶۶ تعطیل شد].

۱۲ مرداد ۱۳۶۹ ارتش عراق کشور کویت را بطور کامل اشغال نظامی کرد.

۱۳ مرداد ۱۳۶۹ جمهوری اسلامی ایران در فاصله کمتر از ۲۴ ساعت و زودتر از هر کشور دیگر منطقه این اقدام عراق را محکوم و خواستار عقب‌نشینی عراق از خاک کویت شد.

۱۳ مرداد ۱۳۶۹ پنجمین نامه رئیس جمهور عراق با عنوان ریاست جمهوری اسلامی ایران ارسال شد. وی ضمن انتقاد از موضع جمهوری اسلامی ایران، نسبت به هرگونه دخالت یا اقدام ایران در مسئله کویت هشدار داد و خواستار تداوم مذاکرات دوجانبه و حل مشکلات گردید.

۱۷ مرداد ۱۳۶۹ سومین نامه آقای هاشمی رفسنجانی و در پاسخ به نامه‌های قبلی صدام داده شد و جمهوری اسلامی ایران تأکید نمود که ملاقات و مذاکره دو کشور در سطحی بالاتر از آنچه که فعلاً در ژنو جریان دارد، و مادامیکه نتایج روشن آن حاصل نگردد، قابل قبول نمی‌باشد. همچنین تأکید گردید که عهدنامه ۱۹۷۵ برای مذاکرات صلح ضروریست و تهاجم غیرقابل تصور عراق به کویت اعتماد ایران را در روند صلح سلب می‌نماید و تداوم اشغال بخشهایی از سرزمین ایران مؤید آنست.

در این نامه از لحن آخرین نامهٔ صدام حسین انتقاد شد و آمده است: "...لحن و زبان به کار گرفته شده که در گذشته عدم‌کارآیی آن در رابطه با ملت مسلمان و انقلابی ما آزموده شده است. ... ما در عمل همهٔ این مراحل را آزموده‌ایم و ثابت کرده‌ایم که بیش از هر چیز روی ایمان و مقاومت و حمایت مردم حساب می‌کنیم و قهر و لطف دیگران را دارای آنچنان ارزشی نمیدانیم که برنامهٔ زندگی و موضعگیریها و تصمیمات مهم را برآن اساس قرار دهیم."

	در این نامه، عراق تهدید شده است که چنانچه عهدنامه ۱۹۷۵ را نپذیرد جریان تبادل نامه و مذاکرات متوقف شده و کار اجرای قطعنامه به سازمان ملل سپرده خواهد شد.
۲۳ مرداد ۱۳۶۹	آخرین نامه صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران ارسال شد. رئیس جمهور عراق پیشنهاد مبنا قرار دادن عهدنامه ۱۹۷۵ را همزمان با مرتبط دانستن آن با بند ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸ پذیرفت و اعلام داشت که به نشانه حسن نیت عقب‌نشینی از مناطق اشغالی ایران را از ۲۶ مرداد ۷۸ آغاز خواهند کرد و همچنین در همین تاریخ مبادله فوری و همه جانبهٔ اسرای جنگ را از طریق مرز خسروی آغاز خواهند نمود. آغاز عملیات عقب‌نشینی و مبادله در تاریخ مذکور انجام گردید.
۲۶ مرداد ۱۳۶۹	وزیر امور خارجه ایران نتایج مکاتبات بین رؤسای جمهور دو کشور را باطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد آقای خاویر پرزدوکوئیار رساند.
۲۷ مرداد ۱۳۶۹	رئیس جمهور اسلامی ایران به نامه صدام حسین پاسخ داد. آقای رفسنجانی از اعلام پذیرش مجدد عهدنامه ۱۹۷۵ توسط صدام حسین استقبال و آنرا هموار کننده راه اجرای قطعنامه ۵۹۸ دانست و آمادگی خود را جهت پذیرش نمایندگان رئیس جمهور عراق در تهران اعلام نمود.
۳۰ مرداد ۱۳۶۹	عملیات عقب‌نشینی عراق طی ۵ روز و با نظارت گروه ناظر نظامی سازمان ملل متحد (یونیماگ) خاتمه یافت.
۱۸ شهریور ۱۳۶۹	طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه عراق در رأس هیئتی به تهران سفر کرد و با آقای رفسنجانی ملاقات نمود. وزیر نفت عراق نیز که همراه هیئت بود با همتای خود دیدار کرد.
۲۷ شهریور ۱۳۶۹	معاون وقت امور بین‌الملل وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به بغداد سفر نمود و با طارق عزیز دیدار کرد. قسمت اعظم مسائل مطروحه به "اسرا" اختصاص داشت.

۱۸ مهر ۱۳۶۹	معاون امور بین‌الملل وزارت خارجه عراق به تهران سفر و با آقای دکتر ولایتی دیدار کرد. در مهرماه ۶۹ روابط دیپلماتیک دو کشور از سرگرفته شد و سفارتخانه‌ها در سطح کاردار تجدید فعالیت نمودند.
۲۳ آبان ۱۳۶۹	وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به بغداد سفر و با صدام حسین دیدار کرد. جلساتی نیز در مورد اسرا و مسائل مرزی برگزار شد.
۱۲ دی ۱۳۶۹	مدیر کل اموربین‌الملل وزارت خارجه عراق در رأس هیئتی با هدف بحث درمورد اسرا، امور مرزی و زیارت عتبات عالیات وارد تهران شد.
۱۶ دی ۱۳۶۹	یک هیئت نظامی هفت نفره عراقی در تهران، متن توافقات مرزی شامل تکمیل عقب‌نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی و تبادل اطلاعات میادین مین و ایجاد منطقه جداسازی نیروها را در حضور نماینده یونیماگ امضا کرد.
۱۸ دی ۱۳۶۹	عزت ابراهیم الدوری نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب عراق در رأس هیئتی مرکب از سعدون حمادی معاون وقت نخست‌وزیر و عضو شورای فرماندهی انقلاب، محمد حمزه زبیدی وزیر راه و عضو شورای فرماندهی انقلاب، محمد سعیدالصحاف وزیر وقت مشاور در امور خارجه و مقامات نفتی و بازرگانی به ایران سفر کرد. عزت ابراهیم دو نوبت با رئیس جمهور اسلامی ایران دیدار کرد.
۹ مرداد ۱۳۷۰	در پی بازدید تیم کارشناسی سازمان ملل، دبیرکل گزارش خود را در مورد تعیین خسارت به ایران در اختیار شورای امنیت قرار داد و آنرا ۹۷ میلیارد دلار تخمین زد.
۲۳ مرداد ۱۳۷۰	آقای خاویر پرزدوکوئیار دبیرکل وقت سازمان ملل پس از بررسی‌های فراوان، گزارش خود را در مورد بند ششم قطعنامه ۵۹۸ در مورد آغاز جنگ ارائه و صراحتاً بر شروع تجاوز و عملیات نظامی از سوی عراق تأکید و آنرا تسلیم شورای امنیت نمود.

ج) جنگ کویت:

اردیبهشت ـ تیر ۱۳۶۹ در اظهارات صدام حسین رئیس جمهور عراق و سایر مقامات عراقی ادعاهای سیاسی ـ ارضی و مالی علیه کویت اقامه شد.

۱۲ ـ ۱۷ تیر ۱۳۶۹ شورای امنیت اختلاف عراق و کویت را مورد بررسی قرار داد.

۱۰ مرداد ۱۳۶۹ مذاکرات عراق و کویت در عربستان ناکام ماند.

۱۲ مرداد ۱۳۶۹ عراق به کویت تجاوز کرد. شورای امنیت از عراق خواست که نیروهایش را فوراً و بدون قید و شرط از کویت خارج نماید.

۱۶ مرداد ۱۳۶۹ شورای امنیت تحریم‌های اجباری علیه عراق و کویت اشغال شده را تصویب کرد.

۱۷ مرداد ۱۳۶۹ ایالات متحده امریکا و متحدین شروع به اعزام نیروهای نظامی خود به خلیج فارس نمودند.

۲۲ مرداد ۱۳۶۹ کویت برای آزادی تقاضای کمک نظامی کرد.

۴ شهریور ۱۳۶۹ شورای امنیت با ورود نیروها به خلیج فارس برای اعمال تحریم‌ها علیه عراق موافقت کرد.

۸ آذر ۱۳۶۹ شورای امنیت استفاده از تمامی شیوه‌های لازم برای آزادی کویت را مجاز اعلام نمود. مگر اینکه عراق تا قبل از ۲۶ دی ۱۳۶۹ نیروهای خود را از کویت بیرون ببرد.

۲۰ دی ۱۳۶۹ جیمز بیکر وزیر خارجه وقت امریکا و طارق عزیز معاون اول وزیر خارجه عراق در ژنو باهم ملاقات کردند. با توجه به اظهارات طارق عزیز، جیمز بیکر عراق را تهدید کرد که آنچنان بمباران خواهد شد که به عصر ماقبل صنعتی تبدیل شود و در صورت استفادهٔ عراق از سلاحهای شیمیایی، بمب هسته‌ای بکار گرفته خواهد شد.

۲۴ ـ ۲۵ دی ۱۳۶۹ خاویر پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد با صدام حسین و طارق عزیز ملاقات کرد و بر خروج فوری نیروهای عراقی از کویت تأکید نمود.

۲۷ دی ۱۳۶۹ عراق از بیرون رفتن از کویت سرباز زد، نیروهای متحد، جنگ هوایی را با بمباران عراق شروع کردند.

۱۳ تیر ۱۳۶۶	عراق ۵۰۰ چاه نفتی کویت را آتش زد.
۵ اسفند ۱۳۶۹	نیروهای متحدین جنگ زمینی را با حرکت بسوی عراق و کویت آغاز کردند.
۸ اسفند ۱۳۶۹	کویت آزاد شد و متحدین پایان جنگ زمینی را اعلام کردند. عراق تصریح کرد قطعنامه‌های شورای امنیت را بطور مشروط رعایت خواهد کرد. عراق بعداً به سازمان ملل اعلام کرد که همهٔ نیروهایش را از کویت بیرون برده است.
۹ اسفند ۱۳۶۹	عراق تصریح کرد که آن کشور همهٔ قطعنامه‌های شورای امنیت را اجرا خواهد کرد.
۱۱ اسفند ۱۳۶۹	شورای امنیت طی یادداشتی همهٔ عملیات نیروهای مهاجم را به حالت تعلیق درآورد.
۱۲ اسفند ۱۳۶۹	با قطعنامه ۶۸۷ حالت آتش‌بس توسط شورای‌امنیت اعلام شد. دراین قطعنامه انهدام تسلیحات کشتار جمعی عراق، موشکهای بالستیک دوربرد تحت نظارت آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نیز استقرار یک سیستم نظارت و بازرسی بر سلاحها و موشکهای عراقی اعلام گردید.
۱۵ فروردین ۱۳۷۰	کویت قطعنامه ۶۸۷ را پذیرفت.
۱۶ فروردین ۱۳۷۰	شورای امنیت از عراق درخواست کرد تا از آزار شهروندان عراقی اجتناب کند.
۱۷ فروردین ۱۳۷۰	عراق به شورای امنیت سازمان ملل اطلاع داد که مفاد قطعنامه ۶۸۷ را پذیرفته است.
۲۹ فروردین ۱۳۷۰	شورای امنیت طرحی برای استقرار هیئت نظارت آنسکام تهیه کرد که در ۳۰ فروردین تصویب گردید.
۲۹ فروردین ۱۳۷۰	عراق در اولین اعلامیهٔ خود نگهداری سلاحهای کشتارجمعی و موشکهای بالستیک، همچنین داشتن سلاحهای اتمی، برنامه تسلیحات اتمی و بیولوژیکی یا هر سلاح ویژه را انکار کرد. آن کشور فقط به وجود سلاح‌های شیمیایی اعتراف نمود.

۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۰	عراق در تکمیل اعلامیهٔ خود راجع به سلاح‌های اتمی به داشتن مواد اتمی و تجهیزات اتمی تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصریح کرد.
۲۵-۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۰	تجهیزات اتمی عراق در اولین بازرسی ثبت گردید.
۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۰	عراق در ادامهٔ اعلامیهٔ خود راجع به سلاحهای شیمیایی و موشک‌های بالستیک، تعداد اقلام اعلام شده را افزایش داد و تأئید کرد که مقدار کمی از لوازم و تجهیزات بیولوژیکی دومنظوره دراختیار دارد.
۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۰	آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی طرحهای خود را برای بازرسی فوری انبارها، انهدام و جابجایی سلاحهای کشتارجمعی و تجهیزات مربوط به تولید، نگهداری و تست آنها ارائه کردند.
۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۰	عراق رسماً اجرای دستورات مربوط به قرارداد آنسکام و آژانس بین‌المللی را پذیرفت. آن کشور قبلاً در تاریخ ۲۴ اردیبهشت مفاد آن را شفاهاً پذیرفته بود.
خرداد ۱۳۷۰	متحدین یک منطقهٔ پرواز ممنوع در بالای مدار ۳۶ درجه در شمال عراق تعیین کردند.
۱۲ خرداد ۱۳۷۰	شورای امنیت محورهای تحریم علیه عراق را اعلام کرد.
۱۹ - ۲۵ خرداد ۱۳۷۰	اولین بازرسی از تسلیحات شیمیایی عراق و تجهیزات تولید آنها انجام شد.
۲۲ خرداد ۱۳۷۰	شورای امنیت طرح معدوم کردن برنامه‌های تسلیحاتی ممنوعهٔ عراق را تصویب کرد و بودجه لازم برای انجام چنین اقداماتی را برعهدهٔ عراق گذاشت.
۲ - ۷ تیر ۱۳۷۰	عراق برای گروه بازرسین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جهت دسترسی به اقلام ممنوعه اشکال تراشی کرد، سربازان عراقی بر روی بازرسین آتش گشودند.
۷ تیر ۱۳۷۰	شورای امنیت حادثهٔ تیراندازی را محکوم کرد و به‌منظور اخذ تضمین از عراق در مورد همکاری با آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مأمورین عالیرتبه‌ای به بغداد فرستاد.

۹ ـ ۱۶ تیر ۱۳۷۰	اولین بازرسی آنسکام از موشکهای بالستیک عراق انجام شد و انهدام آنها آغاز گردید.
۱۶ ـ ۲۷ تیر ۱۳۷۰	آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انبار بزرگی از اورانیوم طبیعی و ۱۵ کیلو اورانیوم غنی شده را کشف کرد و مقامات عراقی را برای افشای انواع برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم تحت فشار قرار داد.
۲۶ تیر ۱۳۷۰	عراق تأکید کرد که برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم برای اهداف صلح‌آمیز می‌باشد.
۲۴ تیر ۱۳۷۰	شورای امنیت پیشنهاد فروش نفت درمقابل غذا را تصویب کرد تا عراق بتواند از محل فروش مقداری نفت غذا و دارو وارد کند و ضمناً مخارج عملیات سازمان ملل در عراق را تأمین نماید که ۴ درصد از درآمد نفتی عراق به عملیات سازمان ملل اختصاص یافت.
۲۷ ـ ۲۹ تیر ۱۳۷۰	در دومین بازرسی آنسکام موشکهای بالستیک و تجهیزات مربوطه کشف و منهدم شدند.
۵ ـ ۱۹ مرداد ۱۳۷۰	آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام می‌کند که عراق یک برنامه تسلیحاتی اتمی داشته است.
۱۱ ـ ۱۷ مرداد ۱۳۷۰	داوید کلی اولین بازرسی بیولوژیکی را به آنسکام اعلام می‌کند، تیم مزبور انبارهای زیرزمینی سلاحهای بیولوژیکی را جابجا می‌کند.
۲۰ مرداد ۱۳۷۰	امریکا از جانب آنسکام پروازهای در ارتفاع بالا بر روی عراق با هواپیماهای جاسوسی ـ شناسایی U2 انجام می‌دهد.
۲۴ مرداد ۱۳۷۰	شورای امنیت در قطعنامه ۷۰۷ از عراق درخواست می‌کند که هرگونه فعالیت هسته‌ای را متوقف کند و از جابجایی هرگونه مواد هسته‌ای بدون اجازه آنسکام پرهیز نماید و کلیهٔ برنامه‌های تسلیحاتی را آشکار کند و به تیم‌های بازرسی آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌فوریت و بدون قید و شرط اجازهٔ دسترسی به کلیهٔ سایت‌های مورد نظر را بدهد.

۲۵ مرداد ۱۳۷۰	عراق مخالفت‌های خود را با قطعنامه ۷۰۷ اعلام کرد.
۱۵ - ۲۲ شهریور ۱۳۷۰	عراق با چهارمین بازرسی آنسکام که در آن حق بازرسی سایت‌های سلاحهای عراقی را با هلیکوپترهای سازمان ملل برای خود محفوظ می‌دارد مخالفت می‌کند.
۲۳ - ۲۹ شهریور ۱۳۷۰	آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۲/۲ تن آب سنگین را در عراق کشف می‌کند.
۳۰ شهریور - ۸ مهر ۱۳۷۰	دیوید کلی سرپرست گروه و باب گالوسی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اطلاع دادند که آنها به مدت چهار روز در محل انبار تسلیحات سلاحهای هسته‌ای زندانی بوده‌اند.
۲ مهر ۱۳۷۰	شورای امنیت، عراق را در ارتباط با واقعهٔ انبار تسلیحات محکوم می‌کند.
۱۲ - ۱۴ مهر ۱۳۷۰	رولف اکیوس رئیس آنسکام از بغداد دیدن می‌کند. عراق به استفادهٔ آنسکام از هلیکوپتر جهت بازرسی اعتراض دارد. آلمانی‌ها از طرف آنسکام در عراق با هلیکوپتر پرواز می‌کنند.
۹ - ۱۷ مهر ۱۳۷۰	آنسکام در پنجمین بازرسی بالستیکی خود پرتاب‌کننده‌های موشک عراق را در حرمان جبل منهدم می‌کند و انهدام اجزاء چهار موشک ویژهٔ دیگر را شروع می‌کند.
۱۹ مهر ۱۳۷۰	شورای امنیت طرحهای آنسکام و آژانس انرژی اتمی را برای مراقبت از عراق در عدم شروع و ازسرگیری تولید سلاحهای کشتارجمعی و موشکهای دوربرد تصویب می‌کند.
۱۹ - ۳۰ مهر ۱۳۷۰	آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر انهدام اورانیوم غنی شده و وسایل تولید آنها نظارت می‌کند.
۲۳ مهر ۱۳۷۰	سرانجام عراق تأیید می‌کند که تحقیقاتی جهت چگونگی تولید بمب هسته‌ای داشته است.
۲۷ آبان - ۱۰ آذر ۱۳۷۰	اولین بازرسی مشترک شیمیایی و بیولوژیکی آنسکام نشان می‌دهد که قطعات مربوط به ساخت ۱۰۰ بمب شیمیایی در کارخانه شکر موصل نگهداری می‌شده است.

۲۸ آبان ۱۳۷۰	عراق به برنامه‌های نظارت و بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آنسکام اعتراض می‌کند.
۶ آذر ۱۳۷۰	عراق و سازمان ملل دومین پروتکل تفاهم فراهم‌سازی کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم عراق را امضاء می‌کنند.
۲۰ آذر ۱۳۷۰	عراق در مورد برنامه‌های هسته‌ای آیندهٔ خود به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اطلاعات بیشتری می‌دهد.
۱۱ بهمن ۱۳۷۰	شورای امنیت در سطح سران و وزرا برای اولین‌بار از عراق درخواست می‌کند که از همهٔ قطعنامه‌ها تبعیت نماید و اظهار می‌دارد که سلاحهای کشتارجمعی عراق یک تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی است.
۲۵ بهمن ۱۳۷۰	رولف اکیوس برنامه‌های آنسکام برای انهدام تجهیزات تولید موشک و وسایل مربوط به تعمیرات آن‌ها را به اطلاع عراق می‌رساند.
۳۰ بهمن ۱۳۷۰	شورای امنیت امتناع عراق در مورد اجرای قطعنامه‌های ۷۰۷ و ۷۱۵ مبنی بر عدم نظارت و بازرسی برنامه‌های گذشتهٔ شیمیایی، هسته‌ای، بیولوژیکی و موشکی را تأیید می‌کند.
۱ ـ ۳ اسفند ۱۳۷۰	رولف اکیوس به‌منظور تأمین اجرای بدون قید و شرط مفاد قطعنامه‌های ۶۸۷ و ۷۰۷ و ۷۱۵ توسط عراق از بغداد دیدن می‌کند.
۲ – ۵ اسفند ۱۳۷۰	اولین تیم انهدام شیمیایی، ۴۶۳ راکت ۱۲۲ میلی‌متری که شامل حدود ۲/۵ تن سارین بود را در خمیسه از بین برد.
۲ ـ ۹ اسفند ۱۳۷۰	کریستوفر هولند با هشتمین تیم بازرسی موشک‌های بالستیک آنسکام برای نظارت بر انهدام تولید موشک و وسایل و تجهیزات وارد عراق شد، ولی عراق از انهدام موشک‌های مخصوص و اجزاء آن جلوگیری کرد، تیم اخراج شد و شورای امنیت مطلع گردید.
۵ اسفند ۱۳۷۰	عراق ادعا می‌کند که با مفاد قطعنامهٔ ۶۸۷ بطور کامل موافق است. عراق بیان میدارد که اصل برنامهٔ بازرسی و اجرای مفاد

	قطعنامه را رد نمی‌کند اما نسبت به امتیازات ویژه، مصونیتهای سیاسی و امکاناتی که در اختیار آنسکام و IAEA قرار داده شده است و تجاوزهایی که به حق حاکمیت، امنیت ملی و تمامیت ارضی عراق می‌شود معترض است.
۸ اسفند ۱۳۷۰	رولف اکیوس، پس از سفرش به بغداد، گزارش می‌دهد که عراق جهت انجام کامل وظایف مشخص شده برای آن کشور از ارائه تضمین‌های لازم امتناع ورزیده است.
۲۰-۲۱ اسفند ۱۳۷۰	شورای امنیت دربارهٔ پذیرش قطعنامه‌های مربوطه از طرف عراق به بحث و گفتگو می‌پردازد. شورا دو بیانیهٔ رئیس جمهوری عراق را مطرح می‌سازد که نشانگر عدم‌پذیرش کامل قطعنامه‌ها از طرف دولت عراق می‌باشد.
۲۸ اسفند ۱۳۷۰	عراق پس از رؤیت عکسهایی که بعنوان مدرک دراختیار آنسکام می‌باشد، اعلام میدارد که تعداد هشتادونه موشک بالستیک دیگر در این کشور وجود دارد. عراق اظهارات دیگری نیز مبنی بر وجود سلاح و مواد شیمیایی بیان می‌دارد. عراق همچنین تصدیق می‌نماید که در تابستان سال ۱۳۷۰ بیشتر آنها را بطور یکجانبه منهدم نموده است.
۱-۹ فروردین ۱۳۷۱	انهدام تجهیزات و قطعات موشکهای بالستیک، که عراق در ماه فوریه از انهدام آنها خودداری نموده بود، تحت نظارت نهمین تیم بازرسی موشکهای بالستیک آنسکام، انجام می‌پذیرد. تیم مزبور تحقیقات در مورد ادعای عراق مبنی بر انهدام یکجانبهٔ ۸۹ موشک بالستیک دیگر و قطعات مربوطه در سال ۱۳۷۰ را آغاز می‌نماید.
۵ فروردین ۱۳۷۱	IAEA فهرستی از ساختمانها و تجهیزات موجود در پایگاه ها را که بایستی منهدم شوند به عراق ارائه می‌دهد.
۱۸ - ۲۶ فروردین ۱۳۷۱	انهدام امکانات و تجهیزات موجود در مرکز تحقیقات و توسعهٔ سلاحهای اتمی عراق، تحت نظارت IAEA انجام می‌پذیرد. (یازدهمین تیم)

۲۰ فروردین ۱۳۷۱	در پی تهاجم یک هواپیمای ایرانی به حریم هوایی عراق، عراق از آنسکام تقاضای توقف پروازهای مراقبت هوایی U2 را می‌نماید و اظهار می‌دارد که ممکن است هواپیما و خلبانها امنیت پروازی نداشته باشند.
۲۱ فروردین ۱۳۷۱	شورای امنیت در پاسخ به اظهارات مقامات عراقی در بیستم فروردین تصریح میدارد که مراقبت هوایی عراق حق مسلم آنسکام می‌باشد و از عراق می‌خواهد مراقبت نماید که نیروهای نظامی آن کشور امنیت هواپیماها و پرسنل مأمور آنسکام را به مخاطره نیاندازند و در مورد عواقب وخیم آن به عراق هشدار داد.
۲۳ فروردین ۱۳۷۱	عراق پاسخ می‌دهد که این کشور قصد ندارد فعالیت‌های نظارتی این کمیته را به مخاطره بیاندازد.
۲۴ فروردین - ۱ اردیبهشت ۱۳۷۱	انهدام تعداد بیشتری از تجهیزات تولید موشک تحت نظارت تیمهای آنسکام انجام می‌گیرد (حدود چهل‌وپنج مورد قطعات موشک و ده ساختمان).
۲۶ فروردین ۱۳۷۱	IAEA برنامه‌های خود را جهت ازبین بردن تجهیزات غنی‌سازی اورانیوم به عراق اطلاع می‌دهد.
۲۶ فروردین - ۹ اردیبهشت ۱۳۷۱	هشتمین تیم بازرسی شیمیایی آنسکام انهدام سلاحهای شیمیایی که عراق انهدام یکجانبه آنرا ادعا نموده بود، تأئید می‌کند و امیدوار است که سلاحهای باقیمانده را نیز در آینده منهدم نماید.
۵ خرداد ۱۳۷۱	عراق اعلام می‌دارد که این کشور آماده است تا تمام برنامه‌های موشکی، میکروبی، شیمیایی و هسته‌ای خود را فاش سازد.
۵-۱۴ خرداد ۱۳۷۱	IAEA باقیماندهٔ اورانیوم غنی شده را از عراق خارج می‌نماید.
۲۸ خرداد ۱۳۷۱	گروه انهدام شیمیایی آنسکام عملیات خود را در انهدام انبارهای حجیم گازهای خردل و گازهای تحریک‌کنندهٔ اعصاب و سلاحهای شیمیایی دیگر شروع می‌نماید.

۳۱ خرداد ۱۳۷۱	آنسکام استفاده از هلیکوپترها را جهت بازرسی‌های هوایی در عراق آغاز نمود.
۵ تیر ۱۳۷۱	دومین گروه بازرسان مشترک میکروبی و شیمیایی آنسکام بر انهدام تجهیزات ساخت بمبهای شیمیایی نظارت می‌کند. در پنجم ماه جولای عراق از ورود این گروه به وزارت کشاورزی جلوگیری بعمل آورد.
۱۵ تیر ۱۳۷۱	شورای امنیت از عراق می‌خواهد که بلافاصله ترتیب ورود گروه به وزارت کشاورزی را بدهد.
۱۵ تیر - ۷ مرداد ۱۳۷۱	آنسکام بازرسانی را در ورودیهای ساختمان وزارت کشاورزی می‌گمارد و ورود به ساختمان را به حالت تعلیق درمی‌آورد. در ۲۲ ژوئیه به یکی از این بازرسان حمله می‌شود. گروه از محوطهٔ ساختمان وزارت کشاورزی خارج می‌شود اما در عراق باقی می‌ماند. نهایتاً در ۲۸ و ۲۹ ژوئیه بازرسان به داخل ساختمان دسترسی می‌یابند. مشاهدات بازرسان نشان می‌دهد که اخیراً چیزهایی از وزارتخانه خارج شده است.
۲۳-۳۰ تیر ۱۳۷۱	IAEA بر انهدام دستگاههای غنی‌سازی اورانیوم نظارت می‌کند.
۱۰ مرداد ۱۳۷۱	یک منطقهٔ پرواز ممنوع بر فراز جنوب عراق و جنوب مدار ۳۳ درجه توسط نیروهای ائتلافی بوجود می‌آید.
۱۲ دی ۱۳۷۱	حدود ۲۰۰ سرباز عراقی بدون اجازهٔ سازمان ملل وارد پایگاه سابق دریائی (ام‌القصر) واقع در منطقهٔ عاری از نیروهای نظامی می‌شوند و برخی وسائل را که شامل موشک نیز می‌شود از آنجا خارج می‌کنند.
۱۷ دی ۱۳۷۱	عراق از پرواز هواپیماهای آنسکام که پرسنل و وسایل را از بحرین به عراق یا بالعکس حمل می‌کنند، جلوگیری نمود.
۱۸ دی ۱۳۷۱	شورای امنیت خواست که عراق به هواپیمای آنسکام اجازهٔ پرواز بدهد.

۲۰ دی ۱۳۷۱	نیروهای عراقی یکبار دیگر به داخل (ام‌القصر) راه می‌یابند و تقریباً تمامی محتویات شش انبار بزرگ اسلحه و مهمات شامل سلاحهایی که قرار بود منهدم شوند را از آنجا خارج می‌کنند.
۲۰ دی ۱۳۷۱	عراق ممنوعیت‌هایی را جهت استفادهٔ آنسکام از منطقه هوایی (حبانیه) مقرر می‌دارد.
۲۱ دی ۱۳۷۱	شورای امنیت اقدامات عراق جهت رویارویی با آنسکام و همچنین ورود به منطقهٔ ممنوعهٔ نظامی را محکوم کرد.
۲۲ دی ۱۳۷۱	عراق اعلام میدارد وسائلی را که از پایگاه سابق دریائی (ام‌القصر) خارج نموده است اموال عراق بوده و بازپس گرفتن اموال در هیچیک از مفاد قطعنامهٔ ۶۸۷ سازمان ملل ممنوع اعلام نگردیده است. عراق همچنین اعلام داشت که جلوگیری از ورود هواپیمای آنسکام به منطقهٔ هوایی یک اقدام موقتی جهت جلوگیری از به‌خطر افتادن تمام هواپیماهای خارجی بوده تا در مقابل حملهٔ احتمالی تلافی‌جویانه نظامی توسط امریکا و انگلیس مصون بمانند.
۲۳ دی ۱۳۷۱	امریکا ـ انگلیس و فرانسه یک سری حمله‌های هوایی به پایگاههای دفاعی عراق آغاز نمودند. امریکا اعلام نمود که عراق در داخل منطقه پرواز ممنوع جنوب مشغول ساخت‌وساز بوده است.
۲۷ دی ۱۳۷۱	در شمال منطقهٔ پرواز ممنوع یک جنگندهٔ عراقی توسط جنگنده امریکایی مورد حمله قرارگرفت و سقوط کرد. امریکا حملات موشکی گسترده‌ای را به پایگاههای عراق در (زعفرانیه) و (الرفاه) آغاز می‌کند.
۲۹ دی ۱۳۷۱	عراق موافقت کرد که پروازهای آنسکام براساس روشهای توافق شده از سرگرفته شود.
بهمن ۱۳۷۱	عراق یک هلیکوپتر آنسکام را که مشغول پرواز تجسسی بر روی منطقهٔ موشکی بود تهدید کرد و آنرا مجبور به خروج از منطقه نمود.

بهمن ۱۳۷۱	عراق اعلامیه‌های قدیمی مربوط به نصب دوربین‌های مداربستهٔ آنسکام را می‌پذیرد، اما این اعلامیه‌ها در چارچوب برنامه‌های نصب دوربین‌های مداربستهٔ آنسکام قرار نداشته و در قطعنامهٔ ۷۱۵ مطرح نشده است.
۲۷ خرداد ۱۳۷۲	عراق از نصب دوربین‌های مداربسته توسط شرکت مارک‌سیلور در دو پایگاه تست موشک در (یوم‌العزیز) و (الرفاه) جلوگیری بعمل آورد. عراق همچنین از انتقال تجهیزات سلاحهای شیمیایی از (فلوجه) جهت انهدام تحت نظارت آنسکام خودداری می‌نماید.
۲۸ خرداد ۱۳۷۲	شورای امنیت به عراق در رابطه با عدم همکاری با آنسکام هشدار می‌دهد.
۳ شهریور ۱۳۷۲	عراق با بهره‌برداری از دوربین‌های مداربسته در پایگاههای تست موشکی موافقت نمود و دوربین‌ها بکار افتادند.
۵ آبان ۱۳۷۲	عراق قطعنامه ۷۱۵ (۱۹۹۱) را می‌پذیرد، این کشور همچنین برنامه‌های آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد نظارت و تأئید را قبول می‌کند.
فروردین ۱۳۷۳	آنسکام برنامه بازرسی از تجهیزات دومنظوره را تحت پیگیری قرار می‌دهد.
۳۰ فروردین ۱۳۷۳	عراق اطلاعات و جزئیات مربوط به واردات مواد شیمیایی و وسایل مربوط به برنامهٔ سلاحهای شیمیایی را ارائه می‌دهد. این امر برای ایجاد یک موازنه مواد در برنامهٔ شیمیایی حائز اهمیت است .
۱۴ مهر ۱۳۷۳	عراق تهدید می‌کند که به همکاریش با آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پایان خواهد داد و نیروهایش را بطرف مرز کویت حرکت می‌دهد.
۱۶ مهر ۱۳۷۳	شورای امنیت اظهارات دولت عراق را مبنی بر انصراف آن کشور از همکاری با آنسکام، غیرقابل پذیرش اعلام نمود. امریکا در پاسخ به حرکت نیروهای عراقی، ۵۰/۰۰۰ نیروی نظامی دیگر را در کویت مستقر می‌کند.

۲۲ مهر ۱۳۷۳	عراق نیروهایش را به مواضع قبلی بازمی‌گرداند و میگوید که آماده است تا حاکمیت کویت را به رسمیت بشناسد.
۲۳ مهر ۱۳۷۳	شورای امنیت استقرار نیروهای عراقی در مرز کویت را محکوم می‌نماید و از عراق می‌خواهد که نیروهایش را مجدداً به طرف جنوب حرکت ندهد. همچنین از این کشور می‌خواهد که با آنسکام همکاری کامل داشته باشد.
۱۹ آبان ۱۳۷۳	به حکم شورای فرماندهی انقلاب و بیانیهٔ مجلس ملی، عراق به رسمیت شناختن کشور کویت و مرز بین‌المللی بین دو کشور را تأئید می‌نماید.
۲۵ آبان ۱۳۷۳	شورای امنیت از برسمیت شناختن کویت توسط عراق استقبال می‌نماید.
اسفند ۱۳۷۳	سمینار کارشناسان بین‌المللی سلاحهای میکروبی که توسط آنسکام در نیویورک تشکیل شده بود این برداشت آنسکام را تأئید می‌نماید، که عراق در گذشته یک برنامهٔ تمام عیار سلاحهای میکروبی داشته است که هنوز آنرا اعلام نکرده است.
۱۱-۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۴	آنسکام سمیناری از کارشناسان بین‌المللی سلاحهای شیمیایی تشکیل می‌دهد تا مدارک مربوط به برنامهٔ موشکهای VX را بررسی نماید. هیأت بررسی کننده به این نتیجه می‌رسد که عراق فعالیت‌های VX را بطور کامل افشاء نکرده است.
۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۴	عراق آخرین پیشنهاد صدور نفت در برابر غذا را رد می‌کند.
۱۰ تیر ۱۳۷۴	طی دیدار (رولف اکیوس) از بغداد، عراق اعتراف کرد که یک برنامه تمام عیار سلاحهای میکروبی داشته است و مقادیر بسیاری از میکروب سیاه‌زخم و مسمومیت بوتولیسم تولید کرده است.
۲۶ تیر ۱۳۷۴	صدام‌حسین تهدید کرد که چنانچه تحریمهای ضدعراق برداشته نشود کمیته آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از عراق بیرون خواهد انداخت.

۱۳ مرداد ۱۳۷۴	عراق یک گزارش کتبیِ از برنامهٔ گذشتهٔ سلاحهای میکروبی خود به آنسکام ارائه می‌دهد، اما هرگونه استفاده از عوامل میکروبی در مهمات جنگی را انکار می‌نماید.
۱۶ مرداد ۱۳۷۴	حسین کامل حسن، رئیس سابق و مسئول سلاحهای کشتارجمعی و برنامه‌های موشکهای بالستیک عراق، به اردن فرار می‌کند. وی داماد صدام حسین است. برادر او نیز که همسر یکی از دختران صدام حسین است به همراه وی به اردن می‌گریزد. چند ماه بعد آنان به بغداد بازگشتند و در یک نزاع عشیره‌ای به قتل رسیدند.
۲۶ مرداد ۱۳۷۴	عراق بیانیهٔ جدیدی دربارهٔ برنامه‌های گذشتهٔ سلاحهای جنگی خود اعلام میدارد. اعتراف می‌کند که از عوامل میکروبی (سیاه زخم و مسمومیت بوتولیسم) در سلاحهای جنگی خود استفاده کرده است و نیز می‌گوید که برنامهٔ این کشور برای بدست آوردن سلاحهای اتمی با شکست مواجه شده است. افشاگری‌های دیگری نیز در صدور برنامهٔ VX و توانائی تولید داخلی موشکهای بالستیک بعمل می‌آورد. عراق ادعا می‌کند که (حسین کامل حسن) این اطلاعات را از دیگر اعضاء دولت این کشور پنهان کرده است. تهدید بیرون انداختن آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی لغو می‌شود.
۲۹ مرداد ۱۳۷۴	عراق ۶۸۰/۰۰۰ صفحه اسناد مربوط به برنامه‌های سابق سلاحهای جنگی این کشور را به آنسکام و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه می‌دهد.
آبان ۱۳۷۴	یک محمولهٔ بزرگ از قطعات موشک که با نقض تحریمهای ممنوعیت سلاحهای جنگی و برنامهٔ کنترل و تحقیق آنسکام عازم عراق بود توسط دولت اردن در بین راه متوقف می‌شود.
۳۱ تیر ۱۳۷۵	عراق چهارمین افشاگری کامل و نهایی خود را در مورد برنامهٔ سلاحهای میکروبی آن کشور ارائه می‌دهد.

آبان ۱۳۷۵	عراق به آنسکام اجازه نمی‌دهد که قطعات موشک را از پایگاه خارج نماید. اما بالاخره در ماه فوریه ۹۷ آنسکام موفق می‌شود که این قطعات را از آنجا خارج سازد.
اردیبهشت ۱۳۷۶	عراق می‌پذیرد که مقادیر زیادی از قطعات و موادی راکه قبلاً انکار می‌نمود، متعلق به برنامهٔ سلاحهای شیمیایی این کشور بوده و درواقع در تولید موشک VX بکار می‌رفته است.
۳۱ خرداد ۱۳۷۶	عراق از ورود بازرسان به پایگاههایی که جهت بازدید بدون اطلاع قبلی ـ تعیین شده بود، جلوگیری کرد.
۳۱ خرداد ۱۳۷۶	شورای امنیت از عراق می‌خواهد اجازهٔ بازرسی از پایگاهها را بدهد و ضمناً تجدیدنظر تحریمهای ضدعراق را تا گزارش ماه اکتبر آنسکام به حالت تعلیق درمی‌آورد.
شهریور ۱۳۷۶	عراق پنجمین تغییرات و افشاگری کامل و نهایی خود را در مورد برنامهٔ سلاحهای میکروبی این کشور اعلام می‌دارد.
۲۶ شهریور ۱۳۷۶	یک فیلم ویدئوئی که توسط آنسکام تهیه شده است نشان می‌دهد، درحالیکه تیم بازرسان آنسکام در مدخل ورودی پایگاه در انتظار ورود نگاهداشته شده است، عراقیها مشغول سوزاندن مدارک در یک پایگاه حساس می‌باشند.
مهر ۱۳۷۶	از ورود آنسکام به سه پایگاه زیرزمینی جلوگیری می‌شود. پایگاههای مزبور متعلق به ریاست جمهوری می‌باشد و بهمین دلیل خارج از حوزهٔ بازرسی آنسکام می‌باشد.
۱ آبان ۱۳۷۶	هنگام تصویب قطعنامهٔ ۱۱۳۴ که از عراق می‌خواهد تا اجازهٔ بازرسی از پایگاههایش را به بازرسان آنسکام بدهد، برای اولین‌بار از آوریل ۱۹۹۱ تاکنون در بین اعضاء شورای امنیت بر سر مسائل آنسکام، شکاف ایجاد می‌شود (پنج رأی ممتنع از ده رأی)
۵ آبان ۱۳۷۶	ریچارد باتلر رئیس کمیسیون آنسکام نامه‌ای به طارق عزیز ارسال می‌دارد که حاوی دستورجلسهٔ گفتگوهای آتی فی‌مابین می‌باشد. او مسائلی همچون بحث دربارهٔ برنامهٔ موشکی VX و

دسترسی کافی به پایگاههای حساس را بعنوان رئوس مهم دستور جلسه تعیین می‌نماید.

۷ آبان ۱۳۷۶ طارق عزیز به سازمان ملل اطلاع می‌دهد که کشورش دیگر حضور آمریکائیها را در تیم‌های آنسکام نخواهد پذیرفت و از سازمان ملل خواست که به پروازهای U2 خاتمه دهد. شورای امنیت هردو خواستهٔ عراق را رد می‌کند و از عواقب جدی عدم‌پذیرش عراق به این کشور هشدار می‌دهد.

۲۱ آبان ۱۳۷۶ شورای امنیت، عراق را به عدم‌همکاری محکوم می‌کند و تحریم‌های جدیدی را در مورد مقامات این کشور به اجرا می‌گذارد که بموجب این تحریمها محدودیت‌هایی را در سفرهای مقامات عراقی قائل می‌شود.

۲۲ آبان ۱۳۷۶ عراق خواستار خروج بازرسان امریکائی آنسکام از این کشور ظرف ۲۴ ساعت می‌شود. آنسکام تمام پرسنل بجز یک کارمند اداری در بغداد را از عراق خارج می‌کند. شورای امنیت عراق را محکوم می‌کند.

۲۹ آبان ۱۳۷۶ عراق نامه‌ای را از نمایندهٔ روسیه دریافت می‌دارد. آنسکام با پرسنل آمریکایی خود به بغداد باز می‌گردد.

۲۶ آذر ۱۳۷۶ ریچارد باتلر در پی بازدیدش از بغداد گزارش می‌دهد که عراق به بازرسان آنسکام اجازهٔ ورود به مراکز مستقل و کاخهای ریاست جمهوری را نمی‌دهد. در هیچیک از قطعنامه‌ها هیچ استثنایی در بازدید از کاخها وجود ندارد.

۲۷ آذر ۱۳۷۶ شورای امنیت از عراق می‌خواهد که اجازهٔ بازرسی از همهٔ کاخها را به آنسکام بدهد.

۲۳ دی ۱۳۷۶ از ورود تیم بازرسی اسکات ریتر به یک کاخ ریاست جمهوری جلوگیری می‌شود. عراق اظهار می‌دارد که در این تیم تعداد زیادی امریکایی و انگلیسی حضور دارند.

۲۴ دی ۱۳۷۶ عراق به عدم‌همکاری با تیم آنسکام ادامه می‌دهد و در نتیجه باتلر رئیس آنسکام دستور بازگشت تیم را صادر می‌کند.

۲ بهمن ۱۳۷۶	ریچارد باتلر پس از بازدید از بغداد گزارش می‌دهد که عراق اجازهٔ بازرسی از هشت کاخ ریاست جمهوری را نداده است.
۱۲ بهمن ۱۳۷۶	کمیته ارزشیابی فنی، شامل کارشناسان عراقی و آنسکام و دیگر کارشناسان بین‌المللی سلاحهای جنگی در بغداد تشکیل جلسه داد تا وضعیت دانش برنامه‌های موشکی و شیمیایی گذشته عراق را مورد بررسی قرار دهد. برداشت آنسکام و کارشناسان بین‌المللی اینست که عراق هنوز برنامه‌های خود را بطور کامل افشاء نکرده است.
۲۶-۲۹ بهمن ۱۳۷۶	دبیرکل سازمان ملل یک تیم تحقیقاتی به عراق می‌فرستد تا اندازه و وسعت ۸ کاخ ریاست جمهوری را که عراق یکجانبه اعلام کرده بود از حوزهٔ اختیارات آنسکام خارج است تخمین بزند.
۱-۴ اسفند ۱۳۷۶	دبیرکل سازمان ملل به عراق می‌رود و با صدام حسین و طارق عزیز ملاقات می‌کند و با یک توافقنامه که در آن اجازهٔ بازرسی از کاخها داده شده است، باز می‌گردد. طبق این توافقنامه لازم است که یک گروه ویژه به ریاست شخص جدیدی از طرف دبیرکل سازمان ملل منصوب و بر بازرسی‌های این کاخها نظارت داشته باشد. در دوم مارس ۹۸ (پراکاش شاه دیپلمات هندی‌الاصل) به این سمت منصوب می‌گردد.
۱۹ اسفند ۱۳۷۶	شورای امنیت این توافقنامه را تأئید می‌کند.
۱-۸ فروردین ۱۳۷۷	دومین نشست کارشناسان ارزشیابی فنی دربارهٔ موضوع سلاحهای میکروبی در وین انجام می‌شود. آنسکام و کارشناسان بین‌المللی به این نتیجه می‌رسند که گزارش عراق از فعالیت‌های گذشتهٔ این کشور در سلاحهای میکروبی ناقص و ناکافی است.
۱۵ فروردین ۱۳۷۷	بازرسی از کاخهای ریاست جمهوری انجام می‌شود.
اردیبهشت ۱۳۷۷	(نصیرالهنداوی) یکی از بنیانگزاران برنامهٔ سلاحهای میکروبی عراق به اتهام داشتن پاسپورت جعلی توسط عراق بازداشت و

زندانی می‌شود. استنباط این است که او قصد فرار از این کشور را داشته است. عراق مدارک مختلفی را به آنسکام ارائه می‌دهد و ادعا می‌کند که از دفتر کار هنداوی بدست آمده است. این مدارک نشانگر آنست که گزارش عراق از فعالیت‌های سلاحهای میکروبی کاملاً درست بوده است. صحت برخی از این مدارک مشکوک است.

۲۴ خرداد ۱۳۷۷ ریچارد باتلر بعد از سفرش به بغداد یک طرح جامع ارائه می‌دهد که با اجرای آن عراق بطور کامل مورد بازرسی قرار می‌گیرد.

۱۲ مرداد ۱۳۷۷ ریچارد باتلر برای اجرای طرح خود به بغداد باز می‌گردد. اما قبل از شروع بکار طارق عزیز ازاو می‌خواهد که باتلر گزارشی مبنی بر همکاری کامل عراق با آنسکام به شورای امنیت ارائه دهد که مورد مخالفت باتلر قرار می‌گیرد. طارق عزیز نیز گفتگوها را معلق می‌گذارد.

۱۴ مرداد ۱۳۷۷ در جلسهٔ مشترک شورای فرماندهی انقلاب و فرماندهی حزب بعث تصمیم گرفته می‌شود که همکاری با آنسکام متوقف شود و به بازرسی‌های ـ بدون اطلاع قبلی ـ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پایان داده شود. اما دوربین‌های مداربسته می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند.

۲۵ مرداد ۱۳۷۷ ریچارد باتلر به شورای امنیت گزارش می‌دهد و در آن ضمن محکوم کردن عراق تمام اقدامات این کشور را غیرقابل پذیرش میداند.

۱۸ مرداد ۱۳۷۷ شورای امنیت عراق را محکوم می‌کند و تا از سرگیری کامل عملیات آنسکام، تجدیدنظر در تحریمهای عراق را به حالت تعلیق درمی‌آورد.

طارق عزیز به نیویورک سفر می‌کند و ملاقاتهایی را با دبیرکل سازمان ملل انجام می‌دهد و خواستار تجدیدنظر کامل در مورد لغو تحریمها علیه کشورش می‌گردد. او همچنین تقاضا دارد که

اعضاء آنسکام تغییر یابند و ستاد فرماندهی آن از نیویورک بجای دیگر منتقل شود.

۴ آبان ۱۳۷۷ ریچارد باتلر نتایج بررسیهای کارشناسان هفت کشور و آنسکام را به شورای امنیت ارائه می‌دهد. این بررسی‌ها از نتایج تجزیه قطعات جداشدهٔ کلاهک موشک (در سه آزمایشگاه امریکایی، سوئیسی و فرانسوی) بدست آمده است. این نتایج ثابت می‌کند که علیرغم ادعای عراق، این کشور کلاهکهای جنگی موشکها را با VX پرکرده است.

۹ آبان ۱۳۷۷ صدام به تمام همکاری‌های این کشور با آنسکام پایان می‌دهد.

۲۳ آبان ۱۳۷۷ با حضور هواپیماهای امریکایی در آسمان عراق که قصد بمباران این کشور را دارند صدام عقب‌نشینی کرده با بازگشت آنسکام موافقت می‌کند. امریکا و انگلیس هشدار می‌دهند که هر چیزی غیر از همکاری کامل منجربه حملهٔ سریع و بدون اخطار قبلی خواهد شد.

۲۴ آذر ۱۳۷۷ ریچارد باتلر گزارش می‌دهد که باتوجه به نگرش عراق به آنسکام تیم او نمی‌تواند مأموریت‌اش را انجام دهد. عراق مانع بازرسی اطاقهایی در ساختمان حزب بعث می‌گردد.

۲۵-۲۹ آذر ۱۳۷۷ عملیات موشکی و هوایی آمریکا بر روی عراق آغاز می‌گردد. انگلیس تنها کشوری است که آمریکا را همراهی می‌کند. در طی این عملیات که «روباه صحرا» نام می‌گیرد بسیاری از مراکز نظامی، امنیتی، فرستنده‌های رادیو و تلویزیون و بعضاً مناطق مسکونی هدف قرار می‌گیرد. افکار عمومی جهانی بشدت واکنش نشان می‌دهد و کشورها قبل از دولتها آمریکا را محکوم می‌نمایند. رئیس جمهور اسلامی ایران و ریاست سازمان کنفرانس اسلامی (حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی) تلاشهای گسترده‌ای را بمنظور قطع حملات آمریکا در آستانه ماه مبارک رمضان آغاز می‌کند. بین وزرای خارجه ایران و انگلیس تماس‌های تلفنی برقرار می‌گردد.

۳۰ آذر ۱۳۷۷	پنتاگون می‌گوید، خسارات جدی به گارد ریاست جمهوری وارد آمده است، به ۸۵٪ اهداف، موشک اصابت کرده و در طی چهار شب ۶۰۰ سورتی پرواز هواپیماهای B-52 و تورنادو انجام شده است.
۳۰ آذر ۱۳۷۷	کلینتون می‌گوید، ما شک نداریم که اگر کنترلها برداشته شود صدام حسین به حالت قبل باز می‌گردد. مادامی که صدام حسین در رأس قدرت باشد تهدید جدی برای مردم عراق، منطقه و جهان است. ما آماده شلیک در منطقه باقی خواهیم ماند. تونی بلر نخست‌وزیر انگلیس نیز اظهارات مشابهی را ایراد کرد.
۱ دی ۱۳۷۷	بین اعضای دائم شورای امنیت بر سر عراق اختلاف پیش آمد. از این زمان روسیه، فرانسه و چین تلاشهای گسترده‌ای را برای لغو تحریم‌های عراق بعمل آوردند.
۳ بهمن ۱۳۷۷	آیت‌ا... سید محمد صادق صدر به همراه دو فرزندش در جنوب عراق ترور شدند. پیش از این نیز در طی سال ۷۷ آیت‌ا... بروجردی، غروی و شیخ بشیر پاکستانی به شیوه‌ای مشابه ترور گردیدند. دولت عراق این اقدامات را به منابع اطلاعاتی وابسته به آمریکا و اختلافات داخل حوزه علمیه نجف مرتبط میداند.
۷ بهمن ۱۳۷۷	مقامات عراق می‌گویند. آنسکام مجموعاً از ۷۰۰۰ مکان بازدید نموده و ۱۲۰۰۰ فروند موشک را منهدم ساخته است و در مجموع آنسکام ازآغاز تا زمان حملات چهار روزه آمریکا و انگلیس، در قالب ۴۰۰ تیم بازرسی و ۳۵۰۰ بازرسی مأموریت خود را انجام داده است و دیگر اجازه بازگشت به آنان داده نخواهد شد. بغداد در دیماه ۷۷ نیز اعلام کرد که آنسکام مرده است.
۸ بهمن ۱۳۷۷	عراق مبلغ ۲۵ میلیون دینار جایزه برای سرنگونی هواپیماهای آمریکا در مناطق ممنوعه پروازی اختصاص داد. بطور متوسط

	روزانه ۴۰ تا ۶۰ سورتی پرواز در شمال و جنوب عراق با هدف اعمال مناطق ممنوعه پروازی از سوی آمریکا انجام می‌شود.
۱۰ بهمن ۱۳۷۷	اسکات ریتر یکی از بازرسان تسلیحاتی سابق UNSCOM از همکاری نزدیک خود و تیم‌های آنسکام با عناصر نظامی و اطلاعاتی آمریکا خبر داد. وی می‌گوید در زمان کارش، اطلاعاتی را درخصوص محل سکونت صدام برای اجرای طرح ترور وی به آمریکا ارائه داده است. ریچارد باتلر اتهام همکاری با آمریکا راتکذیب کرد.
۱۵ بهمن ۱۳۷۷	براساس طرح کانادا و زیرنظر رئیس وقت شورای امنیت سه کمیته تحت عناوین خلع سلاح، مسائل انساندوستانه و سرنوشت مفقودین کویتی در سازمان ملل تشکیل گردید.
فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸	فرانسه ـ روسیه ـ انگلیس و هلند طرحهایی را بمنظور حل مشکل عراق به شورای امنیت ارائه دادند. اختلاف‌نظر بین آمریکا و انگلیس از یک‌سو و فرانسه، روسیه و چین از سوی دیگر، ادامه دارد. ریکاردونی نماینده آمریکایی هماهنگ‌کننده معارضین عراقی تلاشهای گسترده‌ای را برای جمع‌آوری معارضین آغاز نموده است.
۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۸	درآمد عراق در فاز پنجم به ۳/۹۵۳ میلیارد دلار رسید.
۹ تیر ۱۳۷۸	مأموریت ریچارد باتلر رئیس کمیسیون آنسکام خاتمه یافت. براساس طرح پیشنهادی انگلیس و هلند مقرر گردید سازمان نظارت تسلیحاتی جدید بنام UNCIM جایگزین UNSCOM گردد.
۲۸ مهر ۱۳۷۸	وزیر دفاع آمریکا به منطقه خلیج فارس سفر نمود وی در ملاقاتهای خود ضمن تأکید بر تداوم حضور نظامی آمریکا، جمهوری اسلامی ایران و عراق را تهدید کننده امنیت منطقه خواند. در همین زمان، مارتین ایندیک معاون وزیر خارجه آمریکا و طراح استراتژی مهار دوگانه بر شکست سیاست مهار ایران و ضرورت اتخاذ سیاست "مشارکت سازنده" نسبت به جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد.

۵ آوریل ۱۹۹۱

قطعنامه ۶۶۸ شورای امنیت :

"شورای امنیت، با آگاهی از وظائف و مسئولیتهایش براساس منشور ملل متحد در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، با یادآوری مفاد ماده ۲ ، پاراگراف ۷ منشور ملل متحد؛

با نگرانی عمیق از سرکوب مردم عراق در قسمتهای مختلف آن کشور، از جمله اخیراً در مناطق کردنشین که منجربه مهاجرت دسته‌جمعی به سوی مرزهای بین‌المللی و تجاوزات مرزی گشته است و صلح و امنیت را در منطقه تهدید می‌کند؛

با تأثر عمیق از وسعت رنجهای مردم ؛

باتوجه به نامه‌های نمایندگان ترکیه و فرانسه نزد سازمان ملل متحد، به ترتیب مورخه ۲ و ۴ آوریل ۱۹۹۱ (S/22435 و S/2242) ؛

با تأکید مجدد بر تعهد تمامی دولتهای عضو مبنی بر احترام به حاکمیت تمامیت ارضی و استقلال سیاسی عراق و تمامی کشورهای منطقه؛

با توجه به گزارش دبیرکل سازمان ملل در این زمینه به تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۹۱ (S/22366) ؛

۱ـ سرکوب مردم عراق در قسمتهای مختلف آن کشور، از جمله اخیراً در مناطق کردنشین را که منجربه تهدید صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه می‌شود محکوم می‌کند؛

۲ـ (شورای امنیت) از عراق می‌خواهد که بمنظور مشارکت در رفع تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه، بی‌درنگ به این سرکوب پایان دهد و در این راستا امیدوار است که گفتگوهایی به منظور تضمین احترام به حقوق بشر و حقوق سیاسی تمامی شهروندان عراق انجام گیرد؛

۳ـ اصرار می‌کند که عراق به سازمانهای بشردوستانه بین‌المللی اجازه دسترسی فوری به تمامی کسانی که در تمامی نقاط عراق به کمک احتیاج دارند را بدهد و تمامی امکانات لازم را برای فعالیت آنها در اختیارشان بگذارد؛

۴ـ از دبیرکل تقاضا می‌کند تا تلاشهای انسان‌دوستانه‌اش را در عراق ادامه دهد و گزارشی فوری، احتمالاً در پی مأموریتی جدید در منطقه، در مورد

سرنوشت مردم غیرنظامی عراق، و خصوصاً مردم کرد، که تحت هرگونه سرکوب مقامات عراق بوده‌اند ارائه دهد؛

۵- همچنین از دبیرکل تقاضا می‌کند تا از تمامی امکانات خود، از جمله مؤسسات تخصصی ذی‌صلاح سازمان ملل متحد، برای مقابله فوری با احتیاجات اساسی پناهندگان و آوارگان عراقی استفاده کند؛

۶- تمامی دولتهای عضو و سازمانهای بشردوستانه را به شرکت در این کمک‌رسانی انسانی دعوت می‌نماید.

۷- از عراق می‌خواهد که در این زمینه‌ها با دبیرکل همکاری نماید؛

۸- (شورا) مصمم است که همچنان به این مسئله بپردازد.

۵ اوت ۱۹۹۱
قطعنامه ۷۰۶ شورای امنیت :

«شورای امنیت ،

الف) با یادآوری قطعنامه‌های مناسب، خصوصاً قطعنامه‌های ۶۶۱ (۱۹۹۰)، ۶۸۶ (۱۹۹۱)، ۶۸۷ (۱۹۹۱) ، ۶۸۸ (۱۹۹۱) ، ۶۹۲ (۱۹۹۱) ، ۶۹۹ (۱۹۹۱).

ب) با توجه به گزارش (S/22799) مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۱ هیئت بین سازمانی به ریاست نماینده اجرایی دبیرکل که مأمور برنامه کمکهای انسانی سازمان ملل متحد برای عراق، کویت و مناطق مرزی عراق ـ ترکیه و عراق ـ ایران می‌باشد.

ج) با نگرانی از وضعیت غذایی و بهداشتی مردم عراق آنچنان که در آن گزارش توصیف شده و همچنین خطر تشدید بیشتر این وضعیت.

د) همچنین با نگرانی از عدم‌اجرای کامل پاراگراف ۲ـ ج قطعنامه ۶۸۶ (۱۹۹۱) و پاراگرافهای ۳۰ و ۳۱ قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱)، که بازگشت به میهن کلیه کویتی‌ها و اتباع کشورهای ثالث که از ۲ اوت ۱۹۹۰ یا پس از آن تاریخ در عراق به‌سر می‌برند یا احتمالاً استرداد اجساد آنها را پیش‌بینی کرده است.

هـ) با توجه به نتایج گزارش فوق‌الذکر و خصوصاً پیشنهاد فروش نفت عراق برای تأمین هزینه خرید مواد غذایی، دارو و محصولات و فرآورده‌های ضروری مردم به‌منظور کمکهای انسانی به آنها.

و) همچنین باتوجه به نامه‌های وزیر امور خارجه و نماینده دائم عراق که در تاریخهای ۱۴ آوریل، ۳۱ مه، ۶ ژوئن، ۹ ژوئیه و ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۱ خطاب به رئیس کمیته‌ای که براساس قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) تشکیل شده است، در مورد صدور نفت و فرآورده‌های نفتی عراق.

ز) با اعتقاد به لزوم تضمین توزیع عادلانه کمکهای انسانی بین تمامی گروههای مردم عراق با کنترل مؤثر و وضوح روند کمکها.

ح) به این منظور با یادآوری و تأکید بر قطعنامه ۶۸۸ (۱۹۹۱) و خصوصاً اهمیتی که شورا برای اجازه عراق جهت دسترسی سازمانهای بشردوستانه بین‌المللی به کلیه کسانی که در تمامی قسمتهای عراق احتیاج به کمک دارند و اینکه عراق تمامی امکانات لازم برای عملیاتشان را دراختیار آنها قرار دهد قائل است، اهمیت یادداشت تفاهم مورخ ۱۸ آوریل ۱۹۹۱ (S/22663) بین سازمان ملل متحد و دولت عراق در این زمینه را خاطر نشان می‌سازد.

ط) با یادآوری اینکه به موجب قطعنامه‌های ۶۸۷ (۱۹۹۱)، ۶۹۲ (۱۹۹۱) و ۶۹۹ (۱۹۹۱) عراق مکلف به تأمین کامل هزینه اجرای کلیه وظایف پیش‌بینی شده در بخش ج قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) برای کمیسیون ویژه و سازمان بین‌المللی انرژی اتمی می‌باشد و اینکه دبیرکل در گزارش مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۱ (S/22792) خود که بنا به پاراگراف ۴ قطعنامه ۶۹۹ (۱۹۹۱) ارائه داشته است خاطرنشان ساخته که به نظر وی بهترین راه برای تأمین این هزینه‌ها توسط عراق مجاز دانستن این کشور برای فروش مقداری نفت و فرآورده‌های نفتی می‌باشد.

همچنین با یادآوری آنکه عراق مکلف به پرداخت سهم خود به صندوق خسارات و تأمین نیمی از هزینه‌های کمیسیون علامتگذاری مرز عراق و کویت می‌باشد و یادآوری اینکه شورا در قطعنامه‌های ۶۸۶ (۱۹۹۱) و ۶۸۷ (۱۹۹۱) خود عراق را به بازگرداندن فوری کلیه دارائی‌های کویت ملزم کرده است و از دبیرکل خواسته است تا اقداماتی جهت تسهیل در اجرای این تعهد انجام دهد.

ی) با استناد به فصل هفتم منشور؛

۱ـ تمامی دولتها را مجاز می‌کند تا، به شرط تصمیمی که باید در اجرای پاراگراف ۵ قطعنامه حاضر بگیرند، وباتوجه به‌مفاد پاراگراف ۳ـ الف، ۳ـ ب و ۴ قطعنامه ۶۶۱ (۱۱۹۹) و باتوجه به هدفهای قطعنامه حاضر، واردات نفت و فرآورده‌های نفتی از عراق را به مدت شش‌ماه، از تاریخ تصویب قطعنامه پیش‌بینی شده در پاراگراف ۵ زیر، تاحدی اجازه دهند که درآمد حاصل از آن به مبلغی برسد که در گزارش دبیرکل، براساس پاراگراف ۵ قطعنامه حاضر، تعیین شده است، مع‌ذالک این مبلغ نباید از ۱/۶ میلیارد دلار امریکا، تحت شرایط زیر، تجاوز کند:

I) هرگونه خرید نفت و فرآورده‌های نفتی عراق، پس از اعلام دولت مربوطه به کمیته شورای امنیت که براساس قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) تشکیل شده و موافقت آن کمیته صورت می‌پذیرد؛

II) خریدار دولت مربوطه کل مبلغ هرگونه خرید نفت و فرآورده‌های نفتی عراق را در یک حساب امانی که توسط سازمان ملل متحد افتتاح و توسط دبیرکل منحصراً جهت مقاصد مذکور در قطعنامه حاضر

اداره می‌شود واریز می‌نماید؛

III) موافقت شورا، باتوجه به گزارشی که دبیرکل بایستی براساس پاراگراف ۵ قطعنامه حاضر به این شوراتسلیم دارد، در مورد نحوه خرید مواد غذایی، دارو و محصولات و کالاهای ضروری اولیه برای مردم غیرنظامی که در پاراگراف ۲۰ قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) درنظر گرفته شده است، خصوصاً کالاهایی که برای مصارف بهداشتی به‌کار می‌روند، تهیه تمامی این محصولات و کالاها باید براساس روشهای تعیین شده و تصمیمات سازمان ملل متحد بایستی بتواند در صورت نیاز این وظایف را در مورد کمکهای انسانی تأمین شده از منابع دیگر نیز به عهده بگیرد.

IV) مبلغ کل خریدهای مجاز بنابه پاراگراف حاضر، در سه قسمت مساوی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مبلغی که به ترتیب، پس از آنکه شورا تصمیم پیش‌بینی شده در پاراگراف ۵ را برای اجرای قطعنامه حاضر اتخاذ کند، توسط کمیته‌ای که براساس قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) تشکیل شده است آزاد خواهد شد، شورای امنیت می‌تواند با توجه به دیگر مفاد پاراگراف حاضر حداکثر مبلغ کل خریدها را براساس ارزیابی مستمر احتیاجات و درخواستها مورد تجدیدنظر قرار دهد.

۲) تصمیم می‌گیرد تا قسمتی از مبالغ موجود در حساب افتتاح شده توسط دبیرکل دراختیار او قرار گیرد تا جهت تأمین هزینه خرید محصولات غذایی، دارو، کالاهای ضروری مردم، که در پاراگراف ۲۰ قطعنامه حاضر و دیگر فعالیتهای بشردوستانه که در عراق لازم خواهد بود، استفاده شود.

۳) تصمیم می‌گیرد تا قسمتی از مبالغ موجود در حساب سازمان ملل متحد و همچنین کلیه مخارج مربوط به انجام وظایف پیش‌بینی شده در بخش ج قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱)، مخارج سازمان ملل متحد برای تسهیل در استرداد کلیه اموال توقیف شده کویتی‌ها توسط عراق و نیمی از هزینه‌های کمیسیون علامتگذاری (مرزها) را تأمین کند.

۴) تصمیم می‌گیرد که درصدی از ارزش صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی

عراق راکه به استناد قطنامه حاضر مجاز شمرده شده و به صندوق خسارات سازمان ملل متحد واریز خواهد شد. آنچنانکه در پاراگراف ۱۹ قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) پیش‌بینی شده و در پاراگراف ۲ قطعنامه ۴ ، ۷ (۱۹۹۱) برای واریز به صندوق خسارات تعیین شده است، البته تا زمانی که شورای اداری صندوق تصمیم دیگری در این مورد اتخاذ نکند.

۵) از دبیرکل تقاضا می‌کند طی مدت ۲۰ روز از تاریخ تصویب قطعنامه حاضر گزارشی از تصمیمات موردنظر اجرای پاراگرافهای ۱ ـ I ، II ، III در مورد ارزیابی نیازهای انسانی عراق مندرج در پاراگراف ۲ و در مورد مبلغ تعهدات مالی عراق مندرج در پاراگراف ۳ تا پایان مدت اعتبار مجوز صادره در پاراگراف ۱ تهیه نماید، همچنین چگونگی اقدامات قضایی لازم برای دستیابی به هدفهای قطعنامه حاضر و نحوه احتساب مخارج حمل نفت و فرآورده‌های نفتی عراق را تعیین کند.

۶) همچنین از دبیرکل تقاضا می‌کند تا با مشورت با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، طی بیست روز پس از تاریخ تصویب قطعنامه حاضر، گزارشی در مورد فعالیتهای انجام شده براساس پاراگراف ۳۱ قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) به منظور تسهیل در خارج ساختن یا بازگشت تمامی کویتی‌ها و اتباع دیگر کشورهای ثالث راکه از ۲ اوت ۱۹۹۰ یا پس از آن در عراق به سر می‌برند، یا احتمالاً بازگرداندن اجساد آنان تهیه کند.

۷) از دولت عراق میخواهد دراولین روز ماه بعد از پذیرش قطعنامه حاضر، و متعاقباً اولین روز هر ماه، تا اطلاع ثانوی، وضعیت دقیق دارایی‌های طلا و ارزی خود در عراق یا خارج را به دبیرکل و سازمانهای بین‌المللی مربوطه گزارش کند.

۸) از تمامی دولتها می‌خواهد تا در اجرای کامل قطعنامه حاضر همکاری کنند.

۹) مصمم است تا همچنان به مسئله بپردازد.»

۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱

قطعنامه ۷۱۲ شورای امنیت :

«شورای امنیت ،

الف) ضمن خاطرنشان ساختن قطعنامه‌های پیشین خود در این زمینه، بویژه قطعنامه‌های ۶۶۱ (۱۹۹۰)، ۶۸۷ (۱۹۹۱) ، ۶۸۸ (۱۹۹۱)، ۶۹۲ (۱۹۹۱)، ۶۹۹ (۱۹۹۱)، ۷۰۵ (۱۹۹۱) و ۷۰۶ (۱۹۹۱)؛

ب) ضمن تشکر از دبیرکل به سبب گزارش (S/23006) مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۹۱ که در رابطه با اجرای پاراگراف ۵ قطعنامه ۷۰۶ (۱۹۹۱) ارائه نموده است؛

ج) با اعلام مراتب نگرانی خود از وضع تغذیه و سلامتی مردم غیرنظامی عراق و خطر وخیمتر شدن این وضع، و تأکید براینکه در چنین موقعیتی لازم است ارزیابی روشنی از این امر در تمام خاک عراق به عمل آید تا بتوان توزیع عادلانه کمکهای انسان‌دوستانه را در بین همه اقشار مردم غیرنظامی عراق تعمیم داد؛

د) با یادآوری اینکه فعالیتهایی که لازم است به وسیله دبیرکل یا به نام وی بر مبنای مورد نظر در قطعنامه ۷۰۶ (۱۹۹۱) و قطعنامه کنونی به عمل آید باید از امتیازات و مصونیتهای سازمان ملل متحد برخوردار شوند؛

ه) با استناد به فصل هفتم منشور ملل متحد؛

۱- تأئید می‌کند که رقم مندرج در پاراگراف ۱ قطعنامه ۷۰۶ (۱۹۹۱) مبلغی است که در رابطه با هدفهای مشخص شده در پاراگراف مزبور مجاز می‌باشد و برنیت خود در امر بازنگری این مبلغ براساس تخمین نیازها و توقعاتی که برمبنای پاراگراف IV-1 از قطعنامه ۷۰۶ (۱۹۹۱) به عمل می‌آید تأکید می‌ورزند؛

۲- از کمیته تشکیل شده براساس قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۱) دعوت به عمل می‌آورد که بلافاصله، براساس پاراگراف IV-I از قطعنامه ۷۰۶ (۱۹۹۱) به دبیرکل اجازه دهد تا اولین بخش از حساب امانی، که یک سوم مبلغ مورد نظر در پاراگراف ۱ فوق‌الذکر می‌باشد، را آزاد کند، به شرط آنکه پول در حساب مزبورموجود باشد و برداشت از این حساب جهت خرید مواد غذایی، دارو، مواد و لوازم مورد احتیاج مردم غیرنظامی مورد نظر استفاده شود. این اقدام بایستی براساس احترام به مقررات یاد شده در گزارش دبیرکل و مصوب در پاراگراف ۳ زیر باشد ؛

۳- توصیه‌های مذکور در پاراگراف ۵۷- د و ۵۸ ازگزارش دبیرکل را تصویب می‌نماید؛

۴- دبیرکل و کمیته تشکیل شده به وسیله قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) را تشویق می‌نماید که ضمن مشورت دائمی با دولت عراق با یکدیگر به‌طور مستمر همکاری نمایند تا برنامه‌های مصوب در این قطعنامه بطور کامل به مرحله اجرا درآید،

۵- تصمیم می‌گیرد تا هنگامی که نفت و فرآورده‌های نفتی مورد نظر در قطعنامه ۷۰۶ (۱۹۹۱) در تملک عراق است این اقلام از هرگونه اقدام قضایی مصون هستند و نباید ضبط و توقیف شوند و یا در معرض این‌گونه اقدامات قرار گیرند، و لازم است تمامی دولتها در چهارچوب روشهای قضایی خود اقدامات لازم را به عمل آورند که این مصونیت تأمین گردد و وجوه به دست آمده از فروش آنها به مصرف دیگری جز آنچه در قطعنامه ۷۰۶ (۱۹۹۱) به آنها اشاره شده نرسد،

۶- تأکید می‌نماید که حساب امانی که سازمان ملل متحد باید افتتاح کند و دبیرکل باید آنرا جهت مصارفی که در قطعنامه ۷۰۶ (۱۹۹۱) و قطعنامه حاضر ذکر گردیده اداره کند و همچنین صندوق غرامت که براساس قطعنامه ۶۹۲ (۱۹۹۱) تأسیس شده از امتیازات و مصونیتهای سازمان ملل متحد برخوردار می‌باشند؛

۷- تأکید می‌نماید که بازرسان و دیگر کارشناسان مأمور از طرف سازمان ملل متحد که به منظور اجرای هدفهای قطعنامه فعلی انتخاب می‌شوند از امتیازات و مصونیتهای پیش‌بینی شده در کنوانسیون مربوط به امتیازات و مصونیتهای سازمان ملل متحد برخوردارند و از عراق می‌خواهد که به آنها اجازه دهد آزادانه رفت و آمد کنندو تسهیلات مورد نظر آنان را فراهم آورد؛

۸- خاطر نشان می‌سازد که وجوه به دست آمده از منابع دیگر می‌توانند در صورت لزوم براساس پاراگراف ۱- III قطعنامه ۷۰۶ (۱۹۹۱) در یک حساب منشعب از حساب امانی واریز شود و بلافاصله برای تأمین احتیاجات انسانی عراق که در پاراگراف ۲۰ قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) ذکر شده در اختیار قرار گیرد. تصمیمات مربوط به کسرکردنهای اجباری و هزینه‌های

اداری که پاراگرافهای ۲ و ۳ قطعنامه ۷۰۶ (۱۹۹۱) ناظر بدانهاست در این مورد جاری نیستند؛

۹- مصراً خواستار است که هرگونه تحویل مواد غذایی و دارویی یا هرگونه کالای مربوط به احتیاجات اولیه به عراق، به غیر از آنچه به وسیله وجوه مذکور در پاراگراف ۱ قطعنامه کنونی خریداری می‌شود، براساس تدابیری که ضامن توزیع عادلانه و برای هدفهای بشر دوستانه باشد انجام گیرد؛

۱۰- از دبیرکل تقاضا می‌کند تدابیر لازم را برای اجرای تصمیمات بالا اتخاذ کند و به وی اجازه می‌دهد هرگونه تمهید و توافق لازم را در این راه به‌کار بگیرد؛

۱۱- از دولتها خواستار است که همکاری کامل را جهت اجرای قطعنامه ۷۰۶ (۱۹۹۱) و قطعنامه حاضر به عمل آورند و بویژه هرگونه تدبیری که مربوط به تسهیل واردات نفت و فرآورده‌های نفتی و صدور مواد غذایی، دارویی و احتیاجات اولیه مورد نیاز غیرنظامیان ذکر شده در پاراگراف ۲۰ قطعنامه ۶۹۷ (۱۹۹۱) باشد اتخاذ نمایند و در این امور رعایت مسئله امتیازات و مصونیتهای سازمان ملل متحد و کارمندان مأمور آن را جهت اجرای مفاد قطعنامه حاضر بنمایند، همچنین از آنها توقع دارد نظارت نمایند تا هدفهای مندرج در این قطعنامه‌ها از مجرای خود منحرف نشوند؛

۱۲- تصمیم دارد این موضوع را در دستور کار خود حفظ نمایند.»

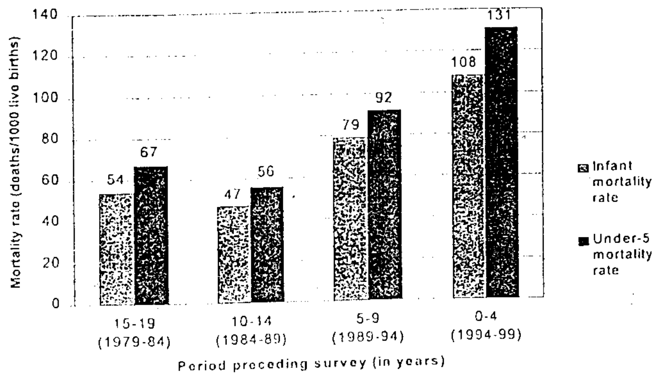
مقایسه وضعیت بین‌المللی عراق - بحران کویت [سال ۱۹۹۰] و بحران موشکی آمریکا و انگلیس [۱۹۹۹-۱۹۸۸]

سال ۱۹۹۰		سال ۱۹۹
دولتها و سازمانهای بین‌المللی	موضع ۱۹۹۰	موضع ۱۹۹۹
اعضای دائم شورای امنیت un	مشارکت دستجمعی در عملیات نظامی علیه عراق	* آمریکا: اقدام نظامی و تلاش برای براندازی حکومت * انگلیس: اقدام نظامی و تلاش برای براندازی حکومت * روسیه: مخالف اقدام نظامی، تأکید بر اجرای قطعنامه‌ها، مخالف براندازی حکومت * چین: اتخاذ مواضع مشترک با روسیه * فرانسه: مخالف اقدام نظامی، مخالف سیاستهای صدام، تأکید بر ادامه فعالیت UNSCOM مادامیکه صدام حسین در رأس قدرت است.
کشورهای اروپایی	مشارکت اکثریت در عملیات نظامی	* مخالفت با اقدام یک‌جانبه آمریکا و انگلیس * تأکید بر اجرای کامل قطعنامه‌های UN * مخالفت فرانسه با سیاست‌های صدام‌حسین * حمایت تلویحی ایتالیا از حکومت عراق * تلاش برای بازگرداندن اقتدار به شورای امنیت
دبیرکل سازمان ملل متحد	تأیید اقدام نظامی متحدین	ابزار تأسف

These mortality results show a more than two-fold increase over a ten year time span.

Table 4 shows IMR and U5MR rates, for the most recent five-year period, place of residence, schooling of mother and sex of the child. Rural mortality rates are higher than urban rates, and rates for males are higher than for females.

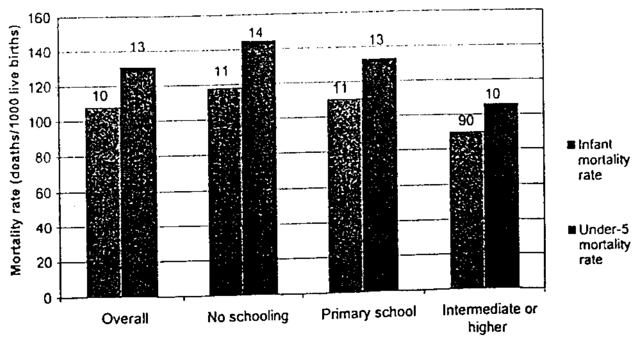
Graph 1: Infant and under-5 mortality rates, Iraq* 1999



* Excluding the autonomous region of Dohouk, Erbil and Al Suleimaniyah governorates

Respondents with low levels of education have children with higher mortality rates than those with high levels of education (see Graph 2), a situation found in many other countries.

Graph 2: Infant and under five mortality rates by mother's schooling, Iraq* 1999



* Excluding the autonomous region of Dohouk, Erbil and Al-Suleimaniyah govemorates.

World Food Programme

Iraqi Food Basket

Month	Commodity		Wheat Flour	Rice	Pulses White Beans	Pulses Chickpeas	Lentils	Vegetable Oil	Sugar	Tea	Dairy Milk	Dairy Cheese	Infant Formula	Weaning Cereal	Iodized Salt	Toilet Soap	Detergent		% of total food basket
	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]	1.000	[illegible]	1.000	2.000	0.150	0.500		3.600	0.800	0.150	0.250	0.350	E	100.00%
Month	986 Ration		9.000	2.500		1.000		1.000	2.000	0.150	0.000		2.700	0.000	0.150	0.250	0.350		100.00%
	GOI Ration		7.000	1.250		0.000		0.750	0.500	0.100	0.000		1.800	0.000	0.000	0.150	0.250		
February 1999			9.000	2.500		0.125	0.125	1.000	2.000		0.250	0.140	3.600	0.800	0.150		0.350		
	GOI	C/S								0.150						0.250		E	95.96%
	supplement	North								0.150						0.250			95.96%
March 1999			9.000	2.500			0.100	1.000	1.000	0.150	0.250		1.800	0.800	0.100	0.250	0.350		
	GOI	C/S							1.000				1.800					E	94.37%
	supplement	North							1.000				1.800						94.37%
April 1999			9.000	2.500	0.250	0.250			2.000			0.140	3.600	0.800		0.250	0.350		
	GOI	C/S						1.000		0.150								E	95.26%
	supplement	North						1.000		0.150									95.26%
May 1999			9.000	2.500	0.250		0.250	1.000	1.000	0.150	0.250		3.600	0.800	0.150				
	GOI	C/S							1.000							0.250	0.350	E	96.48%
	supplement	North							1.000							0.250	0.350		96.48%
June 1999			9.000	2.500			0.250	1.000	1.000			0.070	3.600	0.800	0.150		0.350		
	GOI	C/S							1.000	0.150						0.250		E	94.46%
	supplement	North							1.000	0.150						0.250			94.46%
July 1999			9.000	2.500		0.125	0.125	0.500	2.000	0.150	0.250			0.800	0.150	0.250	0.175		
	GOI	C/S						0.500					3.600				0.175	E	95.31%
	supplement	North						0.500					3.600				0.175		95.31%
August 1999			9.000	2.500	0.125			0.500	2.000		0.250		3.600	0.800	0.150	0.125	0.350		
	GOI	C/S						0.500		0.150						0.125		E	94.72%
	supplement	North						0.500		0.150						0.125			94.72%
September 1999			6.750	2.500			0.250	1.000	1.000	0.150	0.250	0.140	3.600	0.800	0.150	0.250	0.350		
	GOI	C/S	2.250						1.000									E	95.96%
	supplement	North	2.250						1.000										95.96%

GOI supplement for March, April, May, June, July, October, November 1998 January, February, March, April, May, June, July, August and September 1999 are to be reimbursed

UNITED
NATIONS

S

Security Council

Distr.
GENERAL

S/RES/1266 (1999)
4 October 1999

RESOLUTION 1266 (1999)

Adopted by the Security Council at its 4050th meeting, on 4 October 1999

The Security Council,

Recalling its previous relevant resolutions and in particular its resolutions 986 (1995) of 14 April 1995, 1111 (1997) of 4 June 1997, 1129 (1997) of 12 September 1997, 1143 (1997) of 4 December 1997, 1153 (1998) of 20 February 1998, 1175 (1998) of 19 June 1998, 1210 (1998) of 24 November 1998 and 1242 (1999) of 21 May 1999,

Recalling also the report of the Secretary-General of 19 August 1999 (S/1999/896), in particular, paragraphs 4 and 94,

Determined to improve the humanitarian situation in Iraq,

Reaffirming the commitment of all Member States to the sovereignty and territorial integrity of Iraq,

Acting under Chapter VII of the Charter of the United Nations,

1. Decides that paragraph 2 of resolution 1153 (1998), as extended by resolution 1242 (1999), shall be modified to the extent necessary to authorize States to permit the import of petroleum and petroleum products originating in Iraq, including financial and other essential transactions directly related thereto, sufficient to produce an additional sum, beyond that provided for by resolution 1242 (1999), equivalent to the total shortfall of revenues authorized but not generated under resolutions 1210 (1998) and 1153 (1998), 3.04 billion United States dollars, within the period of 180 days from 0001 hours, eastern standard time, on 25 May 1999;

2. Decides to remain seized of the matter.

-----

34. Decides to remain seized of the matter and to take such further steps as may be required for the implementation of the present resolution and to secure peace and security in the area.

-----

27. Calls upon all States to maintain such national controls and procedures and to take such other actions consistent with the guidelines to be established by the Security Council under paragraph 26 above as may be necessary to ensure compliance with the terms of paragraph 24 above, and calls upon international organizations to take all appropriate steps to assist in ensuring such full compliance;

28. Agrees to review its decisions in paragraphs 22, 23, 24 and 25 above, except for the items specified and defined in paragraphs 8 and 12 above, on a regular basis and in any case one hundred and twenty days following passage of the present resolution, taking into account Iraq's compliance with the resolution and general progress towards the control of armaments in the region;

29. Decides that all States, including Iraq, shall take the necessary measures to ensure that no claim shall lie at the instance of the Government of Iraq, or of any person or body in Iraq, or of any person claiming through or for the benefit of any such person or body, in connection with any contract or other transaction where its performance was affected by reason of the measures taken by the Security Council in resolution 661 (1990) and related resolutions;

G

30. Decides that, in furtherance of its commitment to facilitate the repatriation of all Kuwaiti and third country nationals, Iraq shall extend all necessary cooperation to the International Committee of the Red Cross, providing lists of such persons, facilitating the access of the International Committee of the Red Cross to all such persons wherever located or detained and facilitating the search by the International Committee of the Red Cross for those Kuwaiti and third country nationals still unaccounted for;

31. Invites the International Committee of the Red Cross to keep the Secretary-General apprised as appropriate of all activities undertaken in connection with facilitating the repatriation or return of all Kuwaiti and third country nationals or their remains present in Iraq on or after 2 August 1990;

H

32. Requires Iraq to inform the Security Council that it will not commit or support any act of international terrorism or allow any organization directed towards commission of such acts to operate within its territory and to condemn unequivocally and renounce all acts, methods and practices of terrorism;

I

33. Declares that, upon official notification by Iraq to the Secretary-General and to the Security Council of its acceptance of the provisions above, a formal cease-fire is effective between Iraq and Kuwait and the Member States cooperating with Kuwait in accordance with resolution 678 (1990);

/...

21. Decides that the Security Council shall review the provisions of paragraph 20 above every sixty days in the light of the policies and practices of the Government of Iraq, including the implementation of all relevant resolutions of the Security Council, for the purpose of determining whether to reduce or lift the prohibitions referred to therein;

22. Decides that upon the approval by the Security Council of the programme called for in paragraph 19 above and upon Council agreement that Iraq has completed all actions contemplated in paragraphs 8, 9, 10, 11, 12 and 13 above, the prohibitions against the import of commodities and products originating in Iraq and the prohibitions against financial transactions related thereto contained in resolution 661 (1990) shall have no further force or effect;

23. Decides that, pending action by the Security Council under paragraph 22 above, the Security Council Committee established by resolution 661 (1990) shall be empowered to approve, when required to assure adequate financial resources on the part of Iraq to carry out the activities under paragraph 20 above, exceptions to the prohibition against the import of commodities and products originating in Iraq;

24. Decides that, in accordance with resolution 661 (1990) and subsequent related resolutions and until a further decision is taken by the Security Council, all States shall continue to prevent the sale or supply, or the promotion or facilitation of such sale or supply, to Iraq by their nationals, or from their territories or using their flag vessels or aircraft, of:

(a) Arms and related matériel of all types, specifically including the sale or transfer through other means of all forms of conventional military equipment, including for paramilitary forces, and spare parts and components and their means of production, for such equipment;

(b) Items specified and defined in paragraphs 8 and 12 above not otherwise covered above;

(c) Technology under licensing or other transfer arrangements used in the production, utilization or stockpiling of items specified in subparagraphs (a) and (b) above;

(d) Personnel or materials for training or technical support services relating to the design, development, manufacture, use, maintenance or support of items specified in subparagraphs (a) and (b) above;

25. Calls upon all States and international organizations to act strictly in accordance with paragraph 24 above, notwithstanding the existence of any contracts, agreements, licences or any other arrangements;

26. Requests the Secretary-General, in consultation with appropriate Governments, to develop within sixty days, for the approval of the Security Council, guidelines to facilitate full international implementation of paragraphs 24 and 25 above and paragraph 27 below, and to make them available to all States and to establish a procedure for updating these guidelines periodically;

/...

E

16. Reaffirms that Iraq, without prejudice to the debts and obligations of Iraq arising prior to 2 August 1990, which will be addressed through the normal mechanisms, is liable under international law for any direct loss, damage, including environmental damage and the depletion of natural resources, or injury to foreign Governments, nationals and corporations, as a result of Iraq's unlawful invasion and occupation of Kuwait;

17. Decides that all Iraqi statements made since 2 August 1990 repudiating its foreign debt are null and void, and demands that Iraq adhere scrupulously to all of its obligations concerning servicing and repayment of its foreign debt;

18. Decides also to create a fund to pay compensation for claims that fall within paragraph 16 above and to establish a Commission that will administer the fund;

19. Directs the Secretary-General to develop and present to the Security Council for decision, no later than thirty days following the adoption of the present resolution, recommendations for the fund to meet the requirement for the payment of claims established in accordance with paragraph 18 above and for a programme to implement the decisions in paragraphs 16, 17 and 18 above, including: administration of the fund; mechanisms for determining the appropriate level of Iraq's contribution to the fund based on a percentage of the value of the exports of petroleum and petroleum products from Iraq not to exceed a figure to be suggested to the Council by the Secretary-General, taking into account the requirements of the people of Iraq, Iraq's payment capacity as assessed in conjunction with the international financial institutions taking into consideration external debt service, and the needs of the Iraqi economy; arrangements for ensuring that payments are made to the fund; the process by which funds will be allocated and claims paid; appropriate procedures for evaluating losses, listing claims and verifying their validity and resolving disputed claims in respect of Iraq's liability as specified in paragraph 16 above; and the composition of the Commission designated above;

F

20. Decides, effective immediately, that the prohibitions against the sale or supply to Iraq of commodities or products, other than medicine and health supplies, and prohibitions against financial transactions related thereto contained in resolution 661 (1990) shall not apply to foodstuffs notified to the Security Council Committee established by resolution 661 (1990) concerning the situation between Iraq and Kuwait or, with the approval of that Committee, under the simplified and accelerated "no-objection" procedure, to materials and supplies for essential civilian needs as identified in the report of the Secretary-General dated 20 March 1991, 9/ and in any further findings of humanitarian need by the Committee;

9/ S/22366.

11. Invites Iraq to reaffirm unconditionally its obligations under the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons of 1 July 1968;

12. Decides that Iraq shall unconditionally agree not to acquire or develop nuclear weapons or nuclear-weapons-usable material or any subsystems or components or any research, development, support or manufacturing facilities related to the above; to submit to the Secretary-General and the Director-General of the International Atomic Energy Agency within fifteen days of the adoption of the present resolution a declaration of the locations, amounts, and types of all items specified above; to place all of its nuclear-weapons-usable materials under the exclusive control, for custody and removal, of the International Atomic Energy Agency, with the assistance and cooperation of the Special Commission as provided for in the plan of the Secretary-General discussed in paragraph 9 (b) above; to accept, in accordance with the arrangements provided for in paragraph 13 below, urgent on-site inspection and the destruction, removal or rendering harmless as appropriate of all items specified above; and to accept the plan discussed in paragraph 13 below for the future ongoing monitoring and verification of its compliance with these undertakings;

13. Requests the Director-General of the International Atomic Energy Agency, through the Secretary-General, with the assistance and cooperation of the Special Commission as provided for in the plan of the Secretary-General in paragraph 9 (b) above, to carry out immediate on-site inspection of Iraq's nuclear capabilities based on Iraq's declarations and the designation of any additional locations by the Special Commission; to develop a plan for submission to the Security Council within forty-five days calling for the destruction, removal, or rendering harmless as appropriate of all items listed in paragraph 12 above; to carry out the plan within forty-five days following approval by the Security Council; and to develop a plan, taking into account the rights and obligations of Iraq under the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons of 1 July 1968, for the future ongoing monitoring and verification of Iraq's compliance with paragraph 12 above, including an inventory of all nuclear material in Iraq subject to the Agency's verification and inspections to confirm that Agency safeguards cover all relevant nuclear activities in Iraq, to be submitted to the Security Council for approval within one hundred and twenty days of the passage of the present resolution;

14. Takes note that the actions to be taken by Iraq in paragraphs 8, 9, 10, 11, 12 and 13 of the present resolution represent steps towards the goal of establishing in the Middle East a zone free from weapons of mass destruction and all missiles for their delivery and the objective of a global ban on chemical weapons;

D

15. Requests the Secretary-General to report to the Security Council on the steps taken to facilitate the return of all Kuwaiti property seized by Iraq, including a list of any property that Kuwait claims has not been returned or which has not been returned intact;

and to ratify the Convention on the Prohibition of the Development, Production and Stockpiling of Bacteriological (Biological) and Toxin Weapons and on Their Destruction, of 10 April 1972;

8. _Decides_ that Iraq shall unconditionally accept the destruction, removal, or rendering harmless, under international supervision, of:

(a) All chemical and biological weapons and all stocks of agents and all related subsystems and components and all research, development, support and manufacturing facilities;

(b) All ballistic missiles with a range greater than 150 kilometres and related major parts, and repair and production facilities;

9. _Decides_, for the implementation of paragraph 8 above, the following:

(a) Iraq shall submit to the Secretary-General, within fifteen days of the adoption of the present resolution, a declaration of the locations, amounts and types of all items specified in paragraph 8 and agree to urgent, on-site inspection as specified below;

(b) The Secretary-General, in consultation with the appropriate Governments and, where appropriate, with the Director-General of the World Health Organization, within forty-five days of the passage of the present resolution, shall develop, and submit to the Council for approval, a plan calling for the completion of the following acts within forty-five days of such approval:

(i) The forming of a Special Commission, which shall carry out immediate on-site inspection of Iraq's biological, chemical and missile capabilities, based on Iraq's declarations and the designation of any additional locations by the Special Commission itself;

(ii) The yielding by Iraq of possession to the Special Commission for destruction, removal or rendering harmless, taking into account the requirements of public safety, of all items specified under paragraph 8 (a) above, including items at the additional locations designated by the Special Commission under paragraph 9 (b) (i) above and the destruction by Iraq, under the supervision of the Special Commission, of all its missile capabilities, including launchers, as specified under paragraph 8 (b) above;

(iii) The provision by the Special Commission of the assistance and cooperation to the Director-General of the International Atomic Energy Agency required in paragraphs 12 and 13 below;

10. _Decides_ that Iraq shall unconditionally undertake not to use, develop, construct or acquire any of the items specified in paragraphs 8 and 9 above and requests the Secretary-General, in consultation with the Special Commission, to develop a plan for the future ongoing monitoring and verification of Iraq's compliance with this paragraph, to be submitted to the Security Council for approval within one hundred and twenty days of the passage of this resolution;

1. Affirms all thirteen resolutions noted above, except as expressly changed below to achieve the goals of this resolution, including a formal cease-fire;

A

2. Demands that Iraq and Kuwait respect the inviolability of the international boundary and the allocation of islands set out in the "Agreed Minutes Between the State of Kuwait and the Republic of Iraq Regarding the Restoration of Friendly Relations, Recognition and Related Matters", signed by them in the exercise of their sovereignty at Baghdad on 4 October 1963 and registered with the United Nations and published by the United Nations in document 7063, United Nations, Treaty Series, 1964;

3. Calls upon the Secretary-General to lend his assistance to make arrangements with Iraq and Kuwait to demarcate the boundary between Iraq and Kuwait, drawing on appropriate material, including the map transmitted by Security Council document S/22412 and to report back to the Security Council within one month;

4. Decides to guarantee the inviolability of the above-mentioned international boundary and to take as appropriate all necessary measures to that end in accordance with the Charter of the United Nations;

B

5. Requests the Secretary-General, after consulting with Iraq and Kuwait, to submit within three days to the Security Council for its approval a plan for the immediate deployment of a United Nations observer unit to monitor the Khor Abdullah and a demilitarized zone, which is hereby established, extending ten kilometres into Iraq and five kilometres into Kuwait from the boundary referred to in the "Agreed Minutes Between the State of Kuwait and the Republic of Iraq Regarding the Restoration of Friendly Relations, Recognition and Related Matters" of 4 October 1963; to deter violations of the boundary through its presence in and surveillance of the demilitarized zone; to observe any hostile or potentially hostile action mounted from the territory of one State to the other; and for the Secretary-General to report regularly to the Security Council on the operations of the unit, and immediately if there are serious violations of the zone or potential threats to peace;

6. Notes that as soon as the Secretary-General notifies the Security Council of the completion of the deployment of the United Nations observer unit, the conditions will be established for the Member States cooperating with Kuwait in accordance with resolution 678 (1990) to bring their military presence in Iraq to an end consistent with resolution 686 (1991);

C

7. Invites Iraq to reaffirm unconditionally its obligations under the Geneva Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare, signed at Geneva on 17 June 1925,

Concerned by the reports in the hands of Member States that Iraq has attempted to acquire materials for a nuclear-weapons programme contrary to its obligations under the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons of 1 July 1968, 5/

Recalling the objective of the establishment of a nuclear-weapons-free zone in the region of the Middle East,

Conscious of the threat that all weapons of mass destruction pose to peace and security in the area and of the need to work towards the establishment in the Middle East of a zone free of such weapons,

Conscious also of the objective of achieving balanced and comprehensive control of armaments in the region,

Conscious further of the importance of achieving the objectives noted above using all available means, including a dialogue among the States of the region,

Noting that resolution 686 (1991) marked the lifting of the measures imposed by resolution 661 (1990) in so far as they applied to Kuwait,

Noting that despite the progress being made in fulfilling the obligations of resolution 686 (1991), many Kuwaiti and third country nationals are still not accounted for and property remains unreturned,

Recalling the International Convention against the Taking of Hostages, 6/ opened for signature at New York on 18 December 1979, which categorizes all acts of taking hostages as manifestations of international terrorism,

Deploring threats made by Iraq during the recent conflict to make use of terrorism against targets outside Iraq and the taking of hostages by Iraq,

Taking note with grave concern of the reports of the Secretary-General of 20 March 1991 7/ and 28 March 1991, 8/ and conscious of the necessity to meet urgently the humanitarian needs in Kuwait and Iraq,

Bearing in mind its objective of restoring international peace and security in the area as set out in recent resolutions of the Security Council,

Conscious of the need to take the following measures acting under Chapter VII of the Charter,

---

5/ General Assembly resolution 2373 (XXII).

6/ General Assembly resolution 34/146.

7/ S/22366.

8/ S/22409.

/...

Noting that Iraq and Kuwait, as independent sovereign States, signed at Baghdad on 4 October 1963 "Agreed Minutes Between the State of Kuwait and the Republic of Iraq Regarding the Restoration of Friendly Relations, Recognition and Related Matters", thereby recognizing formally the boundary between Iraq and Kuwait and the allocation of islands, which were registered with the United Nations in accordance with Article 102 of the Charter of the United Nations and in which Iraq recognized the independence and complete sovereignty of the State of Kuwait within its borders as specified and accepted in the letter of the Prime Minister of Iraq dated 21 July 1932, and as accepted by the Ruler of Kuwait in his letter dated 10 August 1932,

Conscious of the need for demarcation of the said boundary,

Conscious also of the statements by Iraq threatening to use weapons in violation of its obligations under the Geneva Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare, signed at Geneva on 17 June 1925, 3/ and of its prior use of chemical weapons and affirming that grave consequences would follow any further use by Iraq of such weapons,

Recalling that Iraq has subscribed to the Declaration adopted by all States participating in the Conference of States Parties to the 1925 Geneva Protocol and Other Interested States, held in Paris from 7 to 11 January 1989, establishing the objective of universal elimination of chemical and biological weapons,

Recalling also that Iraq has signed the Convention on the Prohibition of the Development, Production and Stockpiling of Bacteriological (Biological) and Toxin Weapons and on Their Destruction, of 10 April 1972, 4/

Noting the importance of Iraq ratifying this Convention,

Noting moreover the importance of all States adhering to this Convention and encouraging its forthcoming Review Conference to reinforce the authority, efficiency and universal scope of the convention,

Stressing the importance of an early conclusion by the Conference on Disarmament of its work on a Convention on the Universal Prohibition of Chemical Weapons and of universal adherence thereto,

Aware of the use by Iraq of ballistic missiles in unprovoked attacks and therefore of the need to take specific measures in regard to such missiles located in Iraq,

---

3/ League of Nations, Treaty Series, vol. XCIV (1929), No. 2138.

4/ General Assembly resolution 2826 (XXVI), annex.

UNITED
NATIONS

S

Security Council

Distr.
GENERAL

S/RES/687 (1991)*
8 April 1991

RESOLUTION 687 (1991)

Adopted by the Security Council at its 2981st meeting, on 3 April 1991

The Security Council,

Recalling its resolutions 660 (1990) of 2 August 1990, 661 (1990) of 6 August 1990, 662 (1990) of 9 August 1990, 664 (1990) of 18 August 1990, 665 (1990) of 25 August 1990, 666 (1990) of 13 September 1990, 667 (1990) of 16 September 1990, 669 (1990) of 24 September 1990, 670 (1990) of 25 September 1990, 674 (1990) of 29 October 1990, 677 (1990) of 28 November 1990, 678 (1990) of 29 November 1990 and 686 (1991) of 2 March 1991,

Welcoming the restoration to Kuwait of its sovereignty, independence and territorial integrity and the return of its legitimate Government,

Affirming the commitment of all Member States to the sovereignty, territorial integrity and political independence of Kuwait and Iraq, and noting the intention expressed by the Member States cooperating with Kuwait under paragraph 2 of resolution 678 (1990) to bring their military presence in Iraq to an end as soon as possible consistent with paragraph 8 of resolution 686 (1991),

Reaffirming the need to be assured of Iraq's peaceful intentions in the light of its unlawful invasion and occupation of Kuwait,

Taking note of the letter sent by the Minister for Foreign Affairs of Iraq on 27 February 1991 1/ and those sent pursuant to resolution 686 (1991), 2/

---

* Reissued for technical reasons.

1/ S/22275, annex.

2/ S/22273, S/22276, S/22320, S/22321 and S/22330.

91-11221 3315Z (E)

فهرست منابع

الف) منابع انگلیسی :

1- Abu Jaber Kamel the Arab Ba'th Socialist Party Ldeology & Organzation First Edition, Syracuse, N.Y. Syrcuase University Press. London/ 1996.

2- Aziz tareq/ the Iraq, Iran confict. Questions and Disussions Oxford University/ London/ 1981.

3- Drik Lura/ "Dual Containment" / Middle East Insight/Sep/Oct 1994.

4- Indyk Martin/ "Peace and containment", Middle East insght, Vol: XI/Sep/Oct 1995.

5- Indyk Martin/ "Dual Contanment in East"/ Foreign Affairs/ Vol:73/ No:2/ April 1994.

6- Khadduri/ Socialist Iraq, A Study in Iraqi Politics Oxford University London 1968.

7- Lake Anthony / "Confornting baclash states". FOREIGN AFFAIRS/ Vol:73/ No:3/ Macth 1994.

8- Lomonde 920 September, 19800.

9- Pubin Burry/ "United states - Iraq relations : A spring thaw" Tim Niblok, Iraq : the Contemporary States/ London Croom Helm 1982.

10- Profile Ner/ "Iran: A burgeoning military threat to israel, the middle east/ NEAR EAST REPORT/VOL: XXXIX No:3/ Jan/ 1995.

11- Perry, William j/ "Gulf Security and u.s.Policy"/ Middle East Policy/ Volume 3/ No:4/ April 1995.

12- Shibli A'ysami/ "Unity, Freedom, Socialism". Arab Ba'th Socialist Party, Madrid/ 1997.

13- Time/ "Dual Containment 20/ Jan 1996 (U.S.A).

14- Indyk Marin/ Dual Containment The Middle East Economic Digest/ 15/2/1993.

15-Woolsey James/ "Iran, Iraq Remain Enemies of Peace"/ NEAR EAST Report/ No:41/ Oct 1994.

ب) منابع عربی :

۱۶ـ حسیب‌القیسی عبدالمجید، العراق دراسه فی‌علاقاته‌الخارجیه و تطوراته الداخلیه ۱۹۷۵–۱۹۱۵، الدارالعربیه للموسوعات، بیروت ۱۹۸۹ .

۱۷ـ محمد اسود عبدالرزاق، موسوعة العراق السیاسیه، الدرالعربیه للموسوعات، بیروت،، لبنان ۱۹۸٦ .

ج) منابع فارسی :

۱۸ـ اخوان زنجانی داریوش، "تحلیلی پیرامون ساختار سیاسی عراق" مجله دانشکده حقوق و علوم‌سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۲ ، تیرماه ۱۳۷۴ .

۱۹ـ امیری مجتبی، "ایران و آمریکاک نگاهی دیگر" اطلاعات سیاسی، اقتصادی شماره ۹۶–۹۵ ، تهران ۱۳۷۴ .

۲۰ـ بولتن وزارت امور خارجه ـ خردادماه ۱۳۷۴ .

۲۱ـ بولتن وزارت امور خارجه ـ دفتر حفاظت منابع ج.ا.ا در واشنگتن ـ اسفند ۱۳۷۳ .

۲۲ـ پارسادوست، منوچهر، نقش عراق در شروع جنگ، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۶۹ .

۲۳ـ جعفری ولدانی اصغر، بررسی تاریخ اختلافات مرزی ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران، ۱۳۷۰ .

۲۴ـ خبرگزاری فرانسه (۷۵/۵/۱۶) ، تلکس خبری.

۲۵ـ خبرگزاری رسمی آلمان (D.P.I) (۷۵/۵/۲۰)، تلکس خبری.

۲۶ـ خبرگزاری جمهوری اسلامی، تلکس‌های خبری.

۲۷ـ روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۸۷۰ (۷۵/۱/۱۴).

۲۸ـ روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۸۷۳ (۷۵/۱/۱۸).

۲۹ـ روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۹۰۲ (۷۵/۲/۲۳).

۳۰ـ روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۹۶۵ (۷۵/۵/۱۶).

۳۱ـ روزنامه کیهان (۱۳۵۲/۱۲/۱۲).

۳۲ـ روزنامه آیندگان (۱۳۵۳/۸/۱۳).

۳۳ـ روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۸۲۰ ، مورخ ۷۴/۱۱/۱ .

۳۴- سلطانشاهی علیرضا، "نگاهی دوباره به استراتژی مهاردوگانه"، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ اسفند ۱۳۷۴.
۳۵- مارتین ایندیک، "چشم‌اندازهای جدید در مورد ایران"، روزنامه اطلاعات، ترجمه مجتبی امیری، شماره ۲۱۷۵۱۰ - ۱۳۷۸/۷/۲۶، ص ۱۲.
۳۶- فوبلیکوف، د.ر.و گروه نویسیندگان آکادمی علوم شوروی، تاریخ معاصر کشورهای عربی.
۳۷- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۶۰ (۱۹۹۰)
۳۸- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۶۲ (۱۹۹۰)
۳۹- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۶۴ (۱۹۹۰)
۴۰- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۶۵ (۱۹۹۰)
۴۱- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۶۶ (۱۹۹۰)
۴۲- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۶۷ (۱۹۹۰)
۴۳- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۷۰ (۱۹۹۰)
۴۴- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۷۴ (۱۹۹۰)
۴۵- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۷۷ (۱۹۹۰)
۴۶- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۷۸ (۱۹۹۰)
۴۷- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۸۶ (۱۹۹۰)
۴۸- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۸۷ (۱۹۹۰)
۴۹- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۸۸ (۱۹۹۰)
۵۰- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۸۹ (۱۹۹۰)
۵۱- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۶۹۲ (۱۹۹۰)
۵۲- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۷۰۰ (۱۹۹۰)
۵۳- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۷۰۵ (۱۹۹۰)
۵۴- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۷۰۶ (۱۹۹۰)
۵۵- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد - شماره ۷۰۷ (۱۹۹۰)
۵۶- مجله راهبر (بدون ذکر نام نویسنده)، "دستورالعمل اجرایی کلینتون، مهار ایران" مرکز مطالعات استراتژیک، شماره ۶، بهار ۷۴، ص ۱۸-۱۴.

۵۷ـ مقتدر هوشنگ، تحولات سازمان ملل متحد، چاپ دوم، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۷ .

۵۸ـ مقتدر هوشنگ، "امنیت دستجمعی در تئوری و عمل "مجله سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، شماره اول ۱۳۷۱ .

۵۹ـ ولایتی علی‌اکبر، دستاوردها چگونه پایدار می‌ماند، روزنامه ایران، شماره ۴۳۳ ، (۷۵/۵/۱۰)

The U.S. Policy towards Iran and Iraq stems from the fact that the majority of American Strategists considere the present policies of there two countries contradictory to the interest of the U.S. and Israel.

From the American Perspective, the objective of this policy is to fight against the expansionist goals and ideas of these two countries. Clinton Administration acuses the two countries of supporting terrorism and violating the human rights. But, concerning Iraq, because of its blatent invasion to Kuwait, lack of adherence to the U.N. Resolutions and .., it enjoyer well-docunented reasons. In this book, we try to find out the impalts of this policy on Iran and Iraq.

The book consists of an introduction, 6 chopters and one conclusion.

In the first chapter, the principles of "Dual Containment" has been reviwed by its main designers. In the second chapter, giving a breif history of Iraq and the background of the U.S. relations with baath party of Iraq, the ways for the exertion of this policy on Iraq is considered.

The third chapter considers this policy against Iran from theoretican and practican perpectives. It also deals with the Damato Act. The forth chapter reflects the divect viewpoints of the designers of this policy. In the fifth chapter the policy is considered from the eyes of the U.S. plitical and security officials.

The final chapter and conclusion evaluate the challenges of Dual containment policy. The Appendicen include the chronology of the Iraqi state from the early days of formation to the year 2000 as well as the U.N security conancil Resolutions concenning Iraq.

and economic embargoes and convincing western countries to internationally sanction Iran moves in this direction.

Dual containment of Iran and Iraq as a comprehensive strategic doctorine for the Middle East is the achivement of the National security council of Clinton Administration which was first raised by the White House undersecretary for Middle East, Dr. Martin Indyke on 18th of May 1993 (72/2/28) in Washington Near East policy Institute (Jewish lobby Agency), fine months after president Clinton took office. Anthony Lake, president's National serority Adviser called that a feasible policy after, Clawson ellaborated on in principles and objectives. This phase strated with the publication of an article by Anthony Lake in March-April 1994 edition of "Foreign policy Magazine". In an article entitled" Unlashed states" he described the policy of Dual containment, repeating Waht Martin Indyke had earlier said. Publication of this article meant that "Dual Containment" goiny thorugh first phase had entered a new phase of general debate by foreign policy elite.

After almost one year, this policy was endorsed by the specech of Bill Clinton in "Jewish World Congrens". Clinton in his speech in addition to the sanctions against Iraq, reiterated the need for economic and trade sanctions against Iran and called on his Western allies to join the sanctions.

Besides Martin Indyke, Clawson and Anthony Lake, others such as James Woolly, CIA director and William Perry defence Secretary each described the said policy in a different way.

The U.S. Strategy of regional stability relaying on Iran desolves with the collapse of shah's regime. Then, the Iraqi regime tried to play the role of regional gendarme But, the Iraqi invasion to Kuwait in 1990 disappointed the U.S. As a result, Washington resorted to "Dual Containment" Policy.

Summary

"Dual Containment" is a policy designed to confront Iran and Iraq. In case of Iran, it was formed during the presidency of Jimmy Carter. To safeguard the Middle East oil reserves and to stop the expansion of the Islamic Revolution of Iran, Carter established "The Rapid Reaction forces". For nearly two decades. American by exerting different sanction and by emplaying various political, millitary and economic levers tried to contain and eventually topple the Islamic government of Iran.

Concurrent with the Iraqi invasion to Kuwait and Allied operations let by the U.S. against Iraq, Baghdad govrnment was portrayed as an extrimist regime opposing the interests and objectives of the U.S in the persian Gulf region. The clashing interests of the U.S and Iraq, on one hand, and the expansion of the Islamic revolution and ideology, on the other hand, caused deep concern, of political circles and international community, especially the U.S. and Israel. The Iraqi missile attacks on Israel in the second persian Gulf war created a wave of terror it Tel aviv and Washington. That is why the major efforts fo designing of "Dual Containment" Strategy took place in Washington Jewish lobby Agency. These effors were welcomed in the U.S. national security council and raised in the Capitol Hill. The strategy of "Dual Cantainment" is based on exertion of sanctions. Its designers maintain that the modality of exerting sanctions on Iran and Iraq depends on the special situation prevailing in the two countries. From the early days of the second Persian Gulf war the Security Council Resolutions have been the only legitimate reasons for the exertion and ontinuation of the sanctions against Iraq. On sanctioning Iran, There is not an international consensuse and America is the only country that through poisionus propaganda, diplomatic